



نویسندگان:

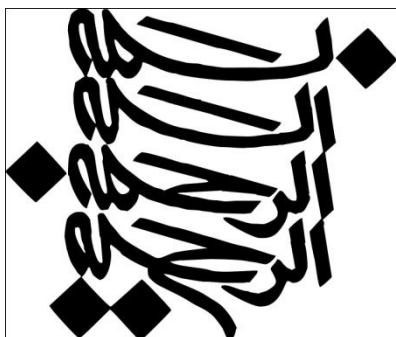
دوريس بولرنيدربرگر، هريت استراندل، رژين سيروتا، جو موران اليس،
لوسيا رابلو دكاسترو، كلاديو بارالدي، اتل كازمينسكي، رابرت ون كريك،
هنگا تساير، اليزابت استانچيولسكو، لورتا باس، رينكه فان دالن

مترجمان:

مژده باي، يگانه خويي، فاطمه همدانيان، سبا محقق، محمدرضا اقبالي،
عاطفه اوليايي، طاهي احمدی، امين اصانلو، الهه سروش، حسام حسين زاده

ويراستار فارسي:
حسام حسين زاده

ويراستار انگليسي:
دوريس بولرنيدربرگر



تک نگاری جامعه شناسی کودکی

مجموعه مقالات

نویسندگان:

دوريس بولر نيدربرگر، هريت استرانلد، رژين سيروتا، جو موران اليس، لوسيا رابلو
دکاسترو، کلادیو بارالدی، اتل کازمینسکی، رابرت ون کریکن، هلگا تسایر، الیزابت
استانچولسکو، لورتا باس، رینکه فان دالن

مترجمان:

مژده بای، یگانه خویی، فاطمه همدانیان، سبا محقق، محمدرضا اقبالی، عاطفه اولیایی،
طاها احمدی، امین اصانلو، الهه سروش، حسام حسین زاده

ویراستار انگلیسی: دوريس بولر نيدربرگر

ویراستار فارسی: حسام حسین زاده



This is a Persian translation of

Childhood Sociology: Articles Collection

By Doris Bühler-Niederberger et al.
Current Sociology, Vol 58(2), 2010

Translated by The Group of Translators
Rahaayi Online Publishing, Tehran, 2016

بولرنیدربرگر، دوریس و همکاران (۱۳۹۵) **تک‌نگاری جامعه‌شناسی کودکی**، ترجمه گروهی، تهران: نشر اینترنتی رهایی

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نشر اینترنتی رهایی به آدرس زیر مراجعه کنید:

www.rahaayi.com/publication/

فهرست

- ۹ مقدمه: جامعه‌شناسی کودک کی - تعریف وضعیت معاصر و تأملاتی
اطمینان بخش
- ۲۵ از ساخت - کنش تا سیاست کودک کی: پژوهش جامعه‌شناختی
کودکی در فنلاند
- ۵۹ تأملاتی بر جامعه‌شناسی کودک کی در انگلستان
- ۹۱ شیوه‌های مرئی‌سازی مسائل کودکان در برزیل: تحلیلی از
مشارکت علوم اجتماعی در این امر
- ۱۲۵ کودک کی در جامعه‌شناسی و جامعه استرالیا
- ۱۵۵ جامعه‌شناسی کودک کی فرانسوی: موضوعی غیرمعمول و خرد، یا
عرصه‌ای تعریف شده؟
- ۱۹۱ شهروندی‌های کودکان: ظرفیت‌ها و تنگناهای جامعه‌شناسی کودک کی
در ایتالیا
- ۲۲۱ کودک کی در جامعه‌شناسی و جامعه آلمان
- ۲۴۹ کودکان و کودک کی در جامعه و پژوهش اجتماعی رومانی:
تمایلات ایدئولوژیک و بازاری و برخی نکات قابل توجه
- ۲۸۹ کودک کی در جامعه‌شناسی و جامعه: چشم‌انداز ایالات متحده
- ۳۱۷ کودکان و کودک کی در جامعه و جامعه‌شناسی هلند
- ۳۴۷ جامعه‌شناسی کودک کی در ده کشور: نتایج کنونی و مسیرهای آینده

مقدمه

جامعه‌شناسی کودکی - تعریف وضعیت معاصر و تأملاتی اطمینان‌بخش

دوریس بولر‌نیدربرگر^۱، ترجمه حسام حسین‌زاده

چکیده

این مقاله به تشریح رویکردهای اساسی مقالات این تک‌نگاری می‌پردازد. جامعه‌شناسی کودکی هنوز شاخه‌ای جوان از این رشته است، چراکه «کنشگران کوچک» برای مدتی طولانی توسط جامعه‌شناسان نادیده گرفته شده‌اند. مسئله اصلی که به عنوان علاقه‌ای جامعه‌شناسانه دیده می‌شد دربارهٔ دگرگونی «وحشی‌های کوچک» به کنشگران اجتماعی متمدن و قابل اعتماد، به کنشگران بزرگسال، و اصطلاحاً جامعه‌پذیری بود. در مقابل، نگاه جامعه‌شناسانهٔ نوین به کودکان مروج مطالعهٔ مسائل متنوع کودکان است، پرداختن به مسائلی که بواسطهٔ تمرکز بر جامعه‌پذیری نادیده گرفته، طرد شده، به حاشیه رانده شده یا نامشروع دانسته شده‌اند. برخی نقاط عزیمت مهم و مفاهیم مرکزی جامعه‌شناسی کودکی «نوین» - همانطور که اغلب توسط طرفدارانش شناخته می‌شود - تشریح شده‌اند. نیاز است رشد و توسعهٔ این عرصهٔ جامعه‌شناختی در کشورهای مختلف در مقابل زمینهٔ مفروضات روزمره و مسائل اجتماعی جوامع مربوطه به مقایسه گذاشته و اندیشیده شود تا منجر به تولید

^۱ دوریس بولر‌نیدربرگر (Doris Bühler-Niederberger)، دانشگاه ووپرتال (University of Wuppertal)

دانش جامعه‌شناسانه مرتبط شود - این به منزله رویکرد برنامه‌ریزی شده مقالاتی است که اینجا گردآوری شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: کودک به مثابه کنشگر، نظم نسلی، مقایسه بین‌المللی، جامعه‌شناسی کودکی

جامعه‌شناسی کودکی هنوز شاخه‌ای نسبتاً جوان از جامعه‌شناسی است. وضعیت کنونی جامعه‌شناسی کودکی، که این تک‌نگاری ژورنال جامعه‌شناسی کنونی^۱ به آن می‌پردازد، نشان می‌دهد که به هر حال به طرق مختلف بسیار موفق بوده است: در تعریف دیدگاه نظری نوین دربارهٔ کودکان و کودکی، در برانگیختن پژوهش تجربی غنی و چندوجهی، در ترویج پیشرفت‌های روش‌شناختی و در اثرگذاری بر نگاه و استراتژی‌های حرفه‌های کاربردی، همچون سیاست‌گذاری اجتماعی و دیگر رشته‌ها نسبت به کودکان. اما باید اعتراف کرد، به توفیقات کمی در نظریهٔ جامعه‌شناختی یا تحلیل ساختاری اجتماعی کلی دست یافته است. این حوزه‌های هسته‌ای جامعه‌شناسی تمایل دارند که کودکان را به مثابه کنشگران اجتماعی و یک طبقهٔ اجتماعی متمایز نادیده بگیرند، و ظهور جامعه‌شناسی کودکی به عنوان گرایشی جامعه‌شناختی چندان این تمایل را تغییر نداده است. شاید نسبت به دهه‌های گذشته وضع بهتر شده باشد، اما با این حال هنوز هم کنشگران «کوچک» کنشگر نیستند - و بسیاری جامعه‌شناسان مایلند که به این شیوه رفتار کنند، جامعه‌شناسانی که دوست دارند «همه‌چیز بزرگ باشد - رویدادها و ایده‌ها» (هیوز^۲، ۱۹۸۴: ۴۹۷). در میان جامعه‌شناسان امروزی معتقدند که قضیهٔ معروف توماس، «اگر مردان شرایط را واقعی شرح دهند، در

¹ Current Sociology

² Hughes

پیامدهای آن نیز راستین هستند» (توماس و توماس^۱، ۱۹۲۸: ۵۲۷)، در ضمیمه روش‌شناختی کتابی دربارهٔ کودکان ناسازگار نوشته شده است؟ یا اینکه در واقع درخواستی برای درک دیدگاه هر مشارکت‌کننده‌ای است، و به همین ترتیب نیز صدای کودکان، به منظور بر ساخت فرایند انحراف کودکان که منجر به حضورشان در نهادهای جامعه‌زدا می‌شود؟ هر جامعه‌شناس جدی‌ای نشان می‌دهد که چنین بینش‌های جامعه‌شناسانهٔ مهمی از مطالعهٔ موضوعاتی با «اهمیت» تر نسبت به کودکی حاصل شده است.

البته، جامعه‌شناسی هرگز کودکان را کاملاً نادیده نگرفته است — اما تقریباً به طور کامل. در دههٔ ۱۹۸۰، امبرت^۲ (۱۹۸۶) نشان داد که درصد مقالات مرتبط با کودکان در مجلات جامعه‌شناسی مشهور حداقل بود. علاوه بر این، او دریافت سنت استواری وجود دارد که بواسطهٔ آن جامعه‌شناسان بزرگ هرگز ذکری از کودکان به میان نمی‌آورند — به استثنای کسانی مثل دورکیم^۳ و پارسونز^۴ که در مورد جامعه‌پذیری نوشته‌اند. در برخی کشورها، این تصویر تا همین اواخر بدون تغییر باقی مانده است. نیازی به گفتن نیست، جامعه‌شناسان همیشه فکر می‌کردند که به کودکان نیز می‌پردازند، اما این در وهلهٔ اول تنها از طریق پژوهش و گفتمان علمی دربارهٔ خانواده‌ها و آموزش بود. کودکان واقعاً چه می‌کردند، آرزوها و دیدگاه‌هایشان چه بود، سهمشان در توزیع منابع اقتصادی (در جامعه و خانواده) چه بود، درگیر چه نوع تعاملاتی بودند و چه سهمی در روابط اجتماعی داشتند، همهٔ این پرسش‌ها تا همین چند سال قبل علاقهٔ کمی را به خود جلب می‌کرد. پرسش اصلی که یک علاقهٔ واقعی جامعه‌شناسانه در

¹ Thomas and Thomas

² Ambert

³ Durkheim

⁴ Parsons

نظر گرفته می‌شد دگرگونی «وحشی‌های کوچک» و «بدوی‌ها» (دورکیم، ۱۹۳۸)، از «توحش بربری» (پارسونز، ۱۹۵۱: ۲۰۸)، از «کودکی [که] چیزی در یک زمان و چیزی در زمان دیگر است» (مید^۱، ۱۹۳۴: ۱۵۹) به کنشگران اجتماعی متمدن و قابل اعتماد، به کنشگران بزرگسال بود – به طور خلاصه جامعه‌پذیری کودکان به دور از طبیعت و به سوی فرهنگ. در مقابل، دیدگاه جامعه‌شناسانه نوین نسبت به کودکان که اکنون عرصه را در دست گرفته مطالعات بر مسائل متنوع کودکان را ترویج می‌دهد، پرداختن به پرسش‌هایی که بواسطه تمرکز بر جامعه‌پذیری نادیده گرفته، طرد شده، به حاشیه رانده شده یا نامشروع دانسته شده‌اند. در مقدمه‌ای که اخیراً برای مجموعه‌ای از مقالات نوشته شد، نشان داده می‌شود که جامعه‌شناسی کودکی هنوز «یک کودک» است، اما کودکی که در حال حاضر می‌تواند درس‌هایی به مادرش، جامعه‌شناسی آموزش بدهد (پتیت^۲، ۲۰۰۶).

قصد اصلی این تک‌نگاری مجله جامعه‌شناسی کنونی این است وضعیت معاصر جامعه‌شناسی کودکی را نشان دهد. هر یک از مقالات پیش رو نه تنها درباره توسعه مباحث پژوهشی و نظری گزارش می‌دهند، بلکه درباره وجود انجمن‌های علمی، نشریات مهم، مجموعه کتاب‌ها و مجلات و دوره‌های آموزشی و برنامه‌های مطالعاتی در کشوری خاص یا منطقه‌ای زبانی نیز گزارش می‌دهند. در نگاه اول، به نظر می‌رسد منطق سطح تحلیل ملی چنین جنبه‌هایی از جامعه‌شناسی کودکی ریشه در خارج از علم دارد و حتی متضاد با اصول اساسی آن است. البته، علم به نوبه خود مدعی است که هیچ مرز ملی یا زبانی‌ای ندارد، و حتی اگر علی‌رغم نیات علمی ما وجود چنین مرزهایی وجود داشته باشند، نباید تقویت شوند. با این حال، همانطور که گفته شد،

¹ Mead

² Petitat

سطح تحلیل ملی را انتخاب کردیم تا بررسی کنیم که آیا، و چگونه، تأثیرات اجتماعی از نظر تولید و توزیع مفاهیم و پارادایم‌های علمی در جامعه‌شناسی کودکی چه نقشی ایفا می‌کنند. هدف ما بازسازی و توسعه پژوهش جامعه‌شناسانه دربارهٔ کودکان و پیوند داخلی با موقعیت و معنایی است که به کودکان و کودکی در جوامع مربوطه داده شده است. بنابراین، گزارش‌های این تک‌نگاری حاوی اطلاعات مفیدی دربارهٔ مباحث واقعی عمومی و سیاسی در کشورهای مختلف و شامل داده‌هایی دربارهٔ جایگاه عمومی کودکان در جامعه است، که چنین اطلاعاتی را به گفتمان‌های علمی مرتبط می‌سازد؛ به پرسش‌هایی که جامعه‌شناسان دربارهٔ کودکان و کودکی می‌پرسند یا نمی‌پرسند، به اهمیتی که آن‌ها به کودکی به مثابهٔ زمینهٔ پژوهشی و تشدید این مسائل در جامعه‌شناسی و جامعه می‌دهند. بدین ترتیب، مقایسهٔ کشورهای مختلف به ما اجازه می‌دهد رابطهٔ میان پژوهش جامعه‌شناسانه و مفروضات و شرایط اجتماعی دربارهٔ کودکان را در زمینه‌های متنوعی مطالعه کنیم. گزارش‌هایی که در این کتاب گردآوری شده‌اند از مجموعه‌ای ناهمگن از کشورها هستند: استرالیا، برزیل، فنلاند، فرانسه، ایتالیا، آلمان، هلند، رومانی، انگلستان، و ایالات متحده. انتخاب این کشورها تنها بر اساس برخی تداوم‌ها در حضور جامعه‌شناسی کودکی در کشوری خاص نبود، بلکه بر اساس میل به توانایی تأمل بر این امر جامعه‌شناسانه در طیف گسترده‌ای از کشورها بود. این رویکرد تنوع گسترده‌ای که در چگونگی ظهور و توسعهٔ جامعه‌شناسی‌های کودکی وجود دارد، و فرایندهایی که منجر به آن شده است را نشان می‌دهد. با این وجود تأسف برانگیز است که با توجه به معیار تداوم نسبی پژوهش جامعه‌شناسانهٔ کودکی، برتری کشورهای غربی در گزینش ما به چشم می‌خورد؛ چراکه مطالعهٔ کشورهای افریقایی و آسیایی ممکن است بینش‌های ارزشمندی در

زمینه تحولات محلی دیدگاه‌های هژمونیک جهانی نسبت به کودکی بدهد (بولریندربرگر و ون کریکن^۱، ۲۰۰۸).

به ناچار، ادعای جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکان و کودکی به مثابهٔ حوزهٔ تحقیقاتی با مانعی تکراری روبرو می‌شود: رفتار کودکان، توانایی‌های کودکان، نیازهای کودکان و مشکلات کودکان عمدتاً بخشی از «ماهیت» جهان‌شمول کودکان محسوب می‌شود. رشته‌هایی که با موفقیت مدعی توضیح جهان‌شمولیت‌ها در توسعهٔ انسانی و نوع بشر شده‌اند مایل به تسلط بر کودکی و کودکان به مثابهٔ زمینهٔ مطالعاتی هستند. این شامل روان‌شناسی، پداگوژی و، به طور فزاینده، علوم اعصاب می‌شود. دانشی که آنان تولید می‌کنند مداوماً به فرضیات و اعمال اجتماعی مربوط به کودکان و «کودکی مناسب» بافته شده است. بدین ترتیب دانش «حس مشترک» دربارهٔ کودکان شکل یافته و تغییر شکل داده است، که تأثیر اخلاقی بالایی، حداقل در طبقات متوسط جوامع مدرن غربی دارد. به طرز حیرت‌انگیزی، این فرض «ماهیت» جهان‌شمول کودکان نه توسط تغییرات مداوم دیدگاه‌های علوم پیشرو و نه بواسطهٔ مشاوره‌های متناقضی که اغلب به والدین می‌دهند، متزلزل نشده است (بادینتر^۲، ۱۹۸۱؛ باکر^۳، ۲۰۰۱؛ هاردیمنت^۴، ۱۹۸۳؛ شوترز^۵، ۱۹۹۱). علاوه بر این، تنها اندکی بواسطهٔ یافته‌های تحقیقات تطبیقی تاریخی و فرهنگی تضعیف شده است، یافته‌هایی که به وضوح نشان داد مفاهیم کودکان و کودکی، و همچنین زندگی کودکان واقعی و مادیات کودکی‌های واقعی، به طور قابل توجهی در طول زمان و فضا تغییر می‌کند (ن.ک. آریس^۶، ۱۹۶۰؛ هاوز^۷ و هینر^۸).

^۱ van Krieken

^۲ Badinter

^۳ Baker

^۴ Hardyment

^۵ Schütze

^۶ Ariès

^۷ Hawes

^۸ Hiner

۱۹۹۱؛ کنیبلر^۱، ۲۰۰۲؛ سامرویل^۲، ۱۹۹۰). اگرچه چنین نسبی‌شدنی باید نیاز به رویکردهای جامعه‌شناسانه را برانگیخته باشد، به نظر می‌رسد رویدادهای دیگری جامعه‌شناسی را برانگیخته است؛ برای مثال، گزارش‌های این کتاب نشان می‌دهند که فردی‌شدن زندگی خصوصی انگیزه‌ای برجسته برای افزایش علاقه جامعه‌شناسانه به کودکان بود. یکی از مهم‌ترین عناصر کودکی نهادینه‌شده و دانش حس مشترک این است که منجر به حذف محافظه‌کارانه کودکان از زندگی عمومی، و در نتیجه از آنچه می‌شود که جامعه «بزرگسالان» است. این بودن «خارج از جامعه» به معنای بودن «خارج از جامعه‌شناسی» است، که منجر به مسائل جامعه‌شناسانه اندکی شده که درباره چنین گروه‌پردوده‌ای طرح شده است، به غیر از یکی در مورد آمادگی کافی کودکان برای مشارکت آینده در جهان: مسئله جامعه‌پذیری – همانطور که قبلاً ذکر شد – و پرسش‌های مکمل در مورد شرایط اجتماعی‌ای که ممکن است «کودکی مناسب»، و بنابراین، آمادگی کافی برای آینده را به خطر اندازد. فردی‌شدن زندگی خصوصی – و این به معنای جابجایی هنجاری از تمرکز بر اجتماعات به تمرکز بر اعضای فردی است – و پدیده بسیار عینی‌ای مانند نرخ فزاینده طلاق و افزایش مشارکت نیروی کار مادران همراه با نیاز فزاینده برای مراقبت نهادی از کودک، کودکان را دوباره بیشتر مرئی ساخت؛ این دوباره آنان را به میدان دید جامعه بازگرداند. نرخ رشد فقر به خصوص روی کودکان، و فرسایش مفهوم و واقعیت «کودکی عادی» در حاشیه‌های جامعه تأثیر می‌گذارد، که به این افزایش پدیداری اضافه شده است.

در همین حال، نقطه عزیمت جامعه‌شناسی کودکی اصطلاحاً «نوین» – همانطور که اغلب توسط طرفدارانش شناخته می‌شود – درگیری برای فاصله گرفتن از چنین مفاهیم

¹ Knibiehler

² Sommerville

روزمراهی از کودکان و کودکی است، هرچند که آنان نیز با مفاهیم علمی ماهیت کودکان درآمیخته‌اند، و این هنوز هم نقطهٔ ارجاع مهمی است، به هر حال از لحاظ نظری و روش‌شناختی مطالعات جامعه‌شناسانهٔ کودکی را به طرق دیگر متنوع ساخته‌اند.

جامعه‌شناسی کودکی به عنوان امری جامعه‌شناسانه از مفاهیم عامیانهٔ کودکان و کودکی پا پس کشید و فضایی برای پرسش‌ها و تحلیل‌های جدید گشود. بواسطهٔ دوتا از مهم‌ترین مفاهیم نظری چنین فاصله‌ای گرفت: کودک به مثابهٔ کنشگر و نظم نسلی. هر دو مفهوم مفروضات عموماً پذیرفته‌شده دربارهٔ کودکان و کودکی را به پرسش می‌کشند. دیدگاه رایج کودکان را تنها به عنوان «کنشگر شوندگان» درک می‌کند، که شامل فرایندی طولانی از جامعه‌پذیری است، چیزی که «تولد دوم» خوانده شده و ارگانیسمی صرف را به کنشگر انسانی بدل می‌کند (هندل^۱، ۱۹۸۸)، چیزی که به وضوح در صورت‌بندی‌های تقلیل‌گرایانه دربارهٔ کودکان در کار جامعه‌شناسان کلاسیک دیده می‌شود. در مقابل، مفهوم کودک به مثابهٔ کنشگر اجتماعی دلالت بر چرخشی از آینده به حال دارد، از یادگیری و آماده‌سازی کودکان برای زندگی بزرگسالی به کنش‌های متقابل جاری در جهان‌های روزمره در اینجا و اکنون. مفهوم کودک به مثابهٔ کنشگر اجتماعی بر شایستگی و دانش کودکان در چنین کنش‌های متقابلی تأکید دارد. روش مردم‌نگاران و هواداران کنش متقابل نمادین اولین کسانی بودند که نشان دادند، در تحلیل ذره‌بینی از فرایندهای کنش متقابل همراه و در میان کودکان، کودکان در واقع با درکی غنی و ظریف از نظم اجتماعی کار می‌کردند. کنش‌های متقابل اجتماعی، که پیش از این صرفاً به عنوان فرایندهای جامعه‌پذیری و بنابراین به مثابهٔ فرایندهایی فهم می‌شد که در آن‌ها موجودات پیشاجتماعی رفتار

¹ Handel

اجتماعی را می‌آموختند، در حال حاضر می‌تواند به عنوان شرایطی دیده شود که تنها بواسطه این صلاحیت تعاملاتی ممکن است، صلاحیتی که حتی کودکان خیلی کوچک می‌توانند عملی سازند. این «پارادوکس جامعه‌پذیری» خوانده شده بود، که در آن جامعه‌پذیری تلاشی است که تنها در صورتی می‌تواند کار کند که همه مشارکت‌کنندگان کنشگران اجتماعی توانایی باشند (دنزین^۱، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷؛ ماکای^۲، ۱۹۷۴؛ مهان^۳، ۱۹۷۴؛ پین^۴، ۱۹۷۶؛ ساکس^۵، ۱۹۷۴؛ اسپیر^۶، ۱۹۷۶؛ ویکسلر^۷، ۱۹۸۶). مطالعات مختلفی روی کنش متقابل هم‌سالان و کنش متقابل کودکان و بزرگسالان در نهادهای جامعه‌پذیری گوناگون انجام شده است، و کنش‌های متقابل هم‌سالان هنوز هم موضوعی مهم در پژوهش کودکی را تشکیل می‌دهد (برای مثال، ن.ک.^۸، چن^۸ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کورسارو^۹، ۲۰۰۳؛ همچنین بسیاری دیگر که در مقالات پیش‌رو ذکر شده‌اند). به طریقی و پیش از ظهور جامعه‌شناسی کودکی مناسب، دیدگاه علمی نسبت به کودک به مثابه کنشگر در کارهای مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان فرهنگی نیز ارائه شده بود، کسانی که نسبت به بازی‌ها، اشعار، و آداب و رسوم کودکان و گذار آنان از نسلی به نسل دیگر بینش‌هایی کسب کرده بودند. آنان به کودکان نشان دادند که کنشگران اجتماعی قادر به کنش مؤثر، و تعمیر و انتقال فرهنگ مناسب خود باشند، که تا حدی از چشمان بزرگسالان پنهان است و به سرعت

¹ Denzin

² Mackay

³ Mehan

⁴ Payne

⁵ Sacks

⁶ Speier

⁷ Waksler

⁸ Chen

⁹ Corsaro

توسط جوانان فراموش می‌شود، اما همان هم نسل‌های بسیاری از کودکان را قوی و مقاوم می‌کند (ن.ک. اوپی و اوپی^۱، ۱۹۵۹، ۱۹۶۹).

دیگر مفهوم مهم جامعه‌شناسی کودکی، مفهوم نظم نسلی، به منزله گسستی از نمای پیشین از روابط کودک-بزرگسال است. این مفهوم چنین روابطی را به مثابه آرایشی اجتماعی میان دو دسته‌بندی نسلی درک می‌کند، بزرگسالان و کودکان، با حقوق و وظایفی که توسط جوامع مربوطه به این دسته‌ها نسبت داده شده است - و این آرایش را به عنوان عنصری از ساختار اجتماعی تحلیل می‌کند که شدیداً محدود به دیگر توزیعات (نابرابر) منابع اجتماعی بواسطه طبقه، جنسیت، نژاد و گروه‌های فرهنگی است (آلانن^۲، ۱۹۹۴؛ آلانن و مایال^۳، ۲۰۰۱؛ بولریندربرگر^۴، ۲۰۰۵؛ کورتروپ^۴، ۱۹۸۷، ۱۹۹۵؛ کورتروپ و همکاران، ۱۹۹۴؛ تسایر^۵، ۱۹۹۵). برای مثال در نمای پیشین، آنطور که توسط نظریات و تحقیقات جامعه‌پذیری بسط یافته بود، چنین روابطی بواسطه الزامات جامعه‌پذیری به عنوان نیازهای کارکردی تعریف شده بود و در نتیجه به شیوه‌ای که سازمان یافته بودند اجتناب‌ناپذیر و ضروری بودند (پارسونز و میلز^۶، ۱۹۵۵). به عبارت دیگر، درک خود ماهیت انسان و ضرورت انطباق آن با جامعه چارچوب بنیادین این روابط را تعریف می‌کرد - علاوه بر این، این دستورالعمل‌ها به راحتی نزدیک به ارزش‌های طبقه متوسط مدرن بودند. در همین حال، در نگاه جامعه‌ای که از نظر نسلی نظم یافته، روابط بزرگسالان و کودکان به عنوان برساختی اجتماعی دیده می‌شود، که به طور مداوم کار می‌کند (جیمز^۷ و پروت^۸، ۱۹۹۰).

¹ Opie and Opie

² Alanen

³ Mayall

⁴ Qvortrup

⁵ Zeiher

⁶ Bales

⁷ James

⁸ Prout

در حالیکه جامعه‌شناسی کودک «نوین» از مفاهیم معمول و روزمرهٔ کودکان و کودکی عقب می‌کشد، فاصلهٔ روشنی را نیز با نظریهٔ جامعه‌پذیری ایجاد می‌کند. در نتیجه، نظریهٔ جامعه‌پذیری برای بزرگسال‌محوری در غفلتش از «کشگری» کودکان؛ برای غیرتاریخی بودن در عمومیت‌بخشیدن به چیزی خاص، آرایش برساختهٔ اجتماعی کودک؛ و برای کوربودن نسبت به نابرابری‌ها و منافع خاص دخیل در این آرایش به نقد کشیده شد (آلان، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹).

فاصله‌گیری از مفاهیم تضمین‌شدهٔ کودکان و کودکی – که شاید آنان را «نظریات عامیانه» بخوانیم (ویدر^۱ و تسیمرمان^۲، ۱۹۷۶) – برای شکل‌گیری جامعه‌شناسی کودک ضروری بوده است، مثلاً برای تحلیلی جامعه‌شناسانه از کودکی که از مسائل ناگزیراً محدودی که غالب‌شده فراتر می‌رود. خوانندگان این کتاب ممکن است ممکن است از خودشان پرسند که آیا پرسش‌های مهمی که این فاصله طرحشان را ممکن ساخته کافی و به روز هستند، و اگر هستند کودکی می‌تواند با مشروعیت به عنوان یک زمینهٔ تحقیقاتی توجیه‌پذیر در جامعه‌شناسی ایجاد شود. موقعیت جامعه‌شناسانهٔ جدید کودکی همچنین به نوعی حمایت مشروعیت می‌بخشد که باعث افزایش امکانات برای «کشگری» کودکان و مشارکت بیشتر کودکان در تصمیم‌گیری‌های مهم در زندگی خصوصی و عمومی می‌شود. چنین حمایتی – چه صریحاً و چه پنهانی – بخشی از تعریف نقش است که توسط بسیاری از جامعه‌شناسان کودکی پذیرفته شده است. دادن صدا به اقلیتی اجتماعی نگرانی‌ای مشترک با جامعه‌شناسی فمینیست است، و مفهوم نظم نسلی به عنوان برساختی اجتماعی در قیاسی روشن با مفهوم نظم جنسیتی ابداع شده است (آلان، ۱۹۹۴؛ لئونارد^۳، ۱۹۹۰؛ مایال،

^۱ Wieder

^۲ Zimmermann

^۳ Leonard

۲۰۰۰، ۲۰۰۳). این گاه‌آممکن است منجر به این شود که کنشگری کودکان بیش از اینکه تحلیل شود لازم پنداشته شود و در نتیجه بر کیفیت و همچنین اعتبار تحقیق جامعه‌شناختی دوران کودکی تأثیر بگذارد (کینگ^۱، ۲۰۰۷؛ پروت، ۲۰۰۰). در هر صورت، این برای جامعه‌شناسان کودکی مهم است که از تداوم فاصله اصلی از تصورات عامیانه کودکان و کودکی - شامل تصورات و مفاهیمی که خودشان را ترویج یا حمایت می‌کند - اطمینان یابند و در نتیجه فعالیت پژوهشی و توسعه نظری‌شان مداوماً در تقابل با پس‌زمینه مفروضات اجتماعی انعکاس یابد و در راستای اطمینان از این استقلال عمل کند. مقایسات در فضا و زمان ابزاری ضروری برای شناخت چنین مفروضاتی، شناسایی نقاط کور و تبدیل تعهدات ناخواسته پذیرفته‌شده به جنبه‌های تضمین‌شده جهان روزمره است. آن‌ها برای جامعه‌شناسان کودکی حتی از پژوهشگران فمینیست هم مهم‌تر است، چراکه کودکان بخشی از جامعه علمی بزرگسالان نیستند - اگرچه ایده انجام تحقیق همراه و توسط کودکان گاه‌آمورد توجه است (ن.ک. فریزر^۲ و همکاران، ۲۰۰۴) - و بنابراین همیشه بواسطه دیگر گروه‌های اجتماعی تفسیر شده‌اند، که بازگشت به مفهوم عامیانه «کودک چه هست» و «کودک چه نیاز دارد» را محتمل می‌سازد که منجر به از دست دادن فاصله تحلیلی می‌شود.

درحالی‌که گزارشات در این شماره از جامعه‌شناسی کنونی توسعه پژوهش جامعه‌شناسانه دوران کودکی را در مقابل پس‌زمینه اجتماعی هر کشور و معانی و جایگاه اجتماعی‌ای بازسازی می‌کند که در آن محیط ملی به کودکان نسبت داده شده، در نتیجه‌گیری - که مقاله پایانی است - نتایج این گزارشات را کنار هم قرار می‌دهد که تلاشی برای تعیین نتیجه جامعه‌شناسی کودکی برای اکتشاف و تحلیل

¹ King

² Fraser

دوران کودکی است، تا بتوانیم درباب مسیرهای مطلوب آینده برای تحلیل جامعه‌شناختی کودکان و کودکی و شناسایی نقاط ضعف آن تأمل کنیم. نتیجه‌گیری همچنین تلاشی خواهد بود برای شناسایی بازخورد ممکن این زمینه تحقیقاتی برای تحلیل مستقیم جامعه و معنایی که به طور کلی تر برای جامعه‌شناسی دارد.

منابع

- Alanen, Leena (1988) 'Rethinking Childhood', *Acta Sociologica* 31(1): 53-67.
- Alanen, Leena (1989) 'Von kleinen und von großen Menschen. Plädoyer für eine Soziologie der Kindheit', *Das Argument* 173: 79-89.
- Alanen, Leena (1994) 'Gender and Generation: Feminism and the Child Question', in Jens Qvortrup, Marjatta Bardy, Giovanni Sgritta and Helmut Wintersberger (eds) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Alanen, Leena and Mayall, Berry (eds) (2001) *Conceptualizing Child-Adult Relations*. London: RoutledgeFalmer.
- Ambert, Anne-Marie (1986) 'Sociology of Sociology: The Place of Children in North American Sociology', *Sociological Studies of Child Development* 1(1): 11-31.
- Ariès, Philippe (1960) *L'Enfant et la vie familiale sous l'ancien régime*. Paris: Plon.
- Badinter, Elisabeth (1981) *L'Amour en plus: histoire de l'amour maternel (XVIIe-XXe siècle)*. Paris: Flammarion
- Baker, Bernadette M. (2001) *In Perpetual Motion: Theories of Power, Educational History, and the Child*. New York: Peter Lang.
- Bühler-Niederberger, Doris (2005) *Kindheit und die Ordnung der Verhältnisse. Von der gesellschaftlichen Macht der Unschuld und dem kreativen Individuum*. Weinheim: Juventa.
- Bühler-Niederberger, Doris and van Krieken, Robert (2008) 'Persisting Inequalities: Childhood between Global Influence and Local Practices', *Childhood* 15(2): 147-55.
- Chen, Xinyin, French, Doran C. and Schneider, Barry H. (eds) (2006) *Peer Relationships in Cultural Context*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Corsaro, William A. (2003) *We're Friends, Right? Inside Kids' Culture*. Washington, DC: Joseph Henry Press.
- Denzin, Norman K. (1971) 'Childhood as a Conversation of Gestures', in Peter Hamilton (ed.) *George Herbert Mead: Critical Assessments*, Vol. IV. London and New York: Routledge.
- Denzin, Norman K. (1977) *Childhood Socialization: Studies in the Development of Language, Social Behavior, and Identity*. San Francisco: Jossey Bass.
- Durkheim, Emile (1938) *L'Éducation morale*. Paris: F. Alcan.
- Fraser, Sandy, Lewis, Vicky, Ding, Sharon, Kellett, Mary and Robinson, Chris (2004) *Doing Research with Children and Young People*. London: Sage/Open University.
- Handel, Gerald (ed.) (1988) *Childhood Socialization*. New York: Aldine de Gruyter.
- Hardyment, Christina (1983) *Dream Babies: Child Care from Locke to Spock*. London: Jonathan Cape.
- Hawes, Joseph M. and Hiner, N. Ray (eds) (1991) *Children in Historical and Comparative Perspective: An International Handbook and Research Guide*. New York: Greenwood Press.
- Hughes, Everett C. (1984) *The Sociological Eye: Selected Papers of Everett C. Hughes*, ed. D. Riesman and H. S. Becker. New Brunswick, NJ and London: Transaction Books.
- James, Allison and Prout, Alan (1990) *Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood*. London: Falmer Press.
- King, Michael (2007) 'The Sociology of Childhood as Scientific Communication: Observations from a Social Systems Perspective', *Childhood* 14(2): 193-213.
- Knibiehler, Yvonne (2002) *L'Histoire des mères en Occident*. Paris: PUF.
- Leonard, Diana (1990) 'Entwicklungstendenzen der Soziologie der Kindheit in Großbritannien', in Peter Büchner, Heinz-Herrman Krüger and Lynne Chisholm (eds) *Kindheit und Jugend im internationalen Vergleich*. Opladen: Leske und Budrich.

- Mackay, Robert W. (1974) 'Conceptions of Children and Models of Socialization', in Roy Turner (ed.) *Ethnomethodology: Selected Readings*. Harmondsworth: Penguin.
- Mayall, Berry (2000) 'The Sociology of Childhood in Relation to Children's Rights', *The International Journal of Children's Rights* 8(3): 243–59.
- Mayall, Berry (2003) 'Generation and Gender: Childhood Studies and Feminism', in Berry Mayall and Helga Zeiher (eds) *Childhood in Generational Perspective*. London: University Press.
- Mead, George Herbert (1934) *Mind, Self and Society: From the Standpoint of a Social Behaviourist*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Mehan, Hugh (1974) 'Accomplishing Classroom Lessons', in Aaron V. Cicourel et al. (eds) *Language Use and School Performance*. New York, San Francisco and London: Academic Press.
- Opie, Iona and Opie, Peter (eds) (1959) *The Lore and Language of Schoolchildren*. Oxford: Oxford University Press.
- Opie, Iona and Opie, Peter (1969) *Children's Games in Street and Playground*. London: Oxford University Press.
- Parsons, Talcott (1951) *The Social System*, 4th edn. New York: Free Press.
- Parsons, Talcott and Bales, Robert F. (1955) *Family Socialization and Interaction Process*. New York: Free Press.
- Payne, George C. (1976) 'Making a Lesson Happen: An Ethnomethodological Analysis', in Martyn Hammersley and Peter Woods (eds) *The Process of Schooling*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Petitat, André (2006) 'Avant-propos', *Infanzia e società* 2(2–1; special issue): 11–13.
- Prout, Alan (2000) 'Children's Participation: Control and Self-Realisation in British Late Modernity', *Children and Society* 14(4): 304–15.
- Qvortrup, Jens (1987) 'Introduction to Sociology of Childhood', *International Journal of Sociology* 17(3): 3–37.
- Qvortrup, Jens (1995) 'From Useful to Useful: The Historical Continuity in Children's Constructive Participation', *Sociological*

Studies of Children (Special issue: 'Theory and Linkages between Theory and Research on Children/Childhood'): 49–76.

- Qvortrup, Jens, Bardy, Marjatta, Sgritta, Giovanni B. and Wintersberger, Helmut (eds) (1994) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Sacks, Harvey (1974) 'On the Analysability of Stories by Children', in Roy Turner (ed.) *Ethnomethodology: Selected Readings*. Harmondsworth: Penguin.
- Schütze, Yvonne (1991) *Die gute Mutter. Zur Geschichte des normativen Muster 'Mutterliebe'*, 2nd edn. Bielefeld: Kleine.
- Sommerville, Charles J. (1990) *The Rise and Fall of Childhood*. New York: Vintage Books.
- Speier, Matthew (1976) 'The Child as a Conversationalist', in Martyn Hammersle and Peter Woods (eds) *The Process of Schooling*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Thomas, Wiliam I. and Thomas, Dorothy S. (1928) *The Child in America*. New York: Knopf.
- Waksler, Frances C. (1986) 'Studying Children: Phenomenological Insights', *Human Studies* 9(1): 71–82.
- Wieder, D. Lawrence and Zimmermann, Don H. (1976) 'Regeln im Erklärungsprozess', in Elmar Weingarten, Fritz Sack and Jim Schenkein (eds) *Ethnomethodologie. Beiträge zu einer Soziologie des Alltagshandelns*. Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- Zeiher, Helga (1995) 'Die Entdeckung der Kindheit in der Soziologie', Vortrag auf dem 27. Kongreß der DGS in Halle, Plenum X, 'Bildungsprozesse, Kindheit, Jugend'.

از ساخت-کنش تا سیاست کودکی

پژوهش جامعه‌شناختی کودکی در فنلاند

هریت استراندل^۱، ترجمه فاطمه همدانیان و سبا محقق

چکیده

این مقاله به طرح پیشرفت‌های مهم در فنلاند در رابطه با جامعه‌شناسی کودکی از دهه ۱۹۸۰ تا دوره معاصر می‌پردازد. مرحله اولیه تحت تاثیر شناخت قوم‌نگارانه و تاریخی از کودکی بوده و با تلقی کودکان به مثابه کنشگران اجتماعی و دوره کودکی به مثابه یک ساختار اجتماعی پایدار، مطالعه جامعه‌شناختی روی کودکان و کودکی را بنیان نهاد و رسمیت بخشید. تقسیم رویکردها به ساخت‌محور و کنشگر‌محور از ویژگی‌های این دوره مطالعاتی است. دهه ۱۹۹۰ با خود تلقی سیاسی‌تری از دوره کودکی به همراه داشت و این به دلیل تغییرات ایجاد شده در بخش اقتصاد و سیاست‌های رفاهی و تصویب کنواسیون حقوق کودک بود. کارهای اخیر که تقریباً اکثرشان تحت عنوان چالش‌های پسا‌ساختی شناخته می‌شوند، هدف‌شان بنابر گسترش مفاهیم سیال و روان و تلاش بر فائق آمدن بر تقسیم میان ساخت و کنش در مطالعات جامعه‌شناختی کودکی است.

^۱ هریت استراندل (Harriet Strandell)، دانشگاه هلسینکی (University of Helsinki)، دپارتمان

کلیدواژه‌ها: کنش، کودکی، کودکان، میان‌رشته‌ای، سیاست‌های کودکی، جامعه‌شناسی، ساختار

پدیداری کودک اجتماعی

نوشتن راجع به پیشرفت‌های یک حوزه تحقیقاتی، سبک نگارشی دشواری می‌طلبد. در این راستا نشان‌دادن کلیت و همه جوانب موضوع غیرممکن است، به‌خصوص پوشش دادن جنبه‌هایی از موضوع که به ناگزیر پژوهشگران زیادی را در نگارش از قلم می‌اندازد. خودم نیز آگاهم که چنین مقاله‌ای نمی‌تواند جامع پژوهش‌های جامعه‌شناختی باشد که راجع به کودک صورت گرفته است. روشی که در این مقاله برای بررسی جامعه‌شناختی حول کودک در پیش گرفتم تحت تاثیر دریافت خودم از زمینه‌های تاریخی و وضعیت کنونی این پژوهش‌ها است. این زمینه‌های تاریخی حاکی از آن است که در کجا متولد شده‌ایم؛ چه تلقی‌ای از کودک و کودکی داریم که این عامل خود مقدم بر علقه‌های جامعه‌شناختی به کودکی است؛ و همینطور پیشرفت‌هایی که در دیگر حوزه‌های مشابه تحقیقاتی صورت گرفته خود یاری‌دهنده رویکرد جامعه‌شناختی حول کودکی است.

ویرتانی در تحقیق خود عنوان می‌کند که: «سنت عرفی خاص کودکان تنها در آن قبیله وحشی به وجود می‌آید که کودکان را متمایز از بزرگسالان به رسمیت می‌شناسند و در آن کودکان زیر چتر تعاملات روزانه، هنجارهای رفتاری مخصوص خود را می‌آفرینند» (ویرتانی^۱، ۱۹۷۸: ۱۱). آغاز این سیر مطالعاتی با مطالعه رافائل هلانکو^۲ تحت عنوان «گنگ‌های پسران در تورکو»^۳ در ۱۹۵۳ بود، این مطالعه زیر موضوع

^۱ Virtanen

^۲ Rafael Helanko

^۳ Turun poikasakit [Boy Gangs in Turku]

فرهنگ نژادی کودکان^۱ یک سنت تحقیقاتی در قوم‌نگاری، فولکلور و زبان‌شناسی فنلاند محسوب می‌شود که تأثیری درخور بر تلقی از کودک و کودکی به خصوص در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ داشت. در واقع مطالعه هلانکو در کنار چارچوب جامعه‌شناختی خود، توجه جامعه‌شناسان را به سنت فرهنگ نژادی کودکان شامل بازی‌های سنتی، سرودها و شعرها، لطیفه‌ها، داستان‌های خیالی و رسوم آزاردهنده جلب کرد. اشکال فرهنگ نژادی و تغییرات و تفاوت موجود در آن در بخش‌های مختلف فنلاند به گونه‌ای سیستماتیک مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت (برای مثال، نگاهی بیاندازید به کار هلانکو، لیا ویرتانن، سپو کنوتیلا^۲ و اولا لیپونن^۳). تحقیق راجع به فرهنگ نژادی کودک، بر گروه همسالان به مثابه منبع سرگرمی، تفریح و حامی و خالق این سنت از نسلی از کودکان به نسل بعد تأکید داشت. از کارهای بعدی که در درون این سنت قرار می‌گیرد می‌توان به مطالعه ایونا و پیتروپ^۴ روی بازی‌های کودکان و فرهنگ نژادی در انگلستان اشاره کرد (اوپی و اوپی، ۱۹۶۹).

ترس از جمعیت رو به کاهش کودکان در کنار شهرنشینی و خلاء فضاهای مخصوص به کودکان شرایط را برای بازی‌ها و خلاقیت کودکان با چالش مواجه کرد؛ این مباحث از مسائلی بود که در دهه ۱۹۸۰ بسیار مورد توجه قرار گرفت («آیا کودکان...»، ۱۹۸۷^۵). ترس از پایان یافتن و انقراض بازی‌های کودکان منشأ آغاز تغییر در درک از کودکی بود. در اینجا بود که تلقی از کودکی که پیش‌تر از واقعیات دنیای بزرگسالان تفکیک می‌شد و کودکان که به عنوان موجوداتی معصوم با فانتزی‌هایی مربوط به خود و دنیایی به دور از هرگونه تهدید شناخته می‌شدند (استیفنز^۶، ۱۹۹۵):

^۱ children's lore

^۲ Seppo Knuuttila

^۳ Ulla Lipponen

^۴ Iona and Peter Opie

^۵ 'Onko lasten . . .', 1987

^۶ Stephens

۱۴) جای خود را به تلفیق کودک درون ساختارها، روابط و تعاملات جامعه و همینطور فرایندهای تغییرات اجتماعی داد. تلقی کودکان به مثابه موجوداتی اجتماعی و ادغام کودک درون جامعه نقطه عطفی برای جلب توجهات گسترده به کودکی شد.

در این مرحله اولیه، جامعه‌شناسان کودکی تحت تاثیر سنت فرهنگ نژادی کودک بودند اما هم‌زمان به دنبال فاصله گرفتن از این رویکرد نیز بودند. این چندگانگی به سبب انتقاداتی بود که پیش‌تر به سنت فرهنگ نژادی کودک بر حسب ذات‌گرا بودن آن و مفروضات طبیعی‌انگاری آن راجع به «فرهنگ خاص» کودکان و جدایی و فاصله آن از دنیای بزرگسالی طرح شده بود (جیمز^۱ و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۰۰-۸۱).

رویکردهای کنش‌محور حاصل سنت فرهنگ نژادی کودک بود و محوریت را به گروه همسالان در زندگی اجتماعی کودکان و روابط اجتماعی می‌داد. گرایش به بازنمایی فرهنگ کودکان در شبکه تحقیقات فرهنگی کودک اسکاندیناوی^۲ خود را به خوبی نشان داده است؛ این شبکه که به پژوهش راجع به فرهنگ کودکان^۳ اختصاص دارد پژوهشگران از رشته‌های مختلفی را گرد هم آورده که شامل جامعه‌شناسان نیز می‌شود.

«اجتماعی» کردن کودک و همچنین کودکی به مثابه بخشی از ساخت جامعه از ساخت‌زدایی ذهنیات و تصورات ایدئولوژیک راجع به زنان و زنانگی نیز منتفع می‌شود (آلانن^۴، ۱۹۹۲: ۵۲-۲۶). در واقع مشابهت‌های قابل تأمل و موازی در وضعیت اجتماعی زنان و کودکان با هم وجود دارد. کودکان همچون زنان به مثابه دیگری

^۱ Allison James

^۲ Nordic Child Cultural Research Network (BIN-Norden)

^۳ کشورهای اسکاندیناوی دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد هستند. تشابهات تاریخی بسیاری در توسعه فرهنگ و جامعه در این کشورها وجود دارد.

^۴ Alanen

نگریسته می‌شوند که متفاوت از بزرگسالان با ایشان رفتار می‌شود؛ همچون تعامل با زنان در مقابل با مردان. ساخت‌زدایی فمینیستی از خانواده به مثابه «امری طبیعی» و بازسازی آن به مثابه شبکه پیچیده‌ای از روابط و قدرت، تحقیقات راجع به کودک را نیز تقویت می‌کند. یکی از وظایف اولیه جامعه‌شناسی کودکی این است که مطالعه راجع به کودک و کودکی را از زیر چتر تابعیت مطالعات خانواده خارج کرده و به دنیای اجتماعی کودکان خارج از خانواده وسعت بخشد (آلانن، ۱۹۹۲).

توجه به کودک در جایگاه موجودی اجتماعی به مباحث موجود در زمینه بین‌المللی روان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی (برای مثال، برونر^۱ و هاست^۲، ۱۹۸۷) یاری می‌رساند، همچنین در بازشناسی نوزادان با رویکردی دیگر و در جایگاه حاضرانی ذی‌صلاح در تعامل اجتماعی نیز مؤثر است.

مرحله اول: به رسمیت شناختن مطالعه کودکان

تلقی کودک در جایگاه موجودی اجتماعی و کودکی به عنوان دوره زیستی ادغام‌شده در جامعه و ساختارهای آن از دغدغه‌های مرحله اولیه جامعه‌شناسی کودکی در فنلاند بود. تلقی کودکی به گونه‌ای که درون ساختار اجتماعی قرار دارد و اینکه همچون دیگر امور اجتماعی به لحاظ تاریخی و فرهنگی دستخوش تغییرات بسیار خواهد شد از نگره‌هایی بود که در مرحله اول مطالعات جامعه‌شناختی کودکی در کار فیلیپ آریس^۳ (۱۹۶۲) مورد توجهات گسترده‌ای قرار گرفت.

به چالش کشیدن مفهوم‌پردازی‌های مربوط به کودکی در قالب مجموعه‌ای از مراحل رو به رشد به تدریج منجر بدین شد که جامعه‌شناسانی که یکی از ابتدایی‌ترین وظایف خود را مطالعه بزرگسال بالغ می‌دانستند به کودکی علاقه‌مند شوند. در ابتدا

^۱ Bruner

^۲ Haste

^۳ Philippe Ariès'

مطالعات مربوط به رشد کودک از فراوانی بیشتری برخوردار بود، اما به تدریج نیازمندی به بینش‌های جامعه‌شناختی در این حوزه به شدت احساس شد. تلقی مطالعات گذشته از کودکی به علت تصورات منفی که ارائه می‌کرد مورد انتقاد واقع شد، چرا که بیش از آنکه بدین پردازد که کودکی چه چیزی است، بدین می‌پرداخت که کودکی چه چیزی نیست. جمله «کودک بودن چیز دیگر بودن است»، به طور خلاصه نگرستن به کودک را در جایگاه موجودی در حال شدن نقد می‌کند. از رویکرد جامعه‌شناختی این بسیار مهم است که کودکان را نه صرفاً به عنوان بزرگسالان آینده بلکه به مثابه موجوداتی که در اکنون جامعه حاضرند مفهوم‌پردازی کنیم. جامعه‌شناسی به علت فقدان نگاه اجتماعی و به خدمت گرفتن مفاهیم روان‌شناختی راجع به کودکان و کودکی مورد نقد بوده است. به‌خصوص مفهوم اجتماعی‌شدن^۱ از مفاهیمی بود که بسیار مورد انتقاد واقع شد (آلان، ۱۹۸۸). کارهای مربوط به ینس کورتروپ^۲ (۱۹۸۷) و آلیسون جیمز، آلان پروت^۳ و کریس جنکس^۴ (جیمز و پروت، ۱۹۹۰؛ جیمز و همکاران، ۱۹۹۸) باعث ارائه منابع بین‌المللی مهمی شد.

گام‌های اولیه در ادغام مطالعه کودکان و کودکی در قالب جامعه‌شناختی نوعی تفکیک از چارچوب‌های فردی روان‌شناختی‌اش است. این شکاف حد‌اقل در برابر نیاز موجود برای رسمیت بخشیدن به مطالعه کودکی از منظر جامعه‌شناختی آن برای طرح ابعاد نادیده انگاشته‌شده کودکان و کودکی در چارچوب جامعه‌شناختی آن است. در مرحله اولیه این مطالعات تلاش‌ها در راستای بنیان‌گذاری مطالعه کودکی به مثابه یکی از حوزه‌های جامعه‌شناختی با هدف مطالعه تجربیات زیسته کودکان در

^۱ socialization

^۲ Jens Qvortrup

^۳ Alan Prout

^۴ Chris Jenks

دورهٔ کودکی بوده است. تفکیک مطالعهٔ کودکان از جامعه‌شناسی خانواده سبب شد تا کودکی یکی از شاخه‌های مفهومی اجتماعی شدن لحاظ شده و در پیشبرد چارچوب این حوزه مطالعاتی نقش داشته باشد (آلانن، ۱۹۸۸؛ استراندل، ۱۹۸۸).

جای‌دادن کودکان و کودکی در چارچوب جامعه‌شناختی از همان ابتدا از ایده‌های همبستهٔ اروپای شمالی و حوزهٔ بین‌الملل بود. ينس کورتروپ (۱۹۸۵، ۱۹۸۷) در دانمارک از اولین جامعه‌شناسانی بود که کودکی را روی نقشهٔ جامعه‌شناختی برد، کار او که راجع به کودکی در حوزهٔ گسترده‌تر تقسیم کار در جامعه بود روابط میان کودک، خانواده و دولت را تغییر داد. در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۹۲ وی پروژهٔ «کودکی به مثابهٔ پدیده‌ای اجتماعی»^۱ را زیر نظر مرکز اروپایی پژوهش و سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی^۲ مدیریت کرد^۳، کورتروپ با گروهی از پژوهشگران اروپایی کار می‌کرد که در این میان دو پژوهشگر فنلاندی به نام‌های لینا آلانن و ماریاتا باردی^۴ بودند. هدف اولیهٔ این پروژه قصد ایجاد نوعی استقلال مفهومی برای دو واژهٔ کودکان و کودکی بود (کورتروپ و همکاران، ۱۹۹۴: مقدمه). در ۱۹۸۶ پروژهٔ تحقیقاتی دیگری کلید خورد – تحت عنوان «کودکی، جامعه و پیشرفت در کشورهای اروپای شمالی»^۵ – که هدفش مقایسهٔ تجربهٔ زیستهٔ روزمرهٔ کودکان در کشورهای اروپای شمالی بود. مدیر این پروژه لارس دنسیک^۶ از دانشگاه رسکیلد^۷ دانمارک بود، همچنین آنیا ریتا لاهی‌کاینن^۸ و هریت استراندل از فنلاند نیز در این پروژه مشارکت داشته‌اند. این دو

^۱ Childhood as a Social Phenomenon

^۲ European Centre for Social Welfare Policy and Research

^۳ این پروژه بخشی از برنامهٔ مرکز اروپایی دربارهٔ دوران کودکی بود.

^۴ Marjatta Bardy

^۵ Childhood, Society and Development in the Nordic Countries

^۶ Lars Dencik

^۷ Roskilde University

^۸ Anja Riitta Lahikainen

پروژه از منابع مهم در راستای ارتقا و توسعه رویکردهای جامعه‌شناختی حول کودکان و کودکی در فنلاند محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد که هر دو رویکرد ساخت و کنش محور به دنبال تفکیک خود از دیگری بوده، تفکیکی که در حوزه تحقیقات بین‌الملل نیز دنبال شده است (و نیز بعدها به مثابه مسئله‌ای چالشی مطرح شد). رویکرد ساخت‌محور کودکی را به مثابه پیش‌زمینه‌ای برای آینده جامعه لحاظ می‌کرد و از این منظر کودکی را به مثابه امری در قیاس با طبقه یا جنسیت قرار می‌داد (آلانن، ۲۰۰۳: ۲۹). علاوه بر کارهای تئوریک، تحقیقات بسیاری بر اساس رویکرد ساخت‌محور جهت تقویت داده‌های آماری با تمرکز بر کودکان انجام شد. در عین حال این رویکرد، به لحاظ روش‌شناسی به جای آنکه خانواده یا خانوار کودک را مدنظر قرار دهد، کودک را به مثابه یک واحد آماری لحاظ می‌کرد. چنین نگاهی این امکان را فراهم آورد تا کودکان را به مثابه گروهی مطالعه کنند که در قیاس با دیگر گروه‌های جمعیتی باشد؛ نمونه‌ای از این مطالعات مطالعه مربوط به توزیع منابع است. کار روی آمارهایی که روی کودکان تمرکز داشت با هانل سولی^۱ یکی از جامعه‌شناسان پیشکسوت در این حوزه آغاز شد. این پروژه بسیار سودمندانه از گزارش‌های آماری درباره کودکان فنلاندی بهره گرفته است (کارتووارا^۲ و سولی، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱؛ «کودک فنلاندی»^۳، ۲۰۰۷).

رویکرد کنش‌محور مطالعاتی را راجع به کودکان به مثابه کنشگران اجتماعی در محیط‌های اجتماعی متفاوت انجام داد. مطالعات کنش‌محور ترجیحاً با روش‌های قوم‌نگارانه کار می‌کردند و تمرکزشان بر زندگی روزمره کودکان، کنش‌ها و تعاملات

^۱ Hannele Sauli

^۲ Kartovaara

^۳ Suomalainen lapsi

و روابط آنان بود. با توجه به مطالعه‌ای که ویلیام کورسارو^۱ (۱۹۸۵) در مطالعه قوم‌نگاری خود در مهدکودک‌های آمریکا در چارچوب کنش‌محور انجام داد می‌توان گفت که ساختار نهادی مهدکودک‌ها قابلیت مطالعات بیشتری را در حوزه کودکان دارد. هریت استراندل (۱۹۹۴) نیز در مطالعه‌ای دیگر بر اساس این رویکرد، به مطالعه میدانی کنش‌ها و تعاملات اجتماعی کودکان در مهدکودک‌های فنلاند پرداخت. مطالعه وی با تمرکز بر گفتگوهای کودکان در سازمان‌های اجتماعی چون مهدکودک‌ها و زندگی روزمره آنان، و محدودیت‌هایی که راجع به مفهوم بازی برای مفهوم‌پردازی پیچیدگی اجتماعی این نهادها وجود داشت، نشان داد. مطالعه آنیا ریتا لاهی‌کاینن (۲۰۰۰) با تأکید بر عاملیت کودکان، منابع و قابلیت‌های آنان به مثابه عملکردهای اجتماعی نهاده شده در مهدکودک‌ها به تفاوت میان کودکان پرداخت. پائولا ارولا پنننن^۲ (۲۰۰۲) در مطالعه خود بدین مهم اشاره کرد که تئوری‌های فردگرایی در مهدکودک‌ها نشان داد کودکان در همان معنایی که تئوری‌های جامعه‌شناختی به فردیت پرداخته‌اند افراد هستند. سیرپا لاپالاینن^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه خود با تأکید بر ملیت، قومیت و جنسیت در کودکان همسال در یک مهدکودک نشان داد که چطور فردیت بر فعالیت‌های روزمره کودک علی‌رغم ارزش‌های چندفرهنگی مسلم موجود تاثیرگذار است. مطالعات قوم‌نگاری در مهدکودک‌ها باعث انجام تحقیقات بسیاری شد که نشان می‌داد جهان اجتماعی کودک متفاوت از جهان اجتماعی بزرگسالان نیست. به علاوه در این مطالعات خانواده‌ها، مهدکودک‌ها و بیمارستان‌ها از دریچه کنش‌های کودکان و تجربیات اجتماعی آن‌ها نگریسته شده

^۱ William Corsaro

^۲ Paula Eerola-Pennanen

^۳ Sirpa Lappalainen

بودند (ریتالا کسکینن^۱، ۲۰۰۱؛ ترونن^۲، ۱۹۹۹). مطالعه کیرسی لالوکا^۳ (۲۰۰۳) راجع به کیفیت شکل‌یافتن شخصیت کودکان و تأثیر سن بر شکل‌یابی شخصیت ایشان، سهم مهمی در قوام‌یافتن رویکرد کنش‌محور داشت، چرا که با ارجاع به تفاوت‌های کودکان به دسته‌بندی آنان و تفکیک ایشان بر اساس سن پرداخت.

سومین جریان در رویکردهای جامعه‌شناختی به کودکی را می‌توان رویکرد ساختارزدا^۴ نامید. در اینجا رویکردها به کودک یا کودکی به لحاظ اجتماعی اشکال استدلالی به خود گرفتند؛ بر همین مبنا رویکردهای مربوط به کودک و کودکی در ارتباط با زندگی اجتماعی قرار می‌گیرد (آلانن، ۲۰۰۳: ۹-۲۸). کار تئوریک لینا آلانن برای ساختارزدایی از مفاهیم اصلی در حوزه کودکی مثل خانواده و اجتماعی‌شدن، سبب شکل‌گیری جریانی جدید در حوزه مطالعات مربوط به کودکی در چارچوب جامعه‌شناسی شد (آلانن، ۱۹۸۸، ۱۹۹۲).

در مرحله اولیه تحقیقات حوزه کودکی، جامعه‌شناسان عمدتاً بر رویکردهای نظری و روش‌شناسی جدید راجع به کودکی و کودکان تأکید داشتند، چراکه از این طریق امکان‌هایی برای نوع نگریشنی متفاوت به کودکان بود. آنچه که در این مرحله اتفاق افتاد چندان سازمان‌یافته نبود. یک گروه تحقیقاتی تحت عنوان «جامعه و کودکی»^۵ که توسط آکادمی فنلاند^۶ حمایت مالی می‌شد در ۱۹۸۸-۱۹۸۶ فعال بود - هدف این گروه ایجاد ارتباط و تشکیل شبکه میان پژوهشگران حوزه کودک بود - که هنوز هم آنتور که باید سازمان‌یافته نیست. این گروه تعدادی سمینار در طول این دو سال

^۱ Ritala-Koskinen

^۲ Törrönen

^۳ Kirsi Lallukka

^۴ deconstructive approach

^۵ Childhood and Society

^۶ آکادمی فنلاند (Academy of Finland) نام شورای ملی تحقیقات است.

برگزار کرد. در ۱۹۹۲ آکادمی فنلاند برنامه پژوهشی در حوزه کودک را کلید زد، این برنامه به صورت سیستماتیک رویکردهای روانشناسی را با رویکردهای جامعه‌شناسی در هم ادغام کرد و بدین ترتیب تفکیکی را میان رویکردهای ساخت‌محور و رویکردهای کنش‌محور ایجاد کرد.

جامعه‌شناسان کودکی بیشتر گرایش داشتند به اینکه کودک را به مثابه یک فرد و موجود اجتماعی و موجودی که اکنون در جامعه حاضر است ببینند؛ نه موجودی که خودش را آماده می‌کند که بعدها پا به جامعه بگذارد. مطالعه کودکان چه در سطح گسترده جامعه و چه در سطح فردی با تحلیل‌های مرتبط با مطالعات خانواده آغاز شد. علقه‌های آشکار موجود در زمینه مطالعه کودکان همسال نتیجه تلاش در زمینه گسترده تعاملات اجتماعی کودکان خارج از نهاد خانواده است؛ اما همچنین نتیجه تأثیر سنت فرهنگ نژادی کودکان و پژوهش‌های حوزه جوانان است، در این دو سنت، مطالعات روی فرهنگ همالان و گروه‌های همسال جایگاه خاصی یافت.

نگرشی تاریخی بر فردیت و حقوق کودکان

چرا جامعه‌شناسان کودکی در فنلاند گرایش به لحاظ دو عامل فردیت و عاملیت برای کودکان داشته‌اند؟ در واقع بر همین مبنا جامعه‌شناسی بخشی از فرایند رو به آینده برای تحول اندیشیدن درباره کودکان و کودکی بود که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی در روابط بزرگسال-کودک باعث ایجاد تغییراتی شد. در طی طریق این تحول فکری، حقوق زیستی، مراقبتی و آموزشی کودکان از موضوعات محوری بود. با توجه به جامعه‌شناس سوئدی گوران تربرون^۱ (۱۹۹۳)، پیشرفت حقوق کودکان به مثابه بخشی از فرایند فرهنگی گسترده مدرنیزاسیون تلقی می‌شود که در آن اصول معینی از فردگرایی تساوی‌گرا در مسائل مربوط به کودک و خانواده مورد تأیید است.

^۱ Göran Therborn

کشورهای اروپای شمالی پیشگام این پیشرفت و توسعه بودند، در این کشورها نوعی قانون‌گذاری با رویکرد آینده‌نگرانه نقش به‌سزایی ایفا کرده است. تعهدات برابر والدینی و اولویت مصالح کودک از اصول برتر در ایجاد یک خانوادهٔ کودک‌محور به مثابهٔ هنجار رایج تلقی می‌شد. برابری میان کودکان با توجه به وضعیت تأهل والدین آنان از دیگر مسائل عمدهٔ حوزهٔ جامعه‌شناسی کودک محسوب می‌شود (تربورن، ۱۹۹۳).

قانون‌گذاری تساوی‌گرای کودک‌محور برای اولین در کشورهای اروپای شمالی از دههٔ ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ آغاز شد، حال آنکه اغلب کشورهای غربی در انتهای قرن بیستم خواستار اعمال این نوع قانون‌گذاری شدند. اصل حقوق برابر کودکان که داخل یا خارج از تعهد ازدواج متولد می‌شوند نیز شاخصی مهم در جایگاه کودکان در نظام هنجاری جامعه است. بنابراین تلقی اولیه از این اصل، منعکس‌کنندهٔ شاخصه‌های تاریخی کشورهای اروپای شمالی و سنن فرهنگی مثل میزان کمتری از پدرسالاری یا حاکمیت هنجارهای مذهبی ضعیف‌تر در مقایسه با دیگر کشورها است. در فنلاند نظام قانونی نابرابر در ارتباط با مفاهیم فردگرایی، تساوی‌طلبی، بدعت و همین‌طور گرایش مذهبی، قانون و پدرسالاری ضعیف بافتار فرهنگی مناسبی را برای استقبال از مدرنیاسیون به نفع حقوق کودکان در دورهٔ زمانی بین ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ ایجاد کرد (تربورن، ۱۹۹۳). حتی خیلی پیش‌تر از تصویب کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، بنیادها و مؤسساتی در فنلاند برای رسیدگی به مسائل کودک با تمام حقوقی که دارد ایجاد شده بود (برمبک^۱ و همکاران، ۲۰۰۴: ۷).

موج دوم قانون‌گذاری حقوق کودک در دههٔ ۱۹۸۰ دوباره کلید خورد که این دوره از قانون‌گذاری بر حقوق کودکان و برابری بیشتر تأکید داشت. سرپرستی

¹ Brembeck

کودکان به هر دو والد (پدر و مادر) با توجه به وضعیت تأهل والدین اعطا شد. همچنین کشورهای اروپای شمالی در قانون‌گذاری منع قانونی تنبیه بدنی پیشگام بودند و برای اولین بار داد‌آور برای کودک مقرر کردند - داد‌آور کودک کسی بود که بر اجرای برابری و حقوق کودکان نظارت داشت. نروژ اولین کشوری بود که مقرر کردن داد‌آور برای کودک را در سال ۱۹۸۰ در قانون خود آورد، در حالی که فنلاند در سال ۲۰۰۶ این قانون را مصوب کرد.

سیاست‌های دولتی رفاه در کشورهای اروپای شمالی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم بر مبنای ایده‌های پیشین راجع به برابری بنا نهاده شد. در طبقه‌بندی رژیم‌های رفاهی، نظام موجود در کشورهای اروپای شمالی (ن.ک. اسپینگ اندرسون^۱، ۱۹۹۰؛ کسنن^۲، ۱۹۹۸) به نظام‌هایی با افزایش استقلال فردی و برابری میان اقشار مردم شناخته شده است. این مدل «مدل کار و رفاه» نام گرفت که بر نرخ بالای مشارکت بزرگسالان در نیروی کار - که هم شامل مردان و هم زنان می‌شد - تأکید داشت (آلانن و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۵۰). سیاست خانواده و کودک تصاعدی، هزینه‌های کودکان را که بر دوش خانواده بود تقبل می‌کرد. همچنین گسترش مراکز مراقبت از کودک با قانون ۱۹۷۳ راجع به مراقبت روزانه از کودکان آغاز شد. نظام مراقبت روزانه همگانی از بنیان‌های نظام رفاهی بوده و به مثابه سنگ بنای تفکر اجتماعی جدید قلمداد می‌شود که تأکیدش بر مسئولیت اجتماعی برای افزایش برابری و توزیع منابع است (والیمآکی^۳ و راوهالا^۴، ۲۰۰). وضعیت مراقبت روزانه به مثابه حقی برای کودک در ۱۹۹۰ مورد توجه واقع شد و این درست زمانی بود که حق مراقبت روزانه به عنوان حقی بی قید و

¹ Esping-Andersen

² Kosonen

³ Välimäki

⁴ Rauhala

شرط و فردی برای کودکان زیر سه سال اجباری شد. این حق در سال ۱۹۹۶ شامل همه کودکان پیش‌دبستانی شد.

فنلاند در رسیدن به مدرنیزاسیون همان مسیری را پیمود که دیگر کشورهای اروپای شمالی آن را پشت سر گذاشتند - در این میان شکاف‌های موجود بر سر مدت زمان رسیدن به این مدرنیزاسیون ناشی از وضعیت سرزمینی فنلاند بود که تا ۱۹۱۷ تحت حاکمیت نظام پادشاهی روسیه و پیامدهای بعد از جنگ جهانی دوم بود. شهری شدن در فنلاند دیر شروع شد اما از دهه ۱۹۶۰ روندی افزایشی داشت. شهرنشینی دیر هنگام در فنلاند حاکی از آنست که ارزش‌ها و فرهنگ فئودالی در ذهن بسیاری از بزرگسالان به حیات خویش ادامه می‌داد. این ذهنیات نقش به‌سزایی در وظایف کاری در سنین اولیه کودکی داشت. تلقی از خود به مثابه نیرویی کارگر، خود باعث شکل‌یافتن گفتارهای افراد بزرگسالان راجع به کودکی بود (کوریکیا کانگاس^۱، ۱۹۹۶). این میراث فئودالی ممکن است در قالب شکل خاصی از قابلیت تلقی شود که به جای آنکه بر آسیب‌پذیری کودکان و وابستگی ایشان به بزرگسالان تأکید داشته باشد بر قابلیت‌ها و منابع کودکان تأکید دارد. میراث فئودالی منبعی برای سنت فرهنگ نژادی کودک و ادبیات کودک در کشورهای اروپای شمالی تلقی می‌شود، همانطور که منبعی برای یافته‌های اولیه جامعه‌شناسی راجع به کودکی و کودکان است. مثلاً کودکان دهکده شلوغ بولربو در کتاب «ما بچه‌های بولربو»^۲ اثر آسترید لیندگرن^۳ زندگی روزمره خود را در جمع کودکان نسبتاً مستقل خود در جهان امن بزرگسالان

^۱ Korkiakangas

^۲ Barnen i Bullerbyn

^۳ Astrid Lindgren نویسنده سوئدی کتاب‌های کودکان و نوجوانان بود که تعداد زیادی از کتاب‌هایش به ۸۵ زبان ترجمه و در بیش از ۱۰۰ کشور جهان منتشر شده است.

- در پس‌زمینه داستان - می‌گذرانند. لینگ‌گرن شخصیت پی‌پی جوراب‌بلند^۱ را دختری قوی توصیف می‌کند که زندگی روزانه خود را بدون حضور بزرگسالان مدیریت می‌کند.

مسئله دیگری که در کشورهای اروپای شمالی رو به رشد است رویکرد قابلیت و خودتصمیم‌گیری در کودک است که از قدمت کمتری برخوردار است. آموزش و پرورش انتقادی نمودی از جنبش ضداقتدارگرایی است که از دهه ۱۹۶۰ در اروپا شکل گرفت. این جنبش اقتدار بزرگسالان را درون نهادهای آموزشی زیر سؤال می‌برد و خواهان برابری و دموکراسی در تعاملات بزرگسال-کودک بود. جنبش آموزش و پرورش انتقادی در فنلاند یا ضعیف بود یا وجود نداشت، این جنبش که در دهه ۱۹۷۰ وجهه‌ای کاملاً سیاسی به خود گرفت، پتانسیل انتقادی خود را در جامعه‌شناسی اعمال کرد. بنابراین پیدایش جامعه‌شناسی کودک می‌تواند از علائم رادیکالیزاسیون و رهایی‌بخشی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تلقی شود.

جهت‌یابی مجدد: به سوی سیاست کودکی

در سال‌های اولیه دهه ۱۹۹۰، دو واقعه تأثیر به‌سزایی بر حوزه تحقیقاتی کودکی گذاشت. در سال ۱۹۹۱، فنلاند کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد را تصویب کرد که تمرکز بر کودکان و کودکی را در قالب جدیدی مورد بررسی قرار می‌داد. این باعث شد به «سیاست کودکی» به عنوان سیاستی مربوط به جمعیت کودک در قالب یک کل نگریسته شود، و باعث شد روش‌هایی که در اجرای کنوانسیون حقوق کودک و پیشرفت رفاه کودکان بود بازبینی شود (آلانن و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۲-۱۵۷).

^۱ Pippi Longstocking

از طرف دیگر، در اوایل دهه ۱۹۹۰ اقتصاد ملی فنلاند با عمیق‌ترین بحران اقتصادی خود در تاریخ پس از جنگش مواجه شد، بحران اقتصادی که در هیچ کجای دنیای صنعتی مانند نداشت. نرخ بیکاری به طور مداوم افزایش می‌افت و در سال ۱۹۹۴ به نزدیک ۲۰ درصد رسید. در عین حال جامعه فنلاند شروع به استقبال از تأثیرات و رقابت جهانی و تغییرپذیری و مهاجرت کرد که به آشفتگی جامعه افزود. بحران اقتصادی منجر به قطع خدمات و مزایای رفاه اقتصادی عموم شد. شک‌های زیادی نسبت به عملی‌شدن مدل دولتی رفاه اکتباسی بود - که به صورت نهادی، جهان‌شمول و «سوسیال دموکرات» توصیف می‌شد. همه این‌ها در شرایط بین‌المللی شدن هر دو قوای کارگر و سرمایه‌دار، و کاهش گروه‌های کودکان و جمعیت سالمند بود. خدمات رفاه در جهت پیشرفت اقتصاد ملی، به خصوص در رابطه با استخدام بازمینی شد. در هر دو گفتمان همگانی و سیاست‌گذاری رفاه، تأکید بر عوامل اقتصادی در مدیریت، همچون بهره‌وری و سودبخشی، تغییر یافته بود (آلانن و همکاران، ۲۰۰۴: ۸-۱۴۷؛ کسنن، ۱۹۹۸).

در حالی که در مرحله اول مطالعات جامعه‌شناسی کودکی تأکید بر به رسمیت شناختن پژوهش در زندگی روزمره کودکان بود، پس از بحران اقتصادی بیشتر تحقیقات در این حوزه با رویکرد مسئله‌محور و سیاست‌محور انجام شد که اغلب کم و بیش به طور مستقیم به اقتصاد و خروجی‌های اجتماعی بحران اقتصادی برای کودکان و خانواده کودکان مربوط می‌شد (برای مثال فورسن^۱، ۱۹۹۸؛ یارونتی^۲ و سولی، ۲۰۰۱؛ سالمی^۳ و همکاران، ۱۹۹۶؛ سولی و همکاران، ۲۰۰۲). در این بازه زمانی، مسائل غالب در حوزه تحقیقات کودکان، مشکلات والدین و مسائل موجود در مراکز

^۱ Forssén

^۲ Järventie

^۳ Salmi

نگهداری کودکان و مدارس، در نتیجه بیکاری و قطع خدمات رفاهی بودند. یکی از موضوعاتی که بیش از پیش مورد توجه واقع شد افزایش تفاوت‌ها و نابرابری‌ها بین گروه‌های مختلف کودکان یا خانواده‌های کودکان بود. نمونه‌ای از این مطالعات در تحقیقات مربوط به وضعیت معیشتی کودک قابل یافت است؛ این مطالعات نشان می‌دهد فقر کودک برای چندین دهه کم شد، اما پس از بحران اقتصادی دوباره شروع شد (آلانن و همکاران، ۲۰۰۴: ۸۳-۱۷۷؛ سولی و همکاران، ۲۰۰۲). کار در این زمینه غالباً بر داده‌های آماری یا تحقیقی متکی بوده است.

همچنان که به سمت اواخر دهه ۱۹۹۰ می‌رفتیم، بهبود وضعیت اقتصادی به آرامی آغاز شد، که به هدایت دوباره سیاست‌های رفاهی در یک خط مشی نتولیرالی متصل بود و با ملحق شدن فنلاند به اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵ تقویت می‌شد. رقابت به اهرمی برای این هدایت دوباره تبدیل شد. یک دولت رقابتی با سرمایه‌گذاری‌هایش در فرهنگ، جامعه و حساب‌های مالی و پرداختی‌های آگاهانه خود مشخص می‌شود که قول پرداخت‌های با پشتوانه در آینده را می‌دهد تا اینکه وعده تغییرات اقتصادی را به فقیران و گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه دهد (سیپلا^۱، ۲۰۰۶). با توجه به آنتونی گیدنز (۲۰۰۷)، فنلاند به عنوان یکی از کشورهایی در اروپا که در چالش‌های رشد اقتصادی، سودمندی، بهره‌وری و بازتوزیع در اقتصاد جهانی بسیار موفق بوده شناخته می‌شود.

سیاست‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری و سودمندی شامل کودکان و کودکی هم می‌شود. «سیاست کودکی» که به عنوان خواست سیاسی برای تغییر زمینه ملی رفاه کودک از یک سری معیارهای محدود درباره گروه خاصی از کودکان به سیاستی کامل در رابطه با جمعیت کودک به عنوان یک کل شناخته می‌شود، در وهله اول در حوزه سیاست دولتی در سال ۱۹۹۵ پدیدار شد (آلانن و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۵۸).

¹ Sipilä

گزارش‌های متناوب دولتی در اجرای کنوانسیون حقوق کودک، کودکان را در حیطه سیاست نگه می‌دارد. فعالیت‌ها در رابطه با مراحل سیاسی و اجرایی با سرعت بیشتری تا اواخر دهه ۱۹۹۰ و پس از آن تشدید شد (آلان و همکاران، ۲۰۰۴: ۸-۱۴۷). اصلاحاتی که باعث دسترسی کودکان به مکان‌های نگهداری با حق خودشان در اواسط سال ۱۹۹۰ شد، اصلاحات مهدکودک‌ها که باعث شد تا شش ساله‌ها هم در سیستم آموزشی مادام‌العمر شامل شوند در سال ۲۰۰۰^۱، راهنمای برنامه آموزشی ملی برای مراقبت و آموزش کودکان خردسال در سال ۲۰۰۳ تنظیم شد^۲، قانون مراقبت صبحگاهی و پس از مدرسه‌ای از کودکان در سال ۲۰۰۴ و «شخص دادرس» کودک که در سال ۲۰۰۶ عملی شد - همه این اصلاحات نشان‌دهنده گرایش موجود در بخشی از جامعه برای مداخله مستقیم در مسائل کودک با سرمایه‌گذاری و کنترل کردن است.

برنامه‌های سیاستی دولت با طرح «کودکان، جوانان و خانواده‌ها»^۳ که در سال ۲۰۰۷ برای اولین بار در تاریخ شروع شد، اهمیت بالایی به رفاه کودک داده است. هدف این برنامه سرمایه‌گذاری برای سلامت کودکان و جوانان است، همچنین برای جلوگیری از در حاشیه ماندن و طردشدگی از جامعه و رسیدن به «فنلاند دوست‌دار کودک» می‌باشد (کودکان، جوانان و خانواده‌ها، ۲۰۰۷). معیارهای سیاسی مداخله زودهنگام شامل اقدامات پیشگیرانه می‌شود که بر سلامت کودکان و همکاری‌های حرفه‌ای متعدد و چندبخشی نظارت دارد. برنامه محوری دیگر «برنامه توسعه برای سیاست‌گذاری حوزه کودک و جوانان»^۴ است که در امتداد برنامه جوانان در سال

^۱ در فنلاند، کودکان تحصیلات ابتدایی را در هفت سالگی شروع می‌کنند.

^۲ varttua.stakes.fi/EN/index.htm

^۳ Children, Youth and Families

^۴ Development Programme for Child and Youth Policy

۲۰۰۷ به تصویب دولت رسید. برنامه توسعه، که باید هر چهار سال بازبینی شود، اهداف ملی برای سیاست گذاری کودک و جوانان را مشخص می کند و خط مشی برای اقدامات سیاسی کودک و جوانان در سطح شهری ارائه می دهد.

تغییرات در رفاه و سیاست های کودکی نقطه تمرکز جدیدی در گرایش به جامعه شناسی کودکان شده است. در این میان تغییری آشکار از سیاستی به لحاظ ساختاری رفاهی-عملیاتی به سیاستی که بیشتر کودکی را در قالب تهدید و خطر توصیف می کند و نیازمند کنترل بیشتر و مداخلات زود هنگام است، رخ می نماید (هریکاری^۱، ۲۰۰۴). پیامدهای تغییرات در مدل های دولتی رفاه و مدل های سیاستی برای کیفیت رفاه کودکان مورد مطالعه قرار گرفت (آلانن، ۲۰۰۷). مدیریت همگانی جدید بخش عمومی در فنلاند به طور کلی توجه بیشتری را در مطالعات اجتماعی به خود جلب کرده است. اشکال جدیدی از حاکمیت مردمی با عدم خصوصی سازی و خودمدیریتی، مسئولیت پذیری، کارکردن در پروژه ها، قراردادهای مشارکت ها، ارزیابی، شبکه مردمی سازی، مسئولیت پذیری در هزینه و سود و راهبری بر مبنای اطلاعات شکل گرفت (سولکونن^۲، ۲۰۰۶). بر این مبنای پتانسیل های مؤسسات کودکان در این اشکال جدید حکومتی توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرد.

نکته جالب توجه اینکه درک مفهوم قابلیت در رابطه با کودکان در حال تغییر است و توجه تحقیقات کودکی در کشورهای شمال اروپا به این موضوع جلب شده است. پیوند کنترل و انضباط به هم از یک طرف، و بسیج شدن خود کودکان، مشارکت کردن و انضباط شخصی از طرفی دیگر در جامعه معاصر دیده می شود (برمبک و همکاران، ۲۰۰۴). داشتن قابلیت هایی در خود بیش از پیش به صورت پروژه ای که رو به آینده

¹ Harrikari

² Sulkunen

دارد تلقی می‌شود. چیزی که در گذشته به صورت شکلی از صلاحیت تعیین شده توسط کودکان تلقی می‌شد، امروزه اهمال والدین در مراقبت و کنترل کودکان تلقی می‌شود. چگونگی گذران زمان پس از مدرسه کودکان یک نمونه از این بازنگری در مسائل کودکان فنلاند است؛ در این بازه زمانی کودک بعد از مدرسه کارهای خودش را مدیریت کرده و والدین وی را به حال خود می‌گذارند (فورسبرگ^۱ و استراندل، ۲۰۰۷). تحت تأثیر جهانی‌شدن فرهنگ و عضویت فنلاند در اتحادیه اروپا، سیاست های ملی کودک بیشتر برگرفته از استانداردهای اروپای مرکزی و آنگلوامریکایی‌هایی است. سنت‌های ملی و آگاهی از قابلیت کودکان کم‌کم با کنارگذاری بقایای میراث پیشینیان برای کودکی با انضباط و در کنترل بزرگسالان، وجهه خود را از دست می‌دهند. به‌علاوه انتظارات از مسئولان در کنترل و انضباط کودکان بیشتر از متخصصان کودک است و کمتر از والدین؛ که این بیشتر در اروپای شمالی صادق است تا در جاهای دیگر اروپا یا آمریکا.

گرایش واضح موجود در تحقیقات حوزه کودک بیشتر سیاسی شده و آگاهی نسبت به ابعاد سیاسی و مکانی ساختار اجتماعی کودک زیاد شده است. رشد گسترده برنامه‌ها، گزارش‌ها، مقاله‌های استراتژیک و اسناد راهبردی در فرایندهای متفاوت سیاسی و اجرایی همگام با سایت‌های اینترنتی و گفتگوهای رسانه‌ای مجموعه‌ای غنی از اطلاعات را در مطالعات مکانی و سیاسی و گفتمان سازمانی و ساختارهایشان و بازبینی رویکردهای مربوط به کودکی نشان می‌دهد. کیرسی پالینا کالیو^۲ (۲۰۰۶)، در مطالعه بدیع خود در رابطه با دو مؤسسه عمومی - مدرسه و سیستم مراقبتی سلامتی - دیدگاهی سیاسی برای مواجهه با عادی‌سازی عملکرد این مؤسسات و اقدامات

^۱ Forsberg

^۲ Kirsi Pauliina Kallio

کودکان برای خوگرفتن یا مقاومت کردن در برابر این عملکردها را که با حرکات اندامشان نشان می‌دهند، به کار می‌گیرد.

مشارکت کودکان در جامعه و در تحقیق از زیرموضوعات توسعه تلقی می‌شود. و به نظر می‌رسد این ایده نفوذ واقعی خود را به فرایندهای مدیریتی و عملکردهای آموزشی به کودکان نیافته است و صرفاً در مرحلهٔ سخنرانی‌ها در قالب کنوانسیون حقوق کودک باقی مانده است. در گفتمان همگانی، ایدهٔ شمول و مشارکت با پیامدهای مخرب چون تهدیدها، در حاشیه ماندن و طردشدن از جامعه هم‌پوشانی دارد (آلانن و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۶۲). حقوق مشارکت از حداقل حقوق توسعه‌ای برای کودکان است و سؤالات از مشارکت کودکان به پروژه‌های تجربی و بدیع کوچکی که برای مدت کوتاهی تأمین هزینه می‌شد محدود شدند. (ساتکا^۱ و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۵۴). یوهانا کیلی^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه‌اش در پروژهٔ ارتباطی در زمینهٔ ساختارهای فرصتی برای مشارکت کودکان خاطر نشان کرد که تحقیق رفاه و مؤسسات دولتی به طور عمده از شناخت عاملیت کودکان و مشارکت در زندگی روزمره‌شان بازمانده‌اند. مدل‌ها همچنان به شدت حول محور بزرگسالان است و خیلی ضعیف به نقطه‌نظرات کودکان اختصاص داده شده است.

محققان اجتماعی به طور گسترده علاقه‌مند به هویت کودک در رابطه با مؤسسات همگانی و فرایندهای سیاسی هستند، درحالی‌که در قیاس توجه بسیار کمتری به بخش‌های تبلیغاتی و مسائل راجع به مصرف‌گرایی، رسانه و اینترنت به عنوان نشانه‌های هویتی کودک شده است. این‌ها به طور گسترده به مطالعات جوانان واگذار شده است.

^۱ Satka

^۲ Johanna Kiili

انیکا سونین^۱ (۱۹۹۳) از اولین کسانی بود که در فنلاند به مطالعه تماشای تلویزیون کودکان و جایگاهش در فعالیت‌های روزمره کودکان و روابط گروهی‌شان از منظر جامعه‌شناسی نگاه کرد. آنیا ریتا لاهیکانن و همکاران (۲۰۰۵) با تمرکز بر نقش رسانه به عنوان واسطه در سلامتی خردسالان در فنلاند و استونی، مفاهیم تغییرات اجتماعی برای سلامتی کودکان را مورد بررسی قرار دادند. تحقیق ترهی آنا ویلسکا^۲ (۲۰۰۴) مصرف‌گرایی کودکان و افراد جوان، هویت‌های مصرف‌کنندگان و اختلاف جنسیتی و کودکان به عنوان هدفی برای کاسبی کردن را نشان می‌دهد.

کار نظری لینا آلانن (۲۰۰۱، ۲۰۰۳) روی روابط بین نسلی تحقیقی درخور برای ترسیم روابط کودکان و بزرگسالان بر مبنای بافتار اجتماعی است. این مطالعه، رویکرد ساختاری را در مسیری جهت‌دار توسعه می‌دهد. مفهوم ساخت نسلی (یا ترتیب نسلی) به یک‌سری فرایندهای اجتماعی پیچیده و روابط قدرت - که در آن‌ها عده‌ای کودک می‌شوند و عده‌ای بزرگسال - اشاره می‌کند. نسل به عنوان یک متغیر وابسته بررسی می‌شود، که توجهش معطوف به ارتباطات داخل روابط کودکان به دنیای اجتماعی است. یک رویکرد ساختاری-رابطه‌ای به نسل می‌پرسد در درجه اول چه چیزی - در جایگاه کودک/بزرگسال - ساختارهای نسل را تولید می‌کند، و سپس دسته‌ها را با چیزی مثل سن مشخص می‌کند. همین‌طور می‌پرسد چگونه دسته‌های کودکان و بزرگسالان به اقتصاد، جامعه و روابط فرهنگی وابسته مرتبط می‌شوند و آن‌ها چه عواقبی برای تجربه‌ها و هویت‌ها در ایشان دارند. کار آلانن برای پیشبرد رویکردی نسلی در سطحی بین‌المللی مؤثر بوده به طوری که یکی از مهم‌ترین همکاری‌های جامعه‌شناسی کودکی فنلاند با جامعه تحقیقاتی بین‌المللی شناخته می‌شود.

^۱ Annikka Suoninen

^۲ Terhi-Anna Wilska

چالش‌های پسااختارگرا و میان‌رشته‌ای بودن

از بسیاری جهات، مرحلهٔ اول جامعه‌شناسی کودک موفقیت‌آمیز بود که سهمی برای کودکی و کودکان در جامعه اختصاص داده شد. بسیاری از رویکردهای جامعه‌شناسی کودک در مرحلهٔ اولیهٔ خود هنوز هم معتبر و مولد هستند. با این حال، در سال‌های بعدی، بحث‌های انتقادی و زیر سؤال بردن مفاهیم محوری و یافته‌ها هم مطرح گردید (پروت^۱، ۲۰۰۵؛ لی^۲، ۲۰۰۱). مطالعات جامعه‌شناسانهٔ کودکان و کودکی با چالش‌های جدیدی مواجه است. بخش‌هایی از این چالش‌ها ناشی از نقد پسااختارگرایانهٔ فرضیات مدرن در علوم اجتماعی است. بخشی دیگر از تغییراتی در جامعه ناشی شده که بر جایگاه کودکان و وضعیت کودکی تأثیر گذاشته است. جهانی‌شدن اقتصاد و فرهنگ، باعث افزایش پویایی و اطلاعات و تکنولوژی ارتباطاتی شده و همچنین مرزهای بین کودکی و بزرگسالی را از میان برداشته، و این خود سبب شد مسئلهٔ جایگاه مناسب کودکان در جامعهٔ معاصر بیش از پیش نامعلوم گردد (استراندل، ۲۰۰۷).

تفاوت میان رویکردهای ساخت‌محور و کنش‌محور که در مرحلهٔ اولیهٔ جامعه‌شناسی کودک مرسوم بوده، به گونه‌ای در رابطه با تغییرات وابسته به هم در جامعه و علوم اجتماعی مسئله‌ساز شده است. تفکیک کنش-ساختار نشان‌دهندهٔ سبک فکری‌ای است که برای علم اجتماعی مدرن با گرایشی که به تئوریزه کردن نظم اجتماعی از طریق مجموعه‌ای از مواضع دوگانه دارد، شناخته می‌شود. تعصب مدرنیته برای مفهوم‌پردازی فعالیت‌ها و عملکردهای اجتماعی بر حسب دوگانگی و خطی بودن به علت کثرت‌گرایی و ایستابودنش مورد نقد بوده چراکه نمی‌تواند با واقعیت‌های جامعهٔ مدرن امروز در ارتباط قرار گیرد (پروت، ۲۰۰۵: ۶۱-۵۹). فاصلهٔ میان کودکی

¹ Prout

² Lee

و بزرگسالی یکی از آن دوگانگی‌هاست که به آن نقد شده است. نیک لی (۲۰۰۱) اشاره کرده که نه تنها ثبات دسته‌بندی کودکی، بلکه ثبات بزرگسالی نیز از بین رفته است. دیگر یک کودکی معیار یا بزرگسالی معیار نداریم. به قول زیگمونت باومن^۱ (۲۰۰۰: ۲-۶۱)، زندگی مدرن سیال بیشتر بی‌انتهای می‌شود و هویت هر لحظه در حال تغییر است، طعم شیرین «آزادی برای هر کسی شدن».

دومین مرحله، پس از رکود اقتصادی، در جامعه‌شناسی کودکی فنلاند با تنوع رو به رشدی در رویکردها توصیف می‌شود. ترکیب جامعه‌شناسی کودک با دیگر رویکردهای تئوری دری تازه به هر دو مسئله کودک و جامعه‌شناسی باز می‌کند و در نتیجه یکی از پیشرفت‌های خوب تاکنون را عرضه می‌کند. تحقیق فمینیستی، تحقیق روی قومیت‌گرایی، مهاجرت، نژادپرستی و فراملیتی، جامعه‌شناسی بدن، مطالعات شهری، مطالعات رسانه‌ای، مطالعات تکنولوژی و علمی و جغرافیای کودکان نمونه‌هایی از زمینه‌هایی است که محققانی که به کودکان و کودکی علاقه‌مندند نوشتن درباره‌شان را مفید دیدند. بیشتر این تحقیقات در حال حاضر در مقطع پروژه‌های دکتری صورت می‌گیرد و در دست انجام هستند.

تحقیقات جامعه‌شناسی در دست انجام روی کودکان و کودکی در فنلاند با روش‌های متفاوتی تلاش کرده و در مقیاس‌های متفاوتی به چالش‌های تغییرات به هم وابسته در جامعه و علم اجتماعی پرداخته است. توجه بیشتر به منعطف‌بودن و پویایی و پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی در سطوح تئوری و یافته‌ها و روش‌شناسی یکی از روش‌های مواجهه با این چالش‌هاست. تلاش‌ها برای ادغام ساختار و کنش در رویکردی واحد به گونه‌ای است که الیسون جیمز و آدرین جیمز^۲ (۲۰۰۴) آن را «سیاست

^۱ Zygmunt Bauman

^۲ Allison James and Adrian James

فرهنگی کودکی» نامیدند. این مفهوم به فرایندهایی مربوط می‌شود که عناصر و گفتمان‌های فرهنگی در زمان و فرهنگی مشخص عملی می‌شوند تا کودکی را در آن جامعه شکل دهند. این رویکرد همچنین در برگیرنده روش‌هایی است که کودکان خودشان تجربه می‌کنند، با مسئله مواجه شده، بر فرایندهای نظارت و کنترل بر خود مؤثرند و بر ساخت شخصیت خویش نیز اثرگذار هستند. مطالعه کالیو (۲۰۰۶) مطالعه‌ای در این قالب تلقی می‌شود، همچنین تحقیقاتی وجود دارند که دنباله‌رو این رویکرد هستند.

گرایش به تلقی کودکی به مثابه امری همراه با دیگر ابعاد جامعه در اواخر مدرنیته بر خلاف آنچه که در گذشته نگریسته می‌شد، تأثیراتی نیز بر جامعه‌شناسی کودکی داشته است. چنین نگرشی در مطالعات حوزه کودکی به مثابه حوزه‌ای تخصصی بازتاب یافت، و آن را به سمت رویکردهای میان‌رشته‌ای هدایت کرد (ن.ک. پروت، ۲۰۰۵).

اما در میدان تحقیق شاهد از میان رفتن مرزهای رشته‌ای هستیم. کار سازمانی برای بنیان‌گذاری پژوهش‌های حوزه کودکی به مثابه میدان تحقیق میان‌رشته‌ای در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی داشته است. این استراتژی تاحدی در رابطه با سیاست‌های دولتی دانشگاه است، که باعث می‌شود دانشگاه‌ها با هم رقابت کنند و هر یک حوزه‌های تخصصی مربوط به خود را تشکیل دهند. علاوه بر شبکه‌ها و گروه‌های کوچکتر، دانشگاه‌ها بخش‌های تحقیقاتی یا مراکزی تحت عناوین متفاوتی در این حوزه تأسیس کردند. دانشگاه تمپر^۱ اولین دانشگاهی بود که واحد تحقیقاتی خانواده، کودک و مراقبت از کودک^۲ را بنیان‌گذاری کرد. دانشگاه‌ها و دانشکده‌های صنعتی

^۱ University of Tampere

^۲ Family, Childhood and Child Protection Research Unit (Perla)

در ناحیه تورکو، مؤسسه تورکو برای پژوهش کودک و جوانان^۱ را تأسیس کردند، همچنین دانشگاه یووسکوله^۲ شبکه تحقیقاتی‌اش، انجمن تحقیقات کودکی و نوجوانی^۳، را تأسیس کرد. یکی از اقدامات مهم در این زمینه تأسیس شبکه ملی تحقیق کودک در دانشگاه یووسکوله بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ به پیشنهاد لینا آلانن بود. تأسیس شبکه ملی سطح فعالیت‌ها را به طرز شگرفی زیاد کرد: گردهمایی‌ها و سمینارهایی برای پیوند میان محققان، نظردادن روی برنامه‌های تحقیقاتی و سیاسی و تهیه پروپوزال‌های تحقیقاتی افزایش یافت. اولین کنفرانس بین‌المللی در حوزه پژوهش‌های کودک در ژوئن ۲۰۰۸ در تورکو برگزار شد. این زمان در تاریخچه پژوهش جامعه‌شناسی کودک، اوج همکاری میان اروپای شمالی و مراکز بین‌المللی بود که فنلاند هم همکار و هم برگزارکننده پروژه‌های تحقیقاتی بین‌المللی، شبکه‌ها و ائتلاف‌های جامعه‌شناسانه در این حوزه بوده است.

تغییر اجتماعی در ظاهر مطالعه جامعه‌شناسانه کودکان و کودکی را تغییر داد. اما آیا تحقیق جامعه‌شناسی کودک تأثیری بر جایگاه کودک در جامعه و سلامتی‌شان در زندگی روزمره داشته است؟

نکته جالب آنکه، بیش از خود جامعه‌شناسی، در دیگر رشته‌ها مطالبه برای مفاهیم و رویکردهای جامعه‌شناسانه حول کودکان و کودکی وجود دارد. اصولی که به افراد متخصصی که به کودکان آموزش می‌دهند - به خصوص افرادی که در حوزه آموزش خردسالان و فعالیت‌های اجتماعی کار می‌کنند - یادآور می‌شود پذیرای رویکردهای جامعه‌شناسانه بوده و آن‌ها را با ادراکات موجود از مفاهیم کودکان و کودکی ادغام کنند. این اصول در پیوند با تعامل با کودکان در زندگی روزمره‌شان هستند؛ پیوندهایی

¹ Turku Institute for Child and Youth Research

² University of Jyväskylä

³ Forum for Childhood and Youth Research (LaNKA)

که جامعه‌شناسی کمتر به آن پرداخته است. ساختارها و رویکردهای جامعه‌شناسانه حول کودکان و کودکی تا حدی کار متخصصین با کودکان را به خصوص در مراکز مراقبت از کودک و حمایت از کودک گسترش داد. یک نمونه از این تأثیر خط مشی برنامه تحصیلی ملی برای خردسالان در فنلاند از سال ۲۰۰۳ است. این برنامه تأکید بر ضرورت فهم معلمان از سبک عملکردی بچه‌ها و برنامه‌های جداگانه برای هر بچه - با تأکید بر نقاط قوت و علایق خاص هر بچه - دارد. برخی مطالعات جامعه‌شناختی از روش‌های قوم‌نگارانه در برخی مؤسسات آموزشی بهره بردند که خود در راستای همکاری بین محققان در حوزه جامعه‌شناسی و آموزش بوده است. متناقض باشد یا نه، تحقیق جامعه‌شناسی در حوزه کودک بیشترین حمایت خود را از زمینه‌های خارج از جامعه‌شناسی گرفته است. در هر حال وقتی بر تأثیر خود جامعه‌شناسی در این حوزه نگاهی می‌اندازیم، علی‌رغم تخصصی و منفک‌بودن مطالعات کودک، همچنان این حوزه بخش اندکی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است. اما همچنان نیاز است تا مطالعات بیشتری انجام شود که مطالعه کودکان در جامعه‌شناسی به مثابه کلیدی به شناخت کامل‌تری از کلیت جامعه منجر شود.

اما از منظری دیگر واقعیت آن است که کودکان در مرکز توجه جامعه هستند، اما این تمرکز چه چیزی را نشان می‌دهد؟ دغدغه اصلی در اینجا آنست که این تمرکز باعث بیشتر شدن کنترل و انضباط بیشتری در زندگی کودکان می‌شود. از یک منظر واژگان «مدل‌ها و سیاست‌های جدید کنترل کودک» خود مرکزیت مفاهیم و مباحث در حوزه پژوهش‌های جامعه‌شناختی کودک را منعکس می‌کنند. استفاده از واژگانی همچون کودک‌محوری، کودک‌دوستی و توانمندسازی کودکان افزایش یافته است. مثلاً هدف عمده برنامه سیاست دولتی «کودک، جوانان و خانواده‌ها» تلاش برای رسیدن به فنلاندی دوست‌دار کودک است. بر همین اساس تفکراتی موازی برای طرز

فکر جامعه‌شناسی وجود دارد اما تشابه‌شان نیز باعث گمراهی می‌شود. مفاهیم مشابه که اهمیتی ضروری در شکل‌گیری ایده‌های جامعه‌شناسانه برای کودکان دارد در زمینه دیگری که به آن‌ها معانی دیگری داده می‌شود، آمده است. جامعه‌شناسی کودک دانشی را اشاعه داده که کودک محوری را به عنوان ابزاری روش‌شناختی به کار برده و روشی را معرفی کرده که تمرکز آن به حقوق خود کودکان در اینجا و آنجا است؛ نه به مثابه مرحله گذار به بزرگسالی. با این حال، در سیاست‌های معاصر کودک، کودک محوری یا کودک دوستی اغلب به مثابه رویکردی آینده‌نگرانه به نظر می‌رسد؛ در این رویکرد کودکان اعضای منعطف و لایق جامعه هستند که در عین حال حاملان عمده سرمایه اجتماعی و معرفتی برای موفقیت اقتصاد ملی محسوب می‌شوند. اهمیت دانش پژوهشی درباره کودکان در سطحی گسترده مورد تأیید است، اما علقه‌های دانشی در این پژوهش‌ها به دلیل تلقی متفاوت از کودکی نیز متفاوت جلوه می‌کند.

نتیجه‌گیری

کودکان فنلاندی راه زیادی را برای ادغام کودکی در ساختار جامعه تا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پشت سر گذاشتند. در این دهه‌ها نیز جایگاه کودکی در ارتباط با دغدغه‌های عمده موفقیت اقتصادی-اجتماعی در سطح جهانی رقابتی و جهانی شده بود. خطرهایی که کودکان را تهدید می‌کند، کنترل و نظارت آن‌ها در پیوند با عاملیت و مشارکت کودکان و خودنظارتی آن‌ها از واژه‌های کلیدی در سیاستگذاری‌های کودکان در دوره معاصر است. پرواضح است که کودکان فنلاندی از دوره‌ای که در آن کودکی به مثابه امری منفک و در حاشیه جامعه تلقی می‌شد، گذر کردند.

اما اکنون تأکید بر چیست، اینکه به کودکان صدا بدهیم؟ یا اینکه آیا آن‌ها امروز باید بیشتر از گذشته شنیده شوند؟ جواب این سؤالات می‌تواند بله یا خیر باشد. بی‌شک سیاست‌های رفاهی گرایش دارند به اینکه عاملیت کودکان و مشارکت ایشان را

افزایش دهند. هرچند مشارکت و خودنظارتی کودکان به گونه‌ای فزاینده بخشی از تلاش‌های جامعه برای کنترل کودکان است و تلاش می‌کند که آن‌ها را افرادی منعطف، کارآمدتر و با شایستگی‌های بیشتری پرورش دهد. کودک‌دوستی یا کودک‌محوری در رویکرد سیاست‌گذاری‌های جدید دربارهٔ کودک اغلب گرایش به این دارد که کودکان را به مثابهٔ کارگران و شهروندان بزرگسال آینده تلقی کند تا آنکه کودک را صرفاً به مثابهٔ کودک ببیند.

البته این تفسیر ابزاری از کودک‌محوری برای مطالعات در حوزهٔ جامعه‌شناسی کودکی به طور گسترده سبب ابهام می‌شود. تلقی از کودکی در فنلاند معاصر به مثابهٔ مرحله‌ای از زندگی است که در ساختار جامعه ادغام شده و کودک را به مثابهٔ موجودی که هم‌اکنون به مثابهٔ کودک در جامعه زندگی می‌کند می‌بیند – و این همان رویکردی است که در بطن رویکرد جامعه‌شناسی در حوزهٔ کودکی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. تأکید و استمرار چنین رویکردی و بسط آن در حوزهٔ مطالعات جامعه‌شناسی کودکی سبب کنش‌هایی برای ارتقای رفاه کودک در سطح عملی می‌شود. در عین حال این بسیار مهم است تا فهمی انتقادی از کودکی را افزایش دهیم که بیشتر گرایش به سمت انتقادات سیاسی دارد. مطالعات کودکی به مثابهٔ یک حوزهٔ مطالعات میان‌رشته‌ای در حال ادغام شدن درون ساختار دپارتمان‌های دانشگاهی است و حداقلش این است که در برخی از این دپارتمان‌ها پتانسیل‌های خوبی برای انجام تحقیقات در زمینهٔ مسائل مختلف مربوط به کودک ایجاد شده است.

منابع

- Alanen, Leena (1988) 'Rethinking Childhood', *Acta Sociologica* 31(1): 53–67.
- Alanen, Leena (1992) *Modern Childhood: Exploring the 'Child Question' in Sociology*, Publication Series A 50. Jyväskylä: University of Jyväskylä, Institute for Educational Research.

- Alanen, Leena (2001) 'Explorations in Generational Analysis', in Leena Alanen and Berry Mayall (eds) *Conceptualizing Child-Adult Relations*. London: Routledge/Falmer.
- Alanen, Leena (2003) 'Childhoods: The Generational Ordering of Social Relations', in Berry Mayall and Helga Zeiher (eds) *Childhood in Generational Perspective*, Bedford Way Papers 20. London: University of London: Institute of Education.
- Alanen, Leena (2007) 'Theorizing Children's Welfare', in Helmut Wintersberger, Leena Alanen, Thomas Olk and Jens Qvortrup (eds) *Childhood, Generational Order and the Welfare State: Exploring Children's Social and Economic Welfare*. Odense: University Press of Southern Denmark.
- Alanen, Leena, Sauli, Hannele and Strandell, Harriet (2004) 'Children and Childhood in a Welfare State: The Case of Finland', in An-Magritt Jensen et al. (eds) *Children's Welfare in Ageing Europe*. Trondheim: Norwegian Centre for Child Research, Norwegian University of Science and Technology.
- Ariès, Philippe (1962) *Centuries of Childhood: A Social History of Family Life*. London: Jonathan Cape.
- Bauman, Zygmunt (2000) *Liquid Modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Brembeck, Helene, Johansson, Barbro and Kampmann, Jan (eds) (2004) *Beyond the Competent Child: Exploring Contemporary Childhoods in the Nordic Welfare States*. Roskilde: Roskilde University Press.
- Bruner, Jerome and Haste, Helen (eds) (1987) *Making Sense: The Child's Construction of the World*. London: Methuen.
- 'Children, Youth and Families' (2007) Finnish government policy programme; at: www.vn.fi/toiminta/politikkaohjelmat/lapset/en.jsp.print
- Corsaro, William (1985) *Friendship and Peer Culture in the Early Years*. Norwood, NJ: Ablex.
- Eerola-Pennanen, Paula (2002) *Lapset ja yksilöllistyminen*. Jyväskylä: Jyväskylän yliopisto.
- Esping-Andersen, Gøsta (1990) *The Three Worlds of Welfare Capitalism*. Cambridge: Polity Press.

- Forsberg, Hannele and Strandell, Harriet (2007) 'After-School Hours and the Meanings of Home: Re-Defining Finnish Childhood Space', *Children's Geographies* 5(4): 393–408.
- Forssén, Katja (1998) 'Families with Children in the Recessionary Finland', *Yearbook of Population Research in Finland*, Vol. XXXV. Helsinki: Population Research Institute.
- Giddens, Anthony (2007) *Europe in the Global Age*. Cambridge: Polity Press.
- Harrikari, Timo (2004) 'From Welfare Policy towards Risk Politics?', in Helene Brembeck, Barbro Johansson and Jan Kampmann (eds) *Beyond the Competent Child: Exploring Contemporary Childhoods in the Nordic Welfare States*. Roskilde: Roskilde University Press.
- Helanko, Rafael (1953) *Turun poikasakit: Sosiologinen tutkimus 9–16-vuotiaitten poikien spontaanisista ryhmistä vv. 1944–1951*. Turku: Turun yliopiston julkaisuja, Sarja B 46.
- James, Allison and James, Adrian (2004) *Constructing Childhood*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- James, Allison and Prout, Alan (1990) *Constructing and Reconstructing Childhood*. Cambridge: Polity Press.
- James, Allison, Jenks, Chris and Prout, Alan (1998) *Theorizing Childhood*. Cambridge: Polity Press.
- Järventie, Irmeli and Sauli, Hannele (eds) (2001) *Eriarvoinen lapsuus*. Porvoo: WSOY.
- Kallio, Kirsi Pauliina (2006) *Lasten poliittisuus ja lapsuuden synty*, Acta Universitatis Tampereensis 1193. Tampere: Tampere University Press.
- Kartovaara, Leena and Sauli, Hannele (2000) 'Suomalainen lapsi', *Väestö* 2000:7. Helsinki: Tilastokeskus.
- Kartovaara, Leena and Sauli, Hannele (2001) 'Children in Finland', *Population* 2001:9. Helsinki: Statistics Finland.
- Kiili, Johanna (2006) *Lasten osallistumisen voimavarat. Tutkimus Ipanoiden osallistumisesta*, Jyväskylä Studies in Education, Psychology and Social Research 283. Jyväskylä: Jyväskylän yliopisto.
- Korkiakangas, Pirjo (1996) *Muistoista rakentuva lapsuus. Agraarinen perintö lapsuuden työnteon ja leikkien muistelussa*. Helsinki: Kantatieteellinen arkisto 42.

- Kosonen, Pekka (1998) *Pohjoismaiset mallit murroksessa*. Tampere: Vastapaino.
- Lahikainen, Anja Riitta, Hietala, Pentti, Inkinen, Tommi, Kangassalo, Marjatta, Kivimäki, Riikka and Mäyrä, Frans (eds) (2005) *Lapsuus mediamaailmassa. Näkökulmia lasten tietoyhteiskuntaan*. Helsinki: Gaudeamus.
- Lallukka, Kirsi (2003) *Lapsuusikä ja ikä lapsuudessa. Tutkimus 6–12 – vuotiaiden sosiokulttuurisesta ikätiedosta*. Jyväskylä: Jyväskylä University Press.
- Lappalainen, Sirpa (2006) *Kansallisuus, etnisyyt ja sukupuoli lasten välisissä suhteissa ja esiopetuksen käytännöissä*. Helsinki: Helsingin yliopisto, Kasvatustieteen laitoksen tutkimuksia 206.
- Lee, Nick (2001) *Childhood and Society: Growing up in an Age of Uncertainty*. Buckingham: Open University Press.
- Lehtinen, Anja Riitta (2000) *Lasten kesken. Lapset toimijoina päiväkodissa*. Jyväskylä: SoPhi.
- 'Onko lasten leikkiäminen katoamassa?' (1987) Helsinki: Lasten Päivän Säätiö and Lastensuojelun Keskusliitto.
- Opie, Iona and Opie, Peter (1969) *Children's Games in Street and Playground*. Oxford: Oxford University Press.
- Prout, Alan (2005) *The Future of Childhood: Towards the Interdisciplinary Study of Children*. London: Routledge/Falmer.
- Qvortrup, Jens (1985) 'Placing Children in the Division of Labour', in Paul Close and Rosemary Collins (eds) *Family and Economy in Modern Society*. London: Macmillan.
- Qvortrup, Jens (1987) 'Introduction to the Sociology of Childhood', *International Journal of Sociology* 17(3): 3–37.
- Qvortrup, Jens, Bardy, Marjatta, Sgritta, Giovanni and Wintersberger, Helmut (eds) (1994) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Ritala-Koskinen, Aino (2001) *Mikä on lapsen perhe? Tulkintoja lasten uusperhesuhteista*. D 38. Helsinki: Väestöntutkimuslaitos, Väestöliitto.
- Salmi, Minna, Huttunen, Jouko and Yli-Pietilä, Päivi (1996) *Lapset ja lama*. Stakes Raportteja 197. Helsinki: Stakes.

- Satka, Mirja, Moilanen, Johanna and Kiili, Johanna (2002) 'Suomalaisen lapsipolitiikan mutkainen tie', *Yhteiskuntapolitiikka* 67(3): 243–59.
- Sauli, Hannele, Bardy, Marjatta and Salmi, Minna (2002) 'Elinolojen koventuminen pikkulapsiperheissä', in Matti Heikkilä and Mikko Kautto (eds) *Suomalaisten hyvinvointi*. Helsinki: Stakes.
- Sipilä, Jorma (2006) 'Äiti, koti ja isänmaa kilpailuvaltiossa', *Yhteiskuntapolitiikka* 71(4): 411–15.
- Stephens, Sharon (1995) 'Children and the Politics of Culture in "Late Capitalism"', in Sharon Stephens (ed.) *Children and the Politics of Culture*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Strandell, Harriet (1988) 'Sociologin och barnen', *Sosiologia* 25(4): 277–87.
- Strandell, Harriet (1994) *Sociala mötesplatser för barn. Aktivitetsprofiler och förhandlingskulturer på daghem*. Helsinki: Gaudeamus.
- Strandell, Harriet (2007) 'New Childhood Space and the Question of Difference', in Helga Zeiher, Dympna Devine, Anne Trine Kjørholt and Harriet Strandell (eds) *Flexible Childhood: Exploring Children's Welfare in Time and Space*. Odense: University Press of Southern Denmark.
- Sulkunen, Pekka (2006) 'Projektiyhteiskunta ja uusi yhteiskuntasopimus', in Kati Rantala and Pekka Sulkunen (eds) *Projektiyhteiskunnan kääntöpuolia*. Helsinki: Gaudeamus.
- 'Suomalainen lapsi' (2007) Väestö 2007. Helsinki: Tilastokeskus.
- Suoninen, Annikka (1993) *Televisio lasten elämässä*, Nykykulttuurin tutkimusyksikön julkaisuja 37. Jyväskylä: Jyväskylän yliopisto.
- Therborn, Göran (1993) 'The Politics of Childhood: The Rights of Children in Modern Times', in Francis G. Castles (ed.) *Families of Nations: Patterns of Public Policy in Western Democracies*. Aldershot: Dartmouth.
- Törrönen, Maritta (1999) *Lasten arki laitoksessa. Elämistila lastenkodeissa ja sairaalassa*. Helsinki: Helsinki University Press.
- Välimäki, Anna-Leena and Rauhala, Pirkko-Liisa (2000) 'Lasten päivähoiton taipuminen yhteiskunnallisiin murroksiin Suomessa', *Yhteiskuntapolitiikka* 65(5): 387–405.

- Virtanen, Leea (1978) *Children's Lore*, Studia Fennica 22. Helsinki: Finnish Literature Society.
- Wilska, Terhi-Anna (2004) 'Lapset kuluttajina ja markkinoinnin kohderyhmänä', in Anna Anttila (ed.) *Lapsuuden muuttuva maisema. Puheenvuoroja kulutuskulttuurin seksualisoinnin vaikutuksista*, Raportteja 284. Helsinki: Stakes.

تأملاتی بر جامعه‌شناسی کودک در انگلستان

جو موران‌الیس^۱، ترجمهٔ مژده بای

چکیده

پیدایش و پیشرفت جامعه‌شناسی کودک در انگلستان وابستگی زیادی به بنیان‌گذاری‌های صورت گرفته در این حوزه مطالعاتی در کشورهای شمال اروپا دارد. با این وجود هر مطالعه‌ای در این حوزه باید از دید وسیع‌تر از نظر ساختارهای سیاسی و فرهنگی دوران کودکی، کودکان و جوانان، و روابط بین نسلی در انگلستان مورد بررسی قرار گیرد. زمانی که مطالعات کودکی به تازگی در انگلستان در حال شکل گرفتن بود بین جهت‌گیری مطالعات اجتماعی نوین در حوزهٔ کودکی و تغییرات جایگاه کودکان در سیاست هماهنگی وجود نداشت، به‌خصوص با توجه به اهمیت دادن بیشتر به صدای کودکان، پذیرفته‌شدن نقش عاملی‌شان و موقعیت آنان به عنوان کنشگران اجتماعی. از آن زمان به بعد موقعیت سیاسی کودکان به مسئله‌ای بحث‌برانگیزتر تبدیل شده است. در سالیان اخیر خیلی بیشتر به نوجوانان به چشم دردرس‌ساز نگاه می‌شود و همین‌طور نگرانی‌های راجع به کودکان نیز افزایش پیدا کرده است [که نظر عموم جامعه را بر مسئله‌ی مراقبت از کودک بیش از حقوق کودک منعطف می‌کند]. این بیانگر نوعی جهت‌گیری متفاوت سیاست‌های کنونی انگلستان و جامعه‌شناسی کودک در این کشور است.

^۱ جو موران‌الیس (Jo Moran-Ellis)، دانشگاه ساری (University of Surrey)

کلیدواژه‌ها: کودکی، کودکی و سیاست، کودکان، کودکان و پژوهش، سیاست‌های کودکی، جامعه‌شناسی، صدای کودک

مقدمه

اکثر نویسندگان نام‌برده در این اثر بر این نظرند که کمترین کاری که می‌توان انجام داد ایجاد رشته‌ای مطالعاتی در سطح ملی با گردآوری پژوهش‌هایی در این زمینه است. علاوه بر این، تهیه سرگذشت مشخص [از پژوهش‌های صورت گرفته] نه ممکن و نه مد نظر است. به رسمیت شناختن پژوهش‌های حوزه جامعه‌شناسی کودکی با کلیشه تاریخ‌نگاری «رسمی»، تحمیل خطی بودن به فرایندی است که حوادث موجود در آن لزوماً به ترتیب و در زنجیره علت و معلولی اتفاق نمی‌افتند. اما این مسئله قابل تأمل است که چگونه با گردآمدن برخی عقاید کلیدی، منابع متعدد پژوهش‌های دانشگاهی، گسترش حوزه سیاسی، کاربردی کردن تحصیلات عالی و سیاست‌های کودکی کنار هم مجموعه‌ای عظیم از فعالیت‌های دانشگاهی انجام شد که می‌توان این مجموعه را حوزه‌ای جدید در مطالعات و نظریه‌پردازی دانست.

در میان موضوعات مختلفی که در حوزه کودکان در انگلستان می‌توان به آن پرداخت، تمرکز من بر عرصه‌های اگرچه گوناگون اما خاص است که در آنان یا بوسیله آنان جامعه‌شناسی کودکی شکل گرفته یا مفاهیم مورد نیاز جنبه‌های خاص پیشرفت این حوزه مطالعاتی را فراهم کرده است. برای این منظور با تاریخچه‌ای از تاریخ نه‌چندان دور و دغدغه‌های اخیر در حوزه مطالعات کودکی شروع می‌کنم. سپس با نگاهی به گذشته به بیان طرز تفکر جامعه‌شناسی انگلستان درباره کودکان و نوجوانان پیش از شروع دوره جامعه‌شناسی نوین کودکی می‌پردازم و به شرح این می‌پردازم که چه ارتباطی بین این طرز تفکر و سیاست‌های حوزه کودک در ادوار

مختلف وجود دارد. سپس به تأمل و کشف این موضوع می‌پردازم که چگونه این فرایند با دغدغه‌های فرهنگی دربارهٔ کودکان و جوانان ربط پیدا می‌کند. در نهایت، جهت‌گیری احتمالاً متفاوت دغدغه‌های جمعیتی و سیاسی کنونی و جامعه‌شناسی کودکی را مورد بحث قرار می‌دهم.

از جامعه‌پذیری تا عاملیت: جامعه‌شناسی کودکی در حوزهٔ دانشگاهی

در سال ۱۹۸۶ امبرت^۱ دیدگاهی را در جامعه‌شناسی پیش گرفت که در آن کودکان صرفاً از جنبهٔ رشدشان در مسیر بزرگسالی و مسائل موجود در بحث اجتماعی شدن مورد بررسی قرار داده می‌شوند. با اینکه مطالعات او دربارهٔ کشورهای آمریکای شمالی بود اما به دلیل تشابه وضعیت دو کشور، در مورد انگلستان نیز می‌توان از این مطالعات بهره برد. دیدگاه محدودی که جریان اصلی جامعه‌شناسی به کودکان داشت اهداف تحقیقاتی‌ای را ایجاد کرد که دغدغه‌اش مسائلی بود مثل اینکه چرا کودکان بزرگسالان صالحی نمی‌شوند (برای نقد این دیدگاه ن.ک. آلانن^۲، ۱۹۹۴؛ جیمز^۳ و پروت^۴، ۱۹۹۰؛ واکسلر^۵، ۱۹۹۱). اگرچه پژوهش‌های اخیر ایجاد رویکردهای نوین در حوزهٔ مطالعات کودک و کودکی را آغاز کرده‌اند - برای مثال هاردمن^۶ در سال ۱۹۷۸ به این مسئله پرداخته بود که چرا از کودکان در مطالعات انسان‌شناسی به عنوان گروه «خاموش» یاد شده است و جنکز^۷ در کتاب خود با نام *جامعه‌شناسی کودکی*^۸ (۱۹۸۲) به دنبال بیان این مسئله است که تفاوت موقعیت مکانی که نظریات در آنجا اظهار می‌شوند باعث ایجاد دیدگاه‌های متفاوت دربارهٔ «کودک» می‌شود، که پس از

¹ Ambert

² Alanen

³ James

⁴ Prout

⁵ Waksler

⁶ Hardman

⁷ Jenks

⁸ *The Sociology of Childhood*

زمان کوتاهی به شدت در محیط دانشگاهی رواج یافت. در سال ۱۹۸۸، آلان مقاله‌ی تاثیرگذاری در این باره نوشت که مدتی طولانی است همه‌ی توجهات معطوف به موضوع اجتماعی شدن شده است و در همان سال مجموعه‌ای فمینیستی توجه خود را به مسئله‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان در خانواده‌ها معطوف کرد (فمینیست ریویو^۱)، در این برهه مسائل حقوق کودکان بیشتر به مباحث جامعه‌شناسی، یا لاقل زمینه‌هایی از این علم، وارد شد. در سال ۱۹۹۰، مایال^۲ مقاله‌ای در این باره نوشت که چگونه کودکان با تقسیم کار مراقبت کنار می‌آیند، و در همان سال الیسون جیمز و آلان پروت ساخت و بازسازی کودکی^۳ را منتشر کردند. این کتاب نقطه‌ی عطفی در جامعه‌شناسی نوین کودکی در انگلستان محسوب می‌شود. این کتاب با گردآوری و بررسی آثار منتشرشده در کشورهای آمریکای شمالی و تعداد زیادی از پژوهش‌های عملی انجام شده در انگلستان و کشورهای دیگر، به مرجعی برای تعیین آرمان‌های جامعه‌شناسی کودکان و کودکی تبدیل شد که از دیدگاه برساختگرایی اجتماعی به مطالب نگاه می‌کند و از استفاده از رویکرد مردم‌نگارانه در حوزه‌ی مطالعات کودکی حمایت می‌کند. جیمز و پروت مطالعات و نظریه‌پردازی مفصلی در رابطه با کودکان به عنوان کنشگران در جامعه انجام دادند، با تأکید بر عاملیت آنان و نگرستن به آنها به عنوان اعضای جامعه در زمان حال، به جای اینکه آنها در بزرگسالی چه خواهند شد. متن کتاب حاوی پژوهش‌های زیادی از نویسندگان مختلف است که دقیقاً از همین دیدگاه استفاده کرده‌اند که بیانگر مسیر پیش روی مطالعات جامعه‌شناسی کودک و کودکی نیز است.

¹ *Feminist Review*

² Mayall

³ *Constructing and Reconstructing Childhood*

این چالش در حوزه دانشگاهی به موازات تغییرات قانون و سیاست ملی انگلستان اتفاق می افتاد؛ تغییراتی که فرصت هایی را پیش روی کودکان قرار می داد که بتوانند به عنوان یک شهروند به حقوق خود (به صورت محدود) دست یابند. مسائل تاثیر گذار بعدی اجرای قانون ملی کودکان^۱ در سال ۱۹۸۹، و کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق کودک^۲ بود. از آن زمان به بعد، جامعه شناسی کودکی به صورت رسمی در مؤسسات دانشگاهی حضور پیدا کرد و در عین حال عقاید مبنی بر پذیرش کودکان به عنوان عاملان اجتماعی در زمینه حقوق خود، مفهوم حقوق کودک و ایجاد فضایی برای شنیده شدن صدای کودکان در میان سیاست دولت و سمن ها جایگاهی برای خود پیدا کرده بود.

پژوهش های زیادی که در دهه ۱۹۹۰ انجام شد (برانن^۳ و اوبراین^۴، ۱۹۹۵ الف؛ کورسارو^۵، ۱۹۹۷؛ هاجی^۶ و موران الیس، ۱۹۹۸ ب؛ جیمز و همکاران، ۱۹۹۸؛ مایال، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶؛ کورتروپ^۷ و همکاران، ۱۹۹۴؛ واکسلر، ۱۹۹۱) مجموعه ارزشمندی ایجاد کرد که کودکی را قویاً در برساختگرایی اجتماعی قرار داد و کودکان را به مثابه کنشگران اجتماعی معرفی کرد (گافمن^۸، ۱۹۵۹). این گرایش به کنش متقابل نمادین موقعیت زیربنایی ای برای رویکردهای تجربی جهت فهم زندگی کودکان بر اساس تجربیات، مفاهیم، تعابیر و گفته های خودشان ایجاد کرد. این با مسائل اجتماعی گسترده تر مطرح در آن زمان در زمینه رابطه میان ساختار و عاملیت مرتبط بود، اگرچه که شاید تا چندی پیش توجه کمتری به مسائل ساختاری در جامعه شناسی کودکی

¹ Children Act

² UN Convention on the Rights of the Child

³ Brannen

⁴ O'Brien

⁵ Corsaro

⁶ Hutchby

⁷ Qvortrup

⁸ Goffman

می‌شد. این همچنین نشان‌دهندهٔ رشد بر ساختارگرایی اجتماعی در دیگر زمینه‌های جامعه‌شناسی است، به خصوص در زمینه‌های مرتبط با چیزی که از آن به عنوان جهان «طبیعی» یاد می‌شود مثل جامعه‌شناسی محیط‌زیست.

ماهیت ساختار شکنانهٔ حرکتی که توسط جیمز و پروت آغاز شد زمانی بیشتر مشخص می‌شود که می‌بینیم جامعه‌شناسی انگلستان برای چاره‌اندیشی اجتماعی دربارهٔ کودکان به رویکرد اجتماعی شدن روی آورده است. تسلط رویکرد اجتماعی شدن خود محصول وجود رابطه و هماهنگی میان ساختارهای سیاسی و فرهنگی حوزهٔ کودکی و دغدغه‌های جامعه‌شناسی انگلستان است.

از دیدگاه سیاسی، کودکان در انگلستان مدتی طولانی هم به عنوان گروه خطرناک و هم در معرض خطر شناخته می‌شدند. همانطور که هندریکس^۱ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد، ظهور این عقیده که کودکی بستری است که بزرگسالی در آن شکل می‌گیرد در اواخر قرن ۱۸ باعث شد توجه بسیار دقیق‌تری به زندگی کودکان و سامان‌بخشیدن به آن شود. به دنبال آن قانون‌گذاری قرن ۱۹ موجب شد حضور کودکان در مکان‌های کار صنعتی محدود، نظم آموزشی نهادینه، و از کودکان در مقابل خشونت بی‌رویهٔ بزرگسالان حفاظت شود (هندریکس، ۲۰۰۵). در همین زمان در زمینهٔ جرم و فرایندهای خاص قضایی که برای رسیدگی به مقولهٔ بزهکاری نوجوانان پایه‌گذاری شده بود، کودکان به عنوان افراد بالقوه خطرناک و در معرض خطر تعریف می‌شدند (کانینگهام^۲، ۱۹۹۵). البته در همان برهه، حقوق کودکان هرچند تا حد بسیار محدودی، مورد توجه انسان‌دوستانی قرار گرفت که موازین شدید مسیحی در کار اصلاح‌طلبانهٔ خود داشتند (هندریکس، ۲۰۰۵). این باعث ایجاد دوگانگی در سیاست

¹ Hendricks

² Cunningham

های حوزهٔ کودکی و کودکان شد که در تغییرات مداوم فرهنگ عمومی و سیاست‌گذاری به روشنی قابل مشاهده بود (پایپر^۱، ۲۰۰۵).

در آغاز قرن ۲۰، رشته‌های نوظهور روان‌شناسی رشد و طب اطفال، و همچنین نظام آموزشی و نظام قضایی، اشتیاق بسیاری به بحث کودکان و کودکی از خود نشان دادند (هندریکس، ۱۹۹۰؛ لوک^۲، ۱۹۸۹). در همان زمان، الگوی خانوادهٔ بورژوازی به فکر ایجاد مکانی شایستهٔ کودک بود تا بتواند زندگی روزمرهٔ خود را در آنجا سپری کند (ریچاردسون^۳، ۱۹۹۳). همهٔ این فعالیت‌ها که می‌توان از آن‌ها به عنوان استعار نهادی کودکی یاد کرد بیانگر این است که آنچه دربارهٔ کودکان اهمیت داشته این بوده که آن‌ها در بزرگسالی چگونه خواهند شد و اینکه چگونه به آن بزرگسالان تبدیل شدند. نتیجهٔ این دیدگاه تمرکز بر فرایند رشد کودکان بود - اینکه آن‌ها چه خواهند شد بجای اینکه آن‌ها چه هستند (کورتروپ، ۱۹۹۴: ۲). تمرکز بر کودکان در خانواده‌ها و بر والدین، در دوران پس از جنگ جهانی دوم افزایش یافت (هندریکس، ۱۹۹۷)، و در سیاست‌گذاری‌های سیاسی و قانونی کنونی نیز قابل مشاهده است. از سوی دیگر، کودکان به مثابهٔ یک شهروند در پژوهش‌های تخصصی به خصوص در زمینه‌های روان‌شناسی و روان‌کاوی حضور داشتند (رز^۴، ۱۹۸۵). این مسئله به همراه حرکت‌هایی که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به منظور رسیدن به آرمان آزادی‌خواهانه در زمینهٔ حقوق کودکان انجام شد (آرشرد^۵، ۱۹۹۳؛ هولت^۶، ۱۹۷۵)، به ایجاد فضای پیچیده و مبهم برای کودکان در جامعهٔ انگلستان دامن زد.

¹ Piper

² Luke

³ Richardson

⁴ Rose

⁵ Archard

⁶ Holt

حوزه روان‌شناسی و پزشکی به تبیین چارچوب‌های زندگی کودکان به عنوان افرادی که در حال تبدیل به بزرگسال هستند می‌پرداخت که جامعه‌شناسی با ورود به این حوزه، مسئله اجتماعی شدن را مطرح کرد؛ مفهومی که تعبیری میان‌رشته‌ای از مفهوم رشد فردی بود (برمن^۱، ۱۹۹۴). با توجه به صورت‌بندی پارسونز^۲ از جامعه به عنوان ارگانیک‌سازی کارکردی که تفکر جامعه‌شناختی درباره کودکان را پیش می‌برد، مسائل موجود در فرایند رشد کودکان هدف اصلی تحقیقات قرار گرفت. این سؤالات جامعه‌شناسانه به دغدغه‌های دوران پس از جنگ می‌پرداختند، مثل اینکه چگونه خانواده هسته‌ای را پس از آشفته‌گی‌های اجتماعی جنگ دوباره دور هم جمع کنیم (کووتر^۳، ۱۹۹۲) و کودکان را در اجتماع سامان داده و حمایت کنیم تا به انسان‌های بالغ درستی تبدیل شوند. این برنامه تا حد زیادی تا دهه ۱۹۹۰ وجود داشت. غیر از این یک مورد، کودکان غالباً در جریان اصلی جامعه‌شناسی نادیده گرفته می‌شدند: هر توجه مستقیمی به آن‌ها به جامعه‌شناسی آموزش و جامعه‌شناسی انحرافات ربط داده می‌شد، و حتی اجتماعی شدن نیز در این حوزه‌ها از نظر مفهومی دائماً در نوسان بود. پژوهش‌های جامعه‌شناسی خانواده به خانواده یا والدین [و نه کودک] به عنوان واحد تحلیل می‌نگریست. اینگونه پژوهش‌ها تأثیر بسزایی در رفاه کودکان در معرض فقر یا سوءاستفاده داشت (دنیل^۴ و ایواتس^۵، ۱۹۹۸).

البته استفاده از دیدگاه اجتماعی شدن برای درک زندگی جوانان به طور کامل در این برهه کنار گذاشته نشده بود. مرکز مطالعات فرهنگی معاصر دانشگاه بیرمنگام^۶ کار ارزشمندی را تولید کرد که تمرکزش بیشتر روی گروه‌های (خرده فرهنگ‌ها) جوانان

^۱ Burman

^۲ Parsons

^۳ Cooter

^۴ Daniel

^۵ Ivatts

^۶ Centre for Contemporary Cultural Studies (CCCS) at the University of Birmingham

بود که از دید عموم جامعه ددرساز تلقی می‌شدند (کوهن^۱، ۱۹۷۲؛ هال^۲ و جفرسون^۳، ۱۹۷۶) و همچنین جوانان طبقه کارگر، خصوصاً پسران (مثلاً ویلیس^۴، ۱۹۷۷)، اگرچه کارهای ارزشمندی در رابطه با زندگی زنان جوان نیز به چاپ رسید (مک‌روبی^۵ و گاربر^۶، ۱۹۷۶). کارهای انجام شده توسط مرکز مطالعات فرهنگی معاصر بر اهمیت طبقه اجتماعی و توضیحات ساختاری تأکید کرد (کلارک^۷ و همکاران، ۱۹۷۶؛ ویلیس، ۱۹۷۷) و در حمایت از درکی پویا از عاملیت جوانان رویکردهای ساده‌انگارانه اجتماعی‌شدن را رد کرد. از دهه ۱۹۸۰، انگیزه‌های مرکز مطالعات فرهنگی معاصر بیشتر به سمت جوانانی که در حال ورود به مرحله بزرگسالی بودند تمایل پیدا کرد و تمرکزشان بیشتر به ورود جوانان به بازار کار بزرگسالان منعطف شد و کمتر به زندگی روزمره کودکان از دیدگاه فرهنگی پرداختند (شیلدریک^۸، ۲۰۰۶). یکی از نتایج کارهای این مرکز گسترش مطالعات (فرهنگی) جوانان البته تنها با توجه به سال‌های بزرگسالی/جوانی بود. این مسئله، کودکان بزرگ‌تر را همانطور که بیان شد تا اواخر دهه ۱۹۸۰ در دامنه مطالعات اجتماعی‌شدن و رشدگرایی قرار داد.

بیشتر اشاره شد که، به موازات رشد جامعه‌شناسی کودکی تغییراتی در سیاست عمومی درباره کودکان، هم در سطح ملی انگلستان و هم در سطح بین‌المللی ایجاد شد. من در اینجا فقط به همپوشانی‌هایی از این دو اتفاق اشاره می‌کنم که اثراتش قابل مشاهده هستند، اتفاقاتی که در دهه ۱۹۹۰ محققان دانشگاهی و همچنین

¹ Cohen

² Hall

³ Jefferson

⁴ Willis

⁵ McRobbie

⁶ Garber

⁷ Clarke

⁸ Shildrick

سیاست‌گذاران را به شنیدن صدای کودکان سوق داد. تمرکز این پژوهش‌ها و مقررات بیشتر بر کودکانی بود که در خانواده‌ها مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند (فراست^۱ و استاین^۲، ۱۹۸۹). به دنبال تغییرات اساسی در رویکردهای سیاست عمومی در زمینه سوءاستفاده از کودکان و حفاظت از آن‌ها، در زمانی که وضعیت رفاه در سایه دولت محافظه‌کار راست‌گرای مارگارت تاچر^۳ رو به افول بود (پیلچر^۴ و واگ^۵، ۱۹۹۶)، اصلاح اساسی در قانون مراقبت از کودک منجر به تصویب سند کودکان در سال ۱۹۸۹ شد. به موجب این سند، که هنوز هم در جریان است، تعریف قانونی مفصل‌تری از سه مسئله در راستای نگرستن به کودک به مثابه عامل فردی ارائه شد: حق نمایندگی قانونی (جدا از والدین یا دولت) در اقداماتی که بر زندگی و سرنوشت کودک تأثیر می‌گذارد، حق اینکه با آن‌ها در تصمیماتی مشورت شود که مستقیماً بر سرنوشت کودکان تأثیر می‌گذارد، و حق داشتن سیستمی برای طرح شکایات که کودکان در هر شرایطی بتوانند از آن استفاده کنند. البته این سند از حق آزادی کودکان صحبتی به میان نمی‌آورد و به جای آن از سوق دادن بیشتر کودک به سمت خانواده حمایت می‌کند، در عین حال از عقایدی که حامی اهمیت دادن به افراد است استفاده می‌کند و بیان می‌کند که باید با قائل شدن جایگاه شهروندی برای کودکان حق عاملیت برای آنان قائل شد (هرچند که در عمل اینچنین نباشد). این سه اصل که در بالا به آن اشاره شد به علاوه ایجاد عقاید حامی گوش کردن به صدای کودکان، کنوانسیون سازمان ملل در باب حقوق کودکان که می‌گوید باید کودکان را به عنوان اعضای جامعه بنگریم، و اتفاق نظر جامعه‌شناسان بر این مسئله که کودکان را باید به

¹ Frost

² Stein

³ Margaret Thatcher

⁴ Pilcher

⁵ Wagg

عنوان کشگرانی دانست که می‌توانند عامل باشند، همه و همه حاصل کتاب جیمز و پروت بود که در سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید.

فمینیسم نیز در رشد مطالعات کودکی در انگلستان نقش مهمی داشت. جامعه‌شناسی فمینیستی دو ویژگی دارد: تفکر نظری دربارهٔ گروه به حاشیه رانده شده‌ای [زنان] که کودکان برخی ویژگی‌ها و تجربیاتشان را با آنان به اشتراک می‌گذارند (اوکلی^۱، ۱۹۹۴) و سستی از تأکید بر اهمیت بی‌چون و چرای داشتن دیدگاه سوپژکتیو (مثلاً اوکلی، ۱۹۷۹)، که رویکرد تحقیق قابل تأملی را نهادینه کرد و به روش‌های تحقیق کیفی بها داد. علاوه بر این، تعداد محققان حوزهٔ فمینیسم که وارد مبحث سوپژکتیوئه کودکان شدند، خصوصاً در زمینهٔ سوءاستفادهٔ جنسی (کیتزینگر^۲، ۱۹۹۰) و خشونت خانگی کم نبود (مثلاً ملندر^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). هرچند بررسی نحوهٔ تأثیر این حوزه‌ها بر هم به سادگی ممکن نیست. باید این‌ها را نیز در نظر گرفت که اولاً، معطوف شدن همهٔ توجهات بر مسائل و مشکلات زنان منجر به کم‌شدن توجه به دیدگاه‌های کودکان و شنیده‌نشدن صدای آنان شد (آلان، ۱۹۹۴؛ اوکلی، ۱۹۹۴). دوماً، نگهداری از کودک در اجتماعات فمینیستی به عنوان ظلمی در حق زنان تلقی می‌شد (مثلاً میچل^۴، ۱۹۷۳)، و به عنوان دلیل سومی که مانع از پیشرفت‌های فمینیستی در حوزهٔ کودک شد، باید به مطالعات و نظریات فمینیست‌های مشهور اشاره کرد که در آن‌ها از مسائل روابط بین نسلی سخنی به میان نمی‌آوردند (ن.ک. کارهای جودیت باتلر^۵). به هر حال، ارزش ارتباط میان مطالعات کودکی و فمینیسم بواسطهٔ اوکلی (۱۹۹۴) روشن شد که معتقد بود کودکان و زنان مشترکات زیادی دارند از جمله

¹ Oakley

² Kitzinger

³ Mullender

⁴ Mitchell

⁵ Judith Butler

محرومیت مالی، رعایت‌نشدن حقوقشان، حضور مسئله‌دار در مجامع عمومی و زندگی‌های مسئله‌دار در فضای خصوصی که به دلیل خشونت و روابط قدرت پدرسالارانه است.

تصویر معاصر

بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۱، شورای تحقیقات اجتماعی و اقتصادی^۱ - منبع اصلی تأمین بودجه در انگلستان برای تحقیقات علمی - برنامه‌ای را برای کودکان ۵ تا ۱۶ سال تأمین مالی کرد: یک برنامه تحقیقاتی مفصل که قویاً بر اساس جامعه‌شناسی کودکی نوین طرح‌ریزی شده بود. به بیست و دو طرح تحقیقاتی «برای پیشرفت نظریات و روش‌های تحقیق در فعالیت‌های میان‌رشته‌ای و گسترش دانش جدید درباره کودکان به مثابه کنشگران اجتماعی» (پروت، ۲۰۰۲: ۶۷) بودجه داده شد. این اقدام به همراه دیگر پژوهش‌های عملی و چاپ مداوم کتب و مجلات با آرمان‌های مشترک در زمینه جامعه‌شناسی کودکی باعث تقویت بنیان و بسط اقدامات عملی و نظری در حوزه کودکان شد. با مرور اثرهای به چاپ رسیده در نشریات کودکی^۲ و کودکان و جامعه^۳ به این نکته پی می‌بریم که رویکردهای عملی حوزه کودکی رویکردهایی هستند که با دید عامل به کودک می‌نگرند. علاوه بر این، مفهوم کودکان به مثابه کنشگران اجتماعی بیشتر تئوریزه شده است (جیمز و همکاران، ۱۹۸۸)، که شامل بسط مفهوم‌سازی اولیه عاملیت (هاجپی و موران‌الیس، ۱۹۹۸ الف، ۲۰۰۱؛ لی^۴، ۱۹۹۸)، اهمیت دادن به تأثیر روابط بین نسلی بر شکل‌گیری دوران کودکی و همچنین درکی که کودکان از کودکی دارند (مایال، ۱۹۹۹، ۲۰۰۲؛ مایال و زایر^۵، ۲۰۰۳)، اهمیت

^۱ ESRC (Economic and Social Research Council)

^۲ *Childhood*

^۳ *Children and Society*

^۴ Lee

^۵ Zeiher

دوران کودکی به مثابه وضعیتی تجسم یافته (پروت، ۲۰۰۰) و زمینه گسترده تر مدرنیته متأخر (لی، ۲۰۰۱) می شود.

مسائل تجربی کلیدی در دهه اخیر در راستای موضوعات تحقیقات دانشگاهی (مثل مسائل حوزه حقوق کودکان، و حضور کودکان در جامعه و تصمیم گیری ها) و مسائل تکراری و همیشه در جریان حوزه سیاست گذاری مثل فقر، سوء استفاده و مسائل کلی در زمینه رفاه بوده است. همچنین می توان با استفاده از عناوین پرارجاع در کارهای جامعه شناسی کودکی در ژورنال های مهم جامعه شناسی، موضوعات محرک را برای پژوهش ها در این زمینه ارائه کرد. این موضوعات عبارتند از حقوق کودکان و اغلب مسائل مربوط به حق تصمیم گیری (پژوهش های بسیاری در این زمینه وجود دارد اما از میان آن ها کاکبرن^۱، ۱۹۹۸؛ دوین^۲، ۲۰۰۲؛ روشه^۳، ۱۹۹۹ توصیه می شوند)، نحوه کنار آمدن کودکان با طلاق والدینشان (مثلاً نیل^۴، ۲۰۰۲) و مسائل مربوط به انجام تحقیقات با حضور کودکان. موضوعات دیگری مثل کودکان و کار (لئونارد^۵، ۲۰۰۴؛ مایزن^۶ و همکاران، ۲۰۰۱) در بعضی دوران ها جزء موضوعات پرتعداد بوده است. در واقع دغدغه های حال حاضر انگلستان درباره موضوعاتی هستند که بوسیله آن ها کودکان را به درکی از زندگی روزمره شان می رساند، اگرچه همچنان مشکلات تأمین بودجه برای تحقیقات با این موضوعات به طور کامل برطرف نشده است.

در زمینه پژوهش کمی، می توان به پروژه تحقیقاتی عظیمی در سال ۲۰۰۰ اشاره کرد که مطالعه بزرگ مقیاسی را روی کودکان در یک دوره ۱۲ ماهه از ۱ سپتامبر ۲۰۰۰ در انگلستان و ولز و ۱ دسامبر در اسکاتلند و ایرلند شمالی آغاز انجام شد. این پژوهش

¹ Cockburn

² Devine

³ Roche

⁴ Neale

⁵ Leonard

⁶ Mizen

شامل ۴ دوره گردآوری داده می‌شد - اولین گروه ۹ ماهه‌ها بودند، گروه دوم بچه‌های نزدیک به ۳ ساله، گروه سوم کودکانی که در سنین آغازین رفتن به مدرسه ابتدایی بودند و دسته چهارم در سال ۲۰۰۸ جمع‌آوری می‌شدند. در مجموع ۱۸۸۱۸ کودک در اولین سری اطلاعات حضور داشتند، نمونه‌ای تصادفی انتخاب شد تا مطمئن شوند که بازنمایی خوبی از کودکان خانواده‌های مناطق محروم و از مناطق با جمعیت بالای سیاه‌پوستان و آسیایی‌های ساکن انگلستان است. داده‌های کمی با هدف بررسی مسائل مربوط به روند محرومیت اجتماعی، نقش سلامتی در میزان پیشرفت و دستیابی به اهداف و ارزش مداخلات اجتماعی در زندگی کودکان گردآوری شد که در فقر یا وضعیت‌های ناسالم زندگی می‌کنند. داده‌های گردآوری‌شده و بررسی‌های انجام‌شده روی آن‌ها نشان‌دهنده اهمیت دولت به مداخلات اجتماعی و همبستگی اجتماعی است. این پژوهش از رویکرد کودکان کنشگر اجتماعی اصلاً استفاده نکرده و جنبه رشد کودکان را مد نظر داشت. هرچند که اطلاعات ساختاری ارزشمندی درباره حوزه‌های خاصی از زندگی کودکان در اختیار ما قرار می‌دهد، چیزی که اخیراً به ویژه در خصوص کودکان گروه‌های در اقلیت و در حاشیه مورد نیاز بود.

آنچه در پژوهش‌های عملی گذشته و اکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است مسائلی هستند که به طبقه اجتماعی، نژاد، مسائل جنسی، معلولیت و جنسیت کودکان ربط دارند. برخلاف توجه زیادی که به بازشناسی کودکی‌های ناهمگن شده است، به نظر می‌رسد حوزه‌های مهم و بحث‌برانگیزی از جمله مسائل تجسم‌یافتگی و کودکی، و موضوع مددکاران جوان از اهداف تحقیقاتی امروزه جدا مانده‌اند، هرچند که کمک‌های فراوانی به مرئی‌سازی این جنبه‌های مختلف از زندگی کودکان کرده‌اند.

همچنین مجموعه پژوهش‌هایی وجود دارد که روی مسائلی کار می‌کنند حوزه دانشگاهی در زمینه مطالعات همراه و روی کودکان با آنان روبرو است (مثلاً الدرسون^۱ و مارو^۲؛ ۲۰۰۴؛ دیویس^۳؛ ۱۹۹۸؛ پانچ^۴؛ ۲۰۰۲). در پژوهشی درباره کودکان به مسئله روابط قدرت ذاتی پرداخته شد و اینکه چگونه باید یا می‌توان در تحقیقات به این موضوع پرداخت (کریستنسن^۵ و پروت، ۲۰۰۲؛ کاکز^۶؛ ۲۰۰۶؛ کمولاین^۷؛ ۲۰۰۷). به موازات مسائلی که در حوزه فمینیسم و جامعه‌شناسی درباره گروه‌های مورد تبعیض و فراموش شده مطرح شد، با داشتن رویکرد سیاسی به پژوهش‌های حوزه کودکی اهمیت مسائل مربوط به ارتباط بین محقق و مورد تحقیق افزایش می‌یابد. آنچه از بحث‌ها مشخص می‌شود این است که برخی رویکردهای تحقیقاتی، در حوزه روابط قدرت، به دلیل اصول‌مندتر بودن به سایر رویکردها ترجیح داده می‌شوند یا مقدم شمرده می‌شوند. به همین دلیل است که تحقیق با مشارکت کودکان بیش از انواع روابط پژوهشی دیگر در بین اکثریت محققین جایگاه یافته است. این رویکرد اساس تحقیق انجام گرفته در مرکز تحقیقات کودکان در دانشگاه آپن^۸ است. آنچه که پیش و بیش از شنیده شدن صدای کودکان توسط محققین، و پس از انتشار تحقیق، توسط مخاطبین حیاتی است وجه سیاسی کار است؛ اینکه چه میزان قدرت باید حین فرایند تحقیق به کودکان داده شود. دومین مسئله مهم که باید در نظر گرفته شود هدفی است که وجود آن در انگلستان ضروری است، چراکه صدای کودکان در عرصه عمومی و

¹ Alderson

² Morrow

³ Davis

⁴ Punch

⁵ Christensen

⁶ Cocks

⁷ Komulainen

⁸ Children's Research Centre at the Open University - <http://childrens-research-centre.open.ac.uk/>

سیاست کم شنیده می‌شود؛ هدفی که به تقویت و پیشرفت اکثر تحقیقات کیفی مرتبط با هر گروهی در انگلستان می‌انجامد و به کودکان به چشم افرادی می‌نگرد که حق اظهار نظر درباره زندگی و سرنوشت خود را دارند و باعث ایجاد ساختارهای پژوهشی می‌شود که در آن‌ها کودکان کنشگران اجتماعی با عاملیت هستند. هرچند هنوز برای محققانی که از شیوه‌های پژوهش مشارکتی استفاده می‌کنند این سؤال وجود دارد که آیا پررنگ کردن پیوند قدرت و دانش در قلب تشکیلات تحقیقاتی کافی است یا نه. با وجود اهمیت این سؤال مسئله دیگری نیز وجود دارد؛ اینکه پیشرفت تنها یک رویکرد خاص، کمک‌هایی که دیگر رشته‌ها می‌توانند در درک جهان‌های اجتماعی کودکان و کودکی به ما کنند را محدود می‌کند. در حوزه فمینیستی نیز این مسائل در بحث روش تحقیق و اهداف تحقیق جریان دارد.

اخلاق تحقیق بحثی همیشگی در تحقیقات است که به کودکان نیز مربوط می‌شود. در انگلستان این حوزه مشکلات خاص خود را دارد. در یک سو چارچوب‌های جدید پیشبرد تحقیقات هستند که هدفشان حفاظت از کودکان (و دیگران) است بطوریکه به منظور مراقبت از کودک، امکان مشارکت در تحقیق تنها در حوزه‌های مربوط به سلامت، و پژوهش‌های مربوط به خدمات اجتماعی و رفاه وجود دارد (دی اچ^۱، ۲۰۰۵). گرچه این چارچوب‌ها، برای ایجاد علاقه در کودکان برای مشارکت در تحقیقات و همچنین ایمن نگه‌داشتن آن‌ها از پژوهش‌های غیراخلاقی است اما از طرفی باعث محدود شدن موضوع پژوهش‌ها و سؤالات مورد تأیید می‌شود. ایجاد ساختار مناسب در حوزه کودکان با این دید که آن‌ها از هر نظر ذاتاً آسیب‌پذیر هستند وضعیتی را ایجاد می‌کند که بعضی موضوعات که مستقیماً با عقاید و دیدگاه‌های کودکان

¹ DH

سروکار دارند خارج از چارچوب تعیین شده قرار می گیرند. دیدگاه شدیداً آسیب پذیر بودن کودکان در متن زیر نمایان می شود:

اگر ما به دنبال گرفتن تعهد همکاری از کودکان و بزرگسالان آسیب پذیر، مثل آنهایی که مشکلات روحی یا سختی در یادگیری دارند هستیم باید حفاظت از آن‌ها را نیز تأمین کنیم. باید تمهیداتی اندیشیده شود تا محتوای مناسب عملی یا نظری پژوهش تضمین شود و همچنین نقش و مسئولیت‌های والدین، پرستاران یا حامیان کودک به طور کامل و روشن در آن شرح داده شود (دی اچ، ۲۰۰۵: ۷).

در سمت دیگر پژوهش انجام شده توسط الدرسون (۱۹۹۵) و پس از آن الدرسون و مارو (۲۰۰۴) است که توجهات را به مسائلی در حوزه کودک‌کی جلب کرد که به دلیل مخالفت با موازین اخلاقی تعیین شده، روی آن‌ها کاری صورت نگرفته است: بدین جهت تعیین چارچوب اخلاقی با پشتوانه تفکر و دانش بیشتر، برای پژوهش‌های عملی در انگلستان مورد نیاز است. پژوهش‌های حوزه کودک‌کی اغلب با مسائلی همراه است از قبیل اینکه آیا شیوه‌ها یا روش‌های تحقیق خاصی برای این گونه پژوهش‌ها که با مشارکت کودکان انجام می شود وجود دارد (پانچ، ۲۰۰۲) و این بحث همچنان ادامه دارد.

به رسمیت شناختن نهادی

بنابراین آنطور که مشخص است انگلستان پیشینه نظری و پژوهشی درخشانی در زمینه جامعه‌شناسی کودک‌کی دارد که توسط محققین این حوزه تولید شده است. همچنین می‌خواهند بوسیله شاخص‌های قدرت این حوزه مشخص کنند که جامعه‌شناسی تا چه اندازه در واحدهای کارشناسی و تحصیلات تکمیلی رشته‌های مختلف و همچنین در شکل دادن بنیان کل برنامه‌های آموزشی حضور دارد. این

واحدها را می‌توان در بسیاری از دانشگاه‌ها میان واحدهای اصلی رشته جامعه‌شناسی یا رشته‌های تخصص‌محور پیدا کرد. علاوه بر این‌ها بعضی رشته‌ها در حوزهٔ مراحل اولیهٔ کودکی نیز از رویکرد جامعه‌شناسی کودکی بهره می‌برند. واحدها و رشته‌های سطح کارشناسی حوزهٔ کودکی می‌توانند با زمینه‌های دیگری از مطالعات مثل مطالعات جوانان ترکیب شوند. در سطح کارشناسی ارشد و دکتری، رشته‌های بسیاری در سطح کارشناسی ارشد در حوزهٔ کودک وجود دارند که مطالب تدریس‌شده در آن‌ها در راستای موضوعات به روز پژوهش هستند و اغلب حول محور حقوق کودکان می‌چرخند.

در سطح آموزش دکتری، شورای تحقیقات اجتماعی و اقتصادی تعداد زیادی کمک هزینهٔ مطالعه برای پژوهش در رشته‌های جامعه‌شناسی کودکی و دیگر رشته‌های دانشگاهی به دانشجویان اعطا کرده است که دغدغهٔ آن‌ها نیز محدودیت‌های اجتماعی شدن و درک فرایند رشد در کودک و دوران کودکی است. رشته‌هایی مثل جغرافیای انسانی، روان‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی زبان. علاوه بر این تعداد زیادی از طرح‌های دورهٔ دکتری نیز با سرمایه‌گذاری شخصی یا با هزینهٔ کارفرما صورت گرفته‌اند. اما این پژوهش‌ها به صورت پراکنده در انگلستان انجام شده‌اند و تهیهٔ بایگانی‌ای از آن‌ها کار مشکلی است.

در کنار دوره‌هایی که کمک‌هزینه به آن‌ها تعلق می‌گیرد، دوره‌های جدیدی نیز وجود دارند که مستقل پیش می‌روند؛ تمرکز این دوره‌ها اولاً بر مهارت‌های پژوهش و موضوعات مربوط به حقوق کودکان است، ثانیاً منشاء ایجاد بخش کار داوطلبانه و سمن، یا مجموعه‌های ترویج سلامت و رفاه است.

افزایش تعداد دوره‌های آموزش حرفه، مخصوصاً تربیت معلم (که اکثراً برای سطح ابتدایی است)، افزایش فعالیت‌های اجتماعی و مراقبت‌های سلامت پزشکی نشان از

اثرگذاری رویکردهای ساختاری اجتماعی حوزهٔ کودکی و کودکان است. هرچند مشکلات موجود در مسیر رشد و اجتماعی شدن در دوره‌های شغلی بیان نمی‌شود. رویکردهای بسیاری وجود دارند که مطالعات حوزهٔ کودکان و کودکی را قوت می‌بخشند، مثل نظریهٔ شبکهٔ کنشگر (پروت، ۲۰۰۲)، رویکردهای پساپوزیتیویستی، تحلیل گفتگو (هاجی، ۲۰۰۷؛ هاجی و موران‌اليس، ۱۹۹۸ الف، ۱۹۹۸ ب)، و دیگر پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینهٔ جامعه‌شناسی کودکی مثل رویکردهای نسلی (آلان و مایال، ۲۰۰۱؛ مایال و زایر، ۲۰۰۳) و شرح وابستگی‌های متقابل و فرایند شکل‌گیری کودکی (لی، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵). با این وجود، اغلب دوره‌ها در مقابل مواضع جامعه‌شناسی معمول به کودکان و کودکی، رویکرد ساختارگرایی اجتماعی را پیش می‌گیرند.

مطالعات کودکی در رشته‌های دیگر

هدفی که جیمز و پروت در سال ۱۹۹۰ مطرح کردند هم بر کارهای صورت گرفته دربارهٔ کودکان در رشته‌های مطالعاتی دیگر تأثیر گذاشته و هم از آن‌ها تأثیر پذیرفته است. جامعه‌شناسی خانواده با پژوهشی که جولیا برانن و مارگارت اوبراین (۱۹۹۵ ب، ۱۹۹۶) انجام دادند، و رشتهٔ جغرافیا با کار افرادی مثل هالووی^۱ و ولنتاین^۲ (۲۰۰۰) به حوزهٔ کودکی ارتباط پیدا کرد، اما آنطور که بنظر می‌رسد جریان اصلی جامعه‌شناسی توجه کمی به این پیشرفت‌های بزرگ نشان داده است. برای مثال، جامعه‌شناسی کار و شغل اقدامی در مسئلهٔ کار بامزد و بی‌مزد کودکان و جوانان در انگلستان انجام نداده است، و تنها به عنوان مشکل از آن یاد می‌کند؛ جامعه‌شناسی مسائل جنسی نیز در زمینهٔ کودکانی که درگیر روابط بین نسلی یا مسائلی هستند که از محدودهٔ سن قانونی‌شان

^۱ Holloway

^۲ Holloway and Valentine

خارج است حرفی برای گفتن ندارد؛ پژوهش‌های زمینه جامعه‌شناسی طبقه اجتماعی یا جامعه‌شناسی جنسیت نیز از طریق چارچوب جامعه‌پذیری به کودکان می‌نگرد. اخیراً کارهایی در زمینه تأثیر نژاد و قومیت بر هویت صورت گرفته است که جایگاه کودکان را به عنوان عاملان اجتماعی پررنگ‌تر می‌کند و مهم‌ترینشان پژوهش انجام‌شده توسط علی^۱ (۲۰۰۳) بوده است.

رشته‌هایی که نزدیک به جامعه‌شناسی هستند مثل مطالعات سلامت نیز، هم به مطالعات حوزه کودکی یاری‌رسان بوده‌اند و هم از آن بهره برده‌اند. مطالعات روان‌شناسی نیز مدتی طولانی است هم به عنوان فاعل و هم مفعول از کودکان به مثابه موضوعات تحقیقش استفاده می‌کند. روان‌شناسی انتقادی فرضیات متداول در جریان فکری موجود را به چالش می‌کشد و کار ویگوتسکی^۲ در حوزه روان‌شناسی رشد اهمیت فراوانی برای جامعه‌شناسی کودکی داشته چراکه راه‌هایی برای سازگاری تضادهایی که میان عاملیت و رشد‌گرایی وجود دارد ارائه می‌کند.

کنفرانس‌ها، سمینارها و شبکه‌های انگلستان

ارتباطات زنجیره‌ای قدرتمندی بین دانشگاهیان، قانون‌گذاران و مشارکت‌کنندگان [در تحقیقات] در انگلستان وجود دارد که خیلی از آن‌ها از طریق اینترنت به شبکه کودکی^۳ متصل هستند که توسط واحد تحقیقات علوم اجتماعی در موسسه آموزش^۴ میزبانی می‌شود. این شبکه محلی برای اطلاع‌رسانی برای کنفرانس‌ها، سمینارها، مطبوعات، بحث‌ها و حوادث مرتبط با کودکی و کودکان در حوزه اجتماعی است. خیلی از دانشگاه‌های انگلستان میزبانی کنفرانس‌ها و سمینارها را بر عهده می‌گیرند.

¹ Ali

² Vygotsky

³ Childhood Network

⁴ Social Science Research Unit (SSRU) at the Institute of Education -

http://ioewebserver.ioe.ac.uk/ioe/cms/get.asp?cid=12002&12002_0=12007

محققان انگلیسی در کنفرانس‌های بین‌المللی نیز فعال هستند، مثل کنفرانس دوران‌های کودکی که در سال ۲۰۰۵ در اسلو^۱ برگزار شد، کنفرانس‌های برگزار شده توسط شبکه کودکی انجمن جامعه‌شناسی اروپا^۲ (که برای مثال در سال ۲۰۰۹ در لیسبون^۳ برگزار شد) و کنفرانس‌های کمیته تحقیقاتی جامعه‌شناسی کودکی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی^۴.

مشاورکت سمن‌ها

بخش فعالیت‌های داوطلبانه در زمینه رفاه کودکان و تشکیل کمپین با ترویج دانش و پژوهش کمک قابل توجهی به مطالعات کودکی کرده است. همانطور که می‌توان پیش‌بینی کرد، عمده فعالیت‌های این گروه‌ها روی حقوق کودکان است: انجام هر چه بیشتر پژوهش‌های مشارکتی که بر استفاده از نظرات خود بچه‌ها تأکید دارد - معمولاً با عنوان «شنیدن صدای کودک» شناخته می‌شود - و دادن حق حضور به آن‌ها در رویدادها و تغییرات اجتماعی. شاخص‌ترین کارهای انجام‌شده در رابطه با شرایط سخت زندگی برخی کودکان، در این بخش توسط انجمن ملی جلوگیری از ظلم به کودکان^۵، خیریه بارناردو^۶، کودکان را نجات دهیم^۷، و خانه ملی کودکان^۸ بوده است.

جامعه‌شناسی کودکی: فشارها و فرصت‌ها در میدان

در حال حاضر درگیری‌های سازنده‌ای در میدان جامعه‌شناسی کودکی وجود دارد. این درگیری‌ها به دلیل ماهیت بنیادی و جایگاه کنونی رشته و بستر فرهنگی گسترده‌ای است که تحقیقات و دانش در آن ایجاد، منتشر و به کار گرفته می‌شود. در رأس این

^۱ Oslo

^۲ European Sociological Association (ESA)

^۳ Lisbon

^۴ International Sociological Association (ISA)

^۵ The National Society for the Prevention of Cruelty to Children (NSPCC)

^۶ Barnardo's

^۷ Save the Children

^۸ National Children's Home (NCH)

مسائل، این مسئله است که چه کسی باید اهداف تحقیق را مشخص کند؛ چگونه می‌توان نامتوازن بودن قدرت میان بزرگ‌ترها و کودکان را ترتیب اثر داد و راه‌حلی برای آن ارائه کرد و چارچوب‌های اخلاقی تحقیقات حوزه کودکان چه باید باشد. پس از این‌ها مسئله‌ای که نظری‌تر است مطرح می‌شود، اینکه تا چه میزان باید از جنبه فرایندهای اجتماعی شدن، روان‌شناسی رشد و رشد جسمی برای درک کودکی و زندگی کودکان استفاده کرد. اقدامات کمی در انگلستان در راستای ایجاد سازگاری بین مسائل عاملیت و «بودن» (کورتروپ، ۱۹۹۴)، و مسائل رشد، تغییر و فرایندهایی انجام شده که منجر به این می‌شود که فرد عضوی از اجتماع یا فرهنگ شود. در آخر، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی کودکی با چالشی در ارتباط با جایگاهش در جهان آکادمیک مواجه است - تا چه میزان جزئی از دانش و فهم جریان اصلی جامعه‌شناسی درباره جهان اجتماعی یا موضوعی پرتطرفدار برای دانشجویان اما در خطر حاشیه‌ای بودن نسبت به پروژه اصلی و دغدغه‌های جامعه‌شناسی است؟

جامعه‌شناسی کودکی و حوزه سیاست‌گذاری در انگلستان

پژوهش‌های دانشگاهی و تجربی معاصر مربوط به حوزه‌های اجتماعی کودکان و کودکی در وضعیتی رخ می‌دهند که بین تمایل تدریجی‌ای که به جای دادن حقوق کودکان در انگلستان به وجود آمده و آنچه که بعضاً در جامعه انگلستان به عنوان نگرانی ملی برای کودکان از آن یاد می‌شود تناقض وجود دارد. تعریف جایگاه کودک هم به عنوان «در معرض خطر» و هم «خطرناک»، که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، پیش گرفتن رویکردهای خاصی در حوزه کودک از یک سو و از سوی دیگر کنترل کردن کودکان را واجب می‌کند. مرگ ویکتوریا کلیمبی^۱ که در سال ۲۰۰۰ توسط دوست پسرخاله‌اش به قتل رسید با وجود رسیدگی سرویس‌های اجتماعی به

^۱ Victoria Climbié - <http://www.victoria-climbie-inquiry.org.uk/>

مسئله، باعث افزایش نگرانی‌ها در این باره شد که دولت چگونه می‌تواند از کودکان در برابر آسیب‌ها محافظت کند. نگرانی‌های مشابهی در حوزه‌های دیگر نیز وجود دارند، برای مثال دغدغه اصلی اخیر، خصوصاً در اینترنت، این بوده است که چگونه از کودکان در برابر خطراتی که پدوفیل‌ها ایجاد می‌کنند محافظت کنیم، درحالی‌که گزارش‌های زیادی از کشتار نوجوانان در گروه‌های خیابانی در شهرها وجود دارد. مسئله دیگری که به حساسیت موضوع قبل نیست اما به همان اندازه مهم است افزایش توجه به کودکان فقر در انگلستان است: دولت به دنبال کاهش فقر کودکان و محرومیت‌های اجتماعی آنان به طرق مختلف مثل افزایش تمهیدات آموزشی و مراقبتی برای کودکان پیش‌دبستانی از طریق برنامه «شرِ استارت»^۱ است. این باعث می‌شود تعداد بیشتری از کودکان خانواده‌های طبقه کارگر و تک‌والد در سال‌های اول زندگی‌شان توسط دولت تحت پوشش قرار گیرند.

در آخر نگرانی رو به رشدی در رابطه با خطراتی که سلامتی روانی کودکان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد در جامعه کنونی انگلیس وجود دارد. با اینکه پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از افزایش تعداد کودکان دارای مشکلات روحی است (گرین^۲ و همکاران، ۲۰۰۵)، تا به امروز تنها اقدامات محدودی در راستای ایجاد تمهیدات مراقبت اجتماعی که مستقیماً پاسخ به این مشکلات باشند صورت گرفته است. سیاست اخیر دولت در این باره ایجاد استانداردهایی برای خدمات سلامت روان کودکان و بزرگسالان است که مراکز مراقبت و رفاه اجتماعی باید از این استانداردها برخوردار باشند (دی‌اچ، ۲۰۰۴).

¹ Sure Start -

<http://www.surestart.gov.uk/surestartservices/settings/surestartlocalprogrammes/>

² Green

همچنین نگرانی دربارهٔ کودکان و جوانان غیرقابل کنترل یا غیرمتمدن که خطری جدی برای جامعه محسوب می‌شود در صدر اهداف رسانه‌ها و دولت قرار گرفته است. دغدغه‌های موجود در زمینهٔ عملکرد ضعیف آموزشی و افزایش میزان فرار از مدرسه، که اغلب به صورت کلی به آمار نسبتاً بالای حاملگی نوجوانان در انگلیس ربط داده می‌شود، افزایش بی‌تفاوتی سیاسی و افزایش بزهکاری جوانان گواه وضعیتی خطرناک است. این گونه کودکان و جوانان روی مرز ناامیدی، بیگانگی و انزوا هستند که هر کدام این‌ها تأثیر خود را در آیندهٔ جامعه خواهد گذاشت. دغدغهٔ بعدی جوانان و کودکانی هستند که از این بندها نیز خارج شده و غیرقابل کنترل می‌شوند. این نگرانی منجر به درخواست‌هایی شد برای صدور دستورات قانونی به منظور کنترل حرکات و فعالیت‌های نوجوانانی که به عنوان خطری برای اجتماع محلی خود یا همسایگان خود محسوب می‌شوند. این دستورات قانونی - دستورات رفتارهای ضداجتماعی^۱ و اکنون قراردادهای رفتار پسندیده^۲ - فقط مخصوص جوانان نیست اما به طرز نامناسبی برای کنترل این گروه اجتماعی از آن استفاده شد. با استفاده از این دستورات می‌توان افراد خاطی را از حضور در محلهٔ خاص یا انجام رفتار خاصی محروم کرد یا او را مجبور کرد که تا ساعات خاصی از شب بتواند بیرون باشد.

سیاست‌گذاری‌های حوزهٔ کودکان و جوانان با دغدغه‌های سیاسی و مردمی حوزهٔ کودکان همراه شده که تأکیدی بر نیاز به نظارت برای کنترل و حفاظت کودکان است. مقاله‌ای مشاوره‌ای به نام مقالهٔ سبز^۳ از سوی دولت برای مباحث سال ۲۰۰۳، «هر کودکی مهم است»، چاپ شد که پس از آن در سال ۲۰۰۴ قانون کودکان به تصویب

^۱ Anti-Social Behaviour Orders (ASBOs) - <https://www.gov.uk/government/policies/crime-prevention>

^۲ Acceptable Behaviour Contracts (ABCs)

^۳ Green Paper

رسید. مهم‌ترین بندهای این قانون این پنج مورد هستند: سلامتی؛ امنیت؛ لذت کامیابی؛ مشارکت مثبت؛ دستیابی به رفاه اقتصادی. برای رسیدن به نتایج بهتر پایگاه داده‌ای طراحی شده است تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات همهٔ کودکان شبکه‌های سلامت و همچنین متخصصان مراقبت اجتماعی از طریق این پایگاه داده الکترونیک منتشر می‌شود. تعاملات میان کودکان و افراد صاحب‌نظر در این پایگاه داده ثبت می‌شود. به موازات این، اقدامات سازمان‌یافته دیگری در راستای آموزش و خدمات رفاه اجتماعی صورت گرفته است تا امکان ارائه خدمات «به‌هم پیوسته» به کودکان را فراهم آورد.

با این وجود کودکان همچنان از حقوق محدودی در قانون انگلستان برخوردار هستند. برای مثال، خانواده‌ها حق زدن کودکانشان را تحت عنوان ایجاد نظم دارند. قانون کودکان که در سال ۲۰۰۴ تصویب شد شامل تمهیداتی در انگلستان و ولز می‌شود مثل اینکه قسمت‌هایی از بدن کودک را برای کتک‌زدن ممنوع می‌کند و شدت تنبیه را نیز محدود می‌کند اما حق کتک‌زدن به عنوان تنبیه فیزیکی را از والدین سلب نمی‌کند. در سال ۲۰۰۷ بازنگری‌ای در این بند صورت گرفت اما باعث ایجاد تغییری نشد بلکه با مخالفت شدید از جانب افراد و گروه‌هایی مواجه شد مثل مأموران عالی دولتی که در حال حاضر با کودکان در ارتباط هستند. سمت مأمور عالی دولتی خود پس از قانون ۲۰۰۴ در انگلستان به وجود آمد، بجز اسکاتلند و ولز که به صورت جداگانه مأمورانی برایشان تعیین شد. این پست وظیفه اصلی اش گوش کردن به نظرات کودکان و جوانان است اما تمرکزی روی حقوق کودکان ندارد. در سطوح محلی‌تر، مسئولین محلی (که ۴۵۰ نفر در انگلیس هستند) اقدامات نوبی را مثل هیئت‌های شهروندی جوانان، دیگر استراتژی‌های مشاوره‌ای و واحدهای استراتژی جوانان انجام داده‌اند تا از طریق آن‌ها قانون‌گذاران را آگاه کنند.

بحث‌های حوزه فرهنگی و سیاسی درباره کودکان در انگلستان چالش‌های جدی را پیش روی جامعه‌شناسی کودکی می‌گذارد، در جهت اقداماتی که باید و اقداماتی که می‌تواند انجام دهد (ن.ک. جیمز و جیمز، ۲۰۰۴) و همچنین مسائلی که جامعه‌شناسی کودکی باید به آن‌ها وارد شود یا باید نقش پررنگ‌تری در آن‌ها داشته باشد را مشخص می‌کند. در حال حاضر نوعی واگرایی بین خط مشی سیاسی و اهداف سیاست‌گذاران با اهداف تحقیقات دیده می‌شود. در اینجا مسئله بحث‌برانگیز دیگری مطرح می‌شود که جامعه‌شناسی کودکی چگونه می‌تواند با اهداف سیاسی همسو شود در شرایطی که فرهنگ کنونی جامعه دید مثبتی به دادن نقش عاملیت به کودکان یا جوانان ندارد.

نتیجه‌گیری

با نگاه کلی به جامعه‌شناسی کودکی در انگلستان می‌توان به این نتیجه رسید که این رشته بیشتر در حوزه دانشگاهی در حال پیشرفت است، البته پیشرفت‌هایی در برخی جنبه‌ها در حوزه سیاست نیز داشته است. هرچند تأثیراتی که در حوزه‌های مختلف می‌گذارد متفاوت است و تحت تأثیر بستر سیاسی و فرهنگی قرار دارد؛ به این معنی که تا چه اندازه چالش‌هایی که جامعه‌شناسی کودکی در فرضیات، پیش‌فرض‌ها و قراردادهای موجود ایجاد می‌کند، قانونی، مفید و متقاعدکننده دانسته می‌شوند. در زمینه تحقیقات، پیشرفت‌های نظری مهمی اتفاق افتادند که موقعیت را برای فعالیت‌های نظری بیشتر در آینده به همراه تأکیدی که در حال حاضر بر پژوهش‌های عملی وجود دارد، و به طور کلی برای تلاش‌های بیشتر در جهت تأثیرگذاری بر جریان اصلی تفکر در جامعه‌شناسی فراهم می‌آورد.

منابع

- Alanen, Leena (1988) 'Rethinking Childhood', *Acta Sociologica* 31(1): 53–67.
- Alanen, Leena (1994) 'Gender and Generation: Feminism and the "Child Question"', in Jens Qvortrup, Marjetta Bardy, Giovanni Sgritta and Helmut Wintersberger (eds) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury
- Alanen, Leena and Mayall, Berry (2001) *Conceptualising Child-Adult Relations*. London: Routledge/Falmer.
- Alderson, Priscilla (1995) *Listening to Children: Children, Ethics and Social Research*. London: Barnardo's.
- Alderson, Priscilla and Morrow, Virginia (2004) *Ethics, Social Research and Consulting with Children and Young People*. London: Barnardo's.
- Ali, Suki (2003) 'Mixed-Race', *Post-Race: Gender, New Ethnicities and Cultural Practices*. London and New York: Berg.
- Ambert, Anne-Marie (1986) 'Sociology of Sociology: The Place of Children in North American Sociology', *Sociological Studies of Child Development* 1: 11–31.
- Archard, David (1993) *Children: Rights and Childhood*. London: Routledge.
- Brannen, Julia and O'Brien, Margaret (1995a) *Children in Families: Research and Policy*. London: Falmer Press.
- Brannen, Julia and O'Brien, Margaret (1995b) *Childhood and Parenthood*. London: Institute of Education.
- Burman, Erica (1994) *Deconstructing Developmental Psychology*. London: Routledge.
- Christensen, Pia and Prout, Alan (2002) 'Working with Ethical Symmetry in Social Research with Children', *Childhood* 9(4): 477–97.
- Clarke, John, Critcher, Chas and Johnson, Richard (eds) (1976) *Working Class Culture*. London: Hutchinson.
- Cockburn, Tom (1998) 'Children and Citizenship in Britain: A Case for a Socially Interdependent Model of Citizenship', *Childhood* 5(1): 99–117.
- Cocks, Alison J. (2006) 'The Ethical Maze: Finding an Inclusive Path Towards Gaining Children's Agreement to Research Participation', *Childhood* 13(2): 247–66.

- Cohen, Stan (1972) *Folk Devils and Moral Panics: The Creation of the Mods and Rockers*. St Albans: Paladin.
- Cooter, Roger (1992) *In the Name of the Child: Health and Welfare 1880–1940*. London: Routledge.
- Corsaro, William A. (1997) *The Sociology of Childhood*. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Cunningham, Hugh (1995) *Children and Childhood in Western Society since 1500*. London: Longman.
- Daniel, Paul and Ivatts, John (1998) *Children and Social Policy*. Basingstoke: Macmillan.
- Davis, John M. (1998) 'Understanding the Meanings of Children: A Reflexive Process', *Children and Society* 12(5): 325–35.
- DH (Department of Health) (2004) *National Service Framework for Children, Young People and Maternity Services: The Mental Health and Psychological Well-Being of Children and Young People*; at: www.dh.gov.uk/PublicationsAndStatistics/Publications/PolicyAndGuidance/PublicationsPolicyAndGuidanceArticle/fs/en?CONTENT_ID=4089114&chk=CKZObO (accessed 28 May 2008).
- DH (Department of Health) (2005) *Research Governance Framework for Health and Social Care*, 2nd edn. London: The Stationery Office.
- Devine, Dymna (2002) 'Children's Citizenship and the Structuring of Adult–Child Relations in the Primary School Childhood', *Childhood* 9(3): 303–20.
- *Feminist Review* (1988) 'Family Secrets: Child Sexual Abuse', No. 28 (Special issue).
- Frost, Nick and Stein, Mike (1989) *The Politics of Child Welfare*. Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf.
- Goffman, Erving (1959) *The Presentation of Self in Everyday Life*. New York: Doubleday.
- Green, Hazel, McGinnity, Aine, Meltzer, Howard, Ford, Tamsin and Goodman, Robert (2005) 'Mental Health of Children and Young People in Great Britain, 2004', Office of National Statistics, DoH and Scottish Executive. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Hall, Stuart and Jefferson, Tony (eds) (1976) *Resistance through Rituals*. London: Hutchinson.

- Hardman, Charlotte (1978) 'Can There Be an Anthropology of Children?', *Journal of the Anthropological Society Oxford* 4(1): 85–99.
- Hendricks, Harry (1990) 'Constructions and Reconstructions of British Childhood: An Interpretive Survey, 1800 to Present', in Allison James and Alan Prout (eds) *Constructing and Reconstructing Childhood*. London: Falmer.
- Hendricks, Harry (1997) *Children, Childhood and English Society, 1880–1990*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hendricks, Harry (ed.) (2005) *Child Welfare and Social Policy: An Essential Reader*. London: Policy Press.
- Holloway, Sarah and Valentine, Gill (2000) *Children's Geographies: Playing, Living, Learning*. London: Routledge.
- Holt, John (1975) *Escape from Childhood: Needs and Rights of Children*. Location: Pelican.
- Hutchby, Ian (2007) *The Discourse of Child Counselling*. Amsterdam: John Benjamins.
- Hutchby, Ian and Moran-Ellis, Jo (1998a) 'Situating Children's Social Competence', in Ian Hutchby and Jo Moran-Ellis (eds) *Children and Social Competence: Arenas of Action*. London: Falmer Press.
- Hutchby, Ian and Moran-Ellis, Jo (eds) (1998b) *Children and Social Competence: Arenas of Action*. London: Falmer Press.
- Hutchby, Ian and Moran-Ellis, Jo (eds) (2001) *Children, Technology and Culture*. London: Falmer Press.
- James, Allison and James, Adrian (2004) *Constructing Childhood: Theory, Policy and Practice*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- James, Allison and Jenks, Chris (1996) 'Public Perceptions of Childhood Criminality', *The British Journal of Sociology* 47(2): 315–31.
- James, Allison and Prout, Alan (eds) (1990) *Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood*. London: Falmer Press.
- James, Allison, Jenks, Chris and Prout, Alan (1998) *Theorizing Childhood*. Cambridge: Polity.
- Jenks, Chris (1982) *Sociology of Childhood: Essential Readings*. London: Batsford.

- Kitzinger, Jenny (1990) 'Who Are You Kidding? Children, Power and the Struggle Against Sexual Abuse', in Allison James and Alan Prout (eds) *Constructing and Reconstructing Childhood*. London: Falmer.
- Komulainen, Sirkka (2007) 'The Ambiguity of the Child's "Voice" in Social Research', *Childhood* 14(1): 11–28.
- Lee, Nick (1998) 'Towards an Immature Sociology', *The Sociological Review* 46(3): 459–82.
- Lee, Nick (2001) *Childhood and Society: Growing up in an Age of Uncertainty*. Philadelphia, PA: Open University Press.
- Lee, Nick (2005) *Childhood and Human Value: Development, Separation and Separability*. Buckingham: Open University Press.
- Leonard, Madeleine (2004) 'Children's Views on Children's Right to Work: Reflections from Belfast', *Childhood* 11(1): 45–61.
- Luke, Carmen (1989) *Pedagogy, Printing and Protestantism: The Discourse on Childhood*. Albany: State University of New York Press.
- McRobbie, Angela and Garber, Jenny (1976) 'Girls and Subcultures: An Exploration', in Stuart Hall and Tony Jefferson (eds) *Resistance Through Rituals: Youth Subcultures in Post-War Britain*. London: Centre for Contemporary Cultural Studies.
- Mayall, Berry (1990) 'The Division of Labour in Early Child Care: Mothers and Others', *Journal of Social Policy* 19: 229–330.
- Mayall, Berry (1994) *Children's Childhoods: Observed and Experienced*. London: Routledge.
- Mayall, Berry (1996) *Children, Health and the Social Order*. Buckingham: Open University Press.
- Mayall, Berry (1999) 'Children and Childhood', in Suzanne Hood, Berry Mayall and Sandy Oliver (eds) *Critical Issues in Social Research: Power and Prejudice*. Buckingham: Open University Press.
- Mayall, Berry (2002) *Towards a Sociology for Childhood: Thinking from Children's Lives*. Buckingham: Open University Press.
- Mayall, Berry and Zeiher, Helga (2003) *Childhood in Generational Perspective*. London: Institute of Education.
- Mitchell, Juliet (1973) *Women's Estate*. New York: Vintage Books.
- Mizen, Phil, Pole, Christopher and Bolton, Angela (2001) *Hidden Hands: International Perspectives on Children's Work and Labour*. London: Routledge/Falmer.

- Mullender, Audrey, Hague, Gil, Imam, Umme, Kelly, Liz, Malos, Ellen and Regan, Linda (2002) *Children's Perspectives on Domestic Violence*. London: Sage.
- Neale, Bren (2002) 'Dialogues with Children: Children, Divorce and Citizenship', *Childhood* 9(4): 455–75.
- Oakley, Ann (1979) *Becoming a Mother*. Oxford: Martin Robertson.
- Oakley, Ann (1994) 'Women and Children First and Last: Parallels and Differences between Children's and Women's Studies', in Berry Mayall (ed.) *Children's Childhoods: Observed and Experienced*. London: Falmer.
- Pilcher, Jane and Wagg, Stephen (eds) (1996) *Thatcher's Children? Politics, Childhood and Society in the 1980s and 1990s*. London: Falmer Press.
- Piper, Christine (2005) 'Moral Campaigns for Children's Welfare in the Nineteenth Century', in Harry Hendricks (ed.) *Child Welfare and Social Policy: An Essential Reader*. London: Policy Press.
- Prout, Alan (ed.) (2000) *The Body, Childhood and Society*. Basingstoke: Macmillan.
- Prout, Alan (2002) 'Researching Children as Social Actors: An Introduction to the Children 5–16 Programme', *Children and Society* 16(2; Special issue): 67–76.
- Punch, Samantha (2002) 'Research with Children: The Same or Different from Research with Adults?', *Childhood* 9(3): 321–41.
- Qvortrup, Jens (1994) 'Childhood Matters: An Introduction', in Jens Qvortrup, Marjatta Bardy, Giovanni Sgritta and Helmut Wintersberger (eds) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Qvortrup, Jens, Bardy, Marjetta, Sgritta, Giovanni and Wintersberger, Helmut (eds) (1994) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Richardson, Diane (1993) *Women, Motherhood and Childrearing*. Basingstoke: Macmillan.
- Roche, Jeremy (1999) 'Children: Rights, Participation and Citizenship', *Childhood* 6(4): 475–93.

- Rose, Nikolas (1985) *The Psychological Complex: Psychology, Politics and Society in England, 1869–1939*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Ryan, Patrick J. (2008) 'How New is the "New" Social Study of Childhood? The Myth of a Paradigm Shift', *Journal of Interdisciplinary History* XXXVIII(4): 553–76.
- Shildrick, Tracy (2006) 'Youth Culture, Subculture and the Importance of Neighbourhood', *Young* 14(1): 61–74.
- Waksler, Frances Chaput (ed.) (1991) *Studying the Social Worlds of Children: Sociological Readings*. London: Falmer Press.
- Wattam, Corrine, Hughes, John A. and Blagg, Harry (1989) *Child Sexual Abuse: Listening, Hearing and Validating the Experiences of Children*. Harlow: Longman.
- Willis, Paul (1977) *Learning to Labour: How Working Class Kids Get Working Class Jobs*. Farnborough: Saxon House.

شیوه‌های مرئی‌سازی مسائل کودکان در برزیل

تحلیلی از مشارکت علوم اجتماعی در این امر

لوسیا رابلو دکاسترو^۱ و اتل کازمینسکی^۲، ترجمه عاطفه اولیایی

چکیده

این مقاله مشارکت علوم اجتماعی را در مرئی‌سازی مسائل کودکان در برزیل از دهه ۱۹۶۰ تا کنون مورد بررسی قرار می‌دهد. اولین نظام مرئی‌سازی، کودکی را همچون بخشی ساختاری از عدم تساوی اجتماعی، و «مسئله‌ای اجتماعی» می‌داند که انگیزه حمایت‌های دانشمندان علوم اجتماعی از سیاست‌های اجتماعی است. مطالعه کار کودکان و مهم‌تر از همه، مسائل آموزشی، پژوهش‌های بسیاری را دامن زده است. دومین نظام مرئی‌سازی کودک را به مثابه بازیگری در صحنه اجتماع با برخورداری از حقوق اجتماعی بررسی می‌کند. پیامد بین‌المللی شدن حقوق کودکان، قانون‌گذاری در برزیل و نیز انگیزه مطالعاتی درباره کودکان شد. علی‌رغم آنکه پژوهش‌های اجتماعی مسائل بسیاری را مطرح ساختند، به منظور همپایه کردن این پژوهش‌ها با تحقیقات در سایر زمینه‌ها، بودجه بیشتر و مشارکتی فعال در زندگی اجتماعی کودکان لازم است.

^۱ لوسیا رابلو دکاسترو (Lucia Rabello de Castro)، دانشگاه فدرال ریودوژانیرو (Universidade

(Federal do Rio de Janeiro

^۲ اتل کازمینسکی (Ethel V. Kosminsky)، دانشگاه ایالتی پائولستا و کوئینز کالج (Universidade

(Estadual Paulista and Queens College

کلیدواژه‌ها: برزیل، کودکی، حقوق کودکان، تصویر اجتماعی، مسئله اجتماعی، علوم اجتماعی، جامعه، مرئی‌سازی

مقدمه

جمعیت ۱۴۰ میلیونی کودکان (۰ تا ۱۴ ساله) در آمریکای جنوبی، دلیلی بر اهمیت آنان و نیاز به اختصاص متناسب منابع اجتماعی برایشان است. از ۱۷۰ میلیون جمعیت برزیل، تقریباً ۴۸۶۰۰ میلیون و یا به عبارت دیگر ۳۰ درصد جمعیت را کودکان (تا ۱۴ ساله) تشکیل می‌دهند (مؤسسه جغرافیا و آمار برزیل^۱، ۲۰۰۳). واقعیت اجتماعی زندگی کودکان رو به وخامت است و شاهد آن نرخ بالای مرگ کودکان (به طور متوسط ۲۸٫۷ از هر هزار نوزاد)، سوء تغذیه، روسپیگری، و فرار از مدرسه و خانه (۱٫۶ میلیون از ۲۷ میلیون کودک بین ۷ تا ۱۴ ساله) است^۲. درحالیکه موارد اقتصاد کلان همچون نرخ تورم، کاهش تولید ناخالص ملی و غیره همچون مسائل ملی درجه اول ثبت می‌شوند، به مسائل کودکان توجه لازم نمی‌شود و مشکلات آن‌ها را در پس غرور ملی و مشکلات خانوادگی پنهان می‌کنند.

وینترزبرگر^۳ (۱۹۹۶) در تحلیل خود از کودکی مدرن با استفاده از داده‌هایی عمدتاً برگرفته از اروپای غربی، نتیجه‌گیری کرده است که در مقایسه با گروه‌های اجتماعی دیگر، سهم کودکان از برخورداری از رشد اقتصادی جامعه کمتر بوده است. در جوامع مدرن کودک، به مثابه موردی که نیارمند حمایت و تأمین نیاز است برآورد

^۱ Instituto Brasileiro de Geografia e Estatística (IBGE)

^۲ حتی داشتن شناسنامه که حقی قانونی در برزیل است برای هزاران کودک تضمین شده نیست. بر اساس آمار رسمی در سال ۲۱ درصد کودکان در سال ۲۰۰۲ در نخستین سال پس از تولدشان و نه در سه ماهه اول سال ۲۰۰۴ ثبت نشده بودند. این رقم بالغ بر ۷۷۴۰۰۰ کودک است.

^۳ Wintersberger

شده و از آنجا که شرایط مادی و توازن قدرت به ضرر کودکان است، هنوز به مرتبه‌ای که کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل به وی اعطا کرده، نرسیده است. اگر شرایط کودکان در اروپای غربی چنین باشد، در کشورهای آمریکای جنوبی که مکانیسم بازتوزیع (اگر وجود داشته باشد) تأثیری بسیار کم در براندازی بی‌سواد و فقر داشته است، اوضاع به مراتب بدتر است. در چنین شرایطی، هدف ما بررسی سهم علوم اجتماعی در برزیل، در مطرح کردن و مرئی‌سازی کودک به عنوان عامل کنش و نیز طبیعت شراکتشان به جامعه است. چگونه مسائل کودکان توانسته است توجه و سرمایه‌گذاری دانشمندان علوم اجتماعی را به سوی معکوس کردن «بی‌توجهی ساختاری جامعه در قبال کودکان» (کافمن^۱، ۱۹۹۰، نقل شده در کورتروپ^۲، ۱۹۹۳) متمایل کند؟ و نیز به چگونگی دسته‌بندی مسائل کودکان، در نظر گرفتن کودکان همچون موارد تحقیق و در نتیجه شکل دادن به مباحثات علوم اجتماعی در برزیل و نحوه توجه آکادمی به کودکان خواهیم پرداخت. در این راه، به تأثیر مسائل کودکان بر تولید علمی علوم اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی درباره کودکان تمرکز خواهیم کرد. این تحلیل ما را قادر به طرح مسائل کودکان، ارزش‌های متبلور و عقاید جامعه برزیل درباره آن‌ها، و نحوه شراکت علوم اجتماعی در شکل‌گیری این ذهنیت خواهد نمود.

تصویر کلی منتج از این پژوهش حاکی از شراکت بسیار ضعیف جامعه‌شناسی در «معکوس کردن بی‌توجهی ساختاری جامعه در قبال کودکان» است. برخی دلایل ممکن این امر را با روشن کردن نحوه شکل‌گیری تاریخی و نهادی علوم اجتماعی در

^۱ Kaufmann

^۲ Qvortrup

برزیل، نظریه‌پردازی‌های اصلی آن و میزان توجه آن به موقعیت کودکان در طی زمان، توضیح خواهیم داد.

قابل ذکر است که مسائل کودکان در برزیل، مرتبط با موقعیت جغرافیایی این کشور در سیستم جهانی است. برزیل در حاشیه‌ی دنیای غرب واقع شده است و بدین لحاظ پژوهشگران این کشور مدیون تولیدات اروپایی و آمریکای شمالی‌اند و بدین لحاظ با امری دشوار روبرو هستند: مشخص کردن ویژگی‌های طرح «مسئله‌ی کودکان» در برزیل و تشابهات و تفاوت‌های آن با برخورد به مسائل کودکان در صحنه‌ی بین‌المللی. مانند هر مورد دیگر، احتمال کمتر یا بیشتر از اندازه‌ی مشابه‌دانستن آن‌ها وجود دارد. اولین اشتباه ناشی از عدم فاصله‌گیری لازم و دومین اشتباه واکنشی پس‌زننده به دنیای خارج و توهم استقلال کامل از نفوذ آن است.

از آنجا که مفهوم کودکی، در پیچاپیچ روند رشد و توسعه‌ی بین‌المللی شکل گرفته است، در عین برخورداری از تنش‌های خاص خود، تشابهانی نیز دارد، طرح مفهومی جهانی از کودک و حقوق وی در کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودکان نیز تأکیدی بر این امر است. کشورهای حاشیه‌ای، علی‌رغم عدم برخورداری از شاخص‌های تجدد در زمینه‌های رشد اجتماعی و عملکرد فرهنگی‌شان، به وسوسه‌ی وام‌گیری از گفتمان تجدد، و امروزه، جهانی‌شدن، افتاده‌اند.

از ناپدید شدن تا پدیدار شدن: کودکی به مثابه «مسئله‌ای اجتماعی» بین

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰

در اوایل قرن بیستم اندیشمندان علوم اجتماعی برزیل دکترها و کلای تحصیل کرده‌ی خارج بودند. پیشوای علوم اجتماعی در برزیل، نینا رودریگز^۱ انسان‌شناس است. رودریگز مروج «مکتبی» بود با نظریه‌ی محوری مستعدبودن بیولوژیکی تبهکاران به جرم

^۱ Nina Rodrigues

از سنین پائین (رودریگز، ۱۹۰۴، ۱۹۵۷ [۱۹۳۸]). وی که تحت نفوذ اثبات‌گرایی و طب بهداشتی کودکان اسپنسر بود، مانند دکتر مونکورو فیلو^۱ (۱۹۱۷، ۱۹۲۶) دیدگاهی طبی بر جامعه داشت و با آن به مثابه موجودی زنده که باید مورد مراقبت و درمان قرار گیرد برخورد می‌کرد. افکار مونکورو فیلو درباره تربیت کودک بسیار رایج و مرجع هنجاری بورژوازی نوپای اوایل قرن بیستم در برزیل بود. مرجع مهم دیگر مانوئل بومفیم^۲، دکتر و استادی که در سال‌های ۱۹۲۶، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲ و ۱۹۹۳، درباره اهمیت آموزش کودکان در توسعه برزیل به منظور همپایی با آمریکا می‌نگاشت. دانشکده علوم اجتماعی در اواخر دهه ۱۹۵۰ تأسیس شد و در دهه ۱۹۸۰، به تدریج جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم سیاسی بنا نهاده شدند. یکی از اولین دپارتمان‌های علوم اجتماعی در دانشکده فلسفه دانشگاه سائوپائولو^۳ برقرار شد و نقشی تعیین‌کننده در گسترش این رشته در برزیل ایفا کرد. در این زمینه به فلورستن فرناندز^۴ (عالم علوم اجتماعی) و کایو پرادو جونیور^۵ (وکیل)، که هر دو در این دانشگاه به تدریس پرداختند، بسیار ارجاع داده می‌شود.

آهنگ رشد سیاسی و اقتصادی کشور، دانشمندان علوم اجتماعی را به طرف موضوعاتی که به طور آشکار با نوسانات دموکراسی برزیل مربوط بود کشاند. از زمان اعلام جمهوری در ۱۸۸۹، برزیل دستخوش چندین کودتا و حکومت استبدادی (۴- ۱۸۹۱؛ ۴۵-۱۹۳۷؛ و ۸۳-۱۹۶۴) بوده است. بدین لحاظ، نقش دولت، نهادها و مسائل ناشی از برقراری اقتصادی مدرن مرکز توجه دانشمندان علوم اجتماعی شد. دهه ۱۹۶۰ به تحقیقات تحلیلی عوامل توسعه‌نیافتگی اقتصاد کشورهای حاشیه‌ای همچون برزیل

¹ Moncorvo Filho

² Manoel Bomfim

³ University of São Paulo

⁴ Florestan Fernandes

⁵ Caio Prado Júnior

معروف بود و به عنوان مثال می‌توان از مطالعات سلسو فورتادو^۱ (۱۹۵۶، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۶) نام برد.^۲ موارد دیگر تحقیق عبارت بودند از: تنش اجتماعی - اقتصادی ناشی از صنعتی‌شدن، شهرنشینی و تغییرات کشوری عمدتاً روستایی و جامعه اولیه‌گارش با تاریخ چهارصد سال کار بردگی (فرناندز، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۸، ۱۹۷۳؛ پرادو جونیور^۳، ۱۹۵۴، ۱۹۶۶، ۱۹۷۵، ۱۹۸۷).

بنابراین در برزیل، علوم اجتماعی بر پایه تحقیقات در موضوعات اقتصاد کلان (متأثر از بن‌بست‌ها و تضادهای ناشی از خواست مدرن‌شدن، آن هم در چارچوب تاریخی مستعمرگی، کار بردگی، شکر و بعد قهوه و صدور کالاهای مصرفی) رشد کرد. دانشمندان علوم اجتماعی هنوز هم با معضل عدم عدالت اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ در این میان، مسائل کودکان فقط به صورت جسته گریخته در مباحثات اجتماعی که بیشتر حول سنت نظری تحلیل مارکسیستی می‌چرخید، مطرح می‌شد. یکی از تمرکزهای مهم علایق پژوهشی، موضوع شکل‌گیری طبقه کارگر، به خصوص در سائوپائولو، جایی که اولین صنایع مستقر شدند که نیروی کار مهاجر را به خدمت گرفتند. طبق پژوهش فرناندز (۱۹۶۱) مطالعات روندهای معاشرت یکی از اولین راه‌های برجسته کردن کودکان بود. گزارش فرناندز پژوهش دوران دانشجویی وی بود که بعدها به کمک استاد راهنمایش، راجر بستید^۴، جامعه‌شناس فرانسوی به چاپ رسید. در این مطالعه زندگی اجتماعی کودکان، فرناندز شیوه بازی و آموختن

^۱ Celso Furtado

^۲ وی در سال ۱۹۴۴ از دانشکده حقوق ریو دو ژانیرو فارغ‌التحصیل شد. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های او ساخت اقتصادی برزیل بود که در سال ۱۹۵۹ منتشر شد. وی در نهادهای دولتی و کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین کار کرد. وی مؤسس «مکتب» تاریخ‌نویسی اقتصادی در زمینه توسعه‌نیافتگی است.

^۳ Prado Jr

^۴ Roger Bastide

شعرهای قدیمی لوسوی برزیلی^۱ را در شهر سائوپولو بررسی می‌کند. با در نظر گرفتن کودکان به مثابه افراد درگیر در زندگی اجتماعی، وی آن‌ها را عوامل انتقال دانش به والدین مهاجر خود پنداشت و به این ترتیب درباره روند اجتماعی شدن معکوس (از فرزندان به والدین) سخن گفت. بسیار پیش از آن، در دهه ۱۹۳۰، فریر^۲، یکی دیگر از دانشمندان برجسته علوم اجتماعی برزیل، طی مطالعه اجتماعی-تاریخی برزیل (فریر، ۲۰۰۵ [۱۹۳۳])، نشان داد که چگونه کودکان به همراه دایه‌های برده‌شان روندهای زبانی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تولید می‌کنند. در چهاردیواری خانه‌ها، نه تنها واژگان پرتغالی و صرف و نحو، بلکه آداب خوردن، لباس پوشیدن و خوابیدن در تعامل کودکان و دایه‌ها دگرگون شد. فریر نشان داد که حتی در اجتماع روستایی و پدرسالار برزیل، گروه‌های فرو دست همچون کودکان و زنان برده در بازتولید هنجارهای زبانی و فرهنگی نقش داشته‌اند.

متأسفانه، این یافته‌های مهم به طور منظم مورد پژوهش قرار نگرفتند تا ضوابطی برای مطالعات دهه‌های بعدی مشخص شود. مثلاً در مطالعات اجتماعی فرناندز دیگر به موضوع کودکان برنمی‌خوریم. به دلایل زیادی که خارج از این بحث است، پژوهش‌های فریر جنبه عام نیافت و بنابراین اهمیت کار وی برای همگان چندان آشنا نیست.

به طور کلی، می‌توان گفت که بین سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۸۰ در مطالعات دانشمندان علوم اجتماعی، مسائل کودکان و موضوع کودکی جای خود را به پژوهش درباره تشکیل طبقات، مهاجرت و شهرنشینی داد. طی نیمه اول قرن بیستم، در شهرهای مهم برزیل همچون ریودوژانیرو و سائوپولو، برده‌ها یا مهاجران غیرحرفه‌ای و بیکار تبدیل

¹ Luso-Brazilian

² Freyre

به مشکلی اجتماعی شدند و معضل کودکان رها شده، بخشی از تضاد روند تجدد برزیل محسوب شد که ناتوان از ارائه آموزش‌های ابتدایی، مسکن، و اشتغال برای جمعیت فزاینده فقیر در شهرها بود.

تحلیلی نظام‌مند از میزان مشارکت علوم اجتماعی در سنجش مسائل کودکان بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۵ تحت عنوان «کودکی و جامعه در برزیل: تحلیل ادبیات»^۱ توسط الویم^۲ و والادارس^۳ در ۱۹۸۸ به چاپ رسید. در این مطالعه، ۲۱۲ عدد از انتشارات دانشگاهی و دولتی درباره سرنوشت کودکان فقیر، همچون رهاشدگی، بی‌توجهی و شرارت را مورد بررسی قرار دادند. انتشارات بررسی شده، موضوعاتی مانند قانون‌شکنی و بزهکاری، کار کودکان، قوانین در مورد صغیران، خانواده کودکان فقیر، حبس صغیران و مسائل حاصله، مشخصات اقتصادی-اجتماعی کودکان فقیر، کودکان خیابان، و سیاست‌های اجتماعی در مورد صغیران را مورد مطالعه قرار داده بود. الویم (انسان‌شناس) و والادارس (جامعه‌شناس) از اولین‌ها در رواج ادبیات علوم اجتماعی درباره کودکی از زاویه اهمیت اجتماعی نیازهای زاده وضعیت کودکان فقیر و فراموش شده هستند. به نظر این دو، علوم اجتماعی باید با توجه و روکردن به کودکان فقیر، دانش لازم را برای سیاست‌گذاران این حیطه فراهم سازد. به این لحاظ، مرئی‌سازی کودکان لازمه و گام اصلی برای مرکزی‌ساختن کودکان در دغدغه‌های سیاسی-اجتماعی است. قابل ذکر است که این عملیات در مرئی‌سازی کودکان فقیر موفق بود. زمانی که موضوع کودکی، با توجه به کودکان طبقه پائین مطرح شود، به مثابه قربانی معضلات وخیم اجتماعی برآورد شده و در نتیجه، علی‌رغم

^۱ Childhood and Society in Brazil: An Analysis of the Literature

^۲ Alvim

^۳ Valladares

آن که اکثریت برزیلی‌ها را شامل می‌شود، کودکان را بی‌دفاع‌ترین قربانیان برآورد می‌کند و بنابراین شایسته‌توجه جامعه می‌گردند.

به علت افزایش دائمی جمعیت کودکان ولگرد و ارتکاب تصاعدی جرایم، دادگاه سائوپولو از مرکز برنامه‌ریزی و تحلیل برزیل^۱ (۱۹۷۲) درخواست انجام پژوهشی برای پشتیبانی از سیاست‌های اجتماعی برای این جوانان کرد. نتیجه آن، «کودکان، نوجوانان و شهر»^۲ بدل به پژوهشی مرجع برای مطالعات کودکان به حاشیه رانده شده شد. مهم‌تر آنکه این مطالعه موضوعاتی همچون رابطه بین ساختار خانواده‌هایی که کار می‌کنند، کودکان تهکار، فقر و جرم را مورد توجه قرار داد. رهاشدگی کودکان در شهرهای بزرگ، معضل اجتماعی شناخته شد و در نتیجه محتاج سیاست‌های اجتماعی. مهمترین سیاست اجتماعی عبارت شد از نهادینه کردن مفهوم «کودکان کج‌رو». این سیاست رابطه بین کودکان فقیر و جامعه را به طور روزافزونی قضایی کرد: دو «مجموعه قانونی درباره کودکان صغیر» در سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۷۹ عرضه شد. به این شکل کودکان فقیر، مجرمانی بالقوه و خطرناک و مترصد ارتکاب جرم معرفی شدند و بنابراین لایق تنبیه قانونی گردیدند. آمارهای منتشره از جانب اداره فدرال یاری و حفاظت کودکان صغیر^۳ (۱۹۸۴) به خطیر بودن اوضاع هشدار می‌داد. برآورد شده بود که حدود ۳۰ میلیون کودک صغیر (کمتر از ۱۹ سال)، یعنی نیمی از کودکان صغیر برزیل، رهاشده محسوب می‌شوند.

^۱ Brazilian Centre of Planning and Analysis (CEBRAP)

^۲ The Child, the Adolescent and the City

^۳ FUNABEM

مطالعات بی‌شماری در میدان‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی (مثلاً کامپوس^۱، ۱۹۸۴؛ کاروالو^۲، ۱۹۷۷؛ کاسترو^۳، ۱۹۷۸؛ فاستو^۴ و کروینی^۵، ۱۹۹۱؛ فریرا^۶، ۱۹۸۰؛ گویرادو^۷، ۱۹۸۰؛ کازمینسکی، ۱۹۹۴؛ ریبرو^۸ و باربوسا^۹، ۱۹۸۷) به معضل پیچیده ناشی از تبهکاری کودکان و درمان نهادینه کردن‌ها (که اغلب به معنای زندانی کردنشان در سازمان‌های دولتی، بنیاد رفاه کودکان صغیر، و سازمان‌های یاری و حفاظت کودکان صغیر بود) و غیبت سیاست‌های دولتی مؤثر در مبارزه جدی با مشکل کودکان اشاره داشت.

درحالی‌که مرئی‌بودن کودکان در علوم اجتماعی از دید توجه به «کودک فقیر و رهاشده» صورت می‌گرفت، الگوی تحقیق در علوم انسانی به‌خصوص روان‌شناسی، «کودک رشدیابنده» بود (کاسترو، ۱۹۹۲) که هنوز عاملی کاملاً توانا برآورد نمی‌شد و در نتیجه محتاج به آموزش و پرورش و فراگیری اجتماعی شدن بود.

در این دوره، در جامعه برزیل و نیز سایر کشورها، کودک و کودکی عمدتاً به مثابه «مسئله اجتماعی» و یا «بزرگسالان آینده» تصویر می‌شد (کورسارو^{۱۰}، ۱۹۹۷). با این حال، پژوهشگرانی که به مسائل فمینیسم و اقلیت‌ها توجه داشتند، غیرمستقیم به راه مطالعه مشکلات کودکان به مثابه «به حاشیه رانده‌شدگان» افتادند (الانن^{۱۱}، ۲۰۰۱). در برزیل، رابطه بین مطالعات جنسیت/فمینیسم و مطالعات درباره کودکی روشن نبوده

¹ Campos

² Carvalho

³ Castro

⁴ Fausto

⁵ Cervini

⁶ Ferreira

⁷ Guirado

⁸ Ribeiro

⁹ Barbosa

¹⁰ Corsaro

¹¹ Alanen

است؛ با این حال مطالعات دربارهٔ کودکان تا حدودی همانند مطالعات دربارهٔ مهاجرت بوده است. در برزیل، مهاجرین نیروی کار عمدهٔ اولین کارخانجات برزیل را تشکیل می‌دادند. در نیمهٔ اول قرن بیستم، مردان، زنان و کودکانشان در کارخانه‌های کوچک و بزرگ صنعتی کار کرده و به تولید خوراک، آشامیدنی، کفش، کاشی و پارچه می‌پرداختند (مورا^۱، ۱۹۸۲). نیروی کار کودکان چه در نهادهای تجاری و چه در خیابان‌ها از اهمیتی بسیار برخوردار بود. بنابراین، کودکان از ورای مطالعات مهاجرین در کارخانجات و غیره، مرئی شدند.

به آهستگی، موضوع کار کودک به عنوان موضوع پژوهش جا افتاد. دو مقالهٔ مهم در ماجادو نتو^۲ در ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ چاپ شدند. این مقالات از دید مارکسیستی رابطهٔ بین کار نامرئی دختران و پسران را در خانواده‌ها و خیابان‌ها و اقتصاد سرمایه‌داری بررسی می‌کرد. این مقالات نه تنها به دلیل ارائهٔ مفاهیمی کلیدی دربارهٔ کار کودکان در خانه، بلکه به علت نوآوری در شیوهٔ پژوهش مراجعی برجسته شدند: در این تحقیقات از سؤالات باز استفاده شد و به مشاهدات کودکان مورد مطالعه ارج گذاشته شد. این مقالات از مراجع اولیه به حساب آمده و دیگر محققین (داوستر^۳، ۱۹۹۱؛ کازمینسکی و سانتانا^۴، ۲۰۰۶؛ ریزینی^۵ و فونسکا^۶، ۲۰۰۲؛ سابویا^۷، ۲۰۰۰؛ استنگل^۸ و مورثرا^۹، ۲۰۰۳) را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

^۱ Moura

^۲ Machado Neto

^۳ Dauster

^۴ Santana

^۵ Rizzini

^۶ Fonseca

^۷ Saboia

^۸ Stengel

^۹ Moreira

کار پیر بوردیو^۱، تحت عنوان *بازتولید*^۲ که در ۱۹۷۵ در برزیل منتشر شد بر آموزگاران و استادان برزیلی که خود در دهه ۱۹۸۰ درباره موضوعاتی همچون عدم تساوی آموزشی و سیاست‌های اجتماعی آموزشی حساس بودند، تأثیر بسیاری گذاشت (براندائو^۳ و بونامینو^۴، ۱۹۹۴؛ براندائو و سیکوئرا^۵، ۱۹۸۵؛ براندائو و همکاران، ۱۹۸۳؛ کونا^۶، ۱۹۷۹؛ گادوتی^۷، ۱۹۸۳، ۱۹۸۷؛ ساویانی^۸، ۱۹۸۳). تحلیل‌های ساختارگرایانه نظام آموزشی الهام‌بخش بسیاری از مطالعات قرار گرفت (کاتانی^۹ و همکاران، ۲۰۰۱) و با گشودن فصل مشترکی میان جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش، به موضوعاتی از فرصت‌های آموزشی گرفته تا تحرک اجتماعی و چارچوب‌های آموزشی کودکان پرداخت. در این مطالعات کودکان به عنوان شاگرد و هدف آموزش دیده می‌شدند. دو مجله علمی مهم^{۱۰} که در ۱۹۷۱ و ۱۹۷۸ منتشر شدند، سهم به سزایی در گشودن راه مذاقه و تفکر درباره آموزش و جامعه ایفا کردند.

بین دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ میدان مطالعات وسیعی درباره کودکی باز شد، لیکن موضوعات به طور نظام‌مند دنبال نمی‌شدند و مورد پژوهش قرار نمی‌گرفتند. کودکی هنوز به طور اتفاقی و بسیار کم در کارهای قابل تعمق بسیاری از محققین یافت می‌شد و هنوز موضوعی نسبتاً بی‌ثبات در روند پژوهش‌های علمی بود. لیکن آنچه اهمیتی کسب کرد، برخورد با این موضوع به عنوان «مسئله‌ای اجتماعی» و عاملی مهم در عدم تساوی اجتماعی در برزیل بود و وجود تبعیضی در ذهن و تخیل برزیلی‌ها در مورد

¹ Pierre Bourdieu

² *La Reproduction*

³ Brandão

⁴ Bonamino

⁵ Siqueira

⁶ Cunha

⁷ Gadotti

⁸ Saviani

⁹ Catani

¹⁰ *Educação e Sociedade* and *Cadernos de Pesquisa*

کودک و کودکی را مورد تأکید قرار داد: از یک طرف کودکان فقیر و فراموش شده به عنوان «صغیر»هایی تبهکار مطرح می‌شدند که می‌بایست مورد تنبیه قانونی قرار می‌گرفتند، و از طرف دیگر کودکان خانواده‌های ثروتمند به عنوان شاگرد، و عناصری که هنوز اجتماعی نشده‌اند تصویر می‌شدند. در هر دو مورد کودکان نه به عنوان عامل کنش (سوژه) بلکه موضوعی (ابژه) که شاید قربانی شرایطشان بودند (و شاید هم نه)، ولی به هر حال می‌بایست مورد حمایت و کنترل قرار گیرند، ارزیابی می‌شدند.

ناچیزی سرمایه‌گذاری علوم اجتماعی در بررسی کودکی و مسائل کودکان از اهمیت این‌ها نکاست. نخست: رابطه لازم بین فقر کودکان و رفتار تبهکارانه به طور جدی مورد سؤال قرار گرفت، البته نه به اندازه‌ای که عملکردهای اجتماعی و درک نظام قضایی را دگرگون سازد؛ دوم: مفهوم «خانواده‌های آشفته»^۱ به خصوص کودکان بدون پدر، به طور جدی به موضوعات تحقیق تبدیل شدند. و در نهایت، کار کودک را که تا آن زمان به طور مثبت، کار کودک و خانواده‌شان می‌خواندند، صریحاً نمایانگر رابطه طبقاتی و استثماری دانسته و نامیده شد.

رژیم مرئی‌سازی‌ای که کودکی را در چارچوب علوم انسانی مفهوم کرد، علی‌رغم تمرکز بر کودکان فقیر و فراموش شده در برنامه‌های سیاسی و اجتماعی، زمینه پیچیده و چندوجهی، مسائل و سهم و نقش کودکی را در برزیل نادیده می‌گرفت و تنها در دهه‌های بعدی بود که کودکی از جنبه‌های گوناگون مورد شناخت فرار گرفت و فهم شد. مهم‌تر آنکه کودکان، نه صرفاً عناصری که می‌بایست مورد کنترل و حمایت قرار گیرند، بلکه به شیوه‌ای جدید دیده می‌شدند.

¹ disorganized families

کودکی و جامعه در آغاز قرن بیستم: کودک به مثابه کنشگری فرهنگی و سوژه‌ای حقوقی

در روند استقرار مجدد دموکراسی در برزیل بعد از بیست سال طولانی دیکتاتوری نظامی و نیز اعلام قانون اساسی جدید ۱۹۸۸، طرح آموزش و حمایت حقوق کودکان، تحت عنوان «اساسنامه کودک و نوجوان»^۱ در ۱۹۹۰ تأمین مالی شد.

مفهوم قضایی کودک به مثابه «سوژه حقوق» برزیل را حداقل در سطح گفت‌وگو، در ردیف جوامع مدرن قرار داد. پیشنهاد جدید این قانون، استفاده از مفهومی که از نظر قضایی معادلی برای کودک باشد و نیز خودداری از استفاده از لقب صغیر (اگر نه در عمل، لاقبل در مضمون قانون) برای کودکان فقیر (که طی قرن بیستم رها شده و احتمالاً تبهکارخوانده می‌شدند) بود.

شایسته است از «جنبش ملی دختران و پسران خیابانی»^۲ که در سال ۱۹۸۵ شکل گرفت و خط مشی بدیلی در حفاظت از کودکان خیابانی ارائه داد، نام برده شود. این جنبش، بخش‌های مختلف جامعه را همچون مبارزین درون سازمان‌های حکومتی مانند اداره یاری و حفاظت کودکان صغیر، یا سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسف، و سازمان‌های غیردولتی را با هم مرتبط می‌ساخت. جنبش ملی دختران و پسران خیابانی، برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ در برازیلیا^۳ (پایتخت برزیل) «اولین گردهمایی دختران و پسران خیابانی» را با حضور ۴۳۰ دختر و پسر خیابانی به نمایندگی از سوی بسیاری از جنبش‌های ملی کودکان و سایر شرکت‌کنندگان برگزار کرد. این جلسه جنبش ملی دختران و پسران خیابانی را مطرح کرد و به خوبی شناساند و این امر باعث تقویت

^۱ Statute of the Child and the Adolescent (ECA)

^۲ National Movement of Street Boys and Girls (Movimento Nacional de Meninos e Meninas de Rua – MNMMR)

^۳ Brasília

«جنبش ملی دفاع از حقوق کودکان»^۱ شد. جنبش ملی دفاع از حقوق کودکان هم در سال ۱۹۸۵، توسط عوامل پیشرو مدنی و حکومتی بنا نهاده شده بود. چنین بسیج ملی در حمایت از حقوق کودکان تأثیری تعیین کننده داشت در ایجاد اولین دگرگونی‌های قانون اساسی سال ۱۹۸۸^۲ و بعد در سال ۱۹۹۰ در قانونی کردن «اساسنامه کودک و نوجوان» که در بالا ذکر شد (پینهیرو^۳، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶).

این تغییرات، علی‌رغم آن که در دور انداختن عنوان تحقیرکننده «صغیر» برای این کودکان تأثیر داشت، در ادامه و بازتولید عملکردهای اجتماعی و برخورد با کودکان تأثیری بسیار محدود داشته است. طبق معمول، همانند سایر تغییرات در قانون‌گذاری در برزیل، این مورد نیز موقعیتی آرمانی را در نظر دارد. پیدایی ناگهانی فضای سیاسی آزاد (ناشی از جنبش حقوق مدنی)، فاصله‌ای وسیع بین فرمول‌بندی قانون و عملکردهای سیاسی و اجتماعی ایجاد کرد که هنوز «واقعیت» زندگی کودکان و جوانان برزیل را تشکیل می‌دهد. در واقع، «اساسنامه کودک و نوجوان» به حمله‌ای همه‌جانبه به تبعیض‌های اجتماعی علیه کودکان فقیر غالباً سیاه‌پوست مشروعیت بخشید که در پی لقمه نانی در شهر ولگردی می‌کردند. اما ذهن مردم را نه با اوامر و لوايح

^۱ National Movement for the Defence of Children's Rights (FNDDC)

^۲ در قانون اساسی فدرال ۱۹۸۸ این بندها در مورد کودکان و نوجوانان پیشبینی شده‌اند:

بند ۵: رایگان‌بودن شناسنامه / بند ۷: یارانه برای فرستادن کودکان به مهد کودک و ممانعت از کار کودکان زیر ۱۴ سال مگر برای کارآموزی / بند ۲۴: حق تحصیل، فرهنگ، و ورزش برای کودکان / بند ۲۰۳: برخورداری از کمک‌های اجتماعی برای کودکان محروم، مورد حمایت قرارگرفتن خانواده‌ها، کودکان، و نوجوانان / بند ۲۰۸: تحصیلات رایگان و اجباری برای کودکان و نوجوانان / بند ۲۲۷: وظیفه دولت در قبال کودکان و نوجوانان و مشارکت احتمالی سازمان‌های غیردولتی و منابع عمومی. درصد این یاری مشخص نشده است / بند ۲۲۸: عدم محاکمه کودکان کمتر از ۱۸ سال به جرم‌های جزایی.

^۳ Pinheiro

بلکه فقط با اقدامات مؤثر درباره کیفیت و طول مدت آموزش و پرورش آن‌ها می‌توان دگرگون ساخت. همانطور که بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند (کاسترو و همکاران، ۲۰۰۵؛ کرایدی^۱، ۱۹۹۸؛ گویمارس^۲، ۱۹۹۸؛ کازمینسکی، ۱۹۹۱؛ مینایو^۳، ۱۹۹۳؛ ریزینی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۳؛ ساوایا^۴، ۱۹۹۹؛ زالوار^۵، ۱۹۹۴) سرنوشت کودکان فقیر، به‌خصوص در مناطق شهری تغییری نکرده است. امروزه بیش از پیش، به منظور کسب درآمد، کودکان از سن پائین‌تری به معاملات مواد مخدر و دزدی کشیده می‌شوند (دانی^۶، ۲۰۰۳)، و این امر ترس و وحشت بین جمعیت شهری ایجاد کرده است. با وجود اینکه «اساسنامه کودک و نوجوان» سن بلوغ در امور جزایی را ۱۸ سال اعلام کرده است، در سطح ملی مباحثاتی برای پائین‌آوردن آن در گرفت. اهمیت این مباحثات نباید نادیده گرفته شود زیرا تأثیر بسیاری بر موضوعات پژوهشی داشته و از جانب دیگر به فعالیت‌های انسانی و اجتماعی دانشمندان علوم اجتماعی جنبه‌ای مبارزاتی داده است، مانند امضای طومار، سخنرانی‌ها و فعالیت‌هایی از این دست علیه پائین آوردن این سن.

علی‌رغم این مسائل، برنامه امیدوارکننده «اساسنامه کودک و نوجوان» تأثیرات درک جدید از کودک به عنوان فردی برخوردار از حقوق قانونی و نیز رابطه‌اش با بزرگسالان را دغدغه دانشمندان علوم اجتماعی کرده است و بارتاب آن در موضوعات پژوهشی مانند کودک به مثابه شهروند، نهادهای بدیل سرپرستی کودکان، مسئولیت کودکان و نوجوانان در مقابل قانون، شراکت جامعه مدنی در نهادهای یاری‌دهنده به کودکان و نوجوانان، فرزندخواندگی و... مشهود است. مطالعات بسیاری در موارد

¹ Craidy

² Guimarães

³ Minayo

⁴ Sawaia

⁵ Zaluar

⁶ Dowdney

فوق صورت گرفته که به درهم آمیختگی میدان‌های مطالعاتی همچون مددکاری اجتماعی، آموزش، روان‌شناسی، حقوق، بهداشت عمومی، هنر و بالاخره علوم اجتماعی انجامیده و نیز به نوعی سیالیت حدود این میدان‌ها در مورد مفاهیم و روش تحقیق انجامیده است. مثلاً شهروندی کودکان نظر و کلا، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و مددکاران اجتماعی را جلب کرده و عملاً زمینه جدیدی از پژوهش ایجاد کرده است (گوئن^۱، ۱۹۹۷؛ ولو^۲ و آلویتو^۳، ۱۹۹۶).

در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، جهت پژوهش‌ها در مورد کودکان، تحت تأثیر سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو، یونیسف، سازمان بین‌المللی کار و سازمان‌های غیردولتی متفاوت بود. بودجه این پژوهش‌ها نیز به موضوع، روند سازمانی پژوهش (مثلاً چگونه و چه زمانی نتایج پژوهش منتشر شوند) بستگی داشت. مثلاً یونسکو به پژوهش‌های زیادی در مورد خشونت در مدارس، و کودکان و تلویزیون یاری داده است (ابراموای^۴ و کاسترو، ۲۰۰۶؛ ابراموای و روا^۵، ۲۰۰۲؛ یونسکو، ۲۰۰۴).

چنین برآورد شده است که بیش از ۲۶۷۰۰۰ سازمان غیردولتی در برزیل وجود دارد (مؤسسه جغرافیا و آمار برزیل، ۲۰۰۴) و تعداد بی‌شماری از آن‌ها در زمینه مسائل کودکان و جوانان فعال‌اند. بسیاری مانند «کودکان را نجات دهید» شاخه‌ای از شبکه‌های بین‌المللی هستند که بودجه‌شان یا به طور کامل و یا بخشی از خارج تأمین می‌شود. موضوعات پژوهشی مورد حمایتشان، موارد داغی است که در برنامه‌های اجتماعی و رسانه‌ها مورد توجه‌اند و بدین طریق در این موارد دیگر چندان سرمایه‌گذاری پژوهشی صورت نمی‌گیرد.

¹ Gohn

² Velho

³ Alvito

⁴ Abramovay

⁵ Rua

بانک‌های بزرگ ملی مانند برادسکو^۱ و ایتائو^۲ و سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی برای یاری کودکان، انجام پژوهش‌ها در زمینه مسائل کودکان، و تأسیسات آموزشی و تفریحی برای کودکان محروم کمک مالی ارائه می‌کنند. تخصیص این همه بودجه برای رفاه کودکان قاعدتاً باید باعث رضایتمندی شود و نیز حاکی از توجه جامعه مدنی به نیازهای کودکان باشد، اما چنین نیست. پیشرفت‌های سازمان‌های غیردولتی همراه با پس‌رفتن کمک‌های دولتی و نادیده‌گرفتن مسئولیت‌های سابق دولت است. بازسازی دولت برزیل و جهت‌دهی به سرمایه‌گذاری‌ها طبق سیاست‌های نولیبرالی، تقبل مسئولیت دولت و سازمان‌های دولتی را در برنامه‌های آموزشی و رفاهی کودکان زیر سؤال برده است.

در حال حاضر تعدد نهادها و سازمان‌هایی که بودجه‌های دولت یا منابع خصوصی را در جهات مختلف می‌پراکنند، نظر غالب در علوم اجتماعی را که در ابتدا، بر وظیفه دولت در پاسخگویی مؤثر به مشکلات کودکان تأکید داشت، منحرف ساخته است. به علاوه، در مقایسه با نتایج حاصله از پژوهش‌های دانشکده‌های علوم اجتماعی، نتایج تحقیقات سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی، ارائه دانش توسط رسانه‌ها و ورود آن به عرصه مباحثات همگانی را آسان‌تر می‌کند؛ زیرا که در مورد دوم، پاسخگویی به خواست‌های اجتماعی و «ارائه سریع دانش» عملی‌تر است. به علاوه لازم است در این مورد به نوع رابطه‌ای که دولت و نهادهای غیردولتی در جمع‌آوری بودجه برای پژوهش‌ها و نیز تبلیغات سیاسی برقرار می‌کنند، اشاره کنیم.

¹ Bradesco

² Itau

در این میان نظریات و دیدگاه‌های جدیدی برای تحلیل مسائل کودکان مطرح شده و مطالعات انسان‌شناسانهٔ کودکان (کوهن^۱، ۲۰۰۵؛ نونز^۲، ۱۹۹۹؛ سیلوا^۳، ۱۹۸۷؛ سیلوا و همکاران، ۲۰۰۲) در این راه پیشرو بوده است. در ابتدا، موضوع کودکان، سیاهان و بومیان آمریکایی، در چارچوب مشارکشان در فرهنگ عامه و از نظر تفاوت‌های فرهنگی، مورد بررسی قرار می‌گرفتند. حال آن که نظر به کودک همچون عامل کنش در صحنهٔ اجتماع و فرهنگ دنیا باعث تکثر مطالعات تجربی‌ای شد که مسائل کودکان را عمدتاً با توجه به فرهنگ سیال معاصر بررسی می‌کند. بسیاری از این پژوهش‌ها به تولید خرده‌فرهنگ‌های شهری توسط کودکان (کاسترو، ۲۰۰۴)، شیوهٔ مصرف کودکان (کاسترو، ۱۹۹۸؛ واسکونسوس^۴ و فریتاس^۵، ۲۰۰۵)، زمینهٔ جغرافیایی و شرایط کودکان (لوپز^۶ و واسکونسوس، ۲۰۰۵؛ مارتینز^۷، ۱۹۹۳)، تولید عملکردهای روزمره توسط کودکان (فاریا^۸ و همکاران، ۲۰۰۲؛ کازمینسکی و دنیل^۹، ۲۰۰۵؛ سوزا^{۱۰}، ۲۰۰۰)، و کودکان و رسانه (فیشر^{۱۱}، ۲۰۰۱؛ پاچکو^{۱۲}، ۱۹۹۸) توجه دارند. جالب است که اگر چه منشأ این پژوهش‌ها متنوع و عبارت بودند از انسان‌شناسی، آموزش، و جامعه‌شناسی، از لحاظ نظری و شیوه و تکنیک پژوهشی به هم نزدیک می‌شوند؛ این روش‌ها تفاوت‌های اخلاقی و سیاسی را در رابطهٔ نامتقارن بین کودک و پژوهشگر بزرگسال، در نظر می‌گیرند.

¹ Cohn

² Nunes

³ Silva

⁴ Vasconcelos

⁵ Freitas

⁶ Lopes

⁷ Martins

⁸ Faria

⁹ Daniel

¹⁰ Souza

¹¹ Fischer

¹² Pacheco

پژوهش‌های انسان‌شناسانهٔ کودکی به طور منظم‌تری تفاوت‌های نژادی، و تأثیراتشان را در چارچوب آموزش و پرورش، روابط با همسالان و دوستان، و ساخت اخلاقی کودکان (الیویرا^۱، ۱۹۹۹؛ ریبریو^۲، ۲۰۰۶) مورد توجه قرار می‌دهد. موضوع روابط نژادی و نابرابری‌ها اخیراً بررسی شده است (فازی^۳، ۲۰۰۴)؛ و این اتفاق به موقع افتاده چراکه سیاست‌های کنونی دولتی در صدد پیش‌کشیدن بحث برابری نژادی در برزیل است. «اساسنامهٔ روابط نژادی»^۴ یکی از مواردی است که هم‌اکنون در کنگرهٔ ملی مورد بحث است. وزیر ملی برابری نژادی^۵ را که حکومت لولا^۶ بنا نهاد، لزوم گزارش هر مورد مرتبط با نژاد را مقرر کرد. تغییراتی در برنامهٔ درسی کودکان نیز داده شده است، مثلاً با دیدی «عادلانه‌تر» در مورد نژادهای گوناگون و به‌خصوص سیاهان که حالا آفریقایی‌تبار خوانده می‌شوند، برخورد می‌شود. درحالی‌که مطالعات کلاسیک اولین دانشمندان علوم اجتماعی مانند فرناندز (۱۹۵۵) و نوگیرا^۷ (۱۹۸۵) بر نژاد نظر داشت، اکنون این امر موضوعی سیاسی شده و بحثی را در سطح ملی دامن زده است. علاوه بر انسان‌شناسان، مورخین نیز به طور فزاینده‌ای به موضوع کودکی طی تاریخ از زمان استعمار تا کنون، توجه کرده‌اند (فريتاس، ۱۹۹۷؛ مارسلیو^۸، ۱۹۹۸؛ پریوره^۹، ۱۹۹۱، ۱۹۹۹؛ ونانسیو^{۱۰}، ۱۹۹۹). طی دههٔ ۱۹۹۰ و اوایل این قرن، این پژوهش‌ها با تداومی بیشتر انجام می‌شوند. در نتیجه دیدی که کودکان را محق حقوق مدنی می‌داند

^۱ Oliveira

^۲ Ribeiro

^۳ Fazzi

^۴ The Statute of Racial Relationships

^۵ National Secretary of Racial Equality

^۶ Lula

^۷ Nogueira

^۸ Marcilio

^۹ Priore

^{۱۰} Venâncio

جای خود را یافت و تعداد روزافزون چنین پژوهش‌هایی مفهوم کودک به مثابه عامل فعال اجتماعی را جا انداخت.

با این حال، مباحثات جامعه‌شناسانه بسیار محدود بوده و به «جامعه‌شناسی کودکی» بسیار کم ارجاع داده می‌شود. سه مقاله چاپ‌شده در دو مجله علمی مهم یافت شدند که دوتا از آن‌ها به مسائل آموزش می‌پردازند. جالب آنکه هر سه ترجمه بوده (مونتاندون^۱، ۲۰۰۱؛ پلاسانس^۲، ۲۰۰۴؛ سیروتا^۳، ۲۰۰۱) و توسط جامعه‌شناسان برزیلی نوشته نشده بودند. مقاله‌ای چاپ‌نشده توسط کوینتیرو^۴ (۲۰۰۳) درباره «پیدایش جامعه‌شناسی کودکی در برزیل» در مجمع مواجهه ملی برنامه‌های تحصیلات تکمیلی آموزش و پرورش^۵ ارائه شد. در نتیجه به نظر می‌رسد که رشد و شکل‌گیری بسیار آرام جامعه‌شناسی کودکی از سازمان‌ها و مجله‌های جامعه‌شناسی شناخته‌شده استفاده می‌برد. همانطور که گفته شده، رابطه علوم اجتماعی و آموزش و پرورش در برزیل جافتاده بود اما پژوهش‌ها بیشتر متمایل به آموزش بودند تا مرتبط ساختن جامعه‌شناسی کودکی به زیرگروه‌های جامعه‌شناسی.

در سال ۲۰۰۷، تقریباً ۶۴ برنامه معتبر تحصیلات تکمیلی در برزیل وجود داشت^۶، ۳۸ برنامه در جامعه‌شناسی، ۱۴ برنامه در انسان‌شناسی و ۱۲ برنامه در علوم سیاسی. بسیاری از دپارتمان‌های علوم اجتماعی در سطح کارشناسی [لیسانس] همچنان حول این سه رشته فعالیت می‌کنند، اگرچه آموزش تحصیلات تکمیلی اغلب درون یک

^۱ Montandon

^۲ Plaisance

^۳ Sirota

^۴ Quinteiro

^۵ National Encounter of Postgraduate Programmes of Education (ANPED)

^۶ در برزیل، وزارت آموزش و پرورش روند اعتباردهی را از طریق آزمون‌های دوره‌ای کیفیت آموزش در برنامه‌های تحصیلات تکمیلی، پیش می‌برد. تنها دروسی که معتبر شناخته شده‌اند جهت اخذ مدرک به حساب می‌آیند.

سنت رشته‌ای خاص بر گزار می‌شود. بنابراین تا آنجا که مربوط به استقرار آکادمیک این رشته و نهادینه‌شدنش است، می‌توان گفت این روند به خوبی اتفاق افتاده است. در برزیل به منظور ارزیابی نقش علوم اجتماعی، به‌خصوص جامعه‌شناسی، در رابطه با مسائل کودکان، نشریات این حوزه را مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

۶۴ نشریه مورد مطالعه قرار گرفتند که شامل:

(۱) ۲۲ نشریه آکادمیک (از ۳۳) ویراستاری‌شده توسط دوره‌های معتبر تحصیلات تکمیلی در سراسر کشور، (۱۱ نشریه که شامل چنین شرایطی بودند، به دلیل عدم انتشار محتوایشان در وب، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند).

(۲) ۴۲ نشریه (از ۶۷) که به عنوان مهم‌ترین نشریات علوم اجتماعی شناخته شده‌اند و شامل این زیرگروه‌ها هستند: جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، مددکاری اجتماعی، تاریخ، ارتباطات اجتماعی و باستان‌شناسی (۲۵ نشریه که شامل چنین شرایطی بودند، به دلیل عدم انتشار محتوایشان در وب، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند). جستجو برای این نشریات در سایت نشریه و یا سایت‌های علوم اجتماعی صورت گرفت. برای جستجو از واژه‌هایی از چکیده مقالات استفاده شد مثل کودک، کودکی، کودک‌واره، و سایر واژه‌های هم‌خانواده و نیز هم‌معنا مانند صغیر، بچه و... می‌توان گفت نتیجه عبارت است از قحطی نشریات علوم اجتماعی که به موضوع کودکی و کودکان بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ پرداخته‌اند. در این میان دو نشریه^۱ استثناء بودند، این نشریات فصل مشترکی بین جامعه‌شناسی و آموزش بودند. و در مقابل نشریات انسان‌شناسی، تاریخ و ارتباطات اجتماعی به ندرت مقالات مورد بحث ما را چاپ می‌کردند. گرایش‌های اصلی که پیش از این شناسایی شده بودند، تأیید شدند. یعنی:

^۱ CEDES and Educação e Sociedade

۱) وجود فصل مشترک بین آموزش و جامعه‌شناسی که باعث ظهور «جامعه‌شناسی کودکی» شد.

۲) تعداد رو به افزایش مقالات در زمینه تازه «انسان‌شناسی کودکی» و «تاریخ کودکی».

۳) ندرت انتشار چنین مقالاتی در نشریات جریان اصلی جامعه‌شناسی.

پژوهشی دیگر در مورد کودکی و مسائل کودکان در مجموعه مباحثات علمی در گردهمایی سالانه دانشمندان علوم اجتماعی برزیل^۱ بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴ انجام شد. لازم به تذکر است که این گردهمایی‌ها با حضور ۱۳۰۰ نفر، ۲۷۰ پژوهش (از جمله سخنرانی، کنفرانس، ویدئو، و گفتگو) را طی سه روز ارائه می‌کنند. به طور خلاصه، این رویداد سنجشگر وضع علوم اجتماعی در برزیل است و تنش بین زمینه‌های علمی استقرار یافته و زمینه‌های مطالعاتی نوپا را بازتاب می‌دهد.

جدول زیر نشان‌دهنده فراوانی مقالات ارائه‌شده نسبت به موضوع پژوهش است. با وجودی که موضوع کودکان مورد توجه بیشتری قرار گرفته، در سال ۲۰۰۴ فقط دو درصد از تعداد کل مقالات علمی (۲۵۰ مقاله) را در این گردهمایی سالانه شامل شده است.

جدول: فراوانی مقالات ارائه‌شده نسبت به موضوع پژوهش، در گردهمایی سالانه

دانشمندان علوم اجتماعی برزیل بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴

موضوع پژوهش	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
کودک خیابانی	۱						۱
فقر کودکان و سیاست‌های اجتماعی	۱						

					۱	قوانین فرزندخواندگی
	۱	۱				نابرابری اجتماعی و امکانات تحصیلی
	۱					کودکان و رسانه‌ها
۲	۱					خشونت علیه کودکان
۱						سیاست‌های بهداشتی کودکان
۴	۳	۱	۰	۰	۳	جمع کل

این بررسی موضوع مهم دیگری را نیز روشن کرد؛ یعنی افزایش چشمگیر تعداد مقالات ارائه‌شده از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ - ۱۵ مقاله - که تقریباً یک‌نشت کامل را در سال ۲۰۰۴ به جوانان و موضوع «تجسم‌یافتگی، حساسیت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های جوانان شهری»^۱ تخصیص داده بودند. با توجه به اینکه معمولاً موضوعات جوانان و کودکان یکدیگر را همراهی می‌کنند، این آمار امیدی است برای آینده‌ای حساس‌تر نسبت به مسائل کودکان و جوانان. متعاقب این شرایط، مسائلی همچون حریم‌های خصوصی مانند بدن و حساسیت‌های انسانی، یا خرده‌فرهنگ‌ها نیز مطرح شدند. در نتیجه موضوعی بسیار مهم را انتظار می‌کشیم: شناسایی نقش کودک به عنوان بازیگر [کنشگر] اجتماعی در شکل‌دادن به دنیای سیاسی-اجتماعی. با این حال، بازیگران سنتی و عمده همچون دولت، احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، نهادهای اجتماعی و گروه‌های شغلی، و رسانه‌ها، در سطح اقتصاد کلان (دموکراسی، روندهای اقتصادی،

¹ Embodiment, Sensitivities, Languages and Urban Youth Cultures

بیکاری، تغییرات نهادی، مهاجرت، کلان‌شهر، سیاست‌ها و... مهم‌ترین موارد تحقیقات باقی خواهند ماند.

نتیجه‌گیری

با وجود آنکه علوم اجتماعی نیاز به سرمایه‌گذاری بسیار بیشتری برای مطالعه عوامل کنش اجتماعی همچون دولت، خانواده، تغییرات سیاسی و اجتماعی دارد، موضوع کودکی که در ابتدا به عنوان «مسئله اجتماعی» انگاشته می‌شد، اکنون جایی تازه یافته است. فصل مشترک آموزش و علوم اجتماعی، زمینه‌ای بسیار مستعد برای پژوهش است. همچنین به نظر می‌رسد که موضوع کودکی در برزیل، مرکز تلاقی بسیاری از زمینه‌های دیگر پژوهشی شده و مفهوم کودک به عنوان عامل و دخیل در شکل‌گیری زندگی اجتماعی پذیرفته شده است.

با اعلام رسمی «اساسنامه کودک و نوجوان»، مسائل کودکی در عرصه همگانی مورد بحث قرار گرفت و در نتیجه، درست قبل از کنوانسیون سازمان ملل، موضعی قضایی و پیشرو در مورد حقوق کودکان اتخاذ شد. پژوهش‌های دانشگاهی نیز به ورود به این عرصه تشویق شده‌اند تا بتوانند به عملکرد سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی برسند که در ترویج دانش و آگاهی در مورد مسائل کودکان در برزیل، بسیار جلوتر بودند.

با این حال هنوز کمبودی در تداوم پژوهش در مورد مسائل کودکان آشکار است. لازمه این امر سرمایه‌گذاری‌های زمانی و نیر آموزش است که می‌تواند بر عهده محققینی برخوردار از حمایت نهادها گذاشته شود. موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد، محدودیت‌های قانونی در تغییر عملکردهای فرهنگی و اجتماعی در برخورد با کودکان است. بسیاری از محققین در پی یافتن نحوه، نتیجه یا عدم رعایت هنجارهای «اساسنامه کودک و نوجوان» هستند. در این راه، دانشگاه‌ها توانایی پیگیری مستمر

پژوهش‌های نظری و روش‌شناختی را داشته و در نتیجه خواهند توانست راه‌های مواجهه با نیازهای عملی توجه به کودکان از جنبه‌های متفاوت را بیابند. بدین لحاظ کودکان، چه به عنوان نیازمندان به حمایت و چه به مثابه سوژه حقوق باید مورد مطالعه قرار گیرند.

به نظر می‌رسد که غالباً در بسیاری جوامع و نیز برزیل، مفهوم کودکی به عنوان «کالا» بین بزرگسالان به اشکال مختلف ابزاری شده است: «مخلوقاتی بی‌گناه محتاج حمایت، قربانی شرایط نامناسب»، و اخیراً نیز «قهرمانانی کوچک قادر به فریب دادن بزرگ‌ترها». این برخوردهای بنده‌نوازان، کودک را ناتوان از ابراز خود می‌سازد. امید آن است که در برزیل و سایر کشورها، علوم اجتماعی سرمایه‌گذاری بیشتری در مورد کودکان کرده و این تصاویر ضمنی را که به ضرر کودکان و بدون دخالتشان ایجاد شده، از اهمیت ساقط کند.

منابع

- Abramovay, Miriam and Castro, Mary Garcia (eds) (2006) *Juventude, Juventudes, o que une e o que separa*. Brasilia: UNESCO.
- Abramovay, Miriam and Rua, Maria das Graças (2002) *Violência nas escolas*. Brasilia: UNESCO.
- Alanen, Leena (2001) 'Estudos feministas/Estudos da infância: paralelos, ligações e perspectivas', in Lucia R. de Castro (ed.) *Crianças e jovens na construção da cultura*. Rio de Janeiro: Nau/Faperj.
- Alvim, M. Rosilene and Valladares, Licia (1988) 'Infância e sociedade no Brasil: uma análise da literatura', *Boletim Bibliográfico e Informativo de Ciências Sociais* 26: 3–43. Bomfim, Manoel (1926) *Lições de pedagogia*, 3rd edn. Rio de Janeiro: Francisco Alves.
- Bomfim, Manoel (1931) *O Brasil nação*, 2 vols. Rio de Janeiro: Francisco Alves.
- Bomfim, Manoel (1932) *Cultura e educação do povo brasileiro* (no publisher).
- Bomfim, Manoel (1993) *A América Latina: males de origem*. Rio de Janeiro: Topbooks. (Orig. pub 1905.)

- Brandão, Zaia and Bonamino, Alicia (1994) *A crise dos paradigmas e a educação*. São Paulo: Cortez.
- Brandão, Zaia and Siqueira, Priscila (1985) *Democratização do ensino: meta ou mito?* Rio de Janeiro: Francisco Alves.
- Brandão, Zaia, Baeta, Ana Maria and Rocha, Any Dutra (1983) *Evasão e repetência no Brasil: a escola em questão*. Rio de Janeiro: Achiamé.
- Campos, Angela V. (1984) *O menor institucionalizado: um desafio para a sociedade*. Petrópolis: Vozes.
- Carvalho, Francisco (1977) *Direito do menor*. Rio de Janeiro: Forense.
- Castro, Lucia R. de (1978) 'Um enfoque psicológico do problema da delinquência', *Arquivos Brasileiros de Psicologia* 30(2): 162–73.
- Castro, Lucia R. de (1992) 'Desenvolvimento Humano: uma perspectiva paradigmática sobre a temporalidade', *Psicologia: Reflexão e Crítica* 5(2): 99–110.
- Castro, Lucia R. de (ed.) (1998) *Infância e adolescência na cultura de consumo*. Rio de Janeiro: Nau.
- Castro, Lucia R. de (2004) *A aventura urbana; crianças e jovens no Rio de Janeiro*. Rio de Janeiro: 7 Letras/Faperj.
- Castro, Lucia R. de, Correa, Jane et al. (2005) *Mostrando a real: um retrato da juventude pobre no Rio de Janeiro*. Rio de Janeiro: Nau/Faperj.
- Catani, Afrânio, Catani, Denice and Pereira, Gilson (2001) 'As apropriações da obra de Pierre Bourdieu no campo educacional brasileiro, através de periódicos da área', *Revista Brasileira de Educação* 17(2): 63–85.
- CEBRAP (Brazilian Centre of Planning and Analysis) (1972) *A criança, o adolescente e a cidade*. São Paulo: Relatório de Pesquisa.
- Cohn, Clarice (2005) *Antropologia da criança*. Rio de Janeiro: Jorge Zahar Ed.
- Corsaro, William A. (1997) *The Sociology of Childhood*. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Craidy, Carmem Maria (1998) *Meninos de rua e analfabetismo*. São Paulo: Editora Artes Médicas Sul.
- Cunha, Luis Antonio (1979) 'Notas para uma leitura da teoria da violência simbólica', *Educação e Sociedade* 4: 79–110.

- Dauster, Tânia (1991) 'Uma infância de "curta duração" – o significado simbólico do trabalho e da escola e a construção do fracasso escolar nas camadas populares urbanas', paper presented at ANPOCS.
- Dowdney, Luke (2003) *Crianças do tráfico – um estudo de caso de crianças em violência armada organizada no Rio de Janeiro*. Rio de Janeiro: 7 Letras.
- Faria, Ana Lucia, Demartini, Zélia and Prado, Patrícia (eds) (2002) *Por uma cultura da infância – metodologia de pesquisa com crianças*. São Paulo: Editora Autores Associados.
- Fausto, Ayrton and Cervini, Ruben (eds) (1991) *O trabalho e a rua: crianças e adolescents no Brasil urbano dos anos 80*. São Paulo: Cortez.
- Fazzi, Rita (2004) *O drama racial de crianças brasileiras: socialização entre pares e preconceito*. Belo Horizonte: Autentica.
- Fernandes, Florestan (ed.) (1955) *Relações entre negros e brancos em São Paulo*. São Paulo: Anhembi.
- Fernandes, Florestan (1958) *A etnologia e a sociologia no Brasil: ensaios sobre aspectos da formação e do desenvolvimento das ciências sociais na sociedade brasileira*. São Paulo: Anhambi.
- Fernandes, Florestan (1959) *Ensaio de sociologia geral e aplicada*. São Paulo: Pioneira.
- Fernandes, Florestan (1960) *Mudanças sociais no Brasil: aspectos do desenvolvimento da sociedade brasileira*. São Paulo: Difusão Européia do Livro.
- Fernandes, Florestan (1961) *Folclore e mudança social na cidade de São Paulo*. São Paulo: Anhambi.
- Fernandes, Florestan (1968) *Sociedades de classes e subdesenvolvimento*. Rio de Janeiro: Zahar.
- Fernandes, Florestan (1973) *Capitalismo dependente: classes sociais na América Latina*. Rio de Janeiro: Zahar.
- Ferreira, Rosa (1980) *Meninos de rua – valores e expectativas de menores marginalizados em São Paulo*. São Paulo: Cedec/Comissão de Justiça e Paz.
- Fischer, Rosa Maria Bueno (2001) *Televisão e educação – fluir e pensar a TV*. Belo Horizonte: Autêntica.

- Freitas, Marcos (1997) *História social da infância no Brasil*. São Paulo: Cortez.
- Freyre, Gilberto (2005) *Casa-grande e senzala. Formação da família brasileira sob o regime da economia patriarcal*, 50th edn. São Paulo: Global. (Orig. pub. 1933.) FUNABEM (1984) *FUNABEM Ano 20*. Rio de Janeiro: FUNABEM.
- Furtado, Celso (1956) *Uma economia dependente*. Rio de Janeiro: Ministério da Educação e Cultura.
- Furtado, Celso (1958) *Perspectivas da economia brasileira*. Rio de Janeiro: Instituto Superior de Estudos Brasileiros.
- Furtado, Celso (1959) *Formação econômica do Brasil*. Rio Janeiro: Fundo de Cultura.
- Furtado, Celso (1961) *Desenvolvimento e subdesenvolvimento*. Rio de Janeiro: Fundo de Cultura.
- Furtado, Celso (1962) *Subdesenvolvimento e Estado democrático*. Recife: Condepe.
- Furtado, Celso (1966) *Subdesenvolvimento e estagnação na América Latina*. Rio Janeiro: Civilização Brasileira.
- Gadotti, Moacir (1983) *Concepção dialética da educação: um estudo introdutório*. São Paulo: Cortez Editora.
- Gadotti, Moacir (1987) *A educação contra a educação: o esquecimento da educação e a educação permanente*. Rio de Janeiro: Paz e Terra.
- Gohn, Maria da G. (1997) *Os sem terra, ONGs e cidadania*. São Paulo: Cortez.
- Guimarães, Eloísa (1998) *Escola, galera e narcotráfico*. Rio de Janeiro: UFRJ Editora.
- Guirado, Marlene (1980) *A criança e a FEBEM*. São Paulo: Perspectiva.
- IBGE (Instituto Brasileiro de Geografia e Estatística) (2003) *Síntese dos indicadores sociais 2002*. Rio de Janeiro: IBGE.
- IBGE (Instituto Brasileiro de Geografia e Estatística) (2004) *Fundações privadas e associações sem fins lucrativos no Brasil ano 2002*, Estudos e Pesquisas, Info. Econômica 4. Rio de Janeiro: IBGE.

- Kosminsky, Ethel (1991) 'Internados – os filhos do estado padrasto', in José de Souza Martins (ed.) *O massacre dos inocentes: a criança sem infância no Brasil*. São Paulo: Hucitec.
- Kosminsky, Ethel (1994) 'Situação familiar de crianças e adolescentes pobres – estudo dos indicadores sociais utilizados no Brasil', *Cadernos CERU, São Paulo* 2(5): 78–99.
- Kosminsky, Ethel and Daniel, Laura (2005) 'Toys and Games: Childhood in the Parque das Nações Favela', in Loretta Bass (ed.) *Sociological Studies of Children and Youth, Vol. 10. Special International Volume*. Oxford: Elsevier.
- Kosminsky, Ethel and Santana, Juliana (2006) 'Crianças e jovens e o trabalho doméstico: a construção social do feminino', *Sociedade e Cultura* 9: 227–36.
- Lopes, Jader Janer Moreira and Vasconcellos, Tânia de (2005) *Geografia da infância: reflexões sobre uma área de pesquisa*. Juiz de Fora: FEME.
- Machado Neto, Zahidé (1979) 'Meninos trabalhadores', *Cadernos de Pesquisa* 31: 95–102.
- Machado Neto, Zahidé (1980) 'As meninas: sobre o trabalho da criança e do adolescente na família proletária', *Ciência e Cultura* 32(6): 671–83.
- Marcílio, Maria Luiza (1998) *História social da criança abandonada*. São Paulo: Hucitec.
- Martins, José de S. (ed.) (1993) *O massacre dos inocentes – a criança sem infância no Brasil*. São Paulo: Hucitec.
- Minayo, Maria Cecília (ed.) (1993) *O limite da exclusão social: meninos e meninas de rua no Brasil*. São Paulo: Hucitec/Rio de Janeiro: Abrasco.
- Moncorvo Filho, Arthur (1917) *Higiene infantil*. Rio de Janeiro: Imprensa Nacional.
- Moncorvo Filho, Arthur (1926) *História de proteção à infância no Brasil 1500–1922*. Rio de Janeiro: Empresa Gráfica.
- Montandon, Cleopatre (2001) 'Sociologia da infância: balanço dos trabalhos em língua inglesa', *Cadernos de Pesquisa São Paulo* 112(1): 33–60.

- Moura, Esmeralda Blanco B. de (1982) *Mulheres e menores no trabalho industrial: os fatores sexo e idade na dinâmica do capital*. Petrópolis: Vozes.
- Nogueira, Oracy (1985) *Tanto preto quanto branco: estudo de relações raciais*. São Paulo: T. A. Queiroz.
- Nunes, Ângela (1999) *A sociedade das crianças A'uwê-Xavante: por uma antropologia da criança*. Lisbon: Instituto de Inovação Educacional.
- Oliveira, Iolanda (1999) *Desigualdades raciais: construção da infância e da juventude*. Niterói: Intertexto.
- Pacheco, Elza Dias (1998) *Televisão, criança, imaginário e educação: dilemas e diálogos*. São Paulo: Papinos.
- Pinheiro, Ângela (2001) 'A criança e o adolescente como sujeitos de direitos: emergência e consolidação de uma representação social no Brasil', in Lucia R. de Castro (ed.) *Crianças e jovens na construção da cultura*. Rio de Janeiro: Nau/Faperj.
- Pinheiro, Ângela (2006) *Criança e adolescente no Brasil: porque o abismo entre a lei e a realidade*. Fortaleza: Editora UFC.
- Plaisance, Eric (2004) 'Para uma sociologia da pequena infância', *Educação e Sociedade* 25(86): 221–41.
- Prado Júnior, Caio (1954) *Diretrizes para uma política econômica brasileira*. São Paulo: Urupês.
- Prado Júnior, Caio (1966) *A revolução brasileira*. São Paulo: Brasiliense.
- Prado Júnior, Caio (1975) *Evolução política do Brasil*. São Paulo: Brasiliense.
- Prado Júnior, Caio (1983) *Formação do Brasil contemporâneo*. São Paulo: Brasiliense.
- Prado Júnior, Caio (1987) *História econômica do Brasil*. São Paulo: Brasiliense.
- Priore, Mary del (1991) *História da criança no Brasil*. São Paulo: Contexto.
- Priore, Mary del (1999) *História das crianças no Brasil*. São Paulo: Contexto.

- Quinteiro, Jucirema (2003) 'A emergência de uma sociologia da infância no Brasil', paper presented at the Annual 26th Meeting of ANPED.
- Qvortrup, Jens (1993) 'Nine Theses about "Childhood as a Social Phenomenon" ', in Jens Qvortrup (ed.) *Childhood as a Social Phenomenon: Lessons from an International Project*. Vienna: European Centre for Social Welfare Policy and Research.
- Ribeiro, Ivete and Barbosa, Maria L. (1987) *Menor e sociedade brasileira: análises, programas institucionais e experiências*. São Paulo: Loyola.
- Ribeiro, Yvonne Maggie (2006) 'Uma nova pedagogia racial?', *Revista USP São Paulo* 68(22): 112–29.
- Rizzini, Irene (1989) *Levantamento bibliográfico da produção científica sobre a infância pobre no Brasil*. Rio de Janeiro: Ed. Universitária Santa Úrsula.
- Rizzini, Irene and Fonseca, Claudia (2002) *As meninas e o universo do trabalho doméstico no Brasil: aspectos históricos, culturais e tendências atuais*. Rio de Janeiro: OIT/IPEC.
- Rizzini, Irma (1993) *Assistência à infância no Brasil: uma análise de sua construção*. Rio de Janeiro: Ed. Universitária Santa Úrsula.
- Rodrigues, Raimundo Nina (1904) 'Os progressos da medicina legal no Brasil', *Revista dos Cursos da Faculdade de Medicina da Bahia, Salvador* 1: 11–50.
- Rodrigues, Raimundo Nina (1957) *As raças humanas e a responsabilidade penal no Brasil*. Salvador: Progresso. (Orig. pub. 1938.)
- Saboia, Ana Lucia (2000) *As meninas empregadas domésticas: uma caracterização sócioeconômica*. Rio de Janeiro: OIT/IPEA.
- Saviani, Demerval (1983) *Escola e democracia*. São Paulo: Cortez.
- Sawaia, Bader (1999) *As artimanhas da exclusão – análise psicossocial e ética da desigualdade social*. Rio de Janeiro: Editora Vozes.
- Silva, Aracy Lopes (ed.) (1987) *A questão indígena na sala de aula*. São Paulo: Brasiliense.

- Silva, Aracy Lopes, Macedo, Ana and Nunes, Angela (eds) (2002) *Crianças indígenas – ensaios antropológicos*. São Paulo: Global Editora.
- Sirota, Régine (2001) 'Emergência de uma sociologia da infância: evolução do objeto e do olhar', *Cadernos de Pesquisa São Paulo* 112(1): 7–31.
- Souza, Solange J. (ed.) (2000) *Subjetividade em questão: a infância como crítica da cultura*. Rio de Janeiro: 7 Letras.
- Stengel, Márcia and Moreira, Maria Ignez Costa (2003) *Narrativas infanto-juvenis sobre o trabalho doméstico*. Belo Horizonte: PUC-Minas.
- UNESCO (2004) *Políticas de/para/com as juventudes*. Brasília: UNESCO.
- Vasconcelos, Maria de Fátima and Freitas, Maria da Glória (eds) (2005) *Cultura lúbrica, discurso e identidades na sociedade de consumo*. Fortaleza: Expressão Gráfica.
- Velho, Gilberto and Alvito, Marcos (1996) 'Violência, reciprocidade e desigualdade: uma perspectiva antropológica', *Cidadania e violência no Rio de Janeiro*. Rio de Janeiro: UFRJ.
- Venâncio, Renato Pinto (1999) *Famílias abandonadas: assistência à criança de camada populares no Rio de Janeiro e em Salvador – séculos XVIII e XIX*. Campinas: Papirus.
- Wintersberger, Helmuth (1996) 'Children in Modern Society: Rights, Policies, Citizenship', in Deepak Behera and Georg Pfeffer (eds) *Childhood and Complex Order*. Delhi: Manak.
- Zaluar, Alba (1994) *Condomínio do diabo*. Rio de Janeiro: Ed. UFRJ.

کودکی در جامعه‌شناسی و جامعه استرالیا

رابرت ون کریکن^۱، ترجمه مؤده بای

چکیده

این مقاله با بررسی تحقیقات منتشرشده در زمینه مطالعات اجتماعی کودکی در استرالیا به تبیین شکل خاصی که مطالعات جامعه‌شناسانه کودکی در استرالیا به خود گرفته است می‌پردازد. این مقاله در ابتدا با اشاره به تجربیات خاص کودکان بومی و شرایط منحصر بفرد زندگی خانواده‌های مهاجر که از کشورهای استعمارشده به استرالیا آمده‌اند دورنمایی از تاریخچه اجتماعی کودکی در استرالیا ترسیم می‌کند. سپس به بیان حرکت‌هایی که در جهت توجه بیشتر بر موضوع کودکی در جامعه‌شناسی استرالیا انجام شده می‌پردازد. حرکت‌هایی که هرچند تاکنون کم بوده‌اند اما ارتباط تنگاتنگی با دیگر رشته‌های علوم اجتماعی (تاریخ، انسان‌شناسی، سیاست اجتماعی و روان‌شناسی) دارند و این ارتباط نتیجه پیشرفت‌های بین‌المللی حوزه جامعه‌شناسی کودکی است. بحث‌های کلیدی این پژوهش عبارتند از کودکی کودکان بومیان، کودکان خانواده‌های فراری و خواستار پناهندگی، تجربیات کودکان از طلاق و جدایی، با توجه به افزایش روزافزون تشکیلات نئولیبرال در حوزه فعالیت‌های پژوهشی علوم اجتماعی. این مقاله سپس به طرح جایگاه کودکی در نظر عموم

^۱ رابرت ون کریکن (Robert van Krieken)، کالج دانشگاهی دوبلین و دانشگاه سیدنی (University of Sydney and College Dublin)

می‌پردازد و با توجه به مشاهدات انجام‌شده جهت‌گیری‌های احتمالی آینده جامعه‌شناسی کودکی در استرالیا را پیش‌بینی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بومیان، استرالیا، کودکی، نئولیبرالیسم

مقدمه

مفاهیم مورد بحث در جامعه‌شناسی کودکی در استرالیا دنباله‌رو اولین مطالعات انجام‌شده در سایر نقاط جهان است، که از کشورهای حوزه اسکاندیناوی، انگلستان، فرانسه، و آلمان شروع شد. طبیعتاً مطالعات کودک در انجمن‌های جامعه‌شناسی کشورهای انگلیسی‌زبان و تحقیقات انجام‌شده در استرالیا بازتاب دغدغه‌های مشابهی است که در کشورهای پیشرفته صنعتی وجود دارد - کودکان در معرض خطر، سلامت کودک، حقوق کودک، کودکان و طلاق، جابجایی ساختارهای جنسیتی، تجربه بومی‌بودن و تجربه عوض کردن مدرسه. به موازات این دغدغه‌ها، تجربیات کودکی دیگری هستند که مخصص به استرالیا هستند که باعث ایجاد پژوهش‌های منحصربفردی در زمینه موقعیت خاص کودکان بومی (ون کریکن، ۲۰۰۳)، کودکان بومیان (وستا^۱، ۱۹۹۴)، و کودکان جویای پناهندگی و مهاجران (کریستی^۲ و سیدهو^۳، ۲۰۰۶؛ مک‌مولین^۴ و لوکری^۵، ۲۰۰۰) شده است.

انجمن جامعه‌شناسی استرالیا می‌تواند بیش از این در مسائل و پرسش‌های مخصوص به کودکان همت‌گمارد. اگر روند کنونی ادامه پیدا کند مطالعات اجتماعی در حوزه کودکی تماماً ترکیبی میان‌رشته‌ای از رشته‌های منتخب، شامل آموزش، سلامت،

¹ Vasta

² Christie

³ Sidhu

⁴ Macmullin

⁵ Loughry

سیاست عمومی، خدمات اجتماعی و علوم سیاسی خواهد شد که به موازات جامعه‌شناسی پیش می‌رود (جامروزیک^۱ و سویینی^۲، ۱۹۹۶). برای مثال در انجمن جامعه‌شناسی استرالیا هنوز بخشی با موضوع «جامعه‌شناسی کودکی» وجود ندارد. نبود چارچوبی نهادی برای جامعه‌شناسی کودکی در استرالیا بدان معناست که پل‌های ارتباطی و شبکه‌های همکاری ضعیف است؛ چراکه بندرت بین موضوعات مربوط و انگیزه‌های پژوهش ارتباطی وجود دارد.

کاملاً مشخص نیست که این وضعیت نتیجه تعریف ویژگی‌های مشخصی برای جایگاه کودکان در جامعه استرالیا است یا فعالیت و ارتباط کم جامعه‌شناسی استرالیا با گروه‌های جهانی جامعه‌شناسی. مشکلات و مسائلی که تجربیات کودکی کنونی را در استرالیا مشخص می‌کند تا حد زیادی نتیجه تفاوت‌ها و تناقضات بین دیگر جریان‌های عظیم اجتماعی مثل کار و زندگی شخصی، تفاوت‌های فرهنگ خانواده‌های بومی و اروپایی، و مسائلی که استرالیا را با دیگر کشورهای جهان متصل می‌کند، به‌خصوص به دلیل پناهندگان و مهاجران. این مسائل باعث شده به جای اینکه کودکان و دوران کودکی را در مرکز توجه مطالعات جامعه‌شناسی قرار دهیم، این مسائل را دغدغه‌های «واقعی» جامعه ببینیم.

در حال حاضر، مشخصه جامعه‌شناسی استرالیا گستره و قوت جامعه‌شناسی سلامت است که دلیل پیشرفت این حوزه هم امکانات خاص شغلی برای جامعه‌شناسان حوزه سلامت است و هم اینکه حوزه‌های دیگر در استرالیا مثل خدمات و سازمان‌ها اکثراً کسب دانش جامعه‌شناسی و تحقیقات خود را مستقل از رشته جامعه‌شناسی انجام می‌دهند. بنابراین آنطور که مشاهده می‌شود خاستگاه مطالعات حوزه کودکی سیاست

¹ Jamrozik

² Sweeney

اجتماعی، سلامت و جرم‌شناسی است و همچنان تلاش جدی‌ای در راستای ایجاد رویکرد جامعه‌شناسانه در حوزهٔ کودکی و تولید پژوهش‌هایی در این زمینه صورت نگرفته است.

آنچه تا حد زیادی جهت‌گیری جامعه‌شناسی کودکی در استرالیا را مشخص می‌کند تاریخچهٔ اجتماعی کودکی در استرالیا است. بنابراین ما باید نگاه دقیق‌تری داشته باشیم به نحوهٔ شکل‌گیری تجربیات خاص دوران کودکی در استرالیا و تلاش‌های اولیهٔ جامعه‌شناسان که به منظور بررسی، درک و تشریح تغییر موقعیت اجتماعی کودکان در استرالیا انجام شده است.

کودکان در جامعهٔ استرالیا: استعمار و ساخت جامعهٔ نوین

جامعه‌شناسی کودکی کنونی در استرالیا، که از زمان استعمار قارهٔ استرالیا توسط انگلیس شروع شد، ریشه در تاریخ و جامعه‌شناسی زندگی خانواده‌ها، جنسیت و اجتماعی‌شدن سیاسی و همچنین مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی روی زندگی خانواده‌های بومی دارد. از مهم‌ترین مزیت‌های زندگی خانوادگی که در بیشتر مناطق غرب اروپا رواج پیدا کرده بود استقلال نسبی زوجین از خانواده‌هایشان، برابری جنسیتی (نسبی) بیشتر و امکان تمرکز روی خانواده تشکیل‌شده پس از ازدواج بدون اعمال قدرتی از جانب خانوادهٔ پیشین بود. این سیستم، البته با برخی تغییرات، با ورود مهاجران و محکومان انگلیسی و ایرلندی به استرالیا انتقال پیدا کرد. (کوکیمبس^۱، ۱۹۹۷).

در سال‌های ابتدایی قرن نوزدهم، تعداد مردان بسیار بیشتر از زنان شد و فرهنگ عمومی استرالیا مردسالار شد. این مسئله سبب پدیدارشدن خشونت و خانه‌نشینی — حتی برای بچه‌ها — در زندگی خانواده‌ها شد که تا قرن بیستم نیز ادامه پیدا کرد.

¹ Kociumbas

مهاجرانی که بعداً به استرالیا آمدند از خانواده و اقوام خود دور شده بودند و بعضاً اعضای خانواده خود را تشویق می کردند که به استرالیا بیایند و به آن‌ها ملحق شوند. تاریخ‌شناسان پاتریشیا گریمشاو^۱ و گراهام ویلت^۲ (۱۹۸۱) به این نتیجه رسیدند که اگر خانواده مدرن را خانواده‌ای تعریف کنیم که ارتباطات خویشاوندی محدودی دارند در این صورت خانواده‌های استرالیایی مدرن زاده می شدند (گریمشاو و ویلت، ۱۹۸۱: ۱۴۶). بعضی از این مهاجران خیلی سریع شبکه خانوادگی گسترده خود را تشکیل دادند اما بسیاری نتوانستند حمایت اجتماعی لازم برای دیگر اعضای خانواده‌شان را ایجاد کنند تا آن‌ها را به استرالیا بیاورند. این باعث شد تا کودکان از سنین نسبتاً پایین تری در تلاش برای استقلال باشند.

فقدان شبکه خانوادگی گسترده (روابط خویشاوندی)، اعضای خانواده اصلی را بسیار بیشتر از آنچه در اروپا وجود دارد به یکدیگر وابسته کرد که طبیعتاً نتیجه این امر خانواده هسته‌ای مستقل تر و خودکفاتر نیز بود. از بچه‌ها انتظار می رفت که کار کنند و به اقتصاد خانواده کمک کنند و این قضیه اهمیت باروری زنان را افزایش داد چرا که کودکان کارهای مهمی را بی مزد و مواجب انجام می دهند (گریمشاو و ویلت، ۱۹۸۱: ۱۴۸).

این اهمیت اقتصادی کار زنان در کنار استقلال نسبی از خانواده گسترده باعث ایجاد خانواده‌ای صمیمی و دموکراتیک شد (گریمشاو و ویلت، ۱۹۸۱: ۱۵۳). کودکان برای تأمین مسکن به حمایت والدینشان و برای ازدواج به اجازه آن‌ها نیاز نداشتند و این باعث استقلال بیشتر آن‌ها می شد. کم شدن تعداد زنانی که خواستار ازدواج بودند هم باعث استقلال بیشتر زنان جوان از خانواده مبداءشان شد. نتیجه کلی این بود که کنترل

^۱ Patricia Grimshaw

^۲ Graham Willett

پدر روی خانواده ضعیف‌تر شد و باعث ایجاد فرهنگ برابری افراد در خانواده شد. سیستم تحصیل اجباری در مدارس در دهه ۱۸۸۰ وارد استرالیا شد و باعث شد که در اواخر سده نوزدهم، مدلی برای زندگی خانوادگی سفیدپوستان استرالیایی تعریف شود که در آن مرد نان‌آور خانه است، زن خانه‌دار و کودک عضو وابسته غیرشاغل که تمام وقت (کمتر یا بیشتر) در مدرسه است. دیگر خانه کمتر محلی برای فعالیت‌های اقتصادی و بیشتر به عنوان محلی برای مصرف شناخته می‌شد و دو محیط کاملاً جدا از هم به وجود آمده بود: محیط عمومی کار که محیط مردانه شناخته می‌شد و خانه که محدوده زن و فرزندان شناخته می‌شد.

گرچه قرار بود رفتن به مدرسه برای همه کودکان اجباری باشد؛ در واقعیت این اتفاق نیفتاد و در ابتدای اجرای این طرح شرکت در مدارس به صورت پراکنده بود. برای مثال، دیوید مک‌کالوم^۱ (۱۹۹۰) آماری تقریبی ارائه داد که بیان می‌کرد تنها ۶۰ درصد از کسانی که در اواخر قرن بیستم در مدارس ویکتوریا ثبت‌نام کرده بودند به صورت منظم در مدارس حضور یافتند و در سال ۱۹۰۰ تنها یک درصد دوره ابتدایی را به‌طور کامل به اتمام رساندند. اکثراً خانواده‌ها تنها به کودکان خود اجازه اتمام پایین‌ترین مقطعی را می‌دادند که اتمام آن قانوناً اجباری بود. در نیمه اول قرن بیستم دولتمردان تلاش‌های گوناگونی در راستای ادامه تحصیل کودکان انجام دادند. دولتمردان استرالیایی نیز با سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در موضوع ترک مدرسه، غیرقانونی اعلام کردن ممانعت از تحصیل دانش‌آموزانی که دنبال کار بودند و ممنوع کردن به کارگیری کودکان زیر ۱۴ سال، به تدریج کمترین سن ترک مدرسه

¹ David McCallum

را افزایش دادند. کودکان تا سال‌های بیشتری در مدرسه می‌ماندند. امروزه شرکت در مدارس برای کودکان بین ۶ تا ۱۵ سال اجباری است (در تاسمانیا^۱ ۱۶ سال است). کودکان بومی زندگی کاملاً متفاوتی از روند گفته‌شده را تجربه کردند (بوربنک^۲، ۱۹۸۸). در جامعه سنتی بومی، کودکان در خانواده‌ای با تعداد وابستگان بالا و با رابطه‌ای صمیمی با تمام افراد خانواده خویشاوندی خود که در دو جهت روابط عرضی (در بین یک نسل: خاله‌ها و عمه‌ها، عموها و دایی‌ها و فرزندان‌شان) و طولی گسترده است زندگی می‌کنند. کودکان نقش اصلی در سیستم اجتماعی بومیان را دارند چراکه از سنین پایین برای ایجاد بخشی از شبکه اتصالات اجتماعی، پیمان ازدواج می‌بندند. بنابراین بازتاب اصلی سیستم اجتماعی بومیان در روابط و تعهدات موجود بین خانواده‌های زوجین مشخص می‌شود تا در روابط بین والدین، و این بیانگر نقش مهم ازدواج و تشکیل خانواده در جامعه بومیان است. بنابراین می‌توان گفت آنچه کودکی در استرالیا را شکل می‌دهد صفات فردی که در فرایند رشد فرد حاصل می‌شود نیست بلکه تعهدات متقابل در شبکه گسترده روابط خانوادگی و خویشاوندی است. سنتی بودن شکل ازدواج‌ها به این معنی نیست که زنان و دختران در سرنوشت ازدواج خود تأثیر نداشته‌اند. اگر انتخاب دختر با گزینه موردنظر خانواده متفاوت بود ازدواج «نادرست» شکل می‌گرفت؛ اغلب با فرد مورد خواست خود فرار می‌کردند یا در حین فرار دستگیر می‌شدند؛ تکرار این اتفاقات به مرور زمان باعث اصلاح و نرم‌تر شدن قوانین اجتماعی ازدواج شد. امروزه، اکثر ازدواج‌ها در میان جامعه بومی استرالیا تک‌همسری هستند.

^۱ Tasmania

^۲ Burbank

شیوه زندگی و به‌طور کلی فرهنگ خانواده‌های بومی استرالیا کاملاً با اروپایی‌های استرالیا متفاوت بود و تنها عده کمی باور داشتند که این دو با هم سازگار شوند. بعدها کودکان در کانون توجه تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای از جانب دولت و کلیسا برای ایجاد تغییر اساسی در زندگی خانوارهای بومی قرار گرفتند؛ از جمله «هیأت حفاظت از بومیان»^۱. از اوایل دهه ۱۹۰۰ به بعد هر کدام از ایالات استرالیا به نوعی با به رسمیت شناختن هیئت‌های حفاظت بومیان که برای مراقبت از کودکان بومی طراحی شده بود در فعالیت‌های حفاظت از بومیان نقش داشتند. این قانون که در عمل هدفش حذف کامل فرهنگ و جامعه بومی بود، بچه‌های بومی را از خانواده‌هایشان جدا می‌کرد تا پذیرش فرهنگ اروپایی و ارزش‌های خانودگی آن‌ها برای کودکان بومی آسان‌تر شود. یکی از مسئولین حفاظت در سال ۱۹۰۹ امیدوار بود که «تا چند سال دیگر نیازی به کمپ و مقر برای بومیان نخواهد بود؛ افراد مسن فوت می‌کنند و اولاد آن‌ها در طبقه صنعتی کشور جذب می‌شوند.» (نقل شده در ادواردز^۲ و رید^۳، ۱۹۸۹: مقدمه).

به بیان ساده‌تر بومی‌بودن یک کودک دلیل کافی بود تا نادیده گرفته شود. تقریباً همه خانواده‌های بومی شامل این قانون می‌شدند چراکه ویژگی‌های اصلی جایگاه اجتماعی خانواده‌های بومی در جامعه اروپایی استرالیا را دربرمی‌گرفت؛ ویژگی‌هایی که در همه خانواده‌های بومی وجود داشت – مثلاً اینکه به بومی‌ها کمک خرج زندگی چشمگیری پرداخت نمی‌شود یا اینکه محل سکونت مشخصی ندارند، شرایطی که اغلب به خانواده‌های بومی تحمیل شده است؛ یا اینکه ازدواج‌هایی که به شیوه مرسوم بومی‌ها انجام می‌شود غیرقانونی شمرده می‌شوند. این بخش از سخنان چارلز

^۱ Aborigines Protection Boards

^۲ Edwards

^۳ Read

مک‌کلار^۱ یکی از رهبران اصلاحات رفاهی دربارهٔ «مسئلهٔ بومی» در سال ۱۹۱۵ انگیزه‌های مسئولین ایالتی از رسیدگی به زندگی آنان را مشخص می‌کند:

پدر بچه‌ها دقیقاً مشخص نیست و ارتباط بی‌قاعده گویی که قانون است. بهداشت اصلاً رعایت نمی‌شود. آلودگی و کثافت همه‌جا به چشم می‌خورد. با وجود مشکلات جسمی و روحی فراوان مادران تقریباً احمق، بچه‌ها در مراحل تقلیدی کودکی به تباهی کشیده می‌شوند. (نقل شده در ون کریکن، ۱۹۹۲: ۹۷)

تنها در نیو ساوت ولز^۲ بیش از ۵۰۰۰ کودک بین سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۶۹ از خانواده‌های خود جدا شدند (رید، ۱۹۸۱) و برخلاف کودکان سفیدپوست مراقبت‌های فراوانی صورت گرفت تا این کودکان نه از خانواده و والدینشان خداحافظی کنند و نه به هیچ وجه امکان دیدن دوبارهٔ آنان را داشته باشند. اغلب به دلیل تغییر نام کودکان و دورکردنشان از مناطق بومی‌نشین، پیدا کردن ردی از هم برای خانواده‌ها و بچه‌ها سخت می‌شد. بچه‌ها را با حقه و فریب‌هایی مثل شهادت کوتاه در دادگاه یا ماندن در بیمارستان از خانواده‌هایشان جدا می‌کردند (هایبیچ^۳، ۱۹۸۸؛ کمیسون حقوق بشر و فرصت‌های برابر^۴، ۱۹۹۷).

پیتر رید (۱۹۸۱) تخمین زد که در طول قرن بیستم یک‌ششم بچه‌های خانواده‌های بومی از آن‌ها جدا شدند. این در حالی بود که یک‌سی‌صدم بچه‌های سفیدپوست از خانواده‌هایشان جدا شدند. او این قضیه را دلیل اصلی تجزیهٔ فرهنگ و زندگی خانوادگی بومیان، به‌ویژه خشونت و مصرف بی‌رویهٔ الکل دانست که گریبان‌گیر

^۱ Charles Mackellar

^۲ New South Wales

^۳ Haebich

^۴ Human Rights and Equal Opportunity Commission

جوامع بومی شد. و این نتیجاً امروزه نگرانی اصلی در رابطه با تجربیات دوران کودکی کودکان بومی و چالشی بزرگ برای قانون‌گذاران است تا بوسیله آن‌ها از کودکان در برابر روابط مضری (سوءاستفاده‌ها) که ممکن است در این جوامع به دام آن بیافتند محافظت کند.

اگر بخواهیم بدانیم این تجارب متنوع کودکی چگونه در علوم اجتماعی درک شده‌اند، باید گفت تا دهه ۱۹۸۰ مطالعات جامعه‌شناختی کودکی بیشتر روی جامعه‌شناسی خانواده (رایگر^۱، ۱۹۸۵)، آموزش (کانل^۲ و همکاران، ۱۹۸۲)، جوانان و اجتماعی شدن (واکر^۳، ۱۹۸۸) متمرکز بود و صرفاً از این دیدگاه به بررسی تجربیات کودکان می‌پرداختند. تنها استثناء مهم *برساخت کودک از سیاست*^۴ اثر آر. دبلیو. کانل^۵ (۱۹۷۱) است که تنها نمونه‌ایست که بر جنبه‌های سیاسی اجتماعی شدن می‌پردازد و در پژوهش خود تماماً روی نظرات و تفکرات خود کودکان راجع به سیاست‌ها و امور سیاسی تمرکز می‌کند. کانل در پژوهش خود آورده است:

این کتاب در وهله اول دورنمایی از این گروه از بچه‌ها، به کمک تک‌نکشان ارائه می‌دهد، و صورتی حقیقی از عقاید و تغییراتی که با افزایش سن در آن‌ها بروز می‌کند ارائه می‌کند. به نظر من روشی بهتر از این وجود ندارد که اجازه بدهیم بچه‌ها خودشان صحبت کنند و بزرگترها خودشان قضاوت کنند. بر همین اساس من نقل‌قول‌های متعددی از بچه‌ها را در این کتاب آورده‌ام که نظرات آن‌ها است درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات سیاسی، از ملکه انگلستان و

¹ Reiger

² Connell

³ Walker

⁴ *The Child's Construction of Politics*

⁵ R. W. Connell

رئیس‌جمهور ایالات متحده گرفته تا اینکه چه کسی مسئول جنگ ویتنام است و اینکه آیا فرمانداری زیاله‌ها را جمع‌آوری می‌کند یا نه.
(کانل، ۱۹۷۱: ۲)

مطالعه کانل با وجود اینکه مطالعه‌ای نسبتاً قدیمی است (تحقیق در سال ۱۹۶۸ انجام شده است) اما روی مسئله شهروند «شدن» کودکان بحث می‌کند و عاملیت و «صدای» کودک را به رسمیت می‌شناسد و دغدغه‌های «جامعه‌شناسی کودکی نوین» را پیش‌بینی می‌کند که همان پی بردن به درک و نظری است که کودکان از تجربیات دوران کودکی و جایگاه اجتماعی‌شان دارند (کورسارو^۱، ۱۹۹۷؛ جیمز^۲ و همکاران، ۲۰۰۴؛ مایال^۳، ۲۰۰۲؛ پروت^۴، ۲۰۰۵).

هرچند در این میان پیشرفت‌های کوچکی در زمینه ایجاد مفاهیم مخصوص به استرالیا صورت گرفته است، اکثر نظریات موجود از بریتانیا (فریمن^۵، ۱۹۹۸؛ جیمز و پروت، ۱۹۹۷؛ پروت، ۲۰۰۵) و اسکاندیناوی (آلانن^۶، ۲۰۰۰؛ کورتروپ^۷، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵) به استرالیا وارد شده‌اند. تنها استثناء، مطالعات کانل (۱۹۸۷، ۱۹۹۵) در زمینه جنسیت و مردانگی است – اگر بحث بر سر «مردانگی و کودکی» باشد در این صورت پژوهش کانل اقدامی خلاقانه برای ایجاد مفاهیم جدید مؤثر در زمینه هویت مردانه و تأثیر آن بر تغییر ساختارهای اجتماعی قدرت است.

این موضوع از جمله موضوعاتی است که در پژوهش‌های عملی، مفاهیم را به مسائل پژوهشی به‌خصوصی که دانشمندان جامعه‌شناسی استرالیایی با آن روبرو هستند

¹ Corsaro

² James

³ Mayall

⁴ Prout

⁵ Freeman

⁶ Alanen

⁷ Qvortrup

رابطه می‌دهد، مسائلی مثل سلامت کودکان، نابرابری طبقه اجتماعی، قومیت و نژاد در آموزش، ارتباط کودکان با رسانه و جرم‌هایی که جوانان مرتکب می‌شوند. تأمین بودجه این پژوهش‌ها کم و بیش بستگی به سیاست‌های مربوطه کشور دارد. برای مثال اداره آمار استرالیا^۱ (۲۰۰۵) چهار موضوع اصلی زیر را به عنوان موضوعات مطلوب در زمینه مطالعات کودکی معرفی کرد:

- اوایل دوره کودکی و سلامت مادر؛
- جلوگیری از سوءاستفاده و نادیده گرفته شدن؛
- زیان‌های اقتصادی؛
- یادگیری.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد علاقه به شنیدن صدای کودکان و به رسمیت شناختن کودکان به عنوان بازیگرانی با حقوق مستقل برای خود، تدریجاً افزایش یافت. این پیشرفت به موازات ظهور «جامعه‌شناسی کودکی نوین» (جیمز و پروت، ۱۹۹۷) رخ داد اما مشخص نیست که این پیشرفت روشنفکرانه چه میزان می‌تواند تاثیرگذار باشد. با واکنش نشان دادن جامعه‌شناسان کودکی و محققان به پیشرفت‌هایی که در زمینه درک کودکان و دوران کودکی صورت می‌گیرد این امکان به وجود می‌آید که نگرش نوینی ایجاد شود که می‌تواند بین کاهش نرخ باروری (کالدول^۲، ۱۹۸۲) و اهمیت عاطفی و روانی فزاینده کودکان به عنوان افراد منحصر بفرد، ارتباط برقرار کند (ون کریکن، ۱۹۹۷).

در زمینه پژوهش‌های نهادی، یکی از مهم‌ترین مؤسسات در زمینه پرداختن به تجربیات دوران کودکی مؤسسه مطالعات خانواده^۳ در ملبورن است که پس از تصویب

^۱ Australian Bureau of Statistics

^۲ Caldwell

^۳ Institute of Family Studies (IFS)

قانون خانواده^۱ (۱۹۷۵) تأسیس شد؛ قانونی که به موجب آن زوجین بدون ارائه دلیل محکمه‌پسندی که مورد تحقیق قرار گیرد می‌توانستند طلاق بگیرند. مؤسسه مطالعات خانواده از طرف دولت فدرال تأمین مالی می‌شود و وظیفه دارد دولت را از همه جنبه‌های زندگی خانوادگی مطلع سازد. در ابتدا گمان می‌شد که این درخواست صرفاً به معنی بررسی تأثیر سند قانون جدید روی زندگی مردم است اما پس از مدتی به جمع‌آوری و گزارش پیوسته اطلاعات از زندگی خانوار برای ایجاد اصلاحات در آینده نیز پرداختند. کارهای ارزشمندی روی جنبه‌های مختلف زندگی کودکان صورت گرفته، گرچه در راستای دغدغه‌های زندگی خانوادگی بوده است (ادگار^۲، ۱۹۹۲). پژوهش کاملاً روی کودکان متمرکز است به گونه‌ای که خانواده به صورت تک‌تک اعضایش بررسی می‌شود. مؤسسه مطالعات خانواده مجله‌ای پرخواننده، معتبر و مؤثر به نام *مسائل خانوادگی*^۳ را چاپ می‌کند و هر ساله کنفرانس‌هایی که بنیانی قوی برای جامعه‌شناسی کودکی هستند را برگزار می‌کند.

نسبت به توجه خاصی که در سطح جهانی (کمیته تحقیقاتی ۵۳ انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، «جامعه‌شناسی کودکی»)، در اروپا (شبکه تحقیقاتی ۴ انجمن جامعه‌شناسی اروپا، «جامعه‌شناسی کودکان و کودکی») و در ایالات متحده (بخش «کودک و نوجوان») به کودکی می‌شود در حوزه جامعه‌شناسی استرالیایی توجه کم‌تری وجود دارد. کارهای بسیاری روی جایگاه خاص کودکان در اجتماع و تجربیات آنان در رشته‌های علمی دیگر می‌تواند انجام شود - تاریخ (کوکومبس، ۱۹۹۷)، رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی (یان میسون^۴ و فاتر^۵، ۲۰۰۵)، آموزش

¹ Family Law Act

² Edgar

³ Family Matters

⁴ Jan Mason

⁵ Fattor

(دیویس^۱، ۱۹۸۹، ۱۹۹۳؛ دیویس و برد^۲، ۱۹۹۹) و روان‌شناسی. برای مثال ۱۵۲ محقق معاهده تحقیقاتی استرالیا در زمینه کودکان و جوانان^۳ که هدفش ایجاد شبکه‌ای از تحقیقات و اطلاعات جمع‌آوری‌شده مربوط به سلامت و رفاه حال کودکان است (با عنوان «نسل آینده: دانش جدید در خدمت پیامدهای بهتر برای کودکان و جوانان»^۴)، از رشته‌های علمی مختلف و مراکز و مؤسسات مختلف انتخاب شده‌اند که از بین این مؤسسات، ۱۲ مؤسسه جامعه‌شناسی را جز گرایش‌های رشته‌ای خود دارند و تنها ۶ تا از آن‌ها جزء دپارتمان‌ها و یا مدارس جامعه‌شناسی هستند. حوزه مطالعات جامعه‌شناسی کودکی حول موضوعات آموزش، سلامت (روحی و جسمی)، مراحل اولیه رشد کودک و حفاظت از کودک می‌گردد و این‌ها زمینه‌های مطالعاتی هستند که بیشترین تحقیقات روی آنان انجام می‌شود و حمایت‌های مالی فراوان و عظیمی از آن‌ها می‌شود. در این میان فضای قابل توجهی برای جامعه‌شناسان وجود دارد که بتوانند همکاری خاص و سازنده‌ای را جهت تغییر آنچه به عنوان ماهیت تجربیات کودکی در جامعه استرالیا شناخته می‌شود، انجام دهند.

مسائل کلیدی پژوهش

برونوین دیویس^۵ (۲۰۰۵) با بررسی کتاب‌های اخیر در زمینه کودکان بیان می‌کند که موضوعاتی که پژوهش‌ها بر آن‌ها متمرکز هستند و روش‌های تحقیق به کار گرفته شده بیانگر گرایش‌های سیاسی و اجتماعی محققان در کشورهای انگلیسی‌زبان هستند - بریتانیا، کانادا، ایالات متحده، استرالیا و نیوزیلند. او این گرایش‌ها را نشان‌دهنده تأثیر روزافزون ایده‌های سیاسی نئولیبرال و نئومحافظه‌کار می‌داند،

^۱ Davies

^۲ Bird

^۳ Australian Research Alliance for Children and Youth (www.aracy.org.au)

^۴ Future Generation: New Knowledge for Better Outcomes for Children and Young People

^۵ Bronwyn Davies

به خصوص در زمینه تغییر مسئولیت پذیری و پاسخگویی از مجموعه های بزرگ از انسان ها مثل دولت به تک تک افراد که هم شامل بچه ها که موضوعات تحقیقات جامعه شناختی هستند می شود و هم خود محققین [سیاست نئولیبرال افراد را متعهد و مسئول می داند]. مشخصه اصلی تأثیر نئولیبرالیسم که منجر به شکسته شدن ساختار اولیه دولت رفاه از دهه ۱۹۸۰ و ایجاد مدل جدید دولت رفاه شد، ترکیب دو اتفاق: افزایش روحیه مسئولیت پذیری و نظارت (در مردم)، و جابجایی مراقبت و مسئولیت پذیری از دولت به تک تک افراد بوده است. این اتفاق که در راستای روند افزایش تولید قرار دارد، باعث می شود موضوعات خاصی در زمینه کودک بیشتر مورد توجه قرار گیرند؛ موضوعاتی که در راستای اهداف وسیع تر سیاسی-اقتصادی «افزایش درآمد» به منظور تأمین هزینه های سلامت، آموزش، سیاست اجتماعی - درواقع زندگی خانواده - هستند.

بنابراین بودجه دولتی برای پژوهش های اجتماعی بیشتر به موضوعات حول محور درآمدها محدود شد و از طرفی افزایش رقابت برای دریافت بودجه تحقیقاتی نیز کار را برای محققان در دریافت حمایت برای پروژه هایی که خارج از چهار «اولویت تحقیقاتی ملی»^۱ شورای تحقیقات استرالیا^۲ است را مشکل تر می کند. چهار اولویت موضوعی عبارتند از: استرالیای سازگار با محیط زیست، ارتقا و کسب سطح سلامت خوب، فناوری های پیشرو، و حفاظت از استرالیا. این اولویت ها در اینکه پروژه های حمایت مالی پیدا کند یا نه تعیین کننده نیستند اما باعث می شوند تحقیقات انجام شده توسط افراد در حوزه امنیت و سلامت باشند.

^۱ National Research Priorities

^۲ Australian Research Council

دیویس با تحقیقاتی که روی پژوهش‌های صورت گرفته بر کودک و کودکی انجام داد پی برد که گروهی این فشار را پذیرفته‌اند و در موافقت با آن گام برمی‌دارند و عده‌ای نیز در برابر آن مقاومت می‌کنند. بنابراین آنطور که بنظر می‌رسد مفاهیمی مثل «نقش کودک» یا «حقوق کودکان» طیف پیچیده‌ای از حوادث را تجربه می‌کند که به اشکال مختلف و بعضاً متناقضی روی ارتباطات قدرت بین کودکان با بزرگ‌ترها و با مراکز اجتماعی اطرافشان تأثیر می‌گذارد. ایجاد ساختاری که در آن کودک فردی است که مشغول طی کردن مراحل رسیدن به بزرگسالی است به همراه وجود نظارت دائمی راهی است برای درک و پذیرش کودک به عنوان شهروندی که حقوقی دارد، البته همین حقوق نیز به مسئولیت‌پذیری و شیوه پاسخگویی [به نیازها] بستگی دارد.

از آنجایی که پیشرفت‌های صورت گرفته به موازات «چرخش فرهنگی» و تأثیر پست‌مدرنیسم بوده است، دغدغه‌های مربوط به سازوکارهای روان‌شناختی تغییرات روحی و روانی در این دوران، به تدریج فضای بیشتری را برای تمرکز بیشتر «در زمینه فرهنگی-اجتماعی و در نهادها در چارچوب گفتمان‌هایی که از طریق آن به دانش و کارهای بچه‌ها پی می‌برند و همچنین اطلاعاتی که هنگام پرسش از و تعامل با بچه‌ها و افراد جوان در دست محققین است و کارهایی که در راستای این تعامل و کسب اطلاعات انجام می‌دهند» (دیویس، ۲۰۰۵: ۱۴۶) از آن خود کرده است.

با این دورنمای کلی، می‌شود تعداد زیادی بحث و مسئله تحقیق برای مطالعات کودکی در جامعه کنونی استرالیا مشخص کرد. موضوعات بسیار گسترده‌ای که امکان مرورشان در اینجا وجود ندارد، به جز آن‌هایی که مشخصاً راجع به تجربیات و موقعیت اجتماعی کودکان بومی استرالیا، در جامعه بومیان و جامعه استرالیا است و همچنین مواردی که به توضیح چگونگی ارتباط بین مسئله سوءاستفاده از کودکان بومی و تأثیر سیاست‌های گذشته می‌پردازد که روی خانواده‌های بومی پیاده شد. برای مثال امید به

زندگی استرالیایی‌های بومی بیست سال کمتر از بقیه افراد جامعه است و این مسئله نیازمند بررسی و تشریح از نگاه رشته‌های مختلف است. همچنین مطالعات فراوانی دربارهٔ واقعیت تجربیات کودکان مهاجر و پناهنده از مراکز نگهداری مهاجرین انجام شده و همچنین کارهای فراوانی در رابطه با ماهیت «نهادینه‌شده» کودکی، تجربیات کودکان از شرایطشان در زمان به فرزندی گرفته‌شدن (به‌صورت غیرقانونی و غیرقطعی) و در شرایط مختلف دیگر - خانه‌های تحت حمایت کلیسا، مدارس محلی و مراکز اصلاح و تربیت صورت گرفته است. تحقیقات بسیار زیادی در استرالیا در زمینهٔ تجربیات کودکان از طلاق و جدایی و اینکه آن‌ها چه نظر و حسی راجع به شیوه‌های مختلف جدایی والدین دارند انجام شده است (فلبرگ^۱ و هانت^۲، ۲۰۰۷؛ رودز^۳، ۲۰۰۷؛ شیهان^۴ و همکاران، ۲۰۰۷؛ ون کریکن، ۲۰۰۵).

در بحث دربارهٔ روش‌های تحقیق در استرالیا می‌توان گفت که گسترش و تغییر مفاهیم در «جامعه‌شناسی کودکی نوین» باعث ایجاد تغییر در روابط قدرت بین محققین کودک و افراد مورد تحقیقشان شده است. و این مسئله اهمیت وجود کمیته‌های اخلاق تحقیق در انجام تحقیقات اجتماعی را بالا می‌برد. قائل شدن انواع حقوق و استقلال برای کودکان تأثیر به‌سزایی روی نحوهٔ انجام تحقیقات داشته است، به‌طوری که بجای اینکه تحقیقات روی بچه‌ها باشد تمایل روزافزونی برای انجام تحقیق به کمک بچه‌ها ایجاد شده است. رضایت گرفتن از والدین، مدارس و البته از خود کودکان برای مشارکت کودکان در تحقیق گفت‌وگوهای پیچیده‌تری را بین محققین اجتماعی و کودکانی که مورد تحقیقشان هستند به‌وجود آورده است که به تبع بر ماهیت سؤالاتی

¹ Fehlberg

² Hunter

³ Rhoades

⁴ Sheehan

که در حین تحقیق پرسیده می‌شود و تعبیرهایی که از نتایج پژوهش می‌شود نیز تأثیر می‌گذارد. در حال حاضر، بحث روی اخلاق پژوهش غالباً توسط حرفه پزشکی دنبال می‌شود که خیلی کم بر مسائل و روش‌های معمول تحقیق در زمینه سلامت و پزشکی تمرکز دارد. این فرصت خوبی است که جامعه‌شناسی استرالیایی که در حاشیه قرار دارد وارد صحنه شود و در تعریف اهداف مطالعات کودکی در استرالیا یاری‌رسان باشد. این گفته نیز صحیح است که با انجام تحقیقات با کمک نظر بچه‌ها احتمالاً دغدغه چگونگی انجام تحقیقات (روش‌های تحقیق) و تشخیص مسائلی که ارزش بررسی دارند به صورت گسترده وارد مباحث تحقیقات نظری و عملی بشود. دغدغه‌هایی که به دلیل پررنگ شدن موضوعات سلامت محور در تحقیقات دانشگاهی، فراموش شده‌اند.

تلاش دولت، دانشگاه‌ها و دیگر مراکز تحقیقی برای انجام تحقیقات بیشتر، این نگرانی را به وجود می‌آورد که پژوهشگران حوزه کودک نیز برای کار کردن بیشتر روی موضوعات دلخواه همراه شوند - این همکاری می‌تواند به دپارتمان‌های دولتی، سمن‌ها یا مؤسسات خیریه و در بعضی موارد مشارکت‌های خصوصی مربوط باشد که روی مسائل مربوط به کودکان کار می‌کنند. همانطور که دیویس نیز بیان می‌کند این تلاش و همزمانی می‌تواند به کم‌شدن توانایی در پذیرش و برخورد با مسائل پیچیده در این زمینه منجر شود، قید و بند مقرراتی برای تحقیقات ایجاد کند تا در راستای سیاست اجتماعی و نیازمندی‌ها در زمینه قانون‌گذاری دولت باشند و یا باعث رشد دغدغه‌های تحقیقاتی در زمینه‌های غیردلخواه شود. دیویس مثالی را بیان می‌کند تا نشان دهد که چگونه نئولیبرالیسم با گسترش مفهوم مسئولیت‌پذیری باعث شد حرکات مثبتی در جهت ارزشیابی‌های استاندارد در مدارس پیش گرفته شود. اما در همان زمان، مخصوصاً در فرایند عملی کردن مفهوم «کودک به مثابه نقش آفرین» و «کودک به مثابه

شهروند»، پاسخی مخالف و غیردلخواه، دغدغه‌ای بزرگ‌تر با اشکال گوناگون ایجاد می‌کند که از طبقه اجتماعی، نژاد، قومیت، و جنسیت سرچشمه می‌گیرد (دیویس، ۲۰۰۵: ۱۴۷).

کودکان در مباحث عمومی

رویکردهای بی‌شماری در بحث‌های گسترده عمومی دربارهٔ کودکان در جامعهٔ استرالیا وجود دارد که هم با روند جهانی همراه است و هم ویژگی‌های متمایزکنندهٔ موقعیت اجتماعی خاص کودکان استرالیا را دارد. در بحث جهانی، در استرالیا مانند هر جای دیگری وضعیت کودکی و کودکان در فضای عمومی طی دهه‌های اخیر بیشتر در مرکز توجه بوده‌اند و نگاه دوباره‌ای به مسائل سیاسی و اجتماعی از دید آن‌ها شده است. مهم‌تر از همهٔ این‌ها وضعیت مردم بومی جامعهٔ استرالیا، فقر و نحوهٔ برخورد با مهاجرین و پناهجویان بوده است. هر زمان که بحث دربارهٔ موضوعاتی از این دست در بین عموم مردم ایجاد شود تمایل برای تمرکز بر وضعیت کودکان بیشتر خواهد شد - کودکان بومی، کودکان فقیر، کودکان مهاجران و پناهجویان.

در کل، وضع سیاسی و بحث عمومی در استرالیا در دهه‌های اخیر در آخرین مراحل پارادایم تغییری است که از جنگ جهانی دوم شروع شده است. پارادایمی که در ابتدای آن به کودک به عنوان بخشی از خانواده و خانواده را کل به عنوان کل می‌نگریست و رفته رفته به سمت تجزیه خانواده و نگرستن به کودک بعنوان سرمایه‌های انسانی که می‌شود برای آینده رویشان هزینه کرد پیش رفت (دونزلت، ۱۹۷۹).

به‌طور کلی، فضای سیاسی و مباحث عمومی در استرالیا در دهه‌های اخیر دست‌خوش آخرین مرحله از تغییر پارادایمی شده‌اند که از زمان جنگ جهانی دوم روی کار بوده است، از الگویی از مشاهدهٔ کودکان به عنوان بخشی از واحد خانواده، و تمرکز بر خانواده به مثابهٔ یک کلیت، به سوی «تکه‌تکه کردن» خانواده و مشاهدهٔ

کودکان بر اساس «سرمایه انسانی» خودشان به عنوان «سرمایه‌گذاری‌ای در آینده» رفته است (دونزلوت^۱، ۱۹۷۹). اگر در گذشته، والدین مسئولیت رفاه کودک را بر عهده داشتند حالا افراد زیادی در اجرای این مسئولیت ایفای نقش می‌کنند، از جمله متخصصان و مؤسسات مختلف. برای مثال رایوین کانل (۲۰۰۹: ۳۵) اشاره می‌کند که چطور ارتباطات بین والدین و بچه‌ها «کمرنگ شد» تا «مؤسسات و رسانه‌های الکترونیکی واسطه شوند یا محدود به دوره کوتاهی از زندگی شود». کودکان هرچه بیشتر از روابط مالی بین خانواده‌ها و دولت دور می‌شوند، کار اجباری برای مادران نیز بیشتر مورد توجه و تشویق قرار می‌گیرد و البته برای بقای مالی نیز ضروری است. این بخشی از دلیلی است که برای مثال چرا تجربیات دوران کودکی مهاجرین و پناهمجویان، مهمترین بخش در بررسی شیوه برخورد با آن‌ها بوده است، چرا که به این طریق به اهمیت تأثیرش بر سرمایه‌گذاری‌های آینده روی سرمایه‌های انسانی پی می‌بریم، درحالی‌که تجربیات والدین آن‌ها را می‌توان تجربیاتی نامناسب برای تحقیق و بررسی به حساب آورد.

روند مهم دیگری که روند معمول همه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ است، ترکیب افزایش مشارکت زنان در نیروی کار با کاهش نرخ باروری است؛ گرچه استرالیا از سال ۲۰۰۱ برخلاف این روند جهانی به پیش رفته و نرخ باروری خود را به میزان کمی افزایش داد، به‌طوری‌که در سال ۲۰۰۶ به بیشترین میزان خود از سال ۱۹۹۵ رسید (اداره ثبت آمار استرالیا، ۲۰۰۷الف). با ادامه روند افزایش میزان باروری تنها باید نیازهای مربوط به مراقبت بچه قبل و بعد از مدرسه در نظر گرفته شود و برایش چاره اندیشی شود، که این از دهه ۱۹۸۰ به تدریج رو به افزایش است.

^۱ Donzelot

^۲ OECD

در همین راستا باید به افزایش خانواده‌های تک‌والدی و در نتیجه افزایش تعداد کودکانی که با یک والد بزرگ می‌شوند نیز اشاره کرد، که غالباً نیز مادر است. بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ در استرالیا خانواده‌های تک‌فرزند با کودک زیر ۱۵ سال، ۲۲ درصد از کل تعداد خانواده‌های با کودکان زیر ۱۶ سال را تشکیل می‌دادند که این عدد از ۱۴ درصد در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ و ۲۰ درصد در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ افزایش پیدا کرده اما از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ از اوج ۲۳ درصدی خود به تدریج رو به کاهش گذاشته است (اداره ثبت آمار استرالیا، ۲۰۰۷ب). به‌طور کلی والدین تمایل دارند که در سنین بالاتر بچه‌دار شوند و اکثراً تمایلی به ازدواج ندارند و در سنینی که کودک به آن‌ها وابسته است از یکدیگر جدا می‌شوند.

طلاق و جدایی وجه مشترک تجربیات کودکان امروز است که در حال افزایش نیز هست. ۹۴ درصد افراد از نسلی که در سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۵ متولد شده‌اند تا آخر با پدر و مادر خود زندگی کردند، این در حالی است که برای نسل متولد شده در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ این درصد به ۸۲ افت پیدا کرد - ۱۷ درصد مابقی یا با والدین ناتنی خود زندگی کرده‌اند یا با یکی از والدین خود تا قبل از سن ۱۵ سالگی. این مسئله به صورت‌های مختلفی بر رابطه بین بسیاری از پدرها با فرزندانشان تأثیر گذاشته است، از ضعف شدید رابطه بین پدر و فرزند به دلیل نبود دیدارهای منظم گرفته (خیلی از کودکان ارتباطشان را با پدرشان از دست می‌دهند) تا ایجاد نوعی از تعامل جدید بین فرزندان و پدران که در آن تعداد ارتباط کمتر اما تأثیر عاطفی آن بالا است. مثل خیلی از کشورهای دیگر، بحث‌های مؤثر راجع به حقوق کودکان در حال افزایش است (فاندر^۱، ۱۹۹۶)، بحث‌هایی که مسائل مهمی در زمینه اعطای حقوق شهروندی به‌طور یکسان با بزرگسالان به کودکان با علم به نیازهای مخصوص کودکان و

¹ Funder

علاقه‌مندی‌های آن‌ها را دربرمی‌گیرد. مثالی در این زمینه می‌تواند نقش کودکان در جدایی باشد - در یک سمت بحث کودک نقش آفرین و حقوق کودک ما را مجاب به توجه به خواسته‌های کودکان می‌کند که والدینشان از هم جدا شده‌اند، از طرف دیگر حساسیت تدبیر روابط کودک با پدر و مادرش و معضلات روحی که این مسئولیت‌های فردی به کودکان تحمیل می‌کند ما را مجاب می‌کند که به مراقبت‌های لازم از کودک بیش از بحث حقوقش پردازیم. مباحث عمومی در استرالیا همواره در حال تغییر بین این دو دیدگاه بوده است.

وضعیت کنونی و چشم‌اندازهای آینده

بنابراین آنطور که برمی‌آید جامعه‌شناسی کودکی در استرالیا راه درازی را برای اثبات خود در میان رشته‌های دیگر - مثل تاریخ، روان‌شناسی، علوم سلامت، آموزشی و سیاست اجتماعی - در حوزه مطالعات کودکی و برای ایجاد جهت‌گیری نظری مشخص در پیش دارد که بتواند در زمینه مسائل سیاسی راهگشا باشد. بخش اعظمی از این مسئله به جایگاه جامعه‌شناسی کودکی در رشته جامعه‌شناسی و آنچه بیشتر مورد توجه جامعه‌شناسی استرالیایی است بستگی دارد - در حال حاضر این جایگاه، جایگاهی حاشیه‌ای است و تعداد جامعه‌شناسان فعال در حوزه کودک باید به حد قابل قبولی برسد قبل از اینکه نیازها و مطالبات در این حوزه به حدی که اکنون در اروپا و امریکای شمالی است برسد.

جامعه‌شناسی کودکی در استرالیا با چالش‌های مختلف زیادی روبه‌رو است. این چالش‌ها عبارتند از درک حقوق کودکان از دیدگاه جامعه‌شناختی، تأثیر فناوری‌های جدید و رسانه بر تجربیات کودک، به‌خصوص شکل‌های تغییر یافته نابرابری که ایجاد

می‌کنند («جداسازی دیجیتال»؛ رجوع کنید به کاس^۱، ۲۰۰۱؛ لیوینگستون^۲، ۲۰۰۳)، صورت‌های تغییر یافته جدایی و طلاق والدین و تأثیرش بر کودکان (ون کریکن، ۲۰۰۵)، جابجایی الگوهای نابرابری در مدارس و اجتماعات، «نظم نسلی» تغییر یافته و جنبه‌های اجتماعی سلامت کودکان. می‌خواهم با تمرکز بر دو چالش نتیجه‌گیری را انجام دهم - یکی از چالش‌ها مختص استرالیا و دیگری در بیشتر کشورهای دیگر دنیا به نوعی مشترک است، که البته در استرالیا شکل خاصی به خود می‌گیرد. یک مسئله خیلی مهم که پیش روی جامعه‌شناسان کودکی استرالیا قرار دارد اهمیت جایگاه و تجربیات خاص کودکان بومی در زندگی خانوادگی‌شان، اجتماعاتشان و سیستم آموزشی‌شان است. امروزه تعداد زیادی از اجتماعات مربوط به مردم بومی وجود دارد که کودکان در آن‌ها مورد سوءاستفاده احساسی و جنسی قرار می‌گیرند که هر دو از نظر اخلاقی غیرقابل قبول هستند و مشخصاً باعث ایجاد مشکلات اجتماعی در آینده می‌شوند چراکه کودکانی که مورد آزار قرار می‌گیرند خود بزرگ می‌شوند و نقش والد را می‌پذیرند و این چرخه ادامه دارد.

در حال حاضر عامه مردم به‌ندرت از پژوهش عملی و نظری مستدل آگاهی دارند. دیدگاهی جامعه‌شناسانه به ساختار و نحوه روابط مضر خانوادگی در اجتماعات افراد بومی، که شامل بررسی مقایسه‌ای و تاریخی روی این مسئله است که چگونه این نوع از خشونت و سوءاستفاده در بین خانواده و اجتماعات شکل می‌گیرد و رشد می‌کند، کمک بسیار مهمی به پیشرفت سیاست و عمل در این حوزه می‌کند، همچنین می‌تواند به تنهایی زمینه عملی و تحقیقاتی مهمی در رشته جامعه‌شناسی باشد. این موضوع تحقیقاتی همچنین بخش وسیعی از نیاز همیشگی به انجام مطالعات جامعه‌شناختی در

¹ Koss

² Livingstone

زمینه سوءاستفاده از کودک را رفع می‌کند، که همچنان مسئله اجتماعی مهمی است مادامی که وضعیت کنونی اقتصادی و اجتماعی، پیوسته نیازهای جدید و بعضاً متناقضی را در زمینه روابط بین بزرگسالان و کودکان و تجربیات کودکی پدید می‌آورد.

مسئله مهم دوم دریافتن تأثیرات بی‌وقفه رژیم‌های کنونی اقتصادی و سیاسی بر زندگی روزمره بچه‌ها است. بدون بحث روی لیبرالیسم، این مشخص است که حرکت‌های قابل توجهی به سمت افزایش تأکید بر فعالیت‌های بازار بدون در نظر گرفتن مسئله سامان‌دادن به زندگی اجتماعی که در الگوی دولت رفاه مطرح است، صورت گرفته است. دولتمردان استرالیایی اگر در خط مقدم این حرکت‌ها نبودند، در دنباله‌روی از تاجر و ریگان به سمت سیاست‌های نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ خیلی عقب نبوده‌اند. رایوین کانل (۲۰۰۹) اخیراً به بررسی تأثیرات بسیار این تغییر بر زندگی خانوادگی و تجربیات کودک به‌ویژه خصوصی‌سازی آموزش و مراقبت پرداخته است.

تشویق دولت به مدرسه خصوصی و مراقبت مشارکتی از کودک [به این معنی که خانواده نیز بخشی از مراقبت کودک را به عهده بگیرد]، باعث افزایش هزینه‌های اقتصادی بر دوش خانواده‌ها می‌شود که به تبع، کل رابطه با فرزندانشان و ماهیت تجربه کودکی را تغییر می‌دهد. نیاز به سرمایه‌گذاری مالی برای آموزش کودکان و مدیریت این سرمایه‌گذاری به منظور نهایت استفاده در هدایت استراتژی‌های کودکان در زمینه‌های رقابتی مختلف افزایش پیدا کرده است. کانل بیان می‌کند که این مسئله طبیعتاً خانواده‌ها را به سمت تقویت قشربندی‌های جنسیتی پیش می‌برد و نئولیبرالیسم نوع متفاوتی از «پدری جدید» را ساخته است که در آن پدر به عنوان مدیر بخش سرمایه‌گذاری خانواده برای تحصیل کودک است. نقش مادر نیز ایجاد فضای

آموزشی در خانه است یا به عبارتی بالاترین سطح رساندن آموزش‌ها و فراگیری‌های در منزل برای کودک در مهارت‌هایی که پیروزی‌های رقابتی را تا حد ممکن تضمین می‌کند. در استرالیا، مدارس خصوصی غالباً تک‌جنسیتی هستند، که باعث ایجاد دید جنسیتی به آموزش در بین کودکان می‌شود. دست‌یافتن به بینشی آگاهانه از نحوه ارتباط میان تغییرات وسیع در ساختارهای سیاسی و اقتصادی و سیاست‌ها از یک سو و تجربیات روزمره کودکی از سوی دیگر، وظیفه‌ی خطیر تحلیل را بر عهده‌ی جامعه‌شناسان کودکی استرالیا می‌نهد.

بنابراین، پتانسیل خیلی خوبی برای جامعه‌شناسان جهت انجام تحقیقات روی این دو مسئله و البته دیگر مسائل وجود دارد تا از این طریق بتوانند دید اجتماعی و سیاسی را برای بررسی دغدغه‌هایی ایجاد کنند که بر زندگی کودکان استرالیا اثر می‌گذارند و بررسی‌های جامعه‌شناسانه‌ی غنی‌ای از ساختار و سازوکار دوران کودکی معاصر به دست دهند. معنای واقعی مفاهیمی مثل حقوق کودک، کودک نقش‌آفرین و با نظم جنسیتی به دلایل زیادی به زمینه‌های خاص اجتماعی، تاریخی و فرهنگی که بستر تعریف آن مفاهیم هستند بستگی دارد و شناسایی و درک تجربیات خاص استرالیایی‌ها به صورت‌ها و در زمینه‌های گوناگونی باعث پیشرفت جامعه‌شناسی کودکی می‌شود.

منابع

- Alanen, Leena (2000) 'Visions of a Social Theory of Childhood', *Childhood* 7(4): 493-505.
- Australian Bureau of Statistics (2005) *Key Issues Relating to Children and Youth 4908.0*. Canberra: ABS.
- Australian Bureau of Statistics (2007a) *Australian Social Trends 2007 4102.0*. Canberra: Australian Government Publishing Service.
- Australian Bureau of Statistics (2007b) *Births 2006 3301.0*. Canberra: ABS.
- Burbank, Victoria (1988) *Aboriginal Adolescence*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.

- Caldwell, John C. (1982) *Theory of Fertility Decline*. London: Academic Press.
- Christie, Pam and Sidhu, Ravinder (2006) 'Governmentality and "Fearless Speech": Framing the Education of Asylum Seeker and Refugee Children in Australia', *Oxford Review of Education* 32(4): 449–65.
- Connell, Raewyn (2009) 'The Neoliberal Parent: Mothers and Fathers in the New Market Society', in Paula-Irene Villa and Barbara Thiessen (eds) *Mütter/Väter: Elternschaft zwischen medialen Inszenierungen and alltäglicher Praxis*. Münster: Verlag Westfälisches Dampfboot.
- Connell, Robert W. (1971) *The Child's Construction of Politics*. Melbourne: Melbourne University Press.
- Connell, Robert W. (1987) *Gender and Power: Society, the Person, and Sexual Politics*. Cambridge: Polity Press.
- Connell, Robert W (1995) *Masculinities*. Berkeley: University of California Press.
- Connell, Robert W., Ashenden, Dean, Kessler, Sandra and Dowsetts, Gary (1982) *Making the Difference*. Sydney: Allen and Unwin.
- Corsaro, William A. (1997) *The Sociology of Childhood*. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Davies, Bronwyn (1989) *Frogs and Snails and Feminist Tales: Pre-School Children and Gender*. Sydney: Allen and Unwin.
- Davies, Bronwyn (1993) *Shards of Glass*. Sydney: Allen and Unwin.
- Davies, Bronwyn (2005a) 'The (Im)possibility of Intellectual Work in Neoliberal Regimes', *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education* 26(1): 1–14.
- Davies, Bronwyn (2005b) 'Emerging Trends in Researching Children and Youth: A Review Essay', *British Journal of Sociology of Education* 26(1): 145–53.
- Davies, Bronwyn and Bird, Lise (1999) 'Shards of Glass: Drawing Attention to the Constitutive Power of Discourse', *Women's Studies International Forum* 22(1): 113–22.
- Donzelot, Jacques (1979) *The Policing of Families*. London: Hutchinson.
- Edgar, Donald E. (1992) 'Childhood in its Social Context: The Under-Socialised Child?', *Family Matters* 33: 32–5.

- Edwards, Coral and Read, Peter (eds) (1989) *The Lost Children*. Sydney: Doubleday.
- Fehlberg, Belinda and Hunter, Rosemary (2007) 'Children's Contact Services in Australia: The Referral', in Mavis Maclean (ed.) *Parenting after Partnering: Containing Conflict after Separation*. Oxford: Hart.
- Freeman, Michael (1998) 'The Sociology of Childhood and Children's Rights', *International Journal of Children's Rights* 6(4): 433–44.
- Funder, Kathleen (1996) *Citizen Child: Australian Law and Children's Rights*. Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
- Grimshaw, Patricia and Willett, Graham (1981) 'Women's History and Family History: An Exploration of Colonial Family Structure', in Norma Grieve and Patricia Grimshaw (eds) *Australian Women: Feminist Perspectives*. Melbourne: Oxford University Press.
- Haebich, Anna (1988) *For Their Own Good: Aborigines and Government in the Southwest of Western Australia, 1900–1940*. Perth: University of Western Australia Press.
- Human Rights and Equal Opportunity Commission (1997) *Bringing Them Home: Report of the National Inquiry into the Separation of Aboriginal and Torres Strait Islander Children from their Families*. Sydney: Sterling Press; at: www.austlii.edu.au/au/special/rsjproject/rsjlibrary/hreoc/stolen/index.html (accessed May 2008).
- James, Allison and Prout, Alan (eds) (1997) *Constructing and Reconstructing Childhood*, 2nd edn. London: Falmer Press (Orig. pub. 1990.)
- James, Allison, James, Adrian L. and McNamee, Sally (2004) 'Turn Down the Volume? – Not Hearing Children in Family Proceedings', *Child and Family Law Quarterly* 16(2): 189–203.
- Jamrozik, Adam and Sweeney, Tania (1996) *Children and Society: The Family, the State and Social Parenthood*. Melbourne: Macmillan.
- Kociumbas, Jan (1997) *Australian Childhood: A History*. Sydney: Allen and Unwin.
- Koss, Fabian A. (2001) 'Children Falling into the Digital Divide', *Journal of International Affairs* 55(1): 75–90.

- Livingstone, Sonia (2003) 'Children's Use of the Internet: Reflections on the Emerging Research Agenda', *New Media and Society* 5(2): 147–66.
- McCallum, David (1990) *The Social Production of Merit*. London: Falmer Press.
- MacMullin, Colin and Maryanne Loughry (2000) 'A Child-Centred Approach to Investigating Refugee Children's Concerns', in Frederick L. Ahearn Jr (ed.) *Psychosocial Wellness of Refugees: Issues in Qualitative and Quantitative Research*. New York: Berghahn.
- Mason, Jan and Fattore, Toby (eds) (2005) *Children Taken Seriously: In Theory, Policy and Practice*. London: Jessica Kingsley.
- Mayall, Berry (2002) *Towards a Sociology for Childhood: Thinking from Children's Lives*. Milton Keynes: Open University Press.
- Prout, Alan (2005) *The Future of Childhood: Towards the Interdisciplinary Study of Children*. London: Routledge/Falmer.
- Qvortrup, Jens (ed.) (1993) *Childhood as a Social Phenomenon: Lessons from an International Project*. Vienna: European Centre for Social Welfare Policy and Research.
- Qvortrup, Jens (1995) 'From Useful to Useful: The Historical Continuity of Children's Constructive Participation', *Sociological Studies of Children* 7: 49–76.
- Read, Peter (1981) *The Stolen Generations: The Removal of Aboriginal Children in New South Wales, 1883 to 1969*. Sydney: Ministry for Aboriginal Affairs.
- Reiger, Kerreen (1985) *The Disenchantment of the Home*. Melbourne: Oxford University Press.
- Rhoades, Helen (2007) 'The Changing Face of Contact in Australia', in Mavis Maclean (ed.) *Parenting after Partnering: Containing Conflict after Separation*. Oxford: Hart.
- Sheehan, Grania, Dewar, John and Carson, Rachel (2007) 'Moving on: The Challenge for Children's Contact Services in Australia', in Mavis Maclean (ed.) *Parenting after Partnering: Containing Conflict after Separation*. Oxford: Hart.
- Van Krieken, Robert (1992) *Children and the State: Social Control and the Formation of Australian Child Welfare*. Sydney: Allen and Unwin.

- Van Krieken, Robert (1997) 'Sociology and the Reproductive Self: Demographic Transitions and Modernity', *Sociology* 31(3): 445–71.
- Van Krieken, Robert (2003) 'When is Child Welfare Cultural Genocide? On the Politics of the Organised "Improvement" of Children's Lives', in Heinz Sünker, Russell Farnen and György Szell (eds) *Political Socialisation, Participation and Education: Change of Epoch – Processes of Democratisation*. Frankfurt: Peter Lang.
- Van Krieken, Robert (2005) 'The "Best Interests of the Child" and Parental Separation: On the "Civilizing of Parents" ', *The Modern Law Review Limited* 68(1): 25–48.
- Vasta, Ellie (1994) 'Youth and Ethnicity: The Second Generation', *Family Matters* 38: 21–5.
- Walker, James C. (1988) *Louts and Legends: Male Youth Culture in an Inner-City School*. Sydney: Allen and Unwin.

جامعه‌شناسی کودکی فرانسوی

موضوعی غیرمعمول و خرد، یا عرصه‌ای تعریف شده؟

رژین سیروتا^۱، ترجمه الهه سروش

چکیده

جامعه‌شناسی کودکی فرانسوی با تحلیل انتقادی اجتماعی شدن در اواخر دهه ۹۰ پدیدار شد. این مبحث که همچنان موضوعی چندشاخه است تمامی علوم اجتماعی را در خود دارد. برخی از جامعه‌شناسان آموزش با معطوف ساختن توجه به «دوران دانش‌آموزی»^۲ و سپس به «دوران کودکی»^۳ در چارچوب «بازگشت به کنشگر» که با نظریات تفسیری و قائلان به نظریه کنش متقابل نمادین مشخص می‌شوند، نقش مهمی در این پدیداری داشته‌اند. وضعیت جدید کودک در مدرنیته از خلال نظریات فردگرایی بررسی شد. گرایشات اصلی تحقیق عبارتند از: نگاهی بازنگرانه به مباحث تخصصی، کودک به عنوان کنشگر اجتماعی، سیاست‌های اجتماعی و کودکی و فرهنگ کودکان. از «کودک‌شاه» تا «کودک در مقام قربانی»، صحنه سیاسی، قضایی و رسانه همواره در حال انباشته شدن با مباحث داغی پیرامون اشکال جدید کودکی، کودک میل^۴، کودک به عنوان یک مسئله، کودک در مخاطره یا کودک خطرناک هستند. این مقاله با چالش‌هایی برای آینده جامعه‌شناسی کودکی پایان می‌یابد.

^۱ رژین سیروتا (Régine Sirota)، دانشگاه دکارت پاریس (Université Paris Descartes - Paris V)

^۲ *métier d'élève*

^۳ *métier d'enfant*

^۴ *child of desire*

کلیدواژه‌ها: کودک در مقام کنشگر، فرهنگ کودکان، گفتمان‌های کارشناسان، فرانسه، دوران مدرسه، دوران کودکی، وضعیت جدید کودک، اجتماعی‌شدن، سیاست‌های اجتماعی

مقدمه

نطفه توجه مطالعاتی به کودکی با انتشار قرن‌های کودکی^۱ (۱۹۶۰) اثر فیلیپ آریس^۲ شکل گرفته است. البته باید بدانیم که تقریباً تا همین اواخر کودکی توجه کمی بین جامعه‌شناسان فرانسوی برانگیخته بود. باید برای دیدن آگاهی واقعی و جایگاه مشخصی برای این مبحث در علوم اجتماعی روز فرانسه، تا پایان دهه ۹۰ صبر کنیم.

از مقاله «کودکی» که در فرهنگ جدید پداگوژی و آموزش ابتدایی^۳ (بویسون^۴ و دورکیم^۵، ۱۹۱۱) منتشر شد تا مقاله «جامعه‌شناسی کودکی» در دانشنامه آموزش و پرورش^۶ (سیروتا^۷، ۲۰۰۵ب) که حدود یک قرن بعد منتشر شد، شاهد دوران طولانی‌ای هستیم که در آن کودکی بیشتر در قالب نهادهای کنترل‌کننده آن همچون مدرسه، خانواده و سیستم قضایی مورد توجه قرار می‌گرفت.

گرچه تعداد زیادی از کارهای اختصاص داده‌شده به جامعه‌شناسی کودکی فرانسوی مانند خیلی از حوزه‌های زبانی دیگر، اغلب با تشخیص «فقدان، لغزش و حذف» آغاز می‌شود، توجه به کودکی در دهه اخیر شکوفا شده است. اکنون وضعیت

^۱ *L'Enfant et la vie familiale sous l'ancien régime [Centuries of Childhood]*

^۲ Philippe Ariès

^۳ *Nouveau dictionnaire de pédagogie et d'éducation primaire*

^۴ Buisson

^۵ Durkheim

^۶ *Dictionnaire encyclopédique de l'éducation et de la formation*

^۷ Sirota

کودک در «مدرنیته دوم» پروبلماتیک و در گرو مسائل آموزشی و ساخت گره‌های اجتماعی دانسته می‌شود. از زمانی که فخانسواز دولتو^۱ روان‌تحلیلگر (۱۹۹۰) کودک را به عنوان یک شخص در نظر گرفت، مباحث جنجالی‌ای هم در رسانه و هم در تحقیقات علمی به روشنی مورد بحث قرار گرفت. خلاصه اینکه، دو فیلسوف سیاسی، اریک دشاوان^۲ و پیر هنری تویوت^۳ (۲۰۰۷: ۳۱۸) در کتاب آخر خود در مورد دوره‌های سنی در زندگی می‌پرسند: «کودک چیست؟ ... جایگاه کودک در جامعه در پنجاه سال اخیر به کلی تغییر کرده است. او از حاشیه به مرکز و از فرعی به اصلی تبدیل شده است. اما آیا این مرکزیت معاصر کودک تصویری عینی^۴ است یا خیالی واهی؟»

و سپس، آیا جامعه‌شناسی کودکی فرانسوی جایگاهی را در این برنامه علمی و پیشرفت‌های واقعی و آینده آن اشغال کرده است؟

ظهور جامعه‌شناسی کودکی فرانسوی

میدانی قویاً چندشاخه

مبحث جامعه‌شناسی کودکی همچنان مانند گذشته مبحثی قویاً چندشاخه است. مقالات مربوط به آن علاوه بر رشته جامعه‌شناسی کودکی، توسط رشته‌های دیگر جامعه‌شناسی و مطالعات متنوع دیگر نوشته شده است. لازم به ذکر است بحث جامعه‌شناسی کودکی توسط تعدادی از انتشارات پژوهشی برگزیده، به کندی نهاده شده است.

^۱ Françoise Dolto

^۲ Eric Deshavanne

^۳ Pierre Henri Tavoillot

^۴ trompe-l'oeil

انتشار ویژه‌نامه ژورنال مؤسسه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد بروکسل^۱ در سال ۱۹۹۴، با عنوان «کودکی و علوم اجتماعی»^۲ ویرایش شده توسط سوزان مولو^۳، اولین قدم در راه گردآوری محققان‌اندک علاقه‌مند به این مبحث و تولید طرحی کلی از آخرین نتایج و تحقیقات صورت گرفته بود. در این ویژه‌نامه از خود واژه جامعه‌شناسی کودکی استفاده نشد، اما انتشار آن درخواستی به جامعه‌شناسان در راستای تجدید نظر در مورد فرایند اجتماعی‌شدن و در نظر گرفتن دوران کودکی به عنوان مبحثی جدا و مستقل در تحقیقاتشان بود.

اهداف این ویژه‌نامه شامل بازکشف کودکان، قضاوت نکردن آنان بواسطه گزارشات و نمرات مدرسه‌شان، کشف روش‌های متفاوت مشارکت آنان در تولید، بازتولید و تغییر شکل نظام اجتماعی، بازاندیشی از طریق مشارکت فعال کودک، ابعاد پویا از مفهوم اجتماعی‌شدن، زیر سؤال بردن بنیان فرضیه کودک به مثابه کنشگر (مولو، ۱۹۹۴: ۴).

واژه جامعه‌شناسی کودکی برای نخستین بار سال ۱۹۹۸ در ویژه‌نامه ژورنال آموزش و جامعه^۴ (سیروتا، ۱۹۹۸ب)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جامعه‌شناسی کودکی» دیده شد. به عنوان تلاشی برای بزرگ کردن میدان جامعه‌شناسی آموزش در محدوده‌هایی غیر از سیستم مدرسه؛ این توسط ژورنال به عنوان شرط‌بندی‌ای شجاعانه روی آینده در نظر گرفته شد، نوعی «تحصیل‌زدایی»^۵ از جامعه‌شناسی آموزش. دو دیدگاه اجمالی از آخرین نتایج و تحقیقات صورت گرفته مشخص شد، یکی با توجه به ادبیات فرانسوی (سیروتا، ۱۹۹۸الف) و دیگری از ادبیات انگلیسی در باب این موضوع

¹ Institute of Sociology of the Université Libre of Bruxelles

² Enfances et sciences sociales

³ Suzanne Mollo

⁴ Education et Sociétés

⁵ descolarization

(مونتاندون^۱، ۱۹۹۸). هر کدام این دو، ریشه و جهت گیری اصلی این رشته جدید را توصیف می کنند. ارجاعات اندک به جامعه شناسی انگلیسی زبان (کورسارو^۲، ۱۹۹۷؛ جیمز^۳ و پروت^۴، ۱۹۹۰؛ پروت، ۲۰۰۵؛ کورتروپ^۵، ۲۰۰۱) از سوی جامعه شناسان فرانسوی زبان به طور همزمان هم به عنوان منبعی الهام بخش، و هم برای مشروعیت این رشته عمل می کند. البته باید تأکید کرد که شکافی ده ساله در گسترش این رشته بین این دو زبان وجود دارد.

در چارچوب «بازگشت به کنشگر»، که توسط نظریات تفسیری و کنش متقابل نمادین مورد توجه قرار گرفته، بعضی از جامعه شناسان آموزش دریافتند که کنشگر اجتماعی در «دوران دانش آموزی» شخصیت می یابد. چه آن ها در ابتدا جامعه شناس آموزش بودند (مونتاندون، ۱۹۹۸؛ پرنود^۶، ۱۹۹۴؛ رایو^۷، ۱۹۹۸؛ سیروتا^۸، ۱۹۹۸ الف) و چه جامعه شناس جوانان (دوبت^۹، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴)، این پژوهشگران شروع به درک عقلانیت جدید «بربرها» کردند، اشخاصی که در پاسخ به جنبش دموکراسی توده ای به طور وسیعی به مدارس آمده و به دسته بندی های اجتماعی جدید دسترسی به سطوح ناشناخته ای از آموزش و پرورش می دادند. درک منطق آن ها برای کنش، به عبارتی جدی گرفتن این کنشگران، نیاز به تجدید چارچوب های نظری دارد. مفاهیم جدیدی از تجارب اجتماعی برای فهمیدن «فردیت های جمعی» تهیه شده است، که تجربه آموزشی شان تنها از طریق چارچوب کلی تری از فرایند اجتماعی شدنشان قابل تفسیر

¹ Montandon

² Corsaro

³ James

⁴ Prout

⁵ Qvortrup

⁶ Perrenoud

⁷ Rayou

⁸ Sirota

⁹ Dubet

است. تمام موقعیت‌های روزمره‌ای که زندگی یک کودک را شکل می‌دهد، اعم از آنچه پشت صحنه و آنچه در صحنه اتفاق می‌افتد، مورد بررسی جامعه‌شناختی قرار داده می‌شود. سپس افرادی تمرکزشان را از «دوران دانش‌آموزی» به «دوران کودکی» منتقل کردند (مونتاندون، ۱۹۹۸؛ سارمنتو^۱، ۲۰۰۰؛ سیروتا، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸ الف، ۱۹۹۸ ب، ۲۰۰۶ ب).

این بحث در دهه ۹۰ به تدریج در علوم اجتماعی، از جمعیت‌شناسی تا انسان‌شناسی گسترش یافت. تعدادی از رشته‌ها کنگره سالانه خود را حول این موضوع برگزار کردند و تعدادی شبکه چندرشته‌ای تأسیس شد. برای نمونه می‌توان کنفرانس ۱۹۹۴ «کودک در خانواده، بیست سال تغییر»^۲ که توسط مؤسسه ملی جمعیت‌شناسی^۳ برگزار و منتشر شده است (مؤسسه ملی جمعیت‌شناسی^۴، ۱۹۹۴) را نام برد. یکی از فرضیات اصلی تصدیق این بود که تاکنون کودک متغیری فراموش شده بوده است و لازم است که جایگاه کودک به عنوان تنها عنصر پایدار خانواده در نظر گرفته شود (فستی^۵، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸). در همین زمان کمیته تحقیقاتی «جامعه‌شناسی خانواده» انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسان فرانسوی‌زبان^۶ در مونترئال، کنفرانس خود را به موضوعی خاص اختصاص داد: «دوران‌های کودکی»، حاشیه‌ای بودن این موضوع در ادبیات جامعه‌شناسانه آمریکایی و فرانسوی را روشن ساخت و به نیاز به رویکردی جدید نسبت به این عضو خانواده اشاره کرد (داندورند^۷ و همکاران، ۱۹۹۶). معطوف کردن توجه به کودک بیانگر رویکردی تازه برای جامعه‌شناسان خانواده است. جامعه‌شناسان

¹ Sarmiento

² L'Enfant dans la famille, vingt ans de changements

³ National Institute of Demography

⁴ INED

⁵ Festy

⁶ AISLF (the International Association of French-Speaking Sociologists)

⁷ Dandurand

خانواده بعد از توجه به وضعیت زن و متعاقباً توجه به سختی‌های جایگاه پدر در فرایند «والدگری» به کنکاش پیرامون وضعیت کودک در چارچوب تکامل دموکراتیک واحد خانواده پرداخته‌اند (دوسینگلی^۱، ۲۰۰۴). ایرن تری^۲ در گزارش رسمی خود درباره‌ی زوج، فرزند، و خویشاوندی/امروزی^۳ (۱۹۹۸)، به تبعیت از برخی متخصصان و جامعه‌شناسان حقوقی بر این تأکید می‌کند که درحالی‌که در جامعه‌ی فردگرا اهمیت تمام پیوندهای اجتماعی دیگر روز به روز کم می‌شود، تنها حق غیرقابل چشم‌پوشی و انتقال پیوندی خویشاوندی است. جرارد نیراند^۴ اینگونه خلاصه می‌کند که: ازدواج دیگر سرآغاز خانه و خانواده نیست، بلکه این تولد فرزند است که آن را آغاز می‌کند (نیراند، ۲۰۰۵). شروع و شکوفایی جامعه‌شناسی فردگرایی در جامعه‌شناسی فرانسوی این قدم دوم را در بازکشف کودکی مدنظر قرار می‌دهد. همانطور که آلن ارنبرگ^۵ (۱۹۹۵) می‌گوید، هم‌اکنون کودک یک «فرد» کوچک و نامعلوم است.

غیرمنصفانه خواهد بود اگر از دو سنتز تاریخی مهم فرانسوی حرفی به میان نیاوریم: کودکی و جوانی در جامعه‌ی فرانسوی (۱۹۵۰-۱۸۰۰)^۶ (کروبلیر^۷، ۱۹۷۵) و مدرسه و خانواده در جامعه‌ی در حال تغییر (۱۹۸۰-۱۹۳۰)^۸ (پروست^۹، ۱۹۸۱)، و کتاب بین‌المللی و مهم تاریخ کودکی در غرب^{۱۰} (بچی^{۱۱} و جولیا^{۱۲}، ۱۹۹۸) که چند سال

¹ de Singly

² Irène Théry

³ *Couple, Filiation and Kinship Today*

⁴ Gérard Neyrand

⁵ Alain Ehrenberg

⁶ *L'Enfance et la jeunesse dans la société française (1800-1950)*

⁷ Crubellier

⁸ *L'École et la famille dans une société en mutation (1930-1980)*

⁹ Prost

¹⁰ *The History of Childhood in the Occident*

¹¹ Becchi

¹² Julia

بعد به ایتالیایی و فرانسوی منتشر شد. همه این‌ها بیانگر تلاشی در جهت تولید ارزیابی میان‌رشته‌ای موضوع از طریق روشی تاریخی است.

انجمن مردم‌شناسی^۱ در تلاشی برای درک و بررسی مردم‌شناسی کودکی در سال ۱۹۹۶ مجموعه‌ای از مطالعات چندرشته‌ای با موضوع «جامعه کودکان و فرهنگ‌های کودکان»^۲ جمع‌آوری و آن را در سال ۲۰۰۰ منتشر ساخت (سعدی موکرانه^۳، ۲۰۰۰). علی‌رغم عنوان برانگیزاننده مقاله لارنس هیرشلد^۴ (۲۰۰۳) «چرا انسان‌شناسان علاقه‌ای به کودکان ندارند»^۵، در سال ۱۹۷۷ شبکه‌ای برای انسان‌شناسی کودکی شکل گرفت که برخی انسان‌شناسان سلامت و انسان‌شناسان علاقه‌مند به کودکی را گرد هم آورد (بونت^۶ و پورشز^۷، ۲۰۰۷). چرخش مردم‌نگارانه تعدادی از کارها انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان را نه تنها در روش‌شناسی بلکه در میزان موضوعات مشترک نیز به هم نزدیک می‌کند (بونت و پورشز، ۲۰۰۷؛ دولیزی دیپارسوال^۸ و لاله‌موند^۹، ۱۹۸۰؛ گودتی^{۱۰} و همکاران، ۱۹۹۷؛ سعدی موکرانه، ۲۰۰۰)، تا دیدگاهی اندیشمندانه دربارهٔ پرورش فرزند تولید کنند.

در این «انسان‌شناسی در خانه» (آیبلز^{۱۱} و راجرز^{۱۲}، ۱۹۹۲)، کودکی به عنوان موضوعی مرکزی ظاهر شد. علاوه بر این، حالا که انسان‌شناسان به مطالعه پیرامون

¹ Society of Ethnology

² Children Society and Children Cultures

³ Saadi-Mokrane

⁴ Lawrence A. Hirschfeld

⁵ Pourquoi les anthropologues n'aiment-ils pas les enfants

⁶ Bonnet

⁷ Pourchez

⁸ Delaisi de Parceval

⁹ Lallemand

¹⁰ Guidetti

¹¹ Abeles

¹² Rogers

خویشاوندی خو گرفته بودند، ابزاری مفهومی برای مطالعه اشکال جدید کودکی، از وضعیت جدید والدین گرفته تا اشکال تازه تولید مثل داشتند (کادورت^۱، ۲۰۰۷).

همه این‌ها توجه فیلسوفان سیاسی را نیز به موضوع جلب کرد. در سال ۲۰۰۴ بود که ژورنال روشنفکری مباحثه^۲ با ویژه‌نامه‌ای تحت عنوان «مسئله کودکان^۳» به طور مشخص به این موضوع پرداخت. آن‌ها خواستار ارزیابی‌ای تازه از دگرگونی وضعیت کودک، چه در زمینه علمی و چه در بازنمایی‌های جمعی بودند (گوست^۴، ۲۰۰۴؛ رنو^۵، ۲۰۰۲). پیدایش چنین ابهامی در مرزهای سن نیز تفکر فلسفی‌ای را بازتعریف کرد که دغدغه‌اش بازپیکربندی مدرن «دوره‌های زندگی» بود (دشاوان و تویوت، ۲۰۰۷)، و کودکی را پیش کشید. بر اساس مشارکت همه‌جانبه علوم اجتماعی در تلاش برای چندپاره‌نشدن این موضوع، و نه در قالب «بازگشت»، این فیلسوفان مجاب شدند که کودکی را در اولویت قرار دهند.

نهادینه‌سازی میدان

هم‌اکنون این موضوع در جامعه فرانسوی زبان به طور عمده در قالب کمیته تحقیقاتی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسان فرانسوی زبان سازماندهی می‌شود: کمیته تحقیقاتی «جامعه‌شناسی کودکی» در سال ۲۰۰۰ و در کنگره این انجمن در کبک بنیان نهاده شد و کارگاه سالانه «روزهای جامعه‌شناسی کودکی» از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ در پاریس، ژنو، لیسبون، تور، روم و استرازبورگ و در سال ۲۰۰۸ در استانبول و ۲۰۰۹ در کبک برگزار شده است. در نتیجه این کنفرانس‌ها کاری جمعی توسط ۲۸ پژوهشگر فرانسوی زبان به نام عناصری برای جامعه‌شناسی کودکی^۶ جهت بررسی سیر

^۱ Cadoret

^۲ Le Débat

^۳ L'Enfant problème

^۴ Gauchet

^۵ Renaut

^۶ *Éléments pour une sociologie de l'enfance*

تحقیقات انجام شده در این زمینه در عرصه زبان فرانسه منتشر شده است (سیروتا، ۲۰۰۶ب).

این فعالیت‌ها نشان‌دهنده پویایی، و همچنین حمایت نهادی از طرف دپارتمان‌های علوم تربیتی و اجتماعی دانشگاه‌های مختلف و نهادهای ملی پژوهشی است. این شبکه شامل ۵۰ پژوهشگر از حدود ۱۰ کشور است که در آن‌ها زبان فرانسه مشترک است و حکم زبان بین‌المللی و یکی از زبان‌های اصلی در مبادلات علمی را دارد. این کشورها عبارتند از: فرانسه، بلژیک، سوئیس، کانادا، پرتغال، برزیل، رومانی، ایتالیا و آلمان.

تعداد انگشت‌شمار پژوهشگران فعال این حوزه در برخی از کشورها ممکن است آن‌ها را به حاشیه و انزوا بکشاند، اما این برخلاف انزوای متکبرانه جامعه‌شناسی فرانسوی عمل می‌کند. به همین خاطر بخش لوسیتانیایی^۱ شبکه که شامل پژوهشگران پرتغالی و برزیلی (مثل آنا نونز دآلمیدا^۲، فولویا رزمبرگ^۳ یا مانوئل سارمنتو، در سیروتا، ۲۰۰۶الف) می‌شود، خود را فصل مشترک سه فرهنگ پرتغالی، انگلیسی و فرانسوی زبان می‌یابد و به همین خاطر به عنوان یک میانجی عمل می‌کند. این موضوع در نگاهی به کتابشناسی‌ها کاملاً مشهود است. باید اذعان داشت تنها چند سالی است که جامعه‌شناسان فرانسوی برای خروج از انزوای زبانی خود و ارتباط‌گیری با پژوهش‌های صورت گرفته به زبان‌های دیگر احساس نیاز کرده‌اند. دلیل ناشناخته‌ماندن کارهای منتشرشده به زبان انگلیسی برای پژوهشگران فرانسوی هم همین است.

^۱ Lusitanian

^۲ Ana Nunes de Almeida

^۳ Fulvia Rosemberg

در نتیجه نوعی عدم ارتباط میان این دو جامعه وجود دارد که باید تأکید شود تا حدی دوجانبه است که پژوهشگران انگلیسی‌زبان کمی پیدا می‌شوند که مطالعات منتشرشده به زبان فرانسه را بخوانند.

در سطح ملی، می‌توانیم برنامه پژوهشی ملی سوئیس با نام پی ان آر ۱۵۲ را نام ببریم که برنامه فدرالی مهمی است که برخی جنبه‌های موضوع را پررنگ کرده است. این برنامه بر «کودکی، جوانی و ارتباط میان نسل‌ها در جامعه در حال تغییر» متمرکز شده است. در این لحظه برنامه‌ای مشابه این در فرانسه وجود ندارد. برنامه‌های پژوهشی تقریباً همیشه بر عملکرد نهادهای اصلی‌ای تمرکز دارند که مسئولیت آن‌ها به عهده وزارتخانه‌ها است، نهادهایی مثل مدرسه، خانواده یا مراکز مراقبت روزانه. اما اخیراً از طرف بخش‌های دیگر دولتی که محرک و سرمایه لازم برای پژوهش را فراهم می‌کنند، قدم‌های جدیدی برداشته شده است. در سالیان اخیر وزارت فرهنگ فرانسه اقدام به انتشار اولین تحقیق گسترده در زمینه «فعالیت‌های فرهنگی کودکان ۴ تا ۱۶ ساله در اوقات فراغت»^۲ (اکتبر ۲۰۰۴) کرده و در سال ۲۰۰۷ هم برنامه‌هایی برای فعالیت‌های فرهنگی کودکان آغاز کرده است. یک شبکه چندرشته‌ای بین‌المللی به نام «کودکی در میان خانواده و دیگر نهادهای مراقبتی»^۳ هم توسط وزارت پژوهش فرانسه بنیان‌گذاری شده که کودک کنشگر و/یا سوژه در خانواده^۴ (برگونیردوپپی^۵، ۲۰۰۵) را منتشر کرده است. شبکه‌ای دیگر هم با دغدغه مصرف کودکان آغاز به کار کرده است. موضوعی که از آن در پژوهش‌های ملی چشم‌پوشی شده، این موضوع شماری از مطالعات از بازاریابی تا جامعه‌شناسی را گرد هم آورد که منجر به انتشار

^۱ PNR 52

^۲ Children's Cultural Leisure Activities, from 4 to 16

^۳ Childhood in between Family and Other Care Institutions (REEFI)

^۴ L'Enfant, acteur et/ou sujet au sein de la famille

^۵ Bergonnier-Dupuy

کودک به مثابه مصرف‌کننده: تغییرات میان‌رشته‌ای دربارهٔ کودک و بازار^۱ (دولاولیل^۲، ۲۰۰۵) شده است.

فقدان دانش عمومی در مورد کودکی در فرانسه در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی باعث تأسیس رصدخانه‌های نهادی جدیدی همچون ای ال اف^۳ شد، که یک مرکز ملی تحقیقات طولی است که توسط وزارتخانه‌های بهداشت و آموزش و مراکز پژوهشی‌ای مثل مؤسسه ملی مطالعات جمعیت‌شناختی و مؤسسه ملی مطالعات آماری و اقتصادی اداره می‌شود. گروه بزرگی متشکل از ۲۰۰۰۰ کودک از تولد تا بزرگسالی تحت نظر قرار گرفته‌اند، اما تاکنون گزارشی منتشر نشده است. دو رصدخانه برای تحقیق پیرامون این موضوع تشکیل شد: یکی توسط شرکت بیمه آموزشی امژوئن^۴ در سال ۱۹۹۵ برای جمع‌آوری اطلاعاتی پیرامون کودکی، «رصدخانه‌ای برای کودکان در فرانسه»^۵، و رصدخانه ملی «کودکی در معرض خطر»^۶ در سال ۲۰۰۵ تا برانگیزاننده پژوهش در آن موضوع داغ و خاص باشند.

موضوعات جاری

سرفصل‌های اصلی و مسیرهای پژوهشی بنیادینی که در ۲۰ سال اخیر ظهور کرده‌اند، چه هستند؟

گفتمان‌های کارشناسان و بر ساخت بازنمایی‌های کودکی جامعه‌شناسی

فرانسوی تمرکز بر دانش تخصصی مثل پزشکی، روان‌شناسی و مراقبت از نوزاد که شکل‌دهندهٔ بازنمایی معاصر از کودکی هستند را آغاز کرده است. هدف این است که حالت طبیعی انگاشته‌شدهٔ آن مباحث علمی با تمرکز بر ساخت‌های مفهومی‌شان زیر

^۱ *L'Enfant consommateur, variations interdisciplinaires sur l'enfant et le marché*

^۲ de la Ville

^۳ ELF

^۴ MGEN

^۵ l'Observatoire de l'enfance en France

^۶ l'Enfance en danger or ONED

سؤال رود. جامعه‌شناسان فرانسوی ایدئولوژی مستتر در آن‌ها و ساخت هنجارهای جدیدی که منجر به ترسیم اشکال جدید فرد مدرن می‌شود را مورد موشکافی قرار می‌دهند. نگاه علمی به کودک خواه تاریخی، روان‌شناختی، پزشکی، یا جامعه‌شناختی بازنمایی ما را تغییر داده و به کودک مدرن ساخت تازه‌ای بخشیده است که گاهی به طرق متضاد بروز می‌کند، اما تمامی آن‌ها در ارزش‌گذاری کودک «بی‌ارزش» مشارکت می‌کنند (گاوارینی^۱، ۲۰۰۱؛ هاملن برابانت^۲، ۲۰۰۷؛ نیراند، ۲۰۰۰؛ اوتاوی^۳، ۲۰۰۱؛ ترمل^۴، ۲۰۰۷).

سیاست‌های اجتماعی و کودکی تحلیل سیاست‌های خدمات اجتماعی با دغدغه کودکی نیز حاوی چشم‌اندازی تاریخی-اجتماعی به ساخت اجتماعی دسته‌بندی‌های تفکر و سیاست‌های دولتی کنترل است (مارتین، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷). نظریات فوکو^۵، گافمن^۶ و هاوارد بکر^۷ در این زمینه تأثیر مهمی گذاشته‌اند (دونزلوت^۸، ۱۹۹۷). علاوه بر معرفی یک سیستم اجتماعی عمومی و اجباری برای کودکانی که به علل پزشکی یا اجتماعی از سیستم آموزشی محروم شده بودند، ساختارهای مراقبتی مختلفی نیز ترتیب داده شد (شویر^۹ و همکاران، ۱۹۹۶؛ وولبو^{۱۰}، ۲۰۰۷). سیاست‌های خدمات اجتماعی و تسهیلاتی برای این جمعیت «حاشیه‌ای» یا «غیررسمی» کودکان معلول، بزه‌کار و بی‌سرپرست در نظر گرفته شد. هر کدام از این‌ها جزئی از یک برنامه کلی عمل اجتماعی و آموزش حرفه‌ای و گاهی خود

¹ Gavarini

² Hamelin Brabant

³ Ottavi

⁴ Turmel

⁵ Foucault

⁶ Goffman

⁷ Howard Becker

⁸ Donzelot

⁹ Chauvière

¹⁰ Vulbeau

موضوع تحقیقی با شبکه‌ای از محققان و سرمایه بوده‌اند که توسط خدمات دولتی فراهم شدند. به پرسش کشیدن این سیاست‌های اجتماعی با توجه به تغییر وضعیت کودکی موضوعات پژوهشی را نیز به سمت موشکافی چشم‌اندازها، صداها و حقوق کودکان برده است (پلايسانس^۱، ۲۰۰۷؛ شلمر^۲، ۲۰۰۷).

جامعه‌شناسی کودکی، کدام مرزها؟ از خردسالی تا جوانی این سؤال ساده سرآغاز بسیاری از مقالات است: کودکی دقیقاً کجا آغاز می‌شود و به پایان می‌رسد؟ برای کودکی چه مرز سنی‌ای انتخاب می‌شود؟ مطمئناً اولین کار جامعه‌شناسان عادی غیرطبیعی‌سازی مقولات و بازسازی آنان است. همانطور که بوردیو^۳ (۱۹۸۰) گفته است: «جوانی فقط یک کلمه است»؛ پس در مورد کودکی چه می‌شود گفت اگر ما آن را بر ساختی اجتماعی در نظر بگیریم؟ چه نقاط عطفی برای تعریف آن به کار می‌رود؟ آن‌ها که به‌طور معمول در ساختار طبیعی علم دانشگاهی به کار می‌روند، اما نقاط تاریکی به جای می‌گذرانند؟ گرد هم آوردن جنین، نوزاد، کودک، نوجوان، نابالغ و جوان تحت یک برچسب مشترک نیازمند یک موشکافی مفهومی است و ما را با پیشفرض‌های نظری و ارزش‌های ضمنی محقق روبرو می‌کند. در شبکه فرانسوی‌زبان مختص به جامعه‌شناسی کودکی که در قالب انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسان فرانسوی‌زبان فعالیت می‌کند، هیچگونه مرز پیشینی از ابتدا مشخص نشده است. در نتیجه برخی جامعه‌شناسان عضو گروه روی خردسالی کار می‌کنند و برخی دیگر روی جوانی.

سال‌های زیادی جامعه‌شناسان خردسالی شبکه مختص به خود را پیرامون آموزش و مراقبت اولیه داشته‌اند و به‌طور عمده درگیر ساختارهای سازمان‌های خدمات

^۱ Plaisance

^۲ Schlemmer

^۳ Bourdieu

اجتماعی، بازنمایی مربوط به آن‌ها و بازار حرفه‌ای مربوط به مراحل مختلف این دوره زندگی بودند (چمبردن^۱ و پروت^۲، ۱۹۷۳؛ پلایسانس، ۱۹۹۴). سال‌های پیش از شروع تحصیل اجباری مورد توجه آن‌ها بود. از یک طرف بر نهادهای مراقبتی و از طرف دیگر چرخه اطلاعات در مورد مراقبت از خردسال در میان عقل سلیم، پژوهش‌های دانشگاهی و عوام‌پسندسازی مورد تمرکز آن‌ها بود (بولتانسکی^۳، ۱۹۸۷). باید یادآوری کنیم که دوران پیش‌دبستان در فرانسه سه، چهار و پنج ساله‌ها را مورد توجه دارد. به بیان دیگر با وجود اینکه اجباری برای والدین وجود ندارد، ۱۰۰ درصد خردسالان سه، چهار و پنج ساله به پیش‌دبستانی می‌روند. کارهای تاریخی-جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی (لوک^۴، ۱۹۹۷؛ موزر^۵، ۱۹۹۲؛ نوروز^۶، ۱۹۹۰؛ رولت^۷، ۱۹۹۰) به بررسی روند تکامل سیاست‌های خدمات اجتماعی و تغییرات اساسی مفهوم مراقبت (دولیزی دپارسوال و لاله‌موند، ۱۹۸۰)، از نوع دوستی گرفته تا ایجاد مراکز مراقبت روزانه و مدارس خردسالان اختصاص یافته است.

اما اکنون، قسمتی از این کار به بررسی این موضوع اختصاص داده شده است که چگونه در مباحث معاصر و تفکر مدرن کودک به عنوان سوژه بازتعریف می‌شود. مفاهیم جدید کودکی در مباحث معاصر باعث بازسازی سیاست‌های اجتماعی شده و تمام تصورات از والدگری را با گسترش دانش تخصصی در این زمینه تحت تأثیر قرار داده است (نیراند، ۲۰۰۰). در اینجا فقط به مرحله خردسالی توجه نمی‌شود بلکه

¹ Chamboredon

² Prevot

³ Boltanski

⁴ Luc

⁵ Mozer

⁶ Norvez

⁷ Rollet

وضعیت کودک به مثابه یک کلیت در رابطه «پدر و فرزندی» و ارتباط نسلی نیز مورد بحث است.

چنین تغییر جهتی در جامعه‌شناسی جوانی هم که برای سال‌های متمادی به عنوان شبکه‌ای مستقل فعالیت می‌کرد، وجود دارد. تا همین اواخر که جامعه‌شناسی جوانی به طور عمده به عنوان جامعه‌شناسی مرحله ورود به زندگی فعال، ترک خانه، شروع زندگی کاری و جفت‌یابی، تعریف شد. شرایط ویژه فرهنگ نوجوانی هم مورد توجه این گروه قرار داشت (گالاند^۱، ۱۹۹۷). حالا اما مرزهای جامعه‌شناسی جوانی روز به روز کمرنگ‌تر می‌شوند. به نظر می‌رسد وجه مشخصه این «نوجوانی پایان‌نیافته بی‌پایان» (بازی ژان کلود چمبردن با کلمات که ریشه در بیان فرویدی دارد) هجوم پرسش‌هایی از این‌گذا^۲ است که دیگر با کش آمدن میان کودکی و ورود به جهان بزرگسالان تعریف نمی‌شود. این‌گذا^۳ به طور عمده با کسب خودمختاری و استقلال (دوسینگلی، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷) در چارچوب فردیت‌یابی (کومپرندر^۳، ۲۰۰۴؛ دوت، ۲۰۰۲) مشخص می‌شود.

کودک در مقام کنشگر اجتماعی جامعه‌شناسان فرانسوی با پیگیری گسستی که مشخصه جامعه‌شناسی آنگلوساکسون بود به تدریج شروع به جدی گرفتن کودکان کردند (سیروتا، ۲۰۰۶ب). دیگر به کودکان به چشم «پیشبینی‌های فرهنگی» یا انسان‌های آینده نگاه نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را به عنوان انسان‌های واقعی در نظر گرفته و «عاملیت» آنان را می‌بینند.

در حقیقت هنوز هم روش برخورد با این موضوع در جامعه‌شناسی فرانسوی آنقدرها متحول نشده است. همانطور که قبلاً گفته شده بسیاری از جامعه‌شناسان کودکی

^۱ Galland

^۲ entre-deux

^۳ Comprendre

کسانی بوده‌اند که قبلاً روی جامعه‌شناسی آموزش کار می‌کردند. به همین خاطر است که در قدم اول این دانش‌آموز است که به عنوان کنشگر اجتماعی مطرح می‌شود. دانش‌آموز از خلال تعامل در کلاس و سپس ارتباطش با مدرسه درک می‌شود. یکی از اولین الگوهای نظری از جامعه‌شناسان انگلیسی «مقاومت» وام گرفته شده است (ویلیس^۱، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸). دوران دانش‌آموزی به یک زمینه پژوهشی مهم تبدیل شده است (دویت و مارتیوچلی^۲، ۱۹۹۶؛ مونتاندون، ۱۹۹۷؛ پرنود، ۱۹۹۴؛ رایو، ۱۹۹۹؛ سیروتا، ۱۹۹۴).

این چشم‌انداز ریشه در تجدید رویکردهای جامعه‌شناختی نسبت به سیستم آموزشی دارد و با وجود حفظ وابستگی به رویکردهای بازتولیدی صرف، علی‌رغم کنارگذاری آن‌ها، از رویکرد کنش متقابل و رویکردهای فردگرایانه هم استفاده می‌کند. این در تحلیل نهادزدایی خاصی مشارکت می‌کند، تحلیلی که پس از بررسی «جعبه سیاه» کلاس درس، روی ذهنیت کنشگران مدرسه متمرکز می‌شود که با عبارت تجربه مفهوم‌پردازی شده است (دویت، ۲۰۰۴؛ روشکس^۳، ۱۹۹۵).

در این خروج آهسته از نهاد و سازمان، پژوهشگران از کلاس درس به حیات بازی و کریدورهای مدرسه نقل مکان کرده‌اند (دلالانده^۴، ۲۰۰۱؛ رایو، ۱۹۹۸). در جامعه‌پذیری فردی اهمیت این فضاها بینابینی به‌اندازه ساختاریافته‌ترین وضعیت‌های نهادی است. به همین خاطر پژوهشگران از تحلیل عمودی اجتماعی‌شدن به سمت تحلیل افقی‌تر روابط بین همسالان سوق پیدا کرده‌اند. پررنگ‌شدن اهمیت گروه

¹ Willis

² Martuccelli

³ Rochex

⁴ Delalande

همسالان (که تاکنون خیلی از آن غفلت شده است) منجر به ایجاد چشم‌اندازی تازه در مسئله نظری نسل شده است.

اکنون به دیدگاه کودکان و صدا و دغدغه‌هایشان در رابطه با فرایند اجتماعی شدن خودشان توجه می‌شود. استدلال‌های آنان شنیده شده و در قالب مهارت‌های سیاسی (رایو، ۱۹۹۸) یا تجربه (دویت، ۲۰۰۴؛ مونتاندون، ۱۹۹۷) مفهوم‌پردازی شده است. با این وجود می‌توان گفت دیگری‌بودگی کودکان هنوز از نظر جامعه‌شناسانه به خوبی فهم نشده است.

فرهنگ کودکان توجه به گروه همسالان، و در نتیجه کودکی به عنوان گروهی اجتماعی، فرهنگ کودکان را مهم‌تر می‌کند. دیدگاه‌های انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه در فهم خاص‌بودگی فرهنگ کودکان اشتراک دارند. با وجود این می‌توان دو خط اصلی تحقیقی را شناسایی کرد. نخست آنکه ریشه در رابطه بین کودکان داشته و هدفش فهم چگونگی شکل‌گیری هنجارها و قوانین بین گروه همسالان و چگونگی شکل‌گیری جامعه کودکان است (دلانده، ۲۰۰۱). دومی به این فرهنگ با دید جامعه‌شناختی کلان‌تری نگاه می‌کند، مثل کار ژیل برورگر^۱ که به اسباب‌بازی‌ها پرداخته (برورگر، ۲۰۰۳؛ وینسنت^۲، ۲۰۰۱) و آن‌ها را در چارچوبی سه بخشی متشکل از والدین، کودکان و تولیدکنندگان قرار می‌دهد. اینجاست که فرهنگ کالا و فرهنگ تجاری وارد بحث می‌شود.

اما باید تصدیق شود که تا همین اواخر پژوهشگران توجه کمی به مصرف و جهانی شدن داشته‌اند (دولاولیل، ۲۰۰۵؛ دایسیو^۳، ۲۰۰۴). ظهور و گسترش بازاری که کودکان را هدف گرفته است محققان دانشگاهی را به سمت توسعه تحقیقاتشان

^۱ Gilles Brougère

^۲ Vincent

^۳ Diasio

پیرامون موضوعاتی چون مدیریت، علم بازاریابی و جامعه‌شناسی تبلیغات، رسانه و اینترنت سوق داده است. آن‌ها به تأثیرات این فضاهاى پندارى جديد و ارتباطات اجتماعى اى توجه نشان مى‌دهند که با خود به همراه دارند (اکتبر^۱، ۲۰۰۴؛ پاسکیر^۲، ۱۹۹۹، ۲۰۰۵).

مباحث عمومى بنيادين و مجادلات علمى

کودکى به سختى در دستور کار جامعه‌شناسى علمى قرار گرفت، اما برخلاف آن تقريباً هر روز صفحه اول رسانه‌ها را اشغال مى‌کند. مبحثى که رسانه و توجه علمى را جلب مى‌کند در چندین جبهه پیشروى مى‌کند، حول مدرسه، خانواده و در نهايت پیرامون حفاظت از صغیران. این اصطلاحاً «کودک‌شاهى» (هرمانژ^۳، ۱۹۹۹) بدل به «مسئله» شده است (گوشت، ۲۰۰۴). برخی کارهاى جامعه‌شناسانه و فلسفى روى اشتیاق شديدى انگشت گذاشته‌اند که جديداً به موضوع کودکى ايجاد شده است. این اشتیاق دو وجه دارد: «کودک‌شاه» و «کودکِ قربانى» که اگر بخواهیم از عبارت خوبى استفاده کنیم مى‌توان همه را «کودکِ ميل» نامید. حتى هسته مرکزی مباحث سياسى پیرامون مهاجرت، چیزى نیست جز وضعیت بیولوژیک کودک که از طريق آزمایش ژنتیک از والدین مشخص مى‌شود. این ارزش‌گذاری حاد تصوير کودک همراه با نوعى ترس یا اضطراب اخلاقى است، وقتى که او ديگر با تصويرش مطابق نیست. اشکال کودک در خطر، کودک خطرناک و کودک تحت کنترل برافروخته چراغ مجادلات عوام‌پسندى است که در آن‌ها مباحث علمى و انتخاب‌هاى سياسى با داستان‌هاى احساسى رسانه‌اى در هم مى‌آمیزند.

¹ Octobre

² Pasquier

³ Hermange

وضعیت جدید و مبهم کودک در فضای سیاسی می‌تواند با تعیین بازرس کودک^۱ نمادپردازی شود (بريست^۲، ۲۰۰۵)، که گزارشی سالانه در مورد اجرای حقوق کودک منتشر می‌کند. در همین راستا در تلاش برای شنیده‌شدن صدای کودکان از نظر سیاسی، هر ساله جلسه‌ای از «پارلمان کودکان» تشکیل می‌شود که وظیفه‌اش پیشنهاد قانونی به مجلس ملی برای بهبود وضعیت کودکان است.

کودک یا دانش‌آموز

مجموعه‌ای از اصلاحات انجام شد، برای مثال ابتدا «کودک در مرکز» سیستم مدرسه قرار گرفت، سپس جریان ضد این، «دانش در مرکز» شکل گرفت. این بحث جمهوری‌خواهان را برار معلمان قرار داد (اتاوی^۳، ۲۰۰۲؛ رایو، ۱۹۹۸). در این میان دو دسته مخالف ایجاد شده و مجادلات زیادی بر سر وضعیت کودک در فضای نامعلوم «مدرنیته دوم»، «آزادسازی کودک» را در برابر «اقتدار» قرار می‌دهد (بلاز^۴ و همکاران، ۲۰۰۲؛ رنو، ۲۰۰۲). نتیجه این مجادلات تزریق عناصر فلسفه سیاسی به تفکر جامعه‌شناسانه است که باعث می‌شود دغدغه اصلی که پویایی اجتماعی و تساوی فرصت‌ها بود به مبحثی پیرامون جایگاه و وضعیت کودک در رابطه آموزشی تبدیل شود و این خود در مرحله بعدی فرایند انتقال از نسلی به نسل دیگر را به پرسش می‌کشد، چراکه این انتقال دیگر قرار نیست در چارچوب نهادهایی با هنجارها و ارزش‌های تثبیت شده انجام شود. در مورد وضعیت جدید کودک (دوسینگلی، ۲۰۰۴) در خانواده در تعداد بسیاری از مقالات پزشکی و روان‌شناسی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی صحبت می‌شود.

¹ Child Ombudsman

² Brisset

³ Ottavi

⁴ Blais

ساخت جدید کودکی و مدرنیته

وضعیت کودک در این مدرنیته دوم بدون توجه به تغییراتی که در پیوند اساسی با کودک ایجاد شده قابل فهم نیست. تغییراتی که با اصلاح شرایط بیولوژیک باروری از خلال باروری مصنوعی ایجاد شده است.

پیوند آباء و اجدادی زیر سؤال رفته، مورد بحث واقع شده و با تکنیک‌های باروری بازتعریف شده است. این مباحث طبیعت بیوتکنیکی تنها در جهان پزشکی وجود ندارد؛ مطالب زیادی در این باره در مجلات محبوب زنان چاپ می‌شود. حالا که کودک مرکز خانواده شده است، چه چیزی پیوند را تشکیل می‌دهد؟ پیوند ژنتیکی، بند ناف، پیوند اجتماعی یا میلی که انتظار به دنیا آمدن کودک را می‌کشد؟ (دولیزی دپارسوال، ۲۰۰۴) این گسست از بند ناف (اتلان^۱، ۲۰۰۵) باعث واژگونی تعریف تمامی پیوندهای اجتماعی می‌شود. در حال حاضر پیوندی که خانواده را می‌سازد با اشکال جدید والدگری (تری، ۱۹۹۸) یا برادری (پویتوین^۲، ۲۰۰۶) تعریف شده است. مسئله فرزندخواندگی توسط زوج‌های همجنس‌گرا مناقشات بر سر تعریف والدین را تشدید کرده است.

کودکی در مخاطره: فقر و بی‌ثباتی

در مورد اینکه جامعه‌شناسان به کدام کودک توجه کمی داشته‌اند، پرسش‌های تند زیادی در مباحث عمومی شده است. از اولین روزهای پاگرفتن جامعه‌شناسی کودک تا شورش‌های ۲۰۰۵ گروه‌های دارای رویکردهای نومارکسیستی با دغدغه بازتولید و پویایی اجتماعی، پرسش‌های زیادی پیرامون نابرابری اجتماعی مطرح نکردند. در

¹ Atlan

² Poitevin

نتیجه تقریباً تا همین اواخر به تفاوت‌های اجتماعی و نتایج زاغه‌سازی در جامعه فرانسه توجهی نشده است. این پرسش‌ها در انحصار جامعه‌شناسان آموزش باقی مانده است. جامعه‌شناسان طبقه کارگر یا جامعه‌شناسان مهاجرت به کودکان تا قبل از پایان تحصیلات اجباری توجه مستقیم چندانی نشان نمی‌دهند. اما مسائل سیاسی به مسئله یک قرارداد اجتماعی جدید اولویت داده‌اند (پوگام^۱، ۲۰۰۷). مسئله کودکان فقیر هم به خواست مقامات دولتی در دستور کار قرار گرفت. بر اساس مطالعات کمی اندکی که به طور عمده توسط اقتصاددانان انجام شده‌اند، در فرانسه بیش از یک میلیون (یا دو میلیون بسته به روش شمارش) معادل ۹ درصد از کودکان فرانسوی جزء این گروه هستند.

نابرابری اجتماعی، جنسیتی، نژادی یا نابرابری ناشی از یک ناتوانی عمدتاً موضوع کار جامعه‌شناسان خاص می‌ماند. مباحثی که به وضعیت جدید کودک می‌پردازند، بجز در مواقعی که صحبت از مقایسه بین‌المللی سیاست‌های مراقبتی و رفاه اجتماعی به میان می‌آید، به ندرت با پرسش از نابرابری اجتماعی درمی‌آمیزند.

کودک‌آزاری یا حدود جدید تحمل‌ناپذیری شکل دیگر کودکی در مخاطره که به خشونت، سوءاستفاده از کودکان و بچه‌خواهی مربوط می‌شود، به موضوعی داغ تبدیل شده است: این موضوع صفحات اول تمام روزنامه‌های با هراس اخلاقی را پر کرده است، اما جامعه‌شناسان روی این موضوع کار تجربی زیادی انجام نداده‌اند (گاوارینی، ۲۰۰۱؛ ژاوو^۲، ۱۹۹۸). با این وجود آنان در پژوهش‌هایشان تلاش در تعیین حدود جدید امر «مجاز» داشته‌اند، که منجر به تکامل هنجارها و حساسیت به خشونت در جامعه معاصر شده است (ویگارلو^۳، ۱۹۹۸). آن‌ها معمولاً نگاهی تاریخی -

¹ Paugham

² Javeau

³ Vigarello

اجتماعی به موضوع داشته و تهدید به پوشش رسانه‌ای این مسائل کرده‌اند. اما رسوایی‌ها و مجادلات پیرامون چند محاکمهٔ بچه‌خواهان مثل مورد اوترو^۱ مباحث گسترده‌ای پیرامون وضعیت مبهم قانونی جدید در مورد خشونت نسبت به کودکان ایجاد کرده است. در هنگام مواجهه با چنین مسائلی فاصلهٔ بین پژوهش، سیاست‌های اجتماعی و کنشگری به خوبی حس می‌شود.

کودکی در مخاطره و کودک خطرناک: محافظت یا تنبیه؟ تحول

شگرفی در قانون‌هایی که صغیران را پوشش می‌دهند در حال رخ دادن است. قانون وضع شده حامی صغیران در سال ۱۹۴۵ بر نوعی حمایت استوار بود: تحصیل قاعده‌ای عمومی بود و متولیان امر استثنائات را مجازات می‌کردند. این مدل از ۱۹۹۰ تاکنون در واکنش سیاسی علیه افزایش بزهکاری نوجوانان، به میزان قابل توجهی اصلاح شده است (نیراند، ۲۰۰۷؛ یوف^۲، ۲۰۰۲). از این گذشته در سال ۲۰۰۶ مجادلات زیادی بر سر انتشار گزارش رسمی مؤسسه ملی تحقیقات بهداشت و پزشکی^۳ با عنوان/اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان^۴ در گرفت. این مباحثات برانگیزانندهٔ جنبش اجتماعی مهمی بود: مطالبه‌ای عمومی با نام «نه به نمرهٔ صفر در هدایت کودکان سه ساله»^۵ توانست روی اینترنت ۲۰۰۰۰۰ امضاء جمع‌آوری کند. این موضوع مد نظر قرار گرفته بود که این تصور از پیشگیری کودکان سرکش را به کودکان مجرم بالقوه تبدیل می‌کند. در اینجا بحث بر سر دو مفهوم متفاوت پیشگیری و حمایت از کودک بود. بسیاری از جامعه‌شناسان این را به نوعی بازگشت «قدرت زیستی»^۶ دانسته‌اند.

¹ Outreau

² Youf

³ Institut national de la santé et de la recherche médicale (INSERM)

⁴ *Children and Adolescent Behavioral Disorders*

⁵ Pas de zéro de conduite pour les enfants de trois ans

⁶ bio power

سیاست‌های شمولیت، خوشبختی و مراقبت دلسوزانه

در این توازن جدید میان طرد و ادغام کودکی در حاشیه جامعه می‌توان مشاهده کرد که در برابر افزایش طرد نوجوانان بزهکار، رویکردی ادغام‌گرا برای کودکان معلول پیش گرفته شده است. این قانون در سال ۲۰۰۵ به منظور برابری حقوق و فرصت، مشارکت و شهروندی افراد معلول، حق تحصیل برای هر کودکی بدون توجه به معلولیتش را به عنوان یکی از حقوق اساسی هر فردی بازشناخت و تصویب شد. انجمنی ملی هم با نام «معلولیت: افزایش آگاهی، اطلاع‌رسانی و آموزش»^۱ تشکیل شد. هدف اصلی این انجمن به ریاست جولیا کریستوا^۲ «انزوادایی» معلولیت و مطرح کردن مسئله افراد معلول در قلب مباحث مربوط به شهروندی است. این قانون علاقه به پژوهش در این موضوع را برانگیخت و کمک‌هزینه‌ای برای آن فراهم آورد (پلیسانس، ۲۰۰۷). رویکرد ادغام‌گرا و دیگربودگی دوگانه آن کودکان موضوع بحث است. به همین طریق، مفهوم خوشبختی و مراقبت دلسوزانه هم ممکن است به عنوان شکل جدیدی از نگاه «دلسوزانه» به کودکان به عنوان شهروندان با حقوق مشخص و در قالب تلاشی برای بیان مفاهیم جدید روان‌شناسانه و وظیفه‌گرایانه کودک در بازسازی سیاست‌های مراقبتی نهادی و آموزش حرفه‌ای تعبیر شود.

نتایج و چالش‌های جدید: خاص‌بودگی زمینه فرانسوی یا مسائل

عمومی جامعه‌شناسی کودکی؟

حاصل جمع منافع به شدت متفاوت سیاسی، اختلافات رسانه‌ها و گرایش‌های تحقیقاتی مختلف، نتایج چندی برای جامعه‌شناسی کودکی داشته است:

¹ Handicap: Raise Awareness, Inform and Train

² Julia Kristeva

۱- نیاز به همگراسازی و شکستن قلمروی نفوذناپذیر تکه تکه شده جامعه‌شناسی و از سویی نیاز به ساختن رشته‌ای مقتدر ما را قادر ساخته است که بتوانیم تغییرات وضعیت کودکی و منطق اساسی این «گذار» را درک کنیم. از این دیدگاه می‌توان گفت که این رشته به بلوغ مشخصی رسیده است. به عبارتی دیگر در کل موضوع بحث، اکنون، اندیشه‌پذیرتر شده است.

۲- اما سؤالی که مطرح می‌شود، چگونگی پیکربندی جامعه‌شناسی کودکی و جامعه‌شناسی عمومی است. این پیکربندی تا چه حد فرصتی برای نوسازی پارادایم‌های جامعه‌شناسانه فراهم خواهد آورد؟ در هر حال ضروری است که از خطر در افتادن به رشته‌ای در خود که راه‌های خود را به سایر رشته‌ها می‌بندد حضر کنیم. شعار «به کودک باید به عنوان یک کنشگر نگاه کرد» گرچه قدم مهمی برای شروع کار است، اما کافی نیست. یک کنشگر؟ بله درست است. اما باید پرسید «کنشگر» در چه رویکرد جامعه‌شناسانه‌ای؟ این سؤالی است که نمی‌توان از زیر آن شانه خالی کرد. قائلان به رویکردهای برساختگرایی یا کنش متقابل چنین پرسشی را به فراموشی سپرده یا به نوعی آن را مغفول داشته‌اند. رویکردهای فردگرایانه کمک کرده‌اند که کودک را فردی با ذهنیت شخصی در نظر بگیریم. اما این امر نباید سبب شود که روابط ساخت یافته‌ای چون طبقات اجتماعی، جنسیت، یا روابط بین نسلی را بدون سهم بدانیم.

۳- نیاز است که از نگاهی جامعه‌شناسانه «دیگریت» کودکی را مورد توجه قرار

دهیم. کودکی اکنون به عنوان یک «الگوی متغیر متناقض» در نظر گرفته می‌شود که به همان اندازه که از حقوق حمایتی بهره می‌برد از نقصان حقوق نیز در رنج است (رنو، ۲۰۰۲؛ یوف، ۲۰۰۲). این جنبه خاص توسط فیلسوفان سیاسی مورد تأکید واقع شده است و توسط قوانین مربوط به حقوق افراد زیر ۱۸ سال به وضوح شرح داده شده است. آیا چنین چیزی به این معناست که ما باید آنچه مغایر با کودکی است یعنی

کودک نبودن را مد نظر قرار دهیم یا خصیصه‌های کودک بودن را؟ چنین چیزی چه تأثیری بر مطالعات جنسیت خواهد داشت؟ آیا چیزی تحت عنوان هراس کودک در معنای جامعه‌شناسانه آن نیازمند مفهوم پردازی‌های نو و اسباب روش‌شناسانه جدیدی است؟ یا که یک بحث عادی جامعه‌شناسانه است که می‌توان و بلکه باید از طریق به کارگیری ابزارهای نظری رایج آن را درک کرد؟ اگر نظم نسلی به عنوان مبحثی ویژه منظور شده است (چه آن را رابطه نسلی بنامیم، چه ساختار نسلی یا نظم نسلی) باید آن را به همان میزان که روابط طبقاتی، جنسیت و روابط نژادی مهم هستند، دارای اهمیت دانست. دعاوی حساسیت نسبت به اهمیت و خصایص یک رشته و جستجو برای مفهوم پردازی‌های ویژه نباید ما را دچار سردرگمی کند.

۴- مبحث بعدی نیاز به ترکیب‌بندی دوباره قلمروهای اجتماعی‌سازی است. تحلیل‌های انتقادی مفهوم اجتماعی‌سازی که اساس پرسشگری در خصوص ظهور جامعه‌شناسی کودک (مولو، ۱۹۹۱؛ سیروتا، ۲۰۰۵ الف) بوده‌اند هنوز نیز می‌توانند مطرح بوده و دیگر نمی‌توانند به نهادهای تعریف‌شده محدود بمانند. این اجماع، سبب بازترکیب‌بندی حوزه‌هایی می‌شود که پیشنهادهای جدیدی برای بازنگری‌ها و بازتعریف‌هایی در مورد مفهوم اجتماعی‌کردن ارائه می‌دهد. این بازترکیب‌بندی قلمروها تلاش می‌کند که قلمروهای علمی شکل‌یافته در نهادهای رسمی مراقبتی کودکان نظیر مدرسه و خانواده را از بین برده و نگذارد کودک به عنوان یک هدف در بازار یا رسانه‌ها مورد آسیب قرار گیرد. هدف تحلیل، اجتماعی‌سازی به عنوان یک کل است چراکه می‌خواهد به وضوح بداند این بازترکیب‌بندی ساختارهای اجتماعی‌سازی شاخصه مدرنیته، سبب چه تغییری در وضعیت دوران کودکی شده است. برای فهم مشکلات تحصیلی کافی نیست که صرفاً به مدرسه، خانواده و یا رسانه توجه کنیم. همان‌طور که کودک تحت تأثیر نهاد خانواده است، به همان ترتیب

تحت تأثیر سایر ساختارهای اجتماعی و سایر گروه‌های مشابه نیز هست. این واقعیت که جامعه مصرفی برای دستیابی به اهدافش بسیار حریص هست امری انکارناپذیر است. بنابراین، موضوع، دیگر در حاشیه بودن نیست بلکه موضوع در معرض و در مرکز بودن است.

۵- مورد پنجم نیاز به ایجاد پیوندی مابین رویکردهای روش‌شناسانه گوناگون از قبیل مردم‌نگارانه، آماری یا نظری است. اگرچه ضروری است کودکان را از ناپیدایی آماری بیرون کشید اما گوش فرادادن به صدای کودکان حل‌کننده همه مسائل نیست. ما باید به انواع متفاوتی از آثار تجربی دسترسی داشته باشیم تا بحث‌ها و مجادلات نظری را پیش ببریم. از آنجا که این دو سطح به ظاهر تا حدی نامربوط می‌رسند، بسیاری از کسانی که در مورد وضعیت کودکان مطالعه می‌کنند بسیار کم در مورد تجربه‌های کودکان می‌دانند. تنها در زمینه فرانسوی است که بر فقدان ابتکارات روش‌شناسانه و نبود پرسش‌هایی در خصوص اخلاق تحقیق، تأکید می‌شود.

۶- مورد بعدی نیاز به ملاحظه مسائل اخلاقی در تطابق با حقوق کودکان و مورد ملاحظه قرارداد آن‌ها است. اما چنین چیزی باید به طریقی معتدلانه انجام گیرد. در فضای فکری فرانسه این مسئله آنگونه که در کشورهای دیگر نظیر کانادا مطرح است، بحثی جدی میان جامعه‌شناسان نیست. در جاهای دیگر چنین چیزی چنان اهمیت یافته است که گاهی اوقات مانعی برای تحقیقات است. همچنین در خصوص تحقیقات مردم‌نگارانه می‌توان آن را از دید بسیاری از کمیته‌های اخلاق تحقیقات، تبعیض‌آمیز دانست. مطمئناً از یک سو نظریات فردگرایانه، ذهنیت فردی را پیش کشیده‌اند و در سویی دیگر رویکردی حقوق‌محور وجود دارد که می‌گوید کودکان حق دارند صدایشان را به گوش کسانی برسانند که می‌توانند آنان را تحت تأثیر قرار دهند. با این حال، احترام به حقوق نباید مانعی برای تحقیقات شود. در هر حال این مشکلات

روش‌شناسانه همگی تازگی ندارند. در زمینه مردم‌نگاری و جامعه‌شناسی محققان مجبورند با جمعیت‌هایی با وضعیت صغیر سال‌ها کار کنند. سؤالات بسیاری در خصوص آسیب‌پذیری کودکان و نیز حمایت از آن‌ها همچنان وجود خواهد داشت.

۷- مسئله بعدی نیاز به ملاحظه دوباره دوران کودکی متداول و روزمره است.

بیش از یک نوع دوران کودکی وجود دارد اما تمرکز بر رسانه‌سالاری و وضعیت‌های حاشیه‌ای اغلب سبب سایه‌افکندن بر زندگی روزمره کودکان در زمینه‌های گوناگون زندگی‌شان می‌شود. حالت‌های گوناگون اجتماعی شدن باید در هنجارمندی‌ها و قاعده‌مندی‌های جدید و در عرصه عمل سنجیده شوند نه در فضای نظری صرف.

۸- نیاز است که موقعیت دوران کودکی در مباحث علمی و در خط‌مشی‌های سیاسی مورد تجدیدنظر قرار گیرد. ما با سه امکان روبرویم. اول، که شایع‌ترین نمونه هم هست این است که ما کودکی را به عنوان چیزی فرعی در نظر بگیریم. چه دختر چه پسر به عنوان باری تصور می‌شوند که یکی از والدین باید آن را به دوش بکشد. در نتیجه خط‌مشی‌های سیاسی باید مسئله مراقب از کودکان را با توجه به گسترش به کارگیری و استخدام زنان مورد توجه قرار دهند و نیز نرخ زادوولد مورد نیاز را حفظ نمایند. سیاست‌های اجتماعی هم باید از این دیدگاه ویژه و بخصوص مورد مذاقه قرار گیرد. دوم، در نظر داشتن حقوق ویژه کودک از طریق سیاست‌های اجتماعی ویژه است. ممکن است چنین چیزی پیشرفت‌سازنده‌ای به نظر رسد اما کافی نیست. یکی از نتایج می‌تواند ملاحظه یک به یک و مستقل هر یک از خط‌مشی‌های سیاسی برای هر مقوله اجتماعی باشد. سوم، عبارت است از در نظر گرفتن همه سیاست‌های اجتماعی مربوط به مراقبت به عنوان وابستگی‌های متقابل. دیگر امکان ندارد که خط‌مشی‌های سیاسی در قبال کودکان را به طور مستقل از سایر سنین و نیز سایر مقولات اجتماعی نظیر زنان بررسی کرد. خوب بودن وضعیت یکی از آن‌ها به خوب بودن وضعیت

دیگری وابسته است. همان‌طور که اسپینگ‌اندرسون^۱ متذکر شده است سیاست‌های رفاه بهتر در قبال بزرگ‌ترها سبب رفاه بیشتر کودکان خواهد شد (اسپینگ‌اندرسون و برونو^۲، ۲۰۰۸). سیاست‌های مراقبتی باید به عنوان قسمتی از بحث علمی کلان‌تری به عنوان یک کل در نظر گرفته شوند.

۹- نیاز به نوعی پیکربندی میان‌رشته‌ای به وضوح به نظر می‌رسد. اگر رویکرد تاریخی با آثار آریس سبب رشد و توسعه تحقیقات جامعه‌شناسانه در مورد کودکی شد، اخیراً در زمینه فرانسوی، فلسفه سیاسی سؤالات خلاقانه‌ای در خصوص وضعیت کودکان در مدرنیته دوم داشته است. همچنین باید رویکردهای اقتصادی را نیز به رسمیت بشناسیم، رویکردهایی که به تنهایی از عهده بحث‌های داغی چون فقر کودکان برآمده‌اند. شاید «مطالعات کودکی» (پروت، ۲۰۰۵؛ وودهد^۳، ۲۰۰۳) که در دانشگاه‌های انگلیسی‌زبان ظاهر شد بتواند پاسخی به این مشکل باشد.

۱۰- لازم است مطالعات جامعه‌شناسانه «برای» خوب‌شدن وضعیت کودکان را از علاقه جامعه‌شناسانه «دربارۀ» کودکی جدا بدانیم. به طور معمول در گفتگوهای داغ این روزها، درگیری فعالان اجتماعی و علاقه‌مندی افراد دانشگاهی تا حدی به هم مربوط است. اما هجوم رسانه و امیال نفسانی که کودکی را احاطه کرده‌اند سبب می‌شود نسبت به موقعیت اتخاذشده توسط محقق سخت حساس باشیم. این سؤالی مربوط به سلسله‌مراتب نیست بلکه برای روشن‌ساختن این امر است که امروزه موقعیت‌های دانشگاهی گاهی دلالت بر علاقه رسانه‌ای دارند. دو موقعیت متفاوت باید از هم تمایز یابند. در یک سو اگر موقعیت اول یعنی «برای کودکی» را مورد ملاحظه قرار دهیم جامعه‌شناسان همانند فعالان اجتماعی، درگیر دفاع هستند، مثلاً برای

¹ Esping-Andersen

² Bruno

³ Woodhead

مشارکت‌دادن کودکان در جامعه چه به انگیزه‌ای خاص چه به واسطه ایده‌ای دموکراتیک. از سوی دیگر، اگر بخواهیم در موضع دوم یعنی موقعیت «درباره یا از طریق کودکی» خود را قرار دهیم، هدف متفاوت خواهد بود، شناسایی یک تکیه‌گاه عمومی نظری در اولویت است، همچون مسئله اجتماعی‌سازی در مدرنیته دوم. در نتیجه در اینجا کودک خود جزئی از مشکل است. مشخص است این دو دیدگاه متفاوت خیلی متمایز از هم نیستند، اما سنت‌های دانشگاهی آن‌ها متفاوت است.

۱۱- آخرین مطلب نه کم‌اهمیت‌ترین مطلب، نیاز به حفظ و نگهداری رویکردی تطبیقی و منعطف است. جامعه‌شناسی کودکی این روزها خود را در کشورها، اقلیم‌ها و زبان‌های گوناگون گسترش داده است. بچه‌ها در بافت‌هایی محلی و جهانی رشد می‌کنند و وابسته به خط‌مشی‌های سیاسی و بازار هستند. اتصال این شبکه‌های متفاوت سبب گسترش، ارتقاء و اتخاذ موضعی انتقادی می‌شود که دیدگان محافظ ما از کودکی را قوت خواهد بخشید.

منابع

- Abeles, Marc and Rogers, Suzan Carol (1992) 'Anthropologie du proche', *L'Homme* No. 121.
- Ariès, Philippe (1960) *L'Enfant et la vie familiale sous l'ancien régime*. Paris: Plon.
- Atlan, Henry (2005) *L'Utérus artificiel*. Paris: Le Seuil.
- Becchi, Egle and Julia, Dominique (eds) (1998) *Histoire de l'enfance en Occident*. Paris: Le Seuil.
- Bergonnier-Dupuy, Geneviève (ed.) (2005) *L'Enfant acteur et/ou sujet au sein de la famille*. Paris: Éres.
- Blais, Marie Claude, Gauchet, Marcel and Ottavi, Dominique (2002) *Pour une philosophie politique de l'éducation*. Paris: Bayard.
- Boltanski, Luc (1978) *Prime éducation et morale de classe*. Paris: La Haye.
- Bonnet, Doris and Pourchez, Laurence (eds) (2007) *Du soin au rite dans l'enfance*. Ramonville: Éres/IRD.

- Bourdieu, Pierre (1980) 'La Jeunesse n'est qu'un mot', *Questions de sociologie*. Paris: Éditions de Minuit.
- Brisset, Claire (2005) *15 millions d'enfants à défendre*. Paris: Albin Michel.
- Brougère, Gilles (2003) *Jouets et compagnie*. Paris: Stock.
- Buisson, Ferdinand and Durkheim, Emile (1911) 'Enfance', in Ferdinand Buisson and Emile Durkheim (eds) *Nouveau dictionnaire de pédagogie et d'éducation primaire*. Paris: Hachette.
- Cadoret, Anne (2007) 'L'Apport des familles homoparentales dans le débat actuel sur la construction de la parenté', *L'Homme* 183: 55–76.
- Chamboredon, Jean-Claude and Prevot, Jean (1973) 'Le Métier d'enfant', *Revue Française de Sociologie* XII(7): 295–316.
- Chauvière, Michel, Le noël, Pierre and Pierre, Eric (1996) *Protéger l'enfant*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- *Comprendre* (2004) 'Les Jeunes', No. 5 (special issue).
- Corsaro, William (1997) *The Sociology of Childhood*. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Crubellier, Maurice (1975) *L'Enfance et la jeunesse dans la société française (1800–1950)*. Paris: Armand Colin.
- Dandurand, B. Renée, Hurtebise, Roch and Le Bourdais, Céline (eds) (1996) *Enfances, perspectives sociales et pluriculturelles*. Quebec: Presses de l'Université de Laval.
- Deshavanne, Eric and Tavoillot, Pierre-Henry (2007) *Philosophie des âges de la vie*. Paris: Hachette.
- Delaisi de Parceval, Geneviève (2004) 'Mères porteuses, la polémique rebondit', *Elle* 3074.
- Delaisi de Parceval, Geneviève and Lallemand, Suzanne (1980) *L'Art d'accommoder les bébés. 100 ans de recettes françaises de puériculture*. Paris: Le Seuil.
- Delalande, Julie (2001) *La Cour de récréation, contribution à une anthropologie de l'enfance*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- de la Ville, Inès (ed.) (2005) *L'Enfant consommateur, variations interdisciplinaires sur l'enfant et le marché*. Paris: Vuibert.
- De Singly, François (2004) *Enfants, adultes, vers une égalité de statuts?* Paris: Universalis.
- De Singly, François (2007) *Les Adonaissants*. Paris: Armand Colin.

- Diasio, Nicoletta (2004) *Au Palais de Dame Tartine*. Paris: L'Harmattan.
- Dolto, Françoise (1990) *Lorsque l'enfant paraît*. Paris: Le Seuil.
- Donzelot, Jacques (1977) *La Police des familles*. Paris: Editions de Minuit.
- Dubet, François (2002) *Le Déclin de l'institution*. Paris: Le Seuil.
- Dubet, François (2004) 'La Jeunesse est une épreuve', *Comprendre* 5: 275–91.
- Dubet, François and Martucelli, Danilo (1996) *A l'école. Sociologie de l'expérience scolaire*. Paris: Seuil.
- Ehrenberg, Alain (1995) *L'Individu incertain*. Paris: Calmann-Levy.
- 'Enfances et sciences sociales' (1994) *Revue de l'Institut de Sociologie* Nos 1–2 (Special issue), Université Libre de Bruxelles.
- Esping-Andersen, Gosta with Palier, Bruno (2008) 'Enfants et égalités des chances. Deuxième leçon', *Trois leçons sur l'Etat-providence*, pp. 59–104. Paris: La République des idées/Le Seuil.
- Festy, Patrick (1994) 'L'Enfant dans la famille. Vingt de changements dans l'environnement familial des enfants', *Population* 6: 1245–96.
- Festy, Patrick (1998) 'L'Enfant dans la famille, Analyse démographique', *Éducation et Sociétés* 2 (Special issue: 'Sociologie de l'enfance'): 149–67.
- Galland, Olivier (1997) *Sociologie de la jeunesse*. Paris: Armand Colin.
- Gauchet, Marcel (2004) 'L'Enfant du désir', *Le Débat* 132 (Special issue: 'L'Enfant problème'): 98–121.
- Gavarini, Laurence (2001) *La Passion de l'enfance. Filiation, procréation et éducation à l'aube du XXIème siècle*. Paris: Denoël.
- Guidetti, Michèle, Lallemand, Suzanne and Morel, Marie France (1997) *Enfances d'ailleurs, d'hier et d'aujourd'hui*. Paris: Armand Colin.
- Hamelin Brabant, Louise (2006) 'L'Enfance comme champ d'intervention médicale', in Régine Sirota (ed.) *Eléments pour une sociologie de l'enfance*. Rennes: PUR.
- Hermange, Marie-Thérèse (1999) *L'Enfant soi-disant Roi*. Paris: Albin Michel.
- Hirsch, Martin (2007) *La Pauvreté en héritage, 2 millions d'enfants pauvres en France*. Paris: Robert Laffont.

- Hirschfeld, A. Lawrence (2003) 'Pourquoi les anthropologues n'aiment-ils pas les enfants', *Terrain* 40 (Special issue: 'Enfant et apprentissage'): 12–28.
- INED (National Institute of Demography) (1998) 'L'Enfant dans la famille. Vingt ans de changements', *Population* No. 6 (special issue).
- James, Allison and Prout, Alan (eds) (1990) *Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood*. London: Falmer Press.
- Javeau, Claude (1998) 'Corps d'enfants et émotions collectives: essai de construction à chaud sur les meurtres d'enfants en Belgique (1996)', *Éducation et Sociétés* 2 (special issue 'Sociologie de l'enfance'): 135–45.
- La République des idées (ed.) (2006) *La nouvelle critique sociale*. Paris: Seuil/ Le monde.
- *Le débat* (2004) 'L'Enfant problème', No. 132 (special issue).
- Luc, Jean Noël (1997) *L'Invention du jeune enfant au XIXème siècle. De la salle d'asile à l'école maternelle*. Paris: Belin.
- Martin, Claude (2004) 'Les Politiques de l'enfance en Europe', in François de Singly (ed.) *Enfants, adultes, vers une égalité de statuts?* Paris: Universalis.
- Martin, Claude (2007) 'Le Souci de l'autre dans une société d'individus. Un débat savant et politique à l'échelle européenne', in Serge Paugham (ed.) *Repenser la solidarité: l'apport des sciences sociales*. Paris: PUF.
- Mollo, Suzanne (1991) 'Un itinéraire de socialisation: le parcours institutionnel des enfants', in Hanna Malewska-Peyre and Pierre Tap (eds) *La Socialisation, de l'enfance à l'adolescence*. Paris: PUF.
- Mollo, Suzanne (1994) 'Présentation', *Revue de l'Institut de Sociologie* 1–2 (Special issue: 'Enfances et sciences sociales'): 11–13.
- Montandon, Cléopâtre (1997) *L'Éducation du point de vue des enfants*. Paris: L'Harmattan.
- Montandon, Cléopâtre (1998) 'La Sociologie de l'enfance: l'essor des travaux en langue anglaise', *Éducation et Sociétés* 2 (Special issue: 'Sociologie de l'enfance'): 91–118.
- Mozère, Liane (1992) *Le Printemps des crèches*. Paris: L'Harmattan.
- Neyrand, Gérard (2000) *L'Enfant, la mère et la question du père, un bilan critique de l'évolution des savoirs sur la petite enfance*. Paris: PUF.

- Neyrand, Gérard (2005) 'Emergence de l'enfant sujet et paradoxe de la médiatisation', in Geneviève Bergonnier-Dupuy (ed.) *L'Enfant acteur et/ou sujet au sein de la famille*. Paris: Érès.
- Neyrand, Gérard (ed.) (2007) *Faut-il avoir peur de nos enfants? politiques sécuritaires et enfance*. Paris: La Découverte.
- Norvez, Alain (1990) *De la naissance à l'école: santé, modes de garde et préscolarité dans la France contemporaine*. Paris: PUF.
- Octobre, Sylvie (2004) *Les Loisirs culturels des enfants de 6 à 14 ans*. Paris: La Documentation française.
- Ottavi, Dominique (2001) *De Darwin à Piaget, pour une histoire de la psychologie de l'enfant*. Paris: CNRS Editions.
- Ottavi, Dominique (2002) 'L'Enfant au centre de l'école, Genèse d'une évidence, invention d'un mythe', in Marie-Claude Blais, Marcel Gauchet and Dominique Ottavi (eds) *Pour une philosophie politique de l'éducation*. Paris: Bayard.
- Pasquier, Dominique (1999) *La Culture des sentiments*. Paris: Editions de la MSH.
- Pasquier, Dominique (2005) *Cultures lycéennes: la tyrannie de la majorité*. Paris: Autrement.
- Paugham, Serge (ed.) (2007) *Repenser la solidarité: l'apport des sciences sociales*. Paris: PUF.
- Perrenoud, Philippe (1994) *Le Métier d'élève et le sens du travail scolaire*. Paris: ESF.
- Plaisance, Eric (1994) 'Les Sciences sociales et la petite enfance', *Revue de l'Institut de Sociologie* 1-2 (Special issue: 'Enfance et sciences sociales'): 69-84.
- Plaisance Eric (2007) 'The Integration of "Disabled" Children in Ordinary Schools in France: A New Challenge', in Len Barton and Felicity Armstrong (eds) *Policy, Experience and Change: Cross Cultural Reflections on Inclusive Education*. Dordrecht: Springer.
- Poitevin, Aude (2006) *Enfants de familles recomposées*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- Prost, Antoine (1981) 'L'École et la famille dans une société en mutation (1930-1980)', *Histoire générale de l'enseignement et de l'éducation en France, T.IV*. Paris: Nouvelle Librairie de France, G. V. Labat.
- Prout, Alan (2005) *The Future of Childhood*. London and New York: Routledge/Falmer.

- Qvortrup, Jens (2001) 'Childhood as a Social Phenomenon Revisited', in Manuela du Bois-Reymond, Heinz Sünker and Heinz-Hermann Krüger (eds) *Childhood in Europe: Approaches, Trends, Findings*. New York: Peter Lang.
- Rayou, Patrick (1998) 'L'Enfant au centre, un lieu commun pédagogiquement correct', in Jean Louis Derouet (ed.) *L'École entre plusieurs mondes*. Bruxelles: De Boeck.
- Rayou, Patrick (1999) *La Grande École: approche sociologique des compétences enfantines*. Paris: PUF.
- Renaut, Alain (2002) *La Libération des enfants: contribution philosophique à une histoire de l'enfance*. Paris: Bayard/Calmann Lévy.
- Rochex, Jean-Yves (1995) *Le Sens de l'expérience scolaire*. Paris: PUF.
- Rollet, Catherine (1990) *La Politique à l'égard de la petite enfance sous la troisième république (1865–1939)*. Paris: INED/PUF.
- Saadi-Mokrane, Djamilia (ed.) (2000) *Sociétés et cultures enfantines*. Lille: Editions du CSU, Université Lille III.
- Sarmiento, J. Mamuel (2000) 'Os officios da criança', Actas do congresso internacional Mundos Sociais e Culturais da Infância, Universidade do Minho, Braga.
- Schlemmer, Bernard (2007) 'Le Travail des enfants: étapes et avatars dans la construction de l'objet', in Régine Sirota (ed.) *Éléments pour une sociologie de l'enfance*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- Sirota, Régine (1993) 'Le Métier d'élève', *Revue Française de Pédagogie* 103: 85–108.
- Sirota, Régine (1994) 'L'Enfant dans la sociologie de l'éducation, un fantôme ressuscité?', *Revue de l'Institut de Sociologie* 1–2 (Special issue: 'Enfance et sciences sociales'): 147–63.
- Sirota, Régine (1998a) 'L'Émergence d'une sociologie de l'enfance: évolution de l'objet, évolution du regard', *Éducation et Sociétés* 2 (Special issue: 'Sociologie de l'enfance'): 9–34.
- Sirota, Régine (ed.) (1998b) *Éducation et Sociétés* 2 and 3 (Special issue: 'Sociologie de l'enfance').
- Sirota, Régine (2005a) 'L'Enfant acteur ou sujet dans la sociologie de l'enfance: évolution des positions théoriques au travers du prisme de la socialisation', in Geneviève Bergonnier-Dupuy (ed.) *L'Enfant acteur et/ou sujet au sein de la famille*. Paris: Érès.

- Sirota, Régine (2005b) 'Sociologie de l'enfance', *Dictionnaire encyclopédique de l'éducation et de la formation*, 3rd edn. Paris: Retz.
- Sirota, Régine (2006a) 'Petit objet insolite ou champ constitué: la sociologie de l'enfance est-elle encore dans les choux?', in Régine Sirota (ed.) *Eléments pour une sociologie de l'enfance*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- Sirota, Régine (ed.) (2006b) *Eléments pour une sociologie de l'enfance*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- Théry, Irène (1998) *Couple, filiation et parenté aujourd'hui. Le Droit face aux mutations de la famille et de la vie privée*. Paris: La Documentation française/Odile Jacob.
- Vigarello, Georges (1998) *Histoire du viol*. Paris: Le Seuil.
- Vincent, Sandrine (2001) *Les Usages sociaux du jouet*. Paris: La Dispute.
- Turmel, André (2007) 'De la fatalité de penser la maturation en termes de développement', in Régine Sirota (ed.) *Eléments pour une sociologie de l'enfance*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- Vulbeau Alain (2007) 'Surveillance et gouvernance: deux objets pour une sociologie de l'enfance', in Régine Sirota (ed.) *Eléments pour une sociologie de l'enfance*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- Willis, Paul (1977) *Learning to Labour: How Working-Class Kids Get Working-Class Jobs*. Farnborough: Saxon House.
- Willis, Paul (1978) 'L'École des ouvriers', *Actes de la Recherche en Sciences Sociales* 24: 51–62.
- Woodhead, Martyn (2003) 'Childhood Studies, Past, Present and Future', Keynote lecture, Open University, London.
- Youf, Dominique (2002) *Penser les droits de l'enfant*. Paris: PUF.
- Zelizer, Viviana A. (1985) *Pricing the Priceless Child: The Changing Social Value of Children*. New York: Basic Books.

شهروندی‌های کودکان

ظرفیت‌ها و تنگناهای جامعه‌شناسی کودکی در ایتالیا

کلادیو بارالدی^۱، ترجمه طاهّا احمدی

چکیده

در خلال دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مطالعات جامعه‌شناختی در ایتالیا به طور خاص روی نوجوانی به عنوان مقوله‌ای متمایز از کودکی متمرکز بود. در دهه ۱۹۹۰ مسئولین محلی و دولت ملی فرصت‌های تازه‌ای برای مشارکت کودکان در جامعه ترویج نمودند و جامعه‌شناسان نیز به تحلیل ابعاد گوناگون این مشارکت پرداختند. از دهه ۱۹۹۰ پژوهش جامعه‌شناختی شامل مسائل متعددی همچون پایه‌های قانونی و سیاسی شهروندی و حقوق کودکان، شیوه‌های تعامل زمینه‌ساز برای مشارکت آن‌ها، راه‌های غالب پذیرش کودکان در فرهنگ غالب جامعه، مشاهدات کودکان از بافت اجتماعی شان، موقعیت‌های بینافرهنگی دربرگیرنده آنان و انحرافات و برچسب‌زنی به کودکان شده است. با این حال جامعه‌شناسی کودکی طی این سال‌ها به کندی پیش رفته است و تکانه سیاسی حامی مشارکت کودکان نیز تا حدودی محو شده است. جامعه‌شناسی کودکی در ایتالیا چه در پژوهش و چه در تدریس دانشگاهی در حاشیه مانده است. آینده این حوزه تا حد قابل توجهی در گرو تجدید تعهد سیاسی به ترویج مشارکت

^۱ کلادیو بارالدی (Claudio Baraldi)، دانشگاه مدنا و رجیو امیلیا (University of Modena and

اجتماعی کودکان است؛ با این وجود هنوز یک مانع جدی را می‌بایست کم‌جانی گرایش و اشتیاق خود جامعه‌شناسان به این حوزه دانست.

کلیدواژه‌ها: عاملیت، تعامل، برچسب‌زنی، مشارکت، سیاست‌گذاری، روش‌های کیفی، حقوق

تاریخ شکل‌گیری پژوهش جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکی

کودکی به تازگی در جامعه‌شناسی ایتالیا مورد توجه قرار گرفته است. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطالعات جامعه‌شناختی خاصی روی نوجوانی برای نخستین بار و در نتیجهٔ جنبش‌های نوجوانی ظهور کرد. رفتارها و تفکرات نوجوانان به عنوان زیرمجموعه‌ای از مطالعات جوانان (مثلاً گارلی^۱، ۱۹۸۴؛ پیاتزی^۲ و سیپولا^۳، ۱۹۸۵؛ ریکولفی^۴ و شولا^۵، ۱۹۸۰)، و متفاوت از مطالعات کودکی مبتنی بر رویکردهای روان‌شناختی و آموزشی مورد پژوهش قرار گرفت.

مطالعات جامعه‌شناختی نوجوانی از این دغدغه نشأت گرفت که نسل جدید جوانان ممکن است ارزش‌های جدید اجتماعی را پس بزنند. این مطالعات تمرکز خاصی بر این ایده داشتند که نوجوانی دوره‌ای است حساس که در آن شکل‌دادن به هویتی فردی می‌تواند به آسانی منجر به گم‌گشتگی‌های روان‌شناختی و مشکلاتی در روابط اجتماعی شود. نوجوانی اساساً به عنوان مرحله‌ای از زندگی تفسیر می‌شود که در آن افراد می‌باید هویت نهایی خود را با وجود همهٔ معضلات و تردیدهای مرتبط با این مرحله از تحول شخصی شکل دهند. هویت به عنوان نتیجهٔ نهایی و پایدار فرایندهای

^۱ Garelli

^۲ Piazzì

^۳ Cipolla

^۴ Ricolfi

^۵ Sciolla

اجتماعی و شخصی در نظر گرفته می‌شده است. روان‌شناسی اجتماعی تأثیر بسزایی بر این تحلیل‌ها داشت (اریکسون^۱، ۱۹۶۳؛ پالموناری^۲، ۱۹۹۳) و جامعه‌شناسی هنوز قادر به ارائه تحلیل خاص خود از معانی اجتماعی نوجوانی نبود.

در همین دوران رویکرد رجیو^۳ به عنوان یک نظریه آموزشی ایتالیایی که در سطح جهانی شناخته شده بود، نگاهی نسبتاً جامعه‌شناسانه به کودکی داشت (ادواردز^۴ و همکاران، ۱۹۹۳). این رویکرد معرف این ایده بود که کودکان می‌توانند به عنوان کنشگران فعال اجتماعی در شکل‌دادن به روابطشان با همسالان و بزرگسالان در نظر گرفته شوند. کودکان افرادی خودمختار در تولید دانش و روابطشان تلقی می‌شدند: قابلیت‌ها و توانایی‌های آن‌ها محصول رشد طبیعی خودشان در نظر گرفته می‌شد، و وظیفه بزرگسالان تسهیل [و نه محدود کردن و شکل دادن به] این روند رشد بود. رویکرد مذکور درک متعارف از روابط آموزشی بین کودک و بزرگسال را متحول کرد. این روابط هم در عمل و هم در نظر بیشتر از جهت میدان‌دادن به استقلال در روابط بین همسالان فهمیده می‌شد تا در دستورات و تعالیم معلمان. فضا و اشیاء پیرامون کودکان به عنوان فرصت‌های چنین رشدی دیده می‌شدند؛ فعالیت‌های هنری و داستانی شیوه‌های اصلی برای تقویت خودشکوفایی کودکان بودند.

گرچه این شیوه الهام‌بخش طنین گسترده‌ای داشت و اقدامات مبتکرانه مشابهی را برانگیخت، اما در چارچوب مطالعات کودکی در ایتالیا و تأمل روی کودکان در کشورها منزوی ماند. خارج از متن این پژوهش‌ها، کودکی هنوز از دیدگاه سنتی رشدمحور مورد تحلیل قرار می‌گرفت و بزرگسالان با اتکا به فنون آموزشی خاص شایسته

¹ Erikson

² Palmonari

³ Reggio Approach

⁴ Edwards

تشخیص و قضاوت در مورد مهارت‌ها و توانایی‌های کودکان محسوب می‌شدند. و کودکان اغلب با میزان سازگاری‌شان با تلاش‌هایی که برای شکل دادن شخصیت‌شان می‌شد، به چشم می‌آمدند. مطالعات جامعه‌شناختی در حاشیه قرار داشتند و تنها پارادایم سنتی جامعه‌پذیری را در حوزه اجتماعی شدن رسانه‌ای به کار بسته بودند. حوزه‌ای که تا چند سال قبل بخش عمده تمرکز جامعه‌شناسی کودکی را به خود اختصاص داده بود (ن.ک. مارтели^۱، ۱۹۹۶؛ مورچلینی^۲، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹؛ پورو^۳، ۱۹۸۱). در دهه ۱۹۹۰، برای نخستین بار مطالعات کودکی در ایتالیا، به مدد مشارکت پژوهشگران در برنامه‌های پژوهشی بین‌المللی مرتبط با کودکان، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرد (ساپوریتی^۴، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵؛ اسگریتا^۵، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷). این مطالعات ایده «کودک ساختاری اجتماعی» را به جامعه‌شناسی ایتالیا معرفی کردند (جیمز^۶ و همکاران، ۱۹۹۸)، ایده‌ای که کودکی را به عنوان یک دسته‌بندی اجتماعی تلقی می‌کند که ورای رشد فردی کودک به سوی بزرگسالی وجود دارد. طبق این دیدگاه، کودکی برابرست با گروه مشخصی از مردم که می‌تواند به عنوان قشری دائمی از جامعه [با ویژگی‌های ساختاری خاص خود] مورد مطالعه قرار بگیرد. محققان ایتالیایی سعی داشتند نشان دهند که کودکی، چه در پژوهش و چه در سیاست‌گذاری، به قدر کافی به مثابه یک گروه اجتماعی در نظر گرفته نشده است. آمارهای اجتماعی و تصمیمات سیاسی موضوع اصلی اینگونه پژوهش‌ها بودند، درحالی‌که تحلیل بی‌واسطه دیدگاه‌های خود کودکان و شنیدن صدای آن‌ها نادیده گرفته می‌شد. در مطالعات دیگر تأکید شده که مشاهده کودکی به عنوان یک دسته‌بندی اجتماعی، برای دادن

^۱ Martelli

^۲ Morcellini

^۳ Porro

^۴ Saporiti

^۵ Sgritta

^۶ James

حق اظهار نظر و مطالبه به کودکان، چه در پژوهش و چه در زندگی اجتماعی کافی نیست (جیمز و جیمز، ۲۰۰۴).

در پی این مطالعات اولیه، طی حدود ده سال جامعه‌شناسان ایتالیایی تحلیل جنبه‌های فرهنگی، سیاسی و حقوقی مشارکت کودکان را آغاز کردند. این جامعه‌شناسان تحت تأثیر مطالعات بین‌المللی روی کودکان به مثابه مشارکت‌کنندگان فعال اجتماعی قرار داشتند (ن.ک. آلانن^۱، ۱۹۸۸، کورسارو^۲، ۱۹۹۷؛ جیمز و پروت^۳، ۱۹۹۷ [۱۹۹۰]؛ جیمز و همکاران، ۱۹۹۸). به طور خاص در اواسط دهه ۱۹۹۰ همایشی در اوربینو^۴ این علاقه خاص پژوهشی به عاملیت کودکان را وارد ایتالیا کرد (ماجیونی^۵ و بارالدی، ۱۹۹۷). در همین دوره دولت ایتالیا اجرای کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل مصوبه سال ۱۹۸۹ را آغاز کرد. این اولین تلاش نظام‌مند برای ترویج اهمیت عاملیت اجتماعی کودکان در ایتالیا بود (ن.ک. بخش بعد). ترکیب این اصلاحات سیاسی و تأثیر مطالعات جامعه‌شناختی بین‌المللی، حوزه‌ای کوچک اما پرمعنا را برای پژوهش مرتبط با کودکان به راه انداخت.

در ۱۹۹۵ یک دانشگاه ایتالیایی در اوربینو روی ترویج جامعه‌شناسی کودکی تمرکز کرد. این مهم با تأسیس لابراتوار کودکی و نوجوانی^۶ که شامل یک گروه پژوهش روی کودکی و نوجوانی می‌شد در مرکز دانشگاهی مطالعات و پژوهش‌های خانواده^۷ صورت گرفت. در ۱۹۹۷، دولت ایتالیا مرکز ملی مستندسازی و تحلیل دوران کودکی و نوجوانی^۸ را تأسیس نمود؛ مرکزی ملی در فلورانس برای مستندسازی و کنکاش در

^۱ Alanen

^۲ Corsaro

^۳ Prout

^۴ Urbino

^۵ Maggioni

^۶ Laboratorio Infanzia e Adolescenza (LIA)

^۷ Centro Universitario di Ricerche e Studi sulle Famiglie (CURSF)

^۸ Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza (CNDIAI)

حوزه کودکی و نوجوانی. در طول حدود ۱۰ سال گذشته، پژوهشگران بیشتری به این گروه‌ها پیوستند، متون و مقالات منتشره در حوزه جامعه‌شناسی کودکی به لحاظ کمی و کیفی ارتقا یافت، کتبی به ترجمه درآمد (کورسارو، ۲۰۰۳؛ جیمز و همکاران، ۲۰۰۲؛ کینگ^۱، ۲۰۰۴) یا مستقیماً به ایتالیایی گردآوری شد (بارالدی، ۲۰۰۸ الف؛ هنگست^۲ و تسایر^۳، ۲۰۰۴)؛ مجله‌ای در باب کودکی و جامعه پایه‌گذاری شد و اقدامات دیگری در سطح ملی بانی پژوهش‌ها و مستندسازی‌های تازه گردید (ن.ک. ضمیمه).

در طول دهه اخیر، غایت اصلی برنامه‌های پژوهشی جامعه‌شناختی حول این پرسش بوده است که آیا راه‌های تازه دخیل کردن کودکان در جامعه منجر به ایجاد فرهنگ نوین کودکی بر پایه تصدیق کودکان به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در زندگی اجتماعی شده است یا خیر.

مباحثات عمومی در باب کودکی و کودکان

رشد تاریخی پژوهش جامعه‌شناختی روی کودکان در ایتالیا ارتباط نزدیکی با این پرسش در مباحثات همگانی درباره معنا و اهمیت آن در جامعه داشته است. این بحث از دهه ۱۹۸۰ تا کنون بر پایه نگاهی گسترش یافت که کودکان را به عنوان قربانی یا منحرف می‌دید؛ یا در یک سو افرادی ناتمام و ضعیف، در معرض آزار و اذیت و سوءاستفاده جنسی و افسردگی و روان‌پریشی، یا در سوی دیگر، کنشگرانی هدفمند اما بدجنس که مرتکب جرائم ناخوشایندی علیه همسالان یا والدین می‌شوند. مرز باریک ضعف و انحراف کودک از اهمیت خاصی در این مباحثات عمومی برخوردار است. رویکردی که بازتاب‌دهنده پارادایم رشدمحور مبتنی بر

^۱ King

^۲ Hengst

^۳ Zeiher

«هنجارین بودن» بر اساس سن زیست‌شناختی و روان‌شناختی است. کودکان به شکلی متناقض‌نما، عموماً زمانی در گفت و شنود اجتماعی مطرح می‌شوند که به عنوان افرادی «به هنجار» دیده نشده‌اند: زمان‌هایی که رشدی «ناهنجار» از خود نشان می‌دهند. این سنخ مباحثات هم‌راستای رویکردهای آموزشی و روان‌شناسانه‌ای هستند که کودکان را به عنوان عاملان و مشارکت‌کنندگان فعال اجتماعی نمی‌پذیرند و ایشان را افرادی نارسا و بالقوه مشکل‌زا می‌بینند. در نتیجه، ویژگی‌های اساسی که از مناظرات همگانی در ایتالیا، به ویژه در رسانه عمومی، حول کودکی بروز می‌یابد، انفعال و امکان بدآموزی است. این در حالی است که کودکان به عنوان عاملان اجتماعی تنها از زاویه حقیقات فردگرایانه در مصرف به چشم می‌آیند.

در دهه ۱۹۹۰، این گرایش در مباحث سیاسی حول پیاده‌سازی کنواسیون حقوق کودکان سازمان ملل به چالش کشیده شد. تعدادی از مقامات محلی، و بعدتر دولت ملی در ایتالیا، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تازه را آغاز کردند که فرصت‌های بیشتری برای مشارکت کودکان فراهم کرد. در ۱۹۹۱، مسئولین محلی در شهر فانو^۱ برنامه ویژه ای به نام «شهر کودکان»^۲ تدارک دیدند (تونوچی، ۱۹۹۶). این برنامه هسته اولیه شکل‌گیری شبکه گسترده‌ای از شهرهای کوچک و بزرگ بود که از شیوه مداخله مشابهی پیروی می‌کردند. این طرح در درجه اول انواعی از مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی شهری و مشاوره با کودکان برای تصمیمات جمعی را در بر می‌گرفت. در ۱۹۹۷، دولت ملی به دو اقدام اساسی دست زد: قانونی جهت ترویج حقوق و فرصت‌های مشارکت برای کودکان و نوجوانان (قانون شماره ۲۸۵/۹۷) و برنامه‌ای ملی برای پشتیبانی توسعه پایدار شهرها و محیط‌های شهری برای کودکان.

^۱ Fano

^۲ The Town of Children

^۳ Tonucci

این جریان سیاسی ملی نوظهور منجر به جلب توجه مقامات ملی، آموزگاران، معماران، مددکاران اجتماعی و دیگر متخصصان به حوزه مشارکت اجتماعی کودکان شد. به طور خاص، جامعه‌شناسان همکاری با مؤسسات محلی و ملی را برای تحلیل شرایط مشارکت کودکان آغاز کردند. با این حال، از سال ۲۰۰۱ توجه سیاسی به کودکان به عنوان کنشگران اجتماعی افت کرد: دولت منتخب در این سال علاقه‌ای به ادامه این اصلاحات و اقدامات نداشت. در حال حاضر نیز نشانی از تغییر ملموس در سیاست‌گذاری ملی وجود ندارد. این علی‌رغم فعالیت مجدد در حوزه‌های مستندسازی و تحلیل و کندوکاو وضعیت بوده است.

در دهه ۲۰۰۰، موضوع تازه‌ای به مباحثات عمومی در ایتالیا عرضه شد: وضعیت کودکان مهاجران و خانواده‌هایشان در جامعه‌ای که هر روز چندفرهنگی‌تر و مهاجرپذیرتر می‌شد. این دغدغه در پی اهمیت یافتن موج مهاجرت‌ها و به طور خاص خانواده‌های فرزنددار و رشد تعداد مهاجران نسل دومی، یعنی کودکان متولد ایتالیا به وجود آمد. مقامات و مسئولان محلی و ملی این امر را مسئله‌ای کلیدی تلقی می‌کنند. در پی این جریان، جامعه‌شناسی روی مسئله کودکان در جامعه‌ای چندفرهنگی و رابطه کودک مهاجر با جامعه ایتالیا متمرکز شد. دغدغه اصلی در این مباحثات ادغام سریع مهاجران نسل اولی یا دومی است، درحالی‌که به نظر می‌رسد صداهایشان حاشیه‌ای باقی مانده.

در چنین زمینه اجتماعی و فرهنگی است که درک کودک به مثابه منحرف، قربانی انحراف، یا فرد دچار مسائل اجتماعی و روانی، رویکرد غالب در مباحثات عمومی در باب کودکان باقی می‌ماند. تلاش‌ها برای ترویج مشارکت اجتماعی کودکان از بین نرفته، اما از انظار عمومی پنهان می‌ماند: تنها در سطوح جزئی محلی است که به مدد برخی مسئولان این راه ادامه می‌یابد. قطع هر گونه تلاش قابل توجه از سوی حکومت

مرکزی منجر به پراکنده شدن اقدامات مذکور و کاهش علاقه به این مسائل شد. مستندسازی این اقدامات عمدتاً به دست مراکزی صورت می‌گیرد که چندان شناخته شده نیستند و در مباحثات عمومی حضور مؤثری ندارند (ن.ک. ضمیمه). در نتیجه، در حال حاضر، تحول گسترده‌تری در فرهنگ کودکان در دسترس نمی‌نماید. ورود موضوع عاملیت و مشارکت کودکان به مسائل محوری سیاسی ایتالیا توفیق چدانی در ترویج فرهنگ کودکان تازه‌ای در مباحثات عمومی نیافت. اندک شماری از کودکان در طرح‌هایی مشارکت کردند که به ایشان صدای مؤثری می‌بخشید. در نظام آموزشی، فرهنگ شخصی‌سازی مداخلات برای کودکان و ایده گوش سپردن به صدای ایشان و نیازهایشان موفق‌تر ظاهر شد (بنادوسی^۱، ۲۰۰۶). با این حال، این فرهنگ بیشتر به مثابه یک روش‌شناسی آموزشی پذیرفته شد تا یک برنامه سیاسی؛ روشی که کارآمدی‌اش برای جامعه بیشتر مدنظر بود تا فایده‌اش برای خود کودکان به عنوان قشری خاص.

موضوعات پژوهشی اصلی در جامعه‌شناسی کودکان ایتالیایی

مسائل روش‌شناختی

عدم علاقه تاریخی به کودکان به مثابه کنشگران سیاسی خود گویند این است که چرا داده‌ها و مستندات ملی در مورد شرایط کودکان و دیدگاه‌هایشان بسیار نادر است. آمار انگشت‌شمار موجود درباره کودکان را سازمان ملی آمار^۲ ذیل طرحی در مورد زندگی اجتماعی خانواده‌ها جمع‌آوری نموده است. این داده‌ها اساساً بدون ارجاعی به دیدگاه‌های خود کودکان جمع‌آوری شده‌اند: بیشتر آن‌ها مربوط می‌شوند به شرایط محیط‌های اجتماعی پیرامون ایشان مانند خانواده، مدرسه، اقتصاد و کار، دادگاه‌ها،

^۱ Benadusi

^۲ National Institute of Statistics (ISTAT)

سمن‌ها، و غیره. صدای خود فرزندان تنها در حوزه مسائل مربوط به اوقات فراغت‌شان شنیده می‌شود، و آن هم تنها در مورد نوجوانان.

این داده‌ها اخیراً الهام‌بخش نخستین تحلیل آماری بوده‌اند که به طور خاص روی کودکی متمرکز بوده است (چیکوتی^۱ و سابادینی^۲، ۲۰۰۷؛ مرکز ملی مستندسازی و تحلیل دوران کودکی و نوجوانی، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹). این نخستین تلاش برای تحلیل نظام مند وضعیت اجتماعی کودکی ایتالیایی بود. داده‌های رساننده صدای خود کودکان بسیار محدود بود و ارزیابی ناکاملی از زندگی اجتماعی این گروه به دست می‌داد. تفسیر این داده‌ها همگام با رشد اهمیت عاملیت کودکان در جامعه بود: کودکان بیش از پیش به عنوان اشخاصی درگیر در شبکه‌های روابط انسانی و به عنوان افرادی پیچیده، مطالبه‌گر و خودآگاه دیده می‌شوند که هر یک شیوه‌های مصرف و وقت‌گذرانی منحصربه‌فردی را می‌گزینند. هر چند اقلیتی از آنان به دلیل محرومیت‌های اقتصادی و فرهنگی از این قاعده مستثنی هستند. داده‌های کمی‌تر دربارهٔ بافت اجتماعی به روش‌های سنتی‌تر تحلیل می‌شود: کودکان افرادی وابسته به شرایط خانوادگی، انتخاب‌های والدین، سیاست‌گذاری‌های آموزشی، روش‌های برخورد با انحرافات، بازار کار و به طور کلی وابسته به برنامه‌ریزی‌های بزرگسالان تلقی می‌شوند. این بیش از هر چیز نشانهٔ نگاهی است که کودکی را صرفاً مرحله‌ای گذرا از رشد وجود فرد می‌داند. به طور کلی، داده‌هایی که مرکز ملی آمار جمع‌آوری و مرکز ملی مستندسازی و تحلیل دوران کودکی و نوجوانی تحلیل نمود، هم برای توصیف وضعیت کودکان به عنوان یک قشر اجتماعی و هم برای بازنمایی عاملیت کودکان در زندگی اجتماعی یا با توجه زمینه‌های اجتماعی مناسب نبود.

^۱ Ciccotti

^۲ Sabbadini

کمبود داده‌های آماری کلی باعث تشویق و رونق پژوهش‌های کمی نشده است. تحت تأثیر ترجیح روش‌های کیفی و مردم‌نگاری در جامعه‌شناسی کودکانی در سطح جهان (کریستنسن^۱ و جیمز، ۲۰۰۰؛ جیمز و پروت، ۱۹۹۷ [۱۹۹۰]) برای پژوهش در ایتالیا نیز روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌های ضبط‌شده صوتی و تصویری، تعاملات فیلم‌برداری‌شده، مشاهده مشارکتی و خودگزارشی در اولویت قرار گرفت. به این ترتیب، جامعه‌شناسی کودکانی ایتالیا به بهبود و رشد حوزه‌های کلی‌تر پژوهش کیفی نیز یاری رسانده و راه‌های تازه‌ای را برای مشاهده پدیده‌های اجتماعی با رویکردهای بدیع و در موقعیت‌های اجتماعی و مکان‌های تازه معرفی نموده است. به علاوه، استفاده از این روش‌های کیفی به «به رسمیت شناختن» عاملیت کودکان نیز یاری رسانده است: کودکان خود طرف صحبت پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان معتبری در پژوهش به شمار می‌روند.

در این نوع تحقیق، جمع‌آوری داده‌های کمی نیز به طور کلی منتفی نیست. البته بیشتر به عنوان مکملی برای داده‌های کیفی به کار می‌رود، برای تحلیل داده‌هایی که چندان به کار تحلیل‌های عمیق‌تر نمی‌آیند، یا داده‌هایی که مناسب جمع‌آوری به شیوه کیفی نیستند. به تقلید از رویکردهای کیفی مرسوم، این داده‌های کمی همیشه به تحلیل‌های موردی و موقعیت‌های محلی مربوط می‌شدند، درحالی‌که نبود پیمایش‌های ملی یا دست‌کم پهن‌دامنه درباره کودکان و شرایط اجتماعی کودکان محسوس بود. هرچند فقر داده‌ها و آمار در سطح ملی مانعی برای پژوهش در حوزه کودکانی بود، اما همکاری با مسئولان محلی در مسیر توسعه پژوهش کیفی کودکانی نقشی اساسی داشت. در واقع، اولین و عمومی‌ترین موضوع این پژوهش‌ها همانا بنیادهای قانونی و سیاسی شهروندی کودکان و حقوق ایشان بوده است. بسیاری از تحلیل‌ها کاوش خود

¹ Christensen

را بیشتر معطوف به این نمودند که کنوانسیون سازمان ملل چگونه به دست دولت یا نظام قضایی یا مسئولین محلی دریافت و پیاده‌سازی شده است، تا اینکه با مسائل مربوط به معناهای انضمامی و عملی مشارکت و شهروندی کودکان، بافت اجتماعی و موضوعات مربوطه و همچنین رابطه مؤسسات و نهادها با کودکان دست و پنجه نرم کنند.

تقویت مشارکت کودکان

نتایج اصلی برنامه‌های سیاسی مختص کودکان به طور گسترده‌ای مستند شده و مورد تحلیل قرار گرفت (بالدونی^۱ و باروزی^۲، ۲۰۰۷؛ بارالدی، ۲۰۰۱، ۲۰۰۵؛ الف؛ باروزی و بالدونی، ۲۰۰۳؛ باروزی و مونزگلیو^۳، ۲۰۰۸؛ سیامپا^۴ و چیکوتی، ۲۰۰۶؛ کارلینی^۵ و همکاران، ۲۰۰۷؛ مرکز ملی مستندسازی و تحلیل دوران کودکی و نوجوانی، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵؛ فاوورتو^۶ و شیولتو^۷، ۲۰۰۳؛ پانتانو^۸، ۲۰۰۶). این برنامه‌ها از سوی دولت ملی حمایت اما در سطح محلی عملیاتی شدند. در نتیجه، نقش‌های اصلی در سازماندهی و مداخلات به مسئولین محلی سپرده می‌شد. این امر موجب تفاوت‌های جغرافیایی قابل توجهی میان شیوه‌های برخورد با کودکان و شمول ایشان در زندگی اجتماعی می‌گردد.

مستندسازی‌ها و تحلیل‌ها نشان داده‌اند که در مجموع، سیاست‌گذاری‌های جدید به طور کلی به پرداختن به مشکلات اجتماعی‌سازی و تربیت کودکان ادامه دادند، درحالی‌که طرح‌های مبتنی بر ایده کودکان به مثابه کنشگران اجتماعی به لحاظ حمایت

^۱ Baldoni

^۲ Baruzzi

^۳ Monzeglio

^۴ Ciampa

^۵ Cirlini

^۶ Favretto

^۷ Scivoletto

^۸ Pantano

مالی و غیرمالی در حاشیه باقی ماندند. با این وجود، سه جنبه اصلی این سیاست گذاری‌ها به خاطر بداعت و تازگی‌شان توجه محققان را به خود جلب کردند: (۱) طرح‌هایی که کودکان را در تصمیم‌سازی‌های سیاسی شرکت می‌دادند، آن هم اغلب از طریق حضور آن‌ها در رایزنی‌ها، جایی که کودکان نظرات و گرایش‌های فرهنگی‌شان را به تصمیم‌گیران بزرگسال ابراز می‌کردند؛ (۲) طرح‌هایی که شامل مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی بخش‌هایی از شهر (میدان‌ها، جاده‌ها، مدارس، بوستان‌ها و...) از طریق فعالیت‌های گروهی در مدارس با کمک متخصصان بزرگسال می‌شد؛ و (۳) طرح‌هایی برای حضور بیشتر کودکان در خیابان، به طور خاص فراهم‌سازی فرصت برای جابجایی مستقل آن‌ها بدون کمک بزرگسالان، با هدف افزایش استقلال ایشان و همچنین کاهش ترافیک.

بزرگسالان بسیاری (سیاستمداران، معلمان، شاغلان حرفه‌ای) در مصاحبه‌هایشان در مورد توانایی کودکان در مشاوره و برنامه‌ریزی ابراز تردید کرده‌اند. با این حال، این تحقیقات نشان داد کودکان می‌توانند کنشگران مستقل اجتماعی باشند و در مذاکره، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای اصلاح ناخوشایندترین وضعیت‌های زندگی شهری حضور ثمربخش داشته باشند. عدم اعتماد بزرگسالان چنین طرح‌هایی را محدود به مواردی کمی کرده است. در نتیجه، توفیقات این تجربه‌ها نتوانسته‌اند منجر به تحول معناداری در فرهنگ کودک‌کی شوند. نتایج کمتر دلخواه، در عوض، تحرک مستقل کودکان در شهر را تحت الشعاع قرار داده‌اند: والدین و معلمان حاضر در این طرح‌ها تلاش کافی برای بهبود شرایط به خرج نمی‌دهند، چراکه در مورد خطرات و قابلیت‌های کودکان دچار تردیدی هستند متأثر از فهمی سنتی و پیشاجامعه‌شناختی (جیمز و همکاران، ۱۹۹۸) از کودک‌کی. تحقیقات نشان می‌دهد که حوزه‌های مداخلی سنتی‌تر و متناسب‌تر مراکز تفریحی هستند، و بسیار کمتر، آموزش در مورد مشکلات

زیست‌محیطی و نتایج آنان. هم کودکان و هم بزرگسالان استقبال بیشتری از این مداخلات می‌کردند. به این دلیل که این حوزه‌ها پیشفرض‌های جافتاده در مورد مشارکت کودکان در اجتماعی شدن و فرایندهای آموزشی را کمتر به چالش می‌کشند. پژوهش‌ها در نظام‌های قضایی (فاورتو و شیولتو، ۲۰۰۱؛ پاپالاردو^۱ و شیولتو، ۲۰۰۱؛ رونفانی^۲، ۱۹۹۵؛ شیولتو، ۲۰۰۱) مهم‌ترین حوزه‌هایی را که فرصت کودکان برای مشارکت می‌تواند بهبود یابد مورد تحلیل قرار داده‌اند: اول، مشاجرات خانوادگی و دادرسی‌های جنایی. تحلیل رفتارهای بزرگسالان در عمل نشان می‌دهد که در نظام قضایی ایتالیا، کودکان کمتر از آنچه بنابر کنوانسیون سازمان ملل انتظار می‌رود برای تصمیم‌گیری مستقل حمایت می‌شوند و یا صدایشان شنیده می‌شود. به طور خاص، نظام قضایی جایگزین مناسبی برای شیوه‌های سنتی تنبیه و جزای انحرافات کودکان ندارد. با کودکان مشمول عفو مشروط به مثابه افراد بی‌مسئولیتی رفتار می‌شود که باید به جهت عدم صلاحیت اجتماعی مورد هدایت قرار گیرند. هرچند در این روش از حبس ایشان جلوگیری می‌شود، اما به رسمیت شناختن مسئولیتشان به عنوان کنشگران اجتماعی تضمین نمی‌شود. هرچند در دادرسی مشاجرات خانوادگی بیش از پیش، سخن کودکان شنیده می‌شود، اما خروجی نهایی فرایند دادرسی چندان تفاوتی را نشان نمی‌دهد.

در مجموع، پژوهش در نظام سیاسی و قضایی نشان می‌دهد، نظریات تازه مهمی در مورد کودکان در فرهنگ سیاسی و قضایی ایتالیا شکل گرفته است. اما تغییرات مربوط به بازنمایی کودکان و شیوه‌هایی که با آن‌ها رفتار می‌شود بسیار کم‌تأثیرتر است. به

^۱ Pappalardo

^۲ Ronfani

نظر می‌رسد گسترش تحولات عملی در جامعه بسیار کندتر از تغییرات رسمی صورت می‌گیرد. نیاز به صبر و تحمل و توجه مداوم به پیاده‌سازی عملی ایده‌ها دارد.

موضوع مهم و مرتبط دیگر در جامعه‌شناسی کودکی تعاملات کودکان و بزرگسالان است که برای تقویت مشارکت کودکان در شهرها و مدارس و خانواده‌ها صورت می‌گیرد (بارالدی، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶، ب، ۲۰۰۸، الف، ۲۰۰۸، ب، ۲۰۰۹؛ بارالدی و ماجیونی، ۲۰۰۰؛ بارالدی و همکاران، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳؛ فورنی، ۲۰۰۲). تحلیل این تعاملات برخی دلایل مهم توفیق یا ناکامی پیاده‌سازی نظریات نوآورانه اساسی در کاربست واقعی تأثیرات عملی و فرهنگ کودکی را روشن می‌نماید. این پژوهش‌ها ناظر به فرایندهای اجتماعی عینی و انضمامی در هنگام عملیات مداخله‌ای برای تقویت مشارکت کودکان بودند. به ویژه مشارکتشان در تصمیم‌گیری، مشاوره، طراحی و زیست اجتماعی. تحلیل‌ها مبتنی بودند بر تعاملات فیلم‌برداری شده بزرگسالان و کودکان در طی کارگاه‌ها و تلاش‌های عملی برای تقویت عاملیت کودکان، به علاوه مصاحبه‌هایی با شرکت‌کنندگان (هم کودک و هم بزرگسال).

این تحقیق نشان داد که ناکامی در تحکیم عاملیت کودکان نسبت مستقیمی با شیوه‌های سنتی آموزش دارد: بزرگسالان بیش از اینکه تسهیلگر مشارکت کودکان باشند، به عنوان مربی و کارشناس با آنان رفتار می‌کنند. تقویت مشارکت کودکان گهگاه از جهت به رسمیت شناختن شایستگی کودکان، احترام به آن‌ها و توجه به کنش‌های مستقلشان در سطحی مناسب و قابل قبول بود. این ویژگی‌ها و رویه‌های مثبت اغلب در پیوند با فرایندهای خلاق و سازنده طراحی و تصمیم‌گیری بروز می‌کنند، درحالی‌که شیوه‌های سنتی آموزش معمولاً در جلب علاقه و مشارکت کودکان ضعیف هستند. این پژوهش نشان داد که پیاده‌سازی مداخلات با هدف رشد مشارکت و عاملیت کودکان مستلزم انواع مناسبی از گفتگو میان بزرگسالان و کودکان

است که در آن کودکان فرصت‌های بهتری برای مشارکت و پشتیبانی مناسبی برای خودیابگری به دست می‌آورند.

بازنمایی و اجتماعی‌شدن کودکان

یکی دیگر از موضوعات جامعه‌شناسی کودکی این است که آنان بستر اجتماعی خود را به لحاظ حقوقی، سیاسی، اخلاقی، آموزشی و عاطفی چگونه می‌بینند. برخی پژوهش‌ها متمرکزند بر بازنمایی‌های کودکان از طرح‌ها و پروژه‌هایی که در آن‌ها مشارکت کرده‌اند (بارالدی و ماجیونی، ۲۰۰۰؛ بارالدی و همکاران، ۲۰۰۳). پژوهش‌های دیگری به بازنمایی آن‌ها از حقوق‌شان (مثلاً مسئله حوزه خصوصی، بیان عقاید شخصی و مذهبی، عدالت) حس عدالت، تضادها، تجاوز و تنبیه می‌پردازند (بوسیسو^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ فاورتو، ۲۰۰۶؛ فوجی^۲، ۲۰۰۸؛ رونفانی، ۲۰۰۷؛ ساپورتی و همکاران، ۲۰۰۶).

به طور کلی، این حوزه پژوهشی قابلیت و عمق درک کودکان و تفسیرشان از کنش‌های بزرگسالان و رابطه‌شان با محیط اجتماعی را نشان می‌دهد. حاصل کلی این پژوهش‌ها نشان‌دهنده آگاهی کودکان از عاملیت، حقوق و مسئولیت‌هایشان، و حاکی از قابلیتشان در فهم و تحلیل موقعیت‌های اجتماعی پیچیده بوده است. کودکان مورد مصاحبه توان تشخیص شیوه‌های آموزشی سنتی و شیوه‌های مبتنی بر تقویت مشارکت‌شان از یکدیگر را داشتند و می‌توانستند ارزیابی خود و ترجیح‌شان برای کار با بزرگسالانی که مشوق مشارکت کودکان بودند را ابراز کنند. این ترجیح معمولاً به صورت «رضایت‌بخش»^۳ تر بودن این شیوه‌های انجام کار ابراز می‌شد و به وضوح مورد پسند کودکانی بود که آن را تجربه کرده بودند. به همین ترتیب رضایت کودکان در

^۱ Bosisio

^۲ Fucci

مورد تحرک در شهر مشهود بود، امری که بنا به عرف در زندگی روزمره از آن منع می‌شوند. کودکانی که در طرح‌هایی شرکت می‌کردند که به ایشان امکان تحرک مستقل بین خانه و مدرسه را می‌داد اشتیاق زیادی برای برقراری رابطه با دیگر کودکان و مشاهده محیط زندگی‌شان نشان می‌دادند. در کل میل کودکان به خودمختاری در مورد ترجیحات‌شان در اوقات فراغت و روابطشان با دوستان، انتخاب مدرسه، و احترام به حوزه‌های خصوصی زندگی است.

با همه این احوال، این پژوهش‌ها از تنش بین خودمختاری و وابستگی در کودکان حکایت می‌کنند که می‌تواند نتیجه رابطه آن‌ها با محیط اجتماعی‌شان تلقی شود، امری که در کنواسیون سازمان ملل مورد توجه قرار گرفته است (ن.ک. ماجیونی و بارالدی، ۱۹۹۹). کودکان هرچند از احساس استقلال حظ می‌برند اما بر محدودیت‌ها و وابستگی‌های خویش نیز آگاهند. این آگاهی دوسویه به طور خاص در رابطه‌شان با محیط‌هایی مشهود است که از سوی بزرگسالان «خطرناک» تلقی می‌شوند: به نظر می‌رسد آن‌ها اغلب به آن دسته از تذکرات و هشدارهای بزرگسالان واکنش نشان می‌دهند که کودکان را نابالغ فرض می‌کنند. به علاوه، کودکان به قضاوت‌های اخلاقی بزرگسالان و رفتارشان در مورد انحراف و مجازات وفاداری نشان می‌دهند، هرچند پابندی خاص خودشان به عدالت را نیز دارند.

نکته دیگری که در تحقیقات به چشم می‌آید این است که کودکان گرچه مشارکت داده‌شدنشان را ارج می‌نهند اما بیش از آنکه طالب ورود به مباحثات و تصمیم‌گیری‌ها باشند، مشتاق شنیده‌شدن صدایشان هستند. به استثناء آن‌هایی که در طرح‌های تماماً مشارکتی حضور داشتند، کودکان به طور کلی از موقعیت متفاوتشان در نسبت با بزرگسالان آگاهند، و بزرگسالی را به عنوان سطح بالاتری از خودمختاری می‌فهمند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد استقلال و حقوق به شکلی اساسی با مسئله آزادی

مرتبط است و نه فقط در حد یک موقعیت اجتماعی با مخاطبانی خاص. از طرف دیگر، کودکان در زمان قضاوت میزانی از تساهل در مقابل انحراف از خود نشان می‌دهند. در آخر اینکه کودکان قدرت تشخیص دارند بین حوزه‌های شخصی و عاطفی در زیست اجتماعی در مقابل فضایی شخص‌زده از تصمیمات و نقش‌ها که می‌تواند محکوم به احکام و ارزش‌های مختلف باشد.

خانواده مهم‌ترین زمینه اجتماعی روابط است. جایی که کودکان بیش از آنکه مشتاق مشارکت در تصمیم‌گیری باشند، در پی جنبه‌های عاطفی هستند (کورتری^۱، ۲۰۰۹؛ رونفانی، ۲۰۰۷). در مورد نوجوانان اما وجه عاطفی روابط خانوادگی در تعارض با حوزه خصوصی و فردی‌ای قرار می‌گیرد که در حال جان‌گرفتن و مقاومت در مقابل مداخلات و کنجکاو‌های والدین است. در چنین اوضاعی خانواده‌ها که در پی برخورد هنجاری با تنش‌ها و مسائل عاطفی هستند، دستخوش مشکلات جدی می‌گردند. همچنین تضعیف فزاینده روابط عاطفی منجر به حس فاصله در دو طرف می‌شود که حتی در مهم‌ترین موقعیت‌ها و رویدادهای زندگی روزانه خود را نشان می‌دهد (بارالدی و یروزه^۲، ۲۰۰۳).

مطالعات روی زندگی خانوادگی به تحلیل چگونگی رویکرد فرهنگ متعارف جامعه به حضور کودکان، مثلاً در مصرف محصولات رسانه‌ای نیز مربوط می‌شود (داماتو^۳، ۱۹۹۹، ۲۰۰۶). مطالعات جامعه‌شناختی (و آموزشی) رسانه‌های همگانی همیشه تلاش کرده‌اند دریابند کودکان چگونه و به چه شیوه‌هایی در زندگی روزمره شان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. آمارهای مصرف تلویزیون و اینترنت فرضیه‌های متفاوتی را در مورد تأثیر روی وجوه شناختی و رفتاری کودکان ارائه می‌کنند

^۱ Cortesi

^۲ Iervese

^۳ D'Amato

(چیکوتی و سابادینی، ۲۰۰۷). این نوع تحقیقات توان رسیدن به نتیجه‌ای نهایی و روشن در مورد معنای رسانه‌ها برای کودکان ندارند، چه به مثابه فرصتی برای رشد و فعالیت، چه به عنوان منشاء تأثیرات مخرب بر توان شناختی یا سوءرفتار اجتماعی یا اخلاقی. صدای کودکان و نگاهشان کمتر در این نوع پژوهش‌ها شنیده و دیده می‌شوند. مطالعات جدید روی وقت‌گذرانی کودکان در اجتماعات محلی‌شان (بلونی^۱، ۲۰۰۵) تلاش می‌کند اهمیت ویژه‌ای به شنیدن صدای این قشر دهد، امری که از طریق تحلیل خاطرات و نقاشی‌ها، در نظر گرفتن روابطشان با بزرگسالان، حضورشان در سطح شهر، استفاده‌شان از رسانه و مشاهده درجه خودمختاری و تطبیق‌شان با نهادهای دنیای بزرگسالان پیگیری شده است. البته این پژوهش‌ها تصدیق می‌کنند که حدود امکان و دقت تفاسیر در مورد وقت‌گذرانی‌های کودکان بدون شمول نظرات و تفاسیر خودشان در مورد این داده‌ها مبهم خواهد بود.

داده‌های مشتمل بر گرایش‌ها و تمایلات فرهنگی همچنین گویای اهمیت گروه‌های همسالان برای جامعه‌پذیری کودکان، و به ویژه نوجوانان، بوده‌اند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، پژوهش‌های متمرکز بر گروه‌های نوجوانان رواج بسیار داشت. از یک سو این نوع پژوهش در فرایندهای جامعه‌پذیری و تأثیر گروه بر نوجوانان تفحص می‌کند (پالموناری^۲، ۱۹۹۳). از سوی دیگر، به اهمیت ارتباطات میان نوجوانان و توانایی آنان برای اطلاق معانی شخصی به روابطشان در این گروه‌ها می‌پردازد (انسالونی^۳ و بارالدی، ۱۹۹۶؛ جیوردانی^۴ و نورو^۵، ۲۰۰۴). این طیف از تحقیقات صدای نوجوانان را به عنوان عاملان اجتماعی رساتر کرد و این ایده را به پیش نهاد که نمی‌بایست

^۱ Belloni

^۲ Palmonari

^۳ Ansaloni

^۴ Giordani

^۵ Noro

نوجوانان را در گروه‌های غیررسمی‌شان افرادی منفعل و کاملاً تأثیرپذیر تلقی کرد، بی‌آنکه موقعیت ایشان به عنوان کنشگرانی قابل را در نظر گرفت.

فارغ از چند استثناء، به طور کلی در ایتالیا پژوهش‌های جامعه‌پذیری و زندگی روزمره نوجوانان به میزان کافی به عاملیت آن‌ها و «معنادهی»‌هایشان (یانس^۱، ۲۰۰۴) به زندگی اجتماعی نپرداخته است. این کمبود منجر به مشکلات و نقایصی در تفسیر نتایج فرایند اجتماعی شدن بر عاملیت کودکان و مشارکت‌شان شد.

پژوهش‌های جدید در حوزه مسائل کودکان

درگیری با مسئله اجتماعی شدن علاقه‌ای به مطالعه تأثیرات مهاجرت بر کودکان (اسکاناوینی^۲، ۲۰۰۶)، هم در موقعیت‌های معمولی همچون مدرسه و هم در مقولاتی چون جرایم و انحرافات را برانگیخت.

شرایط اجتماعی خاص مدارس چندفرهنگی و نیاز به آموزش میان‌فرهنگی و ساختن فضای واسط بین‌فرهنگی موضوع مطالعه متخصصانی بوده که در پی یافتن بهترین شیوه‌ها برای آموزش درباره تنوع فرهنگی و به اشتراک گذاری ارزش‌ها و تجربیات بوده‌اند. تنها معدودی مطالعات در جامعه‌شناسی بودند که مقوله دیدگاه‌های خود کودکان (ماجیونی و وینسنتی^۳، ۲۰۰۷) و تعاملات آن‌ها با یکدیگر (بارالدی، ۲۰۰۵الف، ۲۰۰۵ب، ۲۰۰۶الف، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹؛ بارالدی و ماجیونی، ۲۰۰۹) را در فضای چندفرهنگی مورد توجه قرار دادند. این پژوهش‌ها گویای پایداری تفکرات قالبی [در مورد فرهنگ‌های اقلیت] در مدارس و موانع بسیار در برابر به رسمیت شناخته شدن هویت‌ها از یک سو و یادگیری روش‌های فرهنگی مشترک جدید از سوی دیگر بودند. این نشان می‌دهد که ساختن فضاهای آموزشی چندفرهنگی، با هر تعریفی از

^۱ Jans

^۲ Scannavini

^۳ Vincenti

آموزش میان‌فرهنگی عاری از دشواری نیست. این دشواری چنان که تحقیقات زبان‌شناسی نیز نشان می‌دهد در نسبت مستقیم است با عدم کفایت معلمان و متخصصان در برقراری ارتباط در مواجهه با تنوع فرهنگی، همچون مطالعات دیگر در تصدیق‌زبانی (چیلیبرتی^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ گراسی^۲، ۲۰۰۷) و پشتیبانی کودکان در مدیریت تضادها (بارالدی، ۲۰۰۵؛ الف، پروژه، ۲۰۰۶). در اینجا نیز ما با مسئله کلی پذیرفتن کودکان به عنوان عاملان اجتماعی و هم‌صحبتان شایسته و لایق مواجه هستیم. بزرگسالان بیشتر ترجیح می‌دهند نقش متخصص را ایفا کنند تا تسهیلگر مشارکت کودکان. این تحقیقات گویای این حقیقت‌اند که در رویکردهایی آموزشی که مبتنی بر تلقی و تصور کودکان به عنوان آینده‌جامعه امروز، دست و پنجه نرم کردن با تکرر و تضاد فرهنگی غیرممکن به نظر می‌رسد. چراکه بزرگسالان خود را راهنمایی گریزناپذیر برای ساختن وضعیت متعادل آینده می‌بینند و نه تسهیلگران تعاملات حال حاضر کودکان.

به طور کلی‌تر، این رویکرد غالب همان مشاهده دائمی «مشکلات اساسی کودکان»، همچون انحرافات را هدایت می‌کند. کودکان دائماً به مثابه قربانی یا منحرف دیده می‌شوند. به طور خاص طرد و تحقیر و خشونت گروهی در مدارس در طول حدود ۱۰ سال گذشته موضوعاتی جذاب برای پژوهشگران بوده‌اند، چراکه تحلیل کودکان را هم به مثابه مجرم و هم قربانی در بر می‌گیرند. توفیق این رویکردها وابسته است به علاقه سنتی به کودکان مسئله‌دار، یعنی کودکانی که دچار انحراف از «زندگی هنجارین» کودکی هستند (ن.ک. فونزی^۳، ۱۹۹۷؛ نواری^۴ و رگولیوسی^۵، ۲۰۰۷).

^۱ Ciliberti

^۲ Grassi

^۳ Fonzi

^۴ Novara

^۵ Regoliosi

هردوی این موقعیت‌های مجرم و قربانی به طور سنتی به عدم کفایت کودکان ربط داده می‌شود. پژوهش نشان می‌دهد این تلقی با نگاه خود کودکان تطابق ندارد (بارالدی و یروزه، ۲۰۰۳). کودکان توانایی این را دارند که سازوکارهای طرد و تحقیر شدنشان را در شبکه روابط با همسالان و بزرگسالان تحلیل و تفسیر کنند و همچنین می‌توانند راهبردهای فعالانه‌ای برای دست و پنجه نرم کردن با مسئله خشونت ارائه کنند. در این شرایط بالاترین سطح عدم کفایت در بزرگسالانی مشاهده می‌شود که از اهمیت و ارزش عاملیت کودکان در ارتباط‌هایشان با آنان غافلند. در نتیجه این غفلت، بزرگسالان قابلیت همراهی کودکان در غلبه بر طرد و تحقیر و مزاحمت را از دست می‌دهند.

این دست کم گرفتن عاملیت کودکان و معناسازی آن‌ها در تحقیقات حوزه انحرافات مربوط به کودکان مهاجر بیش از هر جایی به چشم می‌آید. درجات بالایی از این پرچسب‌زنی و تفکر قالبی در دادرسی‌ها و تنبیهات در این حوزه مشاهده می‌شود (ملوسی^۱ و جیواننتی^۲، ۲۰۰۶). در شرایطی این چنینی، فرصت نیافتن کودکان مهاجر برای نشان دادن عاملیت و خودمختاری‌شان در زندگی اجتماعی می‌تواند به عنوان عامل اصلی سرنوشت متفاوت آن‌ها از یک سو، و کودکان ایتالیایی از سوی دیگر، در مواجهه با نظام قضایی در نظر گرفته شود.

تبادل و چشم‌اندازهای آینده

شاید بداعت اصلی جامعه‌شناسی کودکی در ایتالیا را می‌بایست کشش آن به سوی در نظرگیری کودکان به عنوان شهروند و کنشگر اجتماعی و نقش آن در روشن ساختن دشواری‌ها و ظرفیت‌های این رویکرد دانست. این تحقیق مروری بر وضعیت چنین

^۱ Melossi

^۲ Giovannetti

رویکردهایی در پژوهش‌های موجود داشت. جنبه‌ای جالب توجه در این مطالعات استفاده آن‌ها از روش‌های تحقیق کیفی از قبیل گروه‌های تمرکز با کودکان یا فیلم برداری از فعالیت‌هایشان است که نوآوری‌هایی را در روش تحقیق در پی داشته است. با این حال، این گونه دستاوردها به قدر کفایت گرایش‌های جامعه‌شناسی ایتالیایی یا فرهنگ کودک در سطح عموم ایتالیایی‌ها را تحت تأثیر قرار نداده است. کمبود اصلی این حوزه پژوهش‌های ملی است، هم پیمایش‌های کمی و هم بیش از آن علاقه عمومی جامعه‌شناسانه به تعاملات دربرگیرنده کودکان و صدا و دیدگاه‌هایشان است. مستندسازی داده‌های آماری و طرح‌های مرتبط با کودکان در حال رشد و گسترش‌اند (ن.ک. ضمیمه)، اما از پشتیبانی برنامه‌های پژوهش پیچیده‌تر و عمیق‌تر بی‌بهره‌اند.

در مجموع، تا هنگامی که هیچ رشته دانشگاهی‌ای در این حوزه شکل نگرفته و پژوهش‌ها کم‌تعداد و نه چندان مرتبط و متمرکز باشند (ن.ک. ضمیمه) و جامعه‌شناسی کودک ایتالیایی هنوز با مشکلاتی چند به لحاظ محدودیت در دغدغه‌های پژوهشی، محدودیت در ارتباط پژوهش‌ها به لحاظ موضوعی و روشی، و بیش از هر چیز به لحاظ حاشیه‌ای بودن در جامعه و در پژوهش و تدریس دانشگاهی روبرو است، توسعه جامعه‌شناسی کودک کم‌شتاب بوده و خواهد بود.

در همین حال تکانه سیاسی پشتیبان رویکردهای نوین به کودک دچار افول شد. امروز شاهد عدم توفیق در شکل‌گیری حلقه‌ای قدرتمند میان پژوهش و سیاست‌گذاری هستیم. مشهودترین نوآوری در جامعه ایتالیا مربوط می‌شود به رویکردهای شخصی‌سازی شده به کودکان در کنار دعوت معلمان و متخصصان به تشویق و تسهیلگری مشارکت فعال کودکان، با این حال نه هیچ برنامه سیاسی-فرهنگی‌ای برای پیاده‌سازی گسترده این رویکردهای آموزشی وجود دارد و نه ارزیابی‌های پژوهش‌محور نتایج این تغییرات فرضی در نقش‌ها و روش‌ها.

آینده جامعه‌شناسی کودکی به امکان بازگشت تعهد سیاسی به تقویت علاقه به مشارکت اجتماعی کودکان وابسته است. با این حال، اگر علاقه به این موضوعات و روش‌های مؤثر مرتبط با آن‌ها درون خود میدان جامعه‌شناسی توسعه نیابد، این بازگشت کافی نخواهد بود. علاقه جامعه‌شناسانه به عاملیت کودکان در ایتالیا در قیاس با دیگر کشورهای اروپایی در سطحی پایین باقی مانده است. مانع اصلی چه بسا در خود حلقه جامعه‌شناسان و در کندی فرایند جان‌گیری چنین علاقه و گرایشی به حضور خودمختارتر کودکان در زیست اجتماعی امروز و فردا باشد.

منابع

- Alanen, Leena (1988) 'Rethinking Childhood', *Acta Sociologica* 31(1): 53-67.
- Ansaloni, Sergio and Baraldi, Claudio (eds) (1996) *Gruppi giovanili e intervento sociale*. Milan: FrancoAngeli.
- Baldoni, Anna and Baruzzi, Valter (2007) *Imparare la democrazia. I consigli dei ragazzi nella provincia di Bologna e l'esperienza di Casalecchio di Reno*. Rome: Carocci.
- Baraldi, Claudio (ed.) (2001) *I diritti dei bambini e degli adolescenti. Una ricerca sui progetti legati alla legge 285*. Rome: Donzelli.
- Baraldi, Claudio (2003) 'Planning Childhood: Children's Social Participation in the Town of Adults', in Pia Christensen and Margaret O'Brien (eds) *Children in the City: Home, Neighbourhood and Community*. London: Routledge/Falmer.
- Baraldi, Claudio (ed.) (2005a) *Costruire la diversità e il dialogo con bambini e preadolescenti*. Imola: La Mandragora.
- Baraldi, Claudio (2005b) 'Forms of Communication in Multicultural Classrooms: A Way of Exploring Dialogue', in Wolfgang Herrlitz and Rober Maier (eds) *Dialogues in and around Multicultural Schools*. Tübingen: Neimeyer.
- Baraldi, Claudio (ed.) (2006a) *Education and Intercultural Narratives in Multicultural Classrooms*. Rome: Officina.

- Baraldi, Claudio (2006b) 'La promozione della partecipazione sociale: un orizzonte futuro per il sistema educativo', *Infanzia e società* 2(1–2): 343–59.
- Baraldi, Claudio (ed.) (2007) *Dialogare in classe*. Rome: Donzelli.
- Baraldi, Claudio (2008a) *Bambini e società*. Rome: Carocci.
- Baraldi, Claudio (2008b) 'Promoting Self-Expression in Classrooms Interactions', *Childhood* 15(2): 239–57.
- Baraldi, Claudio (ed.) (2009) *Dialogue in Intercultural Communities: From an Educational Point of View*. Amsterdam: John Benjamins.
- Baraldi, Claudio and Iervese, Vittorio (2003) *Come nasce la prevaricazione. Una ricerca sulla scuola dell'obbligo*. Rome: Donzelli.
- Baraldi, Claudio and Maggioni, Guido (eds) (2000) *Una città con i bambini. Progetti ed esperienze del Laboratorio di Fano*. Roma: Donzelli.
- Baraldi, Claudio and Maggioni, Guido (eds) (2009) *La mediazione con bambini e adolescenti*. Rome: Donzelli.
- Baraldi, Claudio, Iervese, Vittorio and La Palombara, Alessandro (2001) *Il bambino salta il muro. Culture e pratiche sociali negli asili nido e nelle scuole dell'infanzia*. Bergamo: Junior.
- Baraldi, Claudio, Maggioni, Guido and Mittica, Paola (eds) (2003) *Pratiche di partecipazione. Teorie e metodi di intervento con bambini e adolescenti*. Rome: Donzelli.
- Baruzzi, Valter and Baldoni, Anna (eds) (2003) *La democrazia si impara. Consigli dei ragazzi e altre forme di partecipazione*. Imola: La Mandragora.
- Baruzzi, Valter and Monzeglio, Antonio (2008) *A piedi o in bici con le amiche e con gli amici. Come progettare e realizzare la mobilità sostenibile dei bambini e delle bambine nel tragitto da casa a scuola*. Imola: La Mandragora.
- Belloni, Carmen (ed.) (2005) *Vite da bambini. La quotidianità dai 5 ai 13 anni*. Torino: Archivio Storico.
- Benadusi, Luciano (2006) 'Infanzia, educazione e società. Soggetti, processi e istituzioni alla prova della complessità', *Infanzia e società* 2(1–2): 89–105.

- Bosisio, Roberta, Leonini, Luisa and Ronfani, Paola (2003) *Quello che ci spetta. I diritti fondamentali nelle rappresentazioni degli adolescenti*. Rome: Donzelli.
- Christensen, Pia and James, Allison (eds) (2000) *Research with Children: Perspectives and Practices*. London: Falmer Press.
- Ciampa, Adriana and Ciccotti, Ermenegildo (2006) *I progetti nel 2004. Lo stato di attuazione della legge 285/97*. Florence: CNDAIA (Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza).
- Ciccotti, Ermenegildo and Sabbadini, Linda Laura (eds) (2007) *Come cambia la vita dei bambini*. Florence: CNDAIA (Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza).
- Ciliberti, Anna, Pugliese, Rosa and Anderson, Laurie (2003) *Le lingue in classe. Discorso, apprendimento, socializzazione*. Rome: Carocci.
- Cirlini, Federica, Davoli, Sara, Fantini, Glauco and Pedrazzoli, Clementina (eds) (2007) *Il parco che vorrei. Esperienze di progettazione partecipata nei comuni di Albinea, Cadelbosco Sopra e Quattro Castella*. Imola: La Mandragora.
- CNDAIA (2001) *I progetti nel 2000*. Florence: Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'infanzia e l'adolescenza.
- CNDAIA (2003) *I progetti nel 2001*. Florence: Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza.
- CNDAIA (2004) *I progetti nel 2002*. Florence: Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza.
- CNDAIA (2005) *I progetti nel 2003*. Florence: Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza.
- CNDAIA (2006) *I progetti nel 2004*. Florence: Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza.
- CNDAIA (2009) *Diritti in crescita. Terzo e quarto rapporto alle Nazioni Unite sulla condizione dell'infanzia e dell'adolescenza in Italia*. Florence: Centro Nazionale di Documentazione e Analisi per l'Infanzia e l'Adolescenza.
- Corsaro, William (1997) *The Sociology of Childhood*. Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Corsaro, William (2003) *Le culture dei bambini*. Bologna: il Mulino.

- Cortesi, Gabriella (2009) *Per il 'bene' dei figli. La socializzazione nella famiglia*. Rome: Aracne.
- D'Amato, Marina (1999) *I teleroi. I personaggi le storie i miti della Tv dei ragazzi*. Rome: Editori Riuniti.
- D'Amato, Marina (2006) 'Globalizzazione e immaginario fantastico', *Infanzia e società* 2(1-2): 237-58.
- Edwards, Carolyn, Gandini, Lella and Forman George (eds) (1993) *One Hundred Languages of Children*. Norwood, NJ: Ablex.
- Erikson, Erik (1963) *Childhood and Society*. New York: Norton.
- Favretto, Anna Rosa (2006) *Il delitto e il castigo. Trasgressione e pena nell'immaginario degli adolescenti*. Rome: Donzelli.
- Favretto, Anna Rosa and Scivoletto, Chiara (2001) 'La protezione del minore nella cultura giuridica e nelle pratiche attuative: la fisionomia dell'affido preadottivo e dell'affido temporaneo presso il Tribunale per i Minorenni di Ancona', in Alberto Artosi, Giorgio Dongiovanni and Silvia Vida (eds) *I diritti difficili nel sistema giuridico*. Bologna: Gedit.
- Favretto, Anna Rosa and Scivoletto, Chiara (2003) 'La legislazione regionale e la legge 285/1997. Note in tema di protezione e partecipazione', in Claudio Baraldi, Guido Maggioni and Maria Paola Mittica (eds) *Pratiche di partecipazione. Teorie e metodi di intervento con bambini e adolescenti*. Rome: Donzelli.
- Fonzi, Ada (1997) *Il bullismo in Italia: il fenomeno delle prepotenze a scuola dal Piemonte alla Sicilia*. Florence: Giunti.
- Forni, Elisabetta (2002) *La città di Batman. Bambini, conflitti, sicurezza urbana*. Torino: Bollati Boringhieri.
- Fucci, Stefania (2008) *Il conflitto fra adolescenti. Il gruppo, le 'solidarietà', il potere*. Rome: Donzelli.
- Garelli, Franco (1984) *La generazione della vita quotidiana*. Bologna: il Mulino.
- Giordani, Marco and Noro, Annie (eds) (2004) *Nautibus. Esperienze e strumenti di intervento sociale con gli adolescenti*. Milan: FrancoAngeli.
- Grassi, Roberta (2007) *Parlare all'allievo straniero. Strategie di adattamento linguistico nella classe plurilingue*. Perugia: Guerra.
- Hengst, Heinz and Zeiher, Helga (eds) (2004) *Per una sociologia dell'infanzia*. Milan: FrancoAngeli.

- Iervese, Vittorio (ed.) (2006) *La gestione dialogica del conflitto. Analisi di una sperimentazione con bambini e preadolescenti*. Imola: La Mandragora.
- James, Allison and James, Adrian (2004) *Constructing Childhood: Theory, Policy and Social Practice*. Basingstoke: Palgrave.
- James, Allison and Prout, Alan (eds) (1997) *Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood*. London: Falmer Press. (Orig. pub. 1990.)
- James, Allison, Jenks, Chris and Prout, Alan (1998) *Theorizing Childhood*. Cambridge: Polity Press.
- James, Allison, Jenks, Chris and Prout, Alan (2002) *Teorizzare l'infanzia*. Rome: Donzelli.
- Jans, Marc (2004) 'Children as Citizens: Towards a Contemporary Notion of Child Participation', *Childhood* 11(1): 27-44.
- King, Michael (2004) *I diritti dei bambini in un mondo incerto*. Rome: Donzelli.
- Maggioni, Guido and Baraldi, Claudio (eds) (1997) *Costruzioni sociali dell'infanzia e cittadinanza dei bambini*. Urbino: Quattroventi.
- Maggioni, Guido and Baraldi, Claudio (1999) 'Children's Rights and Contemporary Sociological Perspectives of Childhood', in Francis van Loon and Koen van Aeken (eds) *60 maal recht en 1 maal wijn. Sociology of Law, Social Problems and Legal Policy*. Leuven: ACCO.
- Maggioni, Guido and Vincenti, Alessandra (eds) (2007) *Nella scuola multiculturale. Una ricerca sociologica in ambito educativo*. Rome: Donzelli.
- Martelli, Stefano (ed.) (1996) *Videosocializzazione. Processi educativi e nuovi media*. Milan: FrancoAngeli.
- Melossi, Dario and Giovannetti, Monia (2002) *I nuovi sciuscià. Minori stranieri in Italia*. Rome: Donzelli.
- Morcellini, Mario (1992) *Passaggio al futuro. La socializzazione nell'età dei mass media*. Milan: FrancoAngeli.
- Morcellini, Mario (1999) *La tv fa bene ai bambini*. Rome: Meltemi.
- Novara, Daniele and Regoliosi, Luigi (2007) *I bulli non sanno litigare*. Rome: Carocci.
- Palmonari, Augusto (ed.) (1993) *Psicologia dell'adolescenza*. Bologna: il Mulino.

- Pantano, Pamela (2006) 'Il diritto di cittadinanza dei bambini', *Infanzia e società* 2(1-2): 419-29.
- Pappalardo, Fabrizio and Scivoletto, Chiara (2001) 'La protezione del minore nella cultura giuridica e nelle pratiche attuative: l'applicazione della messa alla prova nel Tribunale per i Minorenni di Ancona', in Alberto Artosi, Giorgio Bongiovanni and Silvia Vida (eds) *I diritti difficili nel sistema giuridico*. Bologna: Gedit.
- Piazzzi, Giuliano and Cipolla, Costantino (1985) *Il disincanto affettivo*. Milan: FrancoAngeli.
- Porro, Roberto (1981) *Infanzia e mass media*. Milan: FrancoAngeli.
- Ricolfi, Luca and Sciolla, Loredana (1980) *Senza padri né maestri*. Bari: De Donato.
- Ronfani, Paola (1995) *I diritti del minore. Cultura giuridica e rappresentazioni sociali*. Milan: Guerini Scientifica.
- Ronfani, Paola (ed.) (2007) *Non è giusto! Dilemmi morali e senso della giustizia nelle rappresentazioni degli adolescenti*. Rome: Donzelli.
- Saporiti, Angelo (1994) 'A Methodology for Making Children Count', in Jens Qvortrup, Marjatta Bardy, Giovanni Sgritta and Helmut Wintersberger (eds) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Saporiti, Angelo (1995) 'Childhood and Poverty: From the Children's Point of View', in Lynne Chisholm, Peter Büchner, Heinz-Hermann Krüger and Manuela du Bois-Reymond (eds) *Growing up in Europe: Contemporary Horizons in Childhood and Youth Studies*. Berlin: de Gruyter.
- Saporiti, Angelo, Casas, Ferreran, Grignoli, Daniela, Mancini, Antonio, Rago, Marina, Alsinet, Charles, Figure, Cristina, Gonzales, Monica, Gusò, Mireia, Rostan, Carles and Sadurn, Arta (2006) 'L'opinione dei bambini sui diritti dell'infanzia. Un'analisi qualitativa sulla percezione che i bambini hanno dei loro diritti', *Infanzia e società* 2(1-2): 369-94.
- Scannavini, Katia (2006) 'I bambini migranti tra consumi culturali e costruzioni sociali', *Infanzia e società* 2(1-2): 195-210.
- Scivoletto, Chiara (2001) *Sistema penale e minori*. Rome: Carocci.
- Sgritta, Giovanni (1994) 'The Generational Division of Welfare: Equity and Conflict', in Jens Qvortrup, Marjatta Bardy, Giovanni Sgritta and

Helmut Wintersberger (eds) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.

- Sgritta, Giovanni (1997) 'La cittadinanza negata', in Guido Maggioni and Claudio Baraldi (eds) *Costruzioni sociali dell'infanzia e cittadinanza dei bambini*. Urbino: Quattroventi.
- Tonucci, Francesco (1996) *La città dei bambini*. Rome: Laterza.

کودکی در جامعه‌شناسی و جامعه آلمان

هلگا تسایر^۱، ترجمه یگانه خویی

چکیده

در این مقاله، ظهور و پیشرفت پژوهش و نظریه‌پردازی جامعه‌شناسانه طی سه دهه گذشته روی کودکی در آلمان ترسیم شده است. بدین طریق تنوعی در حال رشد از رویکردها و فعالیت‌های انتشاراتی جامعه‌شناسانه نشان داده شده است، پیشرفتی به سوی همکاری بین‌المللی و نهادگرایی در انجمن جامعه‌شناسی آلمان. [در این مقاله] بر رواج دو جهت‌گیری اصلی تمرکز شده است. این دو، نخست، تأکید بر عاملیت و خودتعیین‌بخشی کودکان است، که با سرچشمه‌های معین آن در تاریخ پس از جنگ آلمان و مفاهیم آموزش سوژه‌محور و اجتماعی‌شدن مشخص می‌شود؛ و دوم، علاقه شدید و توجه به تغییرات اجتماعی اخیر که در نظریه‌پردازی و پژوهش بر موضوعاتی چون قراردادن کودکی در رده‌بندی نسلی^۲، سیاست‌های رفاه کودکان، محیط‌های شهری، رسانه و بازار، روابط بین‌نسلی و شکل‌گیری هویت مشاهده‌پذیر است.

کلیدواژه‌ها: کودکی، کودکان، عاملیت کودکان، تغییر اجتماعی، ساختار اجتماعی

^۱ هلگا تسایر (Helga Zeiher)، سابقاً عضو موسسه توسعه انسانی ماکس پلانک (Max Planck Institute)

of Human Development) در برلین

^۲ generational order

رشد جامعه‌شناسی کودکی در آلمان

امروزه می‌توانیم پشت سر به سه دهه نظریه و پژوهش جامعه‌شناسانه دربارهٔ کودکان و کودکی در آلمان نظر بیافکنیم. اواخر دههٔ ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ به نظر می‌رسید که دید تازه‌ای به کودکان و کودکی توسط روح زمانه^۱ رواج یافته باشد، چرا که اقدامات بسیاری مستقلاً در جمهوری فدرال آلمان به وقوع پیوسته بود. جامعه‌شناسان خانواده نیاز به «سیاست اجتماعی برای کودکان» را صورت‌بندی می‌کردند و همزمان جایگاه کودکان را در ساختار اجتماعی و اقتصادی (کاوتمن^۲، ۱۹۸۰؛ لوشر^۳، ۱۹۷۹) به پرسش می‌کشیدند. استفادهٔ فزایندهٔ کودکان از رسانه‌های تازه نه فقط معلمان را دربارهٔ تأثیر مخاطره‌آمیز آن‌ها بر کودکان نگران می‌کرد، بلکه جامعه‌شناسان را نیز ترغیب می‌کرد که تغییرات حاصل در ساختار اجتماعی کودکی (هنگست^۴ و همکاران، ۱۹۸۳) را تحلیل کنند. عامل سوم همکاری حدود ۱۵ جامعه‌شناس در بخش «جامعه‌شناسی آموزش» انجمن جامعه‌شناسی آلمان^۵ بود. مباحثات و کتب حاصل (پرویس‌لاوویتس^۶ و همکاران، ۱۹۸۳) هسته‌ای شد برای شماری از پروژه‌های پژوهشی که به زندگی روزمرهٔ کودکان در دههٔ آینده می‌پرداخت، و همچنین برای یک سری از کنفرانس‌ها. پس از سقوط دیوار برلین در ۱۹۸۹، شماری از دانشمندان علوم اجتماعی از آلمان شرقی به گروه پیوستند تا تأثیر تغییرات سیاسی را بر کودکان بررسی کنند (کیرشهوفر^۷، ۱۹۹۸). در ۱۹۹۴ گروه که بسیار گسترش یافته بود، خود را از حوزهٔ علم آموزش آزاد کرد و به یک کارگروه بدل شد و در ۱۹۹۷ در انجمن جامعه‌شناسی

^۱ Zeitgeist

^۲ Kaufmann

^۳ Lüscher

^۴ Hengst

^۵ German Sociological Association

^۶ Preuß-Lausitz

^۷ Kirchhöfer

آلمان بخش «جامعه‌شناسی کودکی» شکل گرفت. در میانه دهه ۱۹۹۰، این حوزه به شکلی روزافزون از شبکه‌های بین‌المللی، همکاری‌ها و کنفرانس‌ها سود برد، و پارادایم تازه جامعه‌شناسی کودکی برای چند سال در بسیاری نشست‌ها و مطالب منتشر شده با شدت و حدت مورد بحث و مناظره قرار گرفت.

هم‌اکنون حجم زیادی آثار نوشتاری در این حوزه وجود دارد. از ۱۹۹۳ یک ردیف ثابت کتاب درباره کودکی توسط انتشارات یوونتاً^۱ منتشر شده است و از ۱۹۹۶ نیز توسط ژورنال جامعه‌شناسی آموزش و اجتماعی‌شدن^۲ مفاهیم و روش‌های جامعه‌شناسی کودکی در مطالعات نظری (مثلاً هونیک^۳، ۱۹۹۹) و شرح‌ها (مثلاً گویلن^۴، ۱۹۸۹؛ هنگست و کله^۵، ۲۰۰۳؛ هنگست و تسایر، ۲۰۰۵؛ هونیک و همکاران، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹؛ مارکفکا^۶ و ناوک^۷، ۱۹۹۳؛ پرویس لاوژیتس و همکاران، ۱۹۹۰؛ تسایر و همکاران، ۱۹۹۶) مورد بررسی قرار گرفت. ارزیابی‌ها داده‌های تجربی فراهم کردند (مثلاً ناوک و برترام^۸، ۱۹۹۵؛ تسینکر^۹ و زیلبراین^{۱۰}، ۱۹۹۶) و شمار رو به افزایشی از مطالعات تجربی روی موضوعات خاص (در ادامه خواهید خواند) منتشر شد. این حوزه بیشتر و بیشتر بین‌المللی شد. پژوهشگران آلمانی در دو پروژه بزرگ اروپایی، پروژه «کودکی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی»^{۱۱} در مرکز اروپایی وین (۱۹۹۲-۱۹۸۷) و پروژه

^۱ Juventa

^۲ Zeitschrift für Soziologie der Erziehung und Sozialisation

^۳ Honig

^۴ Geulen

^۵ Kelle

^۶ Markefka

^۷ Nauck

^۸ Bertram

^۹ Zinnecker

^{۱۰} Silbereisen

^{۱۱} Childhood as a Social Phenomenon

«رفاه کودکان»^۱ (۲۰۰۶-۲۰۰۱) شرکت جستند، و همچنین مدام منظم‌تر به زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها مطلب منتشر کردند.

بنابراین داستان جامعه‌شناسی کودکی در آلمان داستان یک زیررشته به تدریج در حال توسعه است. با این همه در حوزه جامعه‌شناسی آلمانی، مطالعه روی کودکی هنوز بسیار در حاشیه است. مایلم بگویم که این ربطی به ساختار عمومی کودکان به مثابه کوچک‌ترهای جامعه ندارد، بلکه بیشتر به ارزش بسیار بالایی مربوط است که در جوامع مدرن به کودکان پیوند خورده است که البته جنبه‌ای از وجود اجتماعی کودکان را مورد تأکید قرار می‌دهد که متفاوت از آن چیزی است که مورد توجه یک جامعه‌شناسی کودکی «نوین» است. این جنبه تأکیدشده، بزرگ‌شدن کودکان و عملکرد آن‌ها به عنوان «انسان‌شوندگان»^۲ (در تقابل با «انسان‌بودگان»^۳) (کورتروپ^۴ و همکاران، ۱۹۹۴) در جامعه‌ای از بزرگسالان است. ارزش بالای عضو «شدن» کودکان در جامعه آینده، در تأکیدی که روی علوم آموزش، توسعه و اجتماعی‌شدن می‌شود، انعکاس می‌یابد. شکی نیست که از نظر اجتماعی بسیار مهم است که روی این موضوعات تمرکز کنیم، نهادها و معیارها را مفهوم‌بندی و سازماندهی کرده، تداوم بخشیم، بررسی‌شان کنیم و پرسنل حرفه‌ای پرتعدادی را آموزش دهیم. در مقایسه، تقاضا برای جامعه‌شناسی کودکی محدود است و بیشتر پژوهشگرانی که در آلمان با جامعه‌شناسی کودکی درگیرند، در دانشکده‌های آموزش دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند. با این وجود، نیاز به توضیح واقعیت اجتماعی کودکی به آموزش‌پژوهان از اوایل دهه ۱۹۸۰، که محدودیت‌های هرچه بیشتر آموزشی‌شدن و کلونیزه‌شدن آشکار شد و

^۱ COST A 19 'Children's Welfare'

^۲ human becomings

^۳ human beings

^۴ Qvortrup

واقعیت اجتماعی کودکی به وضوح از تصویر سنتی فاصله گرفت، در حال رشد بوده است.

آوای یک گروه کُر به کیفیت صدای هریک از خوانندگان بستگی دارد. با این همه، کمیت خوانندگان نیز مهم است. کمیت به تعداد مشاغل آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی وابسته است. تعداد اعضای ارشد هیأت علمی متخصص در جامعه‌شناسی کودکی به تازگی در حال رشد بوده، اما هنوز هم نسبتاً کم است. در کل مایلم بگویم که در آلمان کیفیتی عالی و از جنبه نظری و روش‌شناختی پیچیده، از اندیشیدن به کودکی وجود دارد، چنان که در آثار نوشتاری تولیدشده در سه دهه گذشته شاهدش بوده‌ایم. با این وجود، به دانشمندان جوان‌تر و متخصص‌تری نیاز است. برای چنین رویدادی، افزایش بودجه پژوهشی مطلقاً ضروری است.

تأکید بر تغییر اجتماعی

شکل جامعه‌شناسی کودکی در هر کشور نه تنها محصول سنت‌های علمی خاص در نظریه و روش‌شناسی است، بلکه محصول توسعه‌های سیاسی و اجتماعی در کودکی و همچنین در کل جامعه است. از آغاز جامعه‌شناسی کودکی آلمان، بررسی تغییرات اجتماعی، مرکز توجهی قدرتمند در بخش نظریه و پژوهش بوده است. ریشه‌های آگاهی عمومی به تغییر ممکن است در تاریخ کشور تا به گسست‌های پس از هر دو جنگ جهانی برسد. اما مشخصاً اغتشاش‌های ناشی از توسعه اقتصادی و اطلاعاتی بودند و [همچنین] تغییرات اجتماعی بنیادین مرتبطی که نخست در دهه ۱۹۶۰ و بعد در ۱۹۹۰ به وقوع پیوستند، که نسبت به تأثیرگذاری بر عاملیت کودکان در زندگی روزمره و موقعیت اجتماعی کودکی ایجاد نگرانی کردند. پژوهشگران گرایش‌هایی را در ویژگی‌های در حال تغییر کودکی «مدرن» شناسایی کرده بودند، و در مناظرات عمومی و آموزشی این گرایش‌ها کم و بیش به عنوان فقدان کودکی «واقعی» بودند،

که همزمان چشم‌اندازی رمانتیک از کودک معصومی را که به‌شادی در هوای آزاد بازی می‌کند، حفظ می‌کردند. بنابراین وظیفه جامعه‌شناسان کودکی این است که به دوگانگی‌ها اشاره کنند و توضیح دهند که کودکی به شکلی اجتناب‌ناپذیر، بخش سازنده جامعه است، حتی اگر احتمالش برود که رابطه‌اش با توسعه در جامعه ممکن است مخاطراتی به وجود آورد. تحلیل گفتمان‌های عمومی کودکی به شکل نقادانه به یکی از مباحث پژوهشی اصلی از دهه ۱۹۹۰ به بعد تبدیل شد (مثلاً بولرنیدربرگر، ۲۰۰۵).

یک گرایش و علاقه خاص روی نسل‌های پیاپی تاریخی و روابط میان آن‌ها تمرکز می‌کند. ویژگی‌های نسل‌های تاریخی پی‌درپی و روابط میان آن‌ها موضوعی است که چند بار در جامعه‌شناسی کودکی آلمان به آن پرداخته شده است. این تمرکز خاص در تاریخ آلمان ریشه دارد: از گسست‌های اجتماعی پس از دو جنگ جهانی پدید آمد. پس از پایان جنگ جهانی اول، در دهه ۱۹۲۰، تفاوت‌های بین آن‌هایی که پیش و پس از شکست در جامعه جوان بودند، آشکار شد و یک جامعه‌شناسی جوانی به وجود آمد که منش اجتماعی هم‌گروهان ولادتی^۲ را به تجربیات جوانی خاص آن‌ها پیوند داد. در جامعه‌شناسی دانش^۳، کارل مانهایم^۴ (۱۹۹۳ [۱۹۲۸]) مفهوم مشهور را صورت‌بندی کرده است و هم‌گروه‌ها را نسلی نامیده که طرز فکر و درکشان از واقعیت اجتماعی از تجربیات مشترک در جوانی‌شان شکل گرفته و بنابراین یک «جایگاه» نسلی^۵ را در جامعه با هم شریک‌اند. سی سال بعد، پس از جنگ جهانی دوم، گسست پساجنگ شدید دیگری در جامعه آلمان دیگر بار دانشمندان علوم اجتماعی

^۱ Bühler-Niederberger

^۲ birth cohorts

^۳ Wissenssoziologie

^۴ Karl Mannheim

^۵ generational 'location'

را برانگیخت تا مطالعه کنند که نسل‌های جوان تازه چگونه شکل گرفته بودند (شلسکی^۱، ۱۹۵۷).

در ۱۹۸۰ این گروه یادشده از جامعه‌شناسان (پرویس لاوژیتس و همکاران، ۱۹۸۳؛ تسایر، ۲۰۰۳) توجه خود را از نسل جوان، متوجه «نسل‌های کودک» کرد. آن‌ها از توصیف تجربیات کودکی خود، نسل «کودکان جنگ جهانی دوم»، آغاز کردند و آن‌ها را با کودکی‌های هم‌گروه‌های آینده^۲ مقایسه نمودند. این دیدگاه مقایسه‌ای، توجه را به تغییرات اجتماعی‌ای جلب کرد که در زندگی‌های کودکان معاصر، و در گرایش‌های اجتماعی اخیر کودکی نقش مهمی بازی کرده است. بنابراین تمرکز از توالی نسل‌ها در زمان تاریخی به‌سوی توصیف گرایش‌های اخیر به کودکی به مثابه یک ساختار تاریخی در حال تغییر جابه‌جا شد، و [همچنین] به دور از کودکی به مثابه یک مرحله گذرا از زندگی و به سمت کودکی در مقام پدیده اجتماعی متغیر با تاریخ. این نوع از مطالعه، تبدیل به آغازگاهی کلیدی برای جامعه‌شناسی کودکی آلمان شد. اوایل سال‌های ۲۰۰۰ مسأله توالی نسل‌ها دوباره مطرح شد. پژوهش تاریخی روی نسل کودکان جنگ و پس از جنگ انجام شد، تا روابط آن‌ها با نسل‌های بعدی و تأثیرات روی آن نسل‌ها مورد مطالعه قرار گیرد (مثلاً رادبولد^۳ و همکاران، ۲۰۰۸)، و مطالعات موردی روی خانواده‌ها تحلیل و بررسی شد، تا انتقال سرمایه فرهنگی و اجتماعی بین اجداد، والدین و فرزندان (بوشنر^۴، ۲۰۰۳) آشکار شود. در ارتباط با مفهوم مانهایم و اعمال آن به جوامع امروز، هاینس هنگست (۲۰۰۵) بر دیدگاهی تازه به کودکان و بزرگسالان اصرار ورزید، کودکان و بزرگسالانی که در کنار هم و در

^۱ Schelsky

^۲ subsequent cohorts

^۳ Radebold

^۴ Büchner

جامعه‌ای زندگی می‌کنند که تغییرش سریع‌تر از توالی نسلی است. او مفهوم نسل دوتایی [ساخته] جامعه‌شناسانِ کودکی و تمرکز آن‌ها بر «عمل نسل‌ها» را به بحث می‌کشد و داعیهٔ تحلیل «عمل هم‌عصران»^۲ را دارد.

تمرکز بر عاملیت کودکان

وجه مشخصهٔ دههٔ اول جامعه‌شناسی کودکیِ آلمان جهت‌گیری‌اش به‌سوی عاملیت بود، چیزی که در مسیری خاص از تاریخ آلمان ریشه داشت، یعنی در فرایند دموکراتیزاسیون پس از جنگ جهانی دوم. دموکراتیزاسیون تا میانهٔ دههٔ ۱۹۶۰، زمانی که نسل جدید علیه اقتدارطلبی نسل پیشین مبارزه می‌کرد، هنوز به شکل وسیع پیش نرفته بود. در آن زمان، تأکید شدید نسل شورشی بر دموکراسی و ضدیت با اقتدارطلبی دست در دست تغییرات اقتصاد پیش رفت، درحالی‌که بخش خدمات که در حال رشد بود، به نیروی کار دارای صلاحیت بیشتر و خودآیین نیازمند بود. هر دو تغییر، سیاست آموزشی تازه‌ای می‌طلبیدند، که هدفش روابط دموکراتیک‌تری بین بزرگسالان و کودکان و همچنین کاهش تفاوت‌های طبقاتی در آموزش باشد. اجتماعی‌شدن در آن زمان به عنوان علت اصلی پیشرفت کودک مورد توجه قرار گرفت، و جامعه‌شناسان در اجتماعی‌شدن خانواده و مدرسه به دنبال نابرابری‌های اجتماعی می‌گشتند. بر خلاف دیگر کشورها، مباحثهٔ آلمان روی اجتماعی‌شدن، جهت‌گیری موضوعی قدرتمند ویژه‌ای به دست آورد؛ در روح دموکراتیزاسیون، شکل تازه‌ای از اجتماعی‌شدن به عنوان نوسازی جامعه دنبال شد. نظریهٔ کارکردگرایی اجتماعی‌شدن^۳ که از جامعه‌شناسی انگلیسی-آمریکایی وارد شده بود، در رابطه با سوژهٔ روان‌شناسانه و

^۱ doing generations

^۲ doing contemporaries

^۳ Functionalist socialization theory

فلسفی و نظریه‌های کنش دوباره مفهوم‌پردازی شد (گویلن، ۱۹۷۷؛ هورلمان^۱ و اولیچ^۲، ۱۹۸۰). تمرکز روی کودک خودآیین و خودمختار به هدف غالب آموزشی بدل شد (پرویس‌لاوویتس، ۱۹۹۰).

اوایل دهه ۱۹۸۰ دانشمندان علوم اجتماعی که شروع به مطالعه تجربی زندگی روزمره کودکان کرده بودند، آن فکر حاکم را دنبال کردند. کودکان را نه به عنوان ابژه‌های رفتار بزرگسالان که به عنوان سوژه مفهوم‌پردازی کردند و خودمختاری و عاملیت آن‌ها را مورد تحلیل قرار دادند. در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، حجم نسبتاً بالایی از پژوهش روی فعالیت‌های کودکان و اجرای عاملیت آن‌ها در زندگی روزمره‌شان متمرکز شد. جالب است دقت کنیم که آن دامنه‌ها و سویه‌هایی از فعالیت‌های کودکان که بیش از همه در آن مقطع زمانی مورد بررسی قرار گرفت، مناسب‌ترین‌ها برای تمرکز بر خودمختاری بودند. موقعیت‌هایی بودند که [در آن‌ها] به کنترل بزرگ‌ترها روی کودکان تمایل کمتری وجود داشت، مانند مکان‌های بیرونی، فعالیت‌های پس از مدرسه، فعالیت‌های فراتر از چارچوب درسی و روابط همالان^۳. رویکردهای پژوهشی مبتنی بر نظریه بسط و توسعه یافت و در پژوهش، جایی که کودکان [خود] منبع داده بودند، مورد استفاده قرار گرفت. این روش شامل مطالعات بینافرهنگی و مطالعات بیوگرافیک تطبیقی تاریخی (بنکن^۴ و همکاران، ۱۹۸۹)، مطالعات مصاحبه‌ای (موسسه جوانان آلمان^۵، ۱۹۹۲؛ دو بویزیموند^۶ و همکاران، ۱۹۹۴)، بازسازی عاملیت کودکان در مطالعات موردی روی شکل‌دهی به زندگی

^۱ Hurrelmann

^۲ Ulich

^۳ peer relations

^۴ Behnken

^۵ Deutsches Jugendinstitut

^۶ du Bois-Reymond

روزمره (تسایر، ۲۰۰۱؛ تسایر و تسایر، ۱۹۹۴)، مشاهدات ویدیویی (کرپمن^۱ و اسوالد^۲، ۱۹۹۵)، مشاهدات اتنوگرافیک و تحلیل‌های اجتماعی-ساختارگرایانه گفت‌وگوهای کودکان میان همالان (برایدنشین^۳ و کله، ۱۹۹۸) می‌شد.

بنابراین در آلمان، بر خلاف دیگر کشورها، این فاصله‌گذاری صریح با نظریه اجتماعی شدن نیست که آغاز پژوهش جامعه‌شناسی روی کودکان و کودکی را مشخص می‌کند، بلکه به‌کارگیری مفاهیم تازه آموزش و اجتماعی شدن و انتقال آن‌ها برای مقاصد پژوهشی غیرآموزشی است. نه تنها جامعه‌شناسان، بلکه بسیاری از آموزش‌پژوهان آن زمان درگیر مطالعات کودکی بودند، که تغییر از [مطالعه] «کودک به عنوان ابژه» به «کودک به عنوان سوژه» را دنبال کرده بود. می‌توان گفت که تمرکز جامعه‌شناسان کودکی آلمان روی عاملیت کودکان نخست از هدفی آموزشی به وجود آمد، و پیشرفتی را دنبال کرد که تا آن زمان در دامنه علوم مربوط به کودک در حال رشد به نتیجه رسیده بود.

اوایل دهه ۱۹۹۰ وقتی که جامعه‌شناسی کودکی در آلمان به تنهایی مفهوم‌پردازی شد و از مباحثات بین‌المللی به شکلی فزاینده سود برد، رویکردهای متفاوتی به کودکان و کودکی به وجود آمد و عیان شد. به مباحثه بین‌المللی مبنی بر عدم وجود بحث و تبادل میان نظریه اجتماعی شدن و جامعه‌شناسی کودکی آن زمان از این رو ارجاع داده می‌شود که رویکرد ویژه جامعه‌شناسانه به کودکی توضیح داده شود. در چنان زمینه‌ای مفهوم کودک به مثابه کنشگر اجتماعی^۴ که بر سازنده جهان زندگی «اینجا و اکنون» است، مورد تأکید قرار می‌گیرد و از مفهوم اجتماعی شده و آموزشی

^۱ Krappmann

^۲ Oswald

^۳ Breidenstein

^۴ social actor

«کودک شدن»^۱ متمایز می‌شود (تسایر، ۱۹۹۶). بعضی پژوهشگران بر استدلال‌هایی که جانب پژوهش از «دیدِ کودک» را می‌گیرند، پا می‌فشارند (هونیگ و همکاران، ۱۹۹۹)، حال آن که دیگران به تحلیل اجتماعی-ساختاری یا تحلیل گفتمان‌گرایی دارند. به بیان لینا آلانن^۲ (۲۰۰۱)، در بحث‌های دههٔ ۱۹۹۰ تمایز میان جامعه‌شناسی «کودکان» و «کودکی» آشکار شد.

همهٔ پژوهشگران با رد رویکرد اجتماعی شدن موافق نبودند، چرا که به نظر می‌رسید با جهت‌گیری خاص به سوژگی و عاملیت که وجه مشخصهٔ پژوهش آلمان بود، سازگار نباشد. در اوایل دههٔ ۲۰۰۰ بحث روی آنچه به عنوان «خوداجتماعی شدن» شناخته می‌شد، از نو آغاز شد، بحثی که کمابیش از جامعه‌شناسی کودکی فاصله گرفت (گویلن و ویت^۳، ۲۰۰۴؛ تسینکر^۴، ۲۰۰۰). با این همه، برداشت من این است که اغلب جامعه‌شناسان کودکی معاصر آلمان بیشتر بر مفیدبودن دیدگاه‌ها تأکید دارند تا برجسته کردن یک دیدگاه ویژه.

باید متذکر شد که در تمایز با دیگر کشورها، تمرکز بر عاملیت کودکان در آلمان از خلال نقد به در حاشیه ماندگی اجتماعی^۵ کودک و کودکی شکل نگرفت. در اینجا، حقوق و مشارکت سیاسی کودکان میان دغدغه‌های اکثر جامعه‌شناسان کودکی (به استثنای لیل^۶، ۲۰۰۷) در حاشیه بوده و به حقوق‌دانان، سیاست‌گذاران و به کنش سیاسی واگذار شده است. طی دههٔ ۱۹۹۰، قوانین به نفع حقوق کودکان بازبینی شد و

^۱ becoming child

^۲ Leena Alanen

^۳ Veith

^۴ Zinnecker

^۵ societal marginality

^۶ Liebel

مشارکت کودکان در انجمن‌های محلی، و با جا افتادن [نقش] مسئول کودک^۱، در مراجع محلی و در سطوح استانی توسعه داده شد.

تغییرات آشکارشده در توسعه کودکی مدرن

چنانکه ذکر شد، شمار نسبتاً بزرگی از مطالعات تجربی در دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ انجام شد، که بر فعالیت‌های کودکان در زندگی روزانه متمرکز بود. از آنجا که نویسندگان در پرداختن به کودک به مثابه سوژه که در آن زمان رایج بود، شرکت داشتند، تأکید اصلی بر تغییرات روابط قدرت بین نسل‌ها، مسائل کنترل زندگی روزانه و خودمختاری کودکان بود.

این مطالعات چه ویژگی‌ها و گرایش‌هایی را روشن می‌سازند؟ تغییرات در فعالیت‌های اوقات فراغت کودکان مهم‌ترین مسئله‌ای بود که به آن پرداخته شده بود، به‌ویژه به دلیل روند فزاینده آموزشی شدن ساختاریافته اوقات فراغت و همچنین توسعه سریع فضای شهری. در این حالت دوم [توسعه فضای شهری]، امکانات برای فعالیت‌های تخصصی‌شده و تمرکز یافته گسترش داده شد، و ترافیک موتوری به شدت افزایش پیدا کرد. توسعه‌های شهری در تخصصی‌شدن و تمرکز کارکرد گرایانه منجر به درجه بالاتری از جدایش فضایی بین کودکان و بزرگسالان در فضای عمومی شد، و زندگی روزمره کودکان را هرچه بیشتر به فضاهای بسته و فعالیت‌های ساختارمند محدود کرد. تقاضا برای داده پژوهشی در بخش برنامه‌ریزان شهری و مددکاران اجتماعی این تمرکز پژوهشی را تقویت کرد، و معلمان و والدین نیز به یادگیری این که محیط‌های کودکان چگونه تغییر می‌کنند، بسیار علاقه‌مند شدند. تا جایی که به کودکان مربوط بود، توسعه شهری - چنان که در بالا ذکر شد - با نهادمند شدن فزاینده

^۱ Kinderbeauftragte

یادگیری و مراقبت درهم تنیده بود. امری که از «علمی شدن»^۱ فزاینده زندگی پس از مدرسه کودکان و همچنین مشارکت رو به افزایش نیروی کار مادران ناشی می شد. تحلیل ها بر روند وابسته به فضای شهری نشان می دهد که موقعیت های زندگی و عاملیت کودکان در توسعه های اجتماعی فراگیر جاری ریشه دارد، چیزهایی از قبیل فرایندهای نهادمندشدن^۲ و فردی شدن^۳ که آن زمان به صورتی عمومی تر در دستور کار جامعه شناسی بود (بک^۴، ۱۹۸۶). روند «خانگی شدن»^۵ (تسینگر، ۱۹۹۰) به تحدید فضایی فزاینده کودکان نظر داشت، درحالی که روند «جزیره ای شدن»^۶ (تسایر، ۲۰۰۱؛ تسایر و تسایر، ۱۹۹۴) به نیازمندی های تازه کودکان نظر داشت، تا به زندگی فضایی [محیطی]، زمانی و اجتماعی خود به صورت فردی شکل دهند. هر دو روند شامل تغییراتی در نوع کنترل بر فعالیت های کودکان است، به عبارتی دورشدن از کنترل شخصی به سوی کنترل ساختاری.

با نگاهی به پشت سر خواهیم گفت که کارکرد پژوهش تجربی انجام شده در دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ این بود که تصویر کودکی با شکل و شمایل تازه کودکی که در زندگی روزمره کودکان وجود داشت، سازگار شود. این گونه توصیف می شد که کودکی در حال تغییر از الگوهای بورژوا به الگوهای مدرنیزه است. شعار «مدرنیزاسیون کودکی» بود. گرایش تازه جامعه شناسانه در [بحث] کودکی بر پدیده هایی متمرکز بود که به محدودیت های پروژه کودکی در مدرنیته و گسست در حال شکل گیری آن ارتباط داشت. روشن شد که محدودیت هایی در امکان کنترل کامل آموزشی روی کودکان و جداسازی کامل آنها از دنیای کار وجود داشته است.

^۱ scholarization

^۲ institutionalization

^۳ individualization

^۴ Beck

^۵ domestication

^۶ insularization

این درک شکل گرفت که اصول سازماندهی که دنیای کار را اداره می‌کنند، و علیه آن قرار است از کودکان در نهادهایی که مشخصاً برای آن‌ها پایه‌گذاری شده، محافظت شود، این نهادها را نیز [از خود] متأثر ساخته‌اند. روابط شخصی بین بزرگ‌ترها و کودکان به عنوان روابطی ترسیم می‌شدند که در حال «دورشدن از امر و اطاعت به سوی بحث و مذاکره» (بوشنر، ۱۹۸۳) بودند و شکل سلسله‌مراتبی آن‌ها رو به کاهش بود. در ارتباط با اثر جاری رسانه‌های صوتی-تصویری، بحث پیرامون از بین رفتن فاصله میان کودکان و بزرگسالان وجود داشت. برخی نویسندگان درباره‌ی خیال‌پردازانه‌شدن تصویر مدرن کودکی سخن می‌گفتند (هنگست و همکاران، ۱۹۸۱).

از اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییرات پیوسته‌ی اجتماع به خاطر گسترش فناوری اطلاعات و اقتصاد جهانی، زندگی روزمره‌ی همه را از نو متحول کرده است. خواست مردم برای «فردی کردن» سبک‌های زندگی در حال افزایش و خصوصیات آن در حال تغییر بوده است. بنابراین، تمرکز اصلی در مطالعات جامعه‌شناسانه روی فرایندهای فردی‌شدن دیگر فقط محدود به کنترل و خودآیینی نیست، بلکه روش‌های معاشرت افراد در جوامع فردی‌شده و ناهمگن‌تر نیز مورد توجه قرار گرفته است. مانند جامعه‌شناسی عمومی، هدف رایج جامعه‌شناسان کودکی به این بدل شد که توصیف و درک کنند که چطور کودکان از موقعیت‌ها و مطالبات «پساساختاری» تأثیر می‌پذیرند و با آن‌ها کنار می‌آیند. برای کودکان نیز دارایی اجتماعی دیگر نمی‌تواند تضمین شده باشد، چه در روابط همالان و چه در خانواده‌ها، و هویت کودکان کمتر از گذشته توسط هنجارهای سنتی شکل می‌گیرد. کودکان در زندگی‌شان، برای این که خود را در رابطه با دیگران قرار دهند، به تلاش فردی بیشتری نیاز دارند، و هویت شخصی باید بر مبنایی ثابت بازسازی شود.

از این رو طی ده سال گذشته، تمایل جامعه‌شناسانه به فعالیت‌های اوقات فراغت کودکان از فعالیت‌های ساختارمند و ادارهٔ عقلانی زندگی روزمره به سمت مسائلی چون برساختن فردی خود^۱ تغییر کرده است. این تمایل همچنین از برساختن فرهنگ‌های خاص کودکان و روابط آن‌ها به نسخه‌های هویتی پیشنهادی توسط رسانه‌ها و بازار جابه‌جا شده است. تا آنجا که به استفادهٔ کودکان از فضاها شهری مربوط است، به اجرا گذاشتن فردی مهارت‌های فیزیکی و روش‌های مرتبط معاشرت با همالان در این مقطع مورد توجه بوده است. در زمان اخیر برساختن فردی هویت، هرچه بیشتر مدل کردن و باب‌روز کردن^۲ بدن را شامل می‌شود و بدن کودک - چه برای خود کودکان و چه برای جامعه‌شناسان کودکی - به مسئله‌ای دغدغه‌انگیز بدل شده است (هنگست و کله، ۲۰۰۳).

محوشدن مرزهای اجتماعی^۳، به‌تازگی مفهوم اجتماعی رایجی شده است. این برای جامعه‌شناسی کودکی هم درست است. از همان ابتدا، جامعه‌شناسی کودکی آلمان بر پدیده‌ای تمرکز کرده که به شکستن [مفهوم] کودکی مدرن مرتبط است؛ در حال حاضر محوشدن فزایندهٔ مرزهای بین نسل‌ها از نو جامعه‌شناسان کودکی را به چالش کشیده است. بسیاری از پدیده‌های جاری نابودی پرشتاب رده‌بندی نسلی را به‌روشنی نشان می‌دهند. کاهش «فاصلهٔ معلومات»^۴ میان کودکان و بزرگ‌ترها به دلیل تولید شتاب‌گرفتهٔ دانش تازه^۵ و گسترش رسانه‌ها، اوایل دههٔ ۱۹۸۰ هم در حال بحث و بررسی بود. از همان زمان تأثیر رسانه‌ها و بازار مصرف بر فرهنگ کودکان رشد داشته است و به همین ترتیب نیز از بعضی جنبه‌ها کاهش فاصلهٔ معلومات. تا جایی که به

^۱ individual construction of the self

^۲ Modelling and styling

^۳ Entgrenzung

^۴ knowledge distance

^۵ new knowledge

مدرسه ارتباط دارد، کودکان خود مرزها را با یادگیری مستقل و در پیوند با رسانه و علاوه بر آن با کسب پول در کنار کار مدرسه (هنگست و تسایر، ۲۰۰۰؛ لیل، ۲۰۰۱) برهم می‌زنند. بنا بر نظر هنگست (۲۰۰۵)، تقابل دو گانهٔ پیشین نسل‌ها کمتر جدی به نظر می‌رسد، و «ترکیب‌های تازه‌ای از هویت‌های جمعی» رویت‌پذیر می‌شوند. با توجه به جهت‌گیری رو به رشد به زمان حال در جامعه، اهمیت پیشرفت کودک و دیگری‌بودن فرودستانهٔ کودکان در حال کاهش است، و سوئیۀ غایت‌شناسانۀ کودکی در حال ناپدیدشدن است. تا آنجا که به پدیده‌های فرهنگی و شکل‌گیری هویت مربوط است، کودکان و بزرگسالان، چنان‌که هنگست (۲۰۰۵) استدلال می‌کند، رو به برابری بیشتر هستند طوری که هر دو دارند در اینجا و اکنون، چنان هم‌عصران^۱ زندگی می‌کنند.

بنابراین امروز هم تغییر اجتماعی هنوز در دستور کار قرار دارد. اما دیگر به نظر نمی‌رسد که هدف جامعه‌شناسی کودکی، شناسایی روندهای عمده باشد. در مقام بخشی از دورهٔ پس‌اساختاریِ توسعهٔ اجتماعی، پژوهش کودکی امروزه بیشتر گوناگونی‌مسائلی را نشان می‌دهد، که محرک‌شان مشکلات اجتماعی کودکی و کودکان در جهانی است که هرچه آشکارتر از اقتصاد متأثر شده است. جهانی که زندگی در آن از جنبه‌های متعدد و تازه‌ای، چه برای بزرگسالان و چه کودکان، هر یک در جایگاه خاص خود در جامعه در مقیاس بزرگ و در زندگی روزمره، مشکل است. علاقهٔ فعلی بسیاری از پژوهشگران به تغییر اجتماعی، مربوط به در مخاطره‌بودن روزافزون کودکان است. به پشتوانۀ تغییرات شتاب‌گرفتهٔ جهانیِ مدام ناهمگن‌تر، تناقض‌های بیشتری در زندگی کودکان به وجود می‌آید که به درهم‌آمیختگیِ مکان‌های مجازی و واقعی، تنش زمانی و و کسالت مرتبط است، و نه تنها در تحرک فضایی که در عدم تحرک

^۱ Zeitgenossen

فزون یافته فعالیت‌ها، در رقابت برانگیخته توسط بازار و رسانه‌ها و کمبود پول که به دلیل حذف شدن از کار دستمزدی است نیز افزایش می‌یابد. کودکان قرار است در زندگی روزمره‌شان با تناقض‌های چندگانه‌ای مواجه شوند؛ بسیاری ممکن است موفق شوند؛ اما مطالعات روی سلامت فیزیکی و روانی از تعداد رو به رشدی از کودکان خبر می‌دهد، که تحت این شرایط رنج می‌برند.

جایگاه کودکان در ساختار اجتماعی، سیاست و اقتصاد - تغییرات در نظم نسلی

در آوردگاه اجتماعی-ساختاری، امکانات مراقبت از کودکان در دهه ۱۹۷۰ به مسئله‌ای نگران‌کننده بدل شد، در زمانی که بخش در حال رشد خدمات، موازی با جنبش زنان، استخدام بیشتر برای مادران و مراقبت نهادمند از کودکان را مطالبه می‌کردند. از آن زمان «مطالبات زندگی اقتصادی مدرن و شرایط پایه‌ای اقتصادی و سیاسی، اداره زندگی با کودکان را برای والدین مشکل کرده‌اند» (یورچیک^۱ و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۰۳). سال‌های طولانی، هدف سیاست محافظه کار خانواده محافظت و گسترش خانواده به عنوان یک نهاد بود. اواخر دهه ۱۹۹۰ بود که دولت محافظه کار کول^۲ مجبور شد، تحت فشار نهادهای محلی که از هزینه‌های مالی ناشی از فقر روزافزون میان خانواده‌های فرزنددار و فشار اتحادیه اروپا برای ثبت داده‌های فقر رنج می‌بردند، به موقعیت اقتصادی کودکان بپردازد. در ۱۹۹۸ گزارش تخصصی درباره جوانی که به سفارش دولت به صورت منظم تهیه می‌شد، برای نخستین بار به گزارشی از «کودکان و جوانان» تبدیل شد، و به فقر نسبی کودکان اشاره کرد. از آنجا که دولت می‌خواست گزارش را پیش از انتخابات مسکوت نگه دارد، موقعیت پرمخاطره

^۱ Jurczyk

^۲ Kohl

کودکان به رسوایی عمومی بدل شد و برای نخستین بار در مجلس مورد بحث قرار گرفت. از آن زمان دیگر «مغایرت اشکال واقعی زندگی کودکان از یک سو، و برساخت‌های ایدئولوژیک یک کودکی خوب و چهارچوب‌های نهادمند و اقتصادی زندگی کودکان از سوی دیگر» (یورچیک و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۶۳) انکارناپذیر است. فقر کودکان، بحران مراقبت و کاهش باروری توسط دولت ائتلافی سوسیالیست-سبز در دستور کار سیاسی قرار گرفت. اکنون کودکی و کودکان هرچه بیشتر در رسانه‌ها به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شوند و برای تمام احزاب سیاسی در کارزارهای انتخاباتی به مسئله‌ای محوری تبدیل شده‌اند. نه تنها سیاست خانواده‌ستنی مهجور شده، بلکه سیستم آموزشی نیز، به استناد مطالعات تطبیقی بین‌المللی، نابسند است (مثلاً باومرت^۱ و همکاران، ۲۰۰۰). هر دو مسئله از سویی به ایجاد تغییراتی در سازماندهی منابع زمانی و مالی که توسط والدین برای فرزندان سرمایه‌گذاری می‌شود، فرا می‌خوانند و از سوی دیگر آن‌ها که توسط دولت سرمایه‌گذاری می‌شود، و به این ترتیب به ایجاد اصلاحاتی در جایگاه اجتماعی کودکی دعوت می‌کنند.

چگونه جامعه‌شناسی کودکی در گیر این تغییر، و از آن متأثر می‌شود؟ تا آخر دهه ۱۹۹۰، اغلب جامعه‌شناسانی به این مسائل می‌پرداختند که در خانواده، آموزش و جنسیت تخصص داشتند و نه جامعه‌شناسان کودکی. این جامعه‌شناسان معروف خانواده بودند که موقعیت کودکان را در ساختار اجتماعی و سیاست اجتماعی به پرسش کشیدند (کاوفمن، ۱۹۸۰؛ لوشر، ۱۹۷۹)، و پس از آن هم در دهه ۱۹۹۰، جامعه‌شناسان خانواده داده‌های آماری کودکان را مورد بررسی قرار دادند (ناوک و برترام، ۱۹۹۵) و درباره مشکلات مرتبط کودکی و خانواده بحث کردند. آن‌ها فاصله خود را از رویکردهای نظری تازه جامعه‌شناسی کودکی حفظ کردند، چنان که

¹ Baumert

جامعه‌شناسان جنسیت نیز از زمان تمرکز بر نابرابری جنسیتی‌ای که [مبحث] مراقبت از کودکان را احاطه کرده بود، چنین کردند. هم در جامعه‌شناسی خانواده و هم جامعه‌شناسی جنسیت، کودکان چنان ضمایمی بر والدین‌شان دیده می‌شدند تا کسانی با حق خودشان؛ دیدگاهی که متفاوت از دیدگاه جامعه‌شناسان کودکی است.

از طرفی برای مدت زمان طولانی جامعه‌شناسان کودکی به مطالبات سنتی جامعه‌شناسی خانواده نمی‌پرداختند و ترجیح می‌دادند دربارهٔ مسائل بیرون از خانواده، مراقبت و نهادهای آموزشی کودکی مدرن، چنانکه پیش‌تر ذکر شد، تحقیق کنند. این تغییر زمانی آغاز شد که اوایل دههٔ ۱۹۹۰ جامعه‌شناسی کودکی به‌تنهایی و مستقل تعریف شد. با تأثیر از پروژهٔ بین‌المللی «کودکی به‌مثابهٔ پدیده‌ای اجتماعی»، که به این نیاز اشاره داشت که کودکی را به‌مثابهٔ ساختاری از جامعه ببینیم، مرکز توجه به رده‌بندی نسلی در کلیتش جابه‌جا شد. در ابتدا داده‌های کودکان در پیمایش‌های خانوادگی سازمان جوانان آلمان و تحقیقات عمومی دربارهٔ فقر جمع‌آوری شد. بعدها، در اواخر دههٔ ۱۹۹۰ مطالعات موقعیت اجتماعی و اقتصادی کودکان (مثلاً یوس^۱، ۲۰۰۱) توانست بر مبنای استخرهای داده باشد که در آن‌ها کودکان واحدهای آماری‌ای بودند با حق و حقوق خودشان. جسارت می‌کنم بگویم که تا حدی این نوع تازه از مطالعات روی فقر نسبی زیاد و پی‌شوندهٔ کودکان بود، که کمک کرد موقعیت پرمخاطرهٔ کودکان در فضای عمومی آشکار شود. تردیدی نیست که دلایل این توجه، چندگانه است و نگرانی‌ها دربارهٔ توسعهٔ جمعیت‌شناختی را نیز دربردارد. همچنین باید توجه داشت که مسئلهٔ کودکان نیازمند همواره احساسات عمومی را برمی‌انگیزد - پدیده‌ای که توسط تحلیل‌های جامعه‌شناسانهٔ گفتمان‌های عمومی و سیاسی روی بچه‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است (بولریندربرگر، ۲۰۰۵).

¹ Joos

دستور کارهای نشست‌های بخش جامعه‌شناسی کودکی توجه روزافزونی به مشکلات اجتماعی-ساختاری را منعکس می‌کردند. این حقیقت دارد که مشکلات اجتماعی-ساختاری پیش از این‌کانون توجه مقالات مناسبتی بوده‌اند و از این‌رو این مشکلات ابتدا در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ به موضوع یک نشست کامل در دو کارگاه بدل شدند. این امر به انتشار کتابی بسیار مهم در مباحث آلمانی منتهی شد: کودکی در دولت رفاه: چالش‌های جامعه و سیاست^۱ (ویراسته کرتنسل ناگل^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). به‌تازگی نشست‌های سالانه این بخش بر مشکلات رفاه متمرکز شده‌اند: در ۲۰۰۴، «خانواده، کار و دولت؛ مرزهای در حال محوشدن و مرزهای تازه در کودکی»^۳؛ در ۲۰۰۵، «مراقبت از کودکان: اهداف، مفاهیم برابری، و سیاست»^۴؛ در ۲۰۰۷، «دولت، متخصصان، حریم خصوصی - کودکی در چنگ مراقبت و مداخله»^۵.

بنا بر استنباط من، دو جنبه از ترتیب نسلی اجتماعی به موضوعات محوری جامعه‌شناسی کودکی آلمان معاصر بدل شده‌اند. نخست آنکه در جایگاه اجتماعی کودکان و زندگی‌های روزمره آن‌ها در جامعه‌ای که به شکلی فزاینده با معیار تولید اقتصادی و سود اداره می‌شود، تغییراتی موجود است. این امر در کانون توجه بحث‌های رفاه که پیش‌تر ذکرشان رفت، قرار می‌گیرد و همچنین در پژوهش ساختارهای اجتماعی و سنجش‌های سیاسی‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد، که به تأمین منابع برای کودکان، مراقبت و آموزش - به دلیل نیازهای اقتصادی به شایستگی‌های بیشتر، و به تحریک نتایج نسبتاً ضعیف مدارس آلمان در مطالعات تطبیقی بین‌المللی روی موفقیت‌های مدرسه - مرتبط است. کار نظری روی جایگاه کودکی در دولت رفاه

¹ *Childhood in the Welfare State: Challenges from Society and Policy*

² Kränzl-Nagl

³ *Family, Work and the State: Blurring and New Borderlines in Childhood*

⁴ *Childcare: Aims, Concepts of Quality, and Policy*

⁵ *State, Experts, Privacy - Childhood between the Grasp of Care and Intervention*

پیوسته در تغییر، در حال انجام است (برای مثال در دانشگاه هاله^۱ توسط توماس اولک^۲ و یوهانا میرندورف^۳). مطالعات دیگری بررسی می کنند که کودکان چگونه در زندگی روزمره خود با تغییرات مرتبط برخورد می کنند، برای مثال با محدودیت های فضا و زمان که توسط زمان های کاری والدین به وجود می آیند (مثلاً موسسه جوانان آلمان^۴ در مونیخ).

دوم آنکه رده بندی نسلی وجود دارد، چنان که در سطح هنجارها، ارزش ها و مکانیزم های کنترل یافت می شود. در اینجا، گفتمان هایی روی کودکان و کودکی در رسانه ها و سیاست مورد تحلیل قرار می گیرند (برای مثال توسط دوریس بولریدربرگر در دانشگاه ووپرتال^۵)، و پردازش هنجارهای کودکی در عمل بررسی می شود (برای مثال اینکه چطور متخصصان پزشکی و آموزشی، هنجارهای پیشرفت کودک را پردازش می کنند، نوشته هلگا کله از دانشگاه فرانکفورت^۶). پژوهش روی مراقبت از کودک (برای مثال توسط میسایل سباستین هونیگ و ماگدالنا یوس در دانشگاه تریر^۷) فرایندهای برساختن رده بندی نسلی در عمل مراقبت نهادمند را آشکار می سازد.

حاصل مطالعات در این دو حوزه از ساختارهای نسلی، هنجارها و گفتمان هایی که توسط بزرگسالان شکل گرفته، به مقاومت ساختارهای نسلی و هنجارهای تا به حال موجود اشاره دارد، و همچنین به مطالبه تغییراتی که توسط پیشرفت های اجتماعی مطرح شده است. در تقابل، پژوهش مذکور روی روش های خود کودکان برای ساختن فرهنگ کودک، استفاده از رسانه ها و کسب دانش، و روی روش های کودکان

¹ University of Halle

² Thomas Olk

³ Johanna Mierendorff

⁴ Deutsches Jugendinstitut

⁵ University of Wuppertal

⁶ University of Frankfurt am Main

⁷ University of Trier

برای تجربه‌کردن و ارزیابی روابطشان با بزرگ‌ترها، نشان از محو شدن ساختارهای کودکی و تفاوت‌های بین نسل‌ها دارد. فکر می‌کنم که کار بیشتر روی تنش‌های موجود بین دو روی این سکه، تکلیف چالش‌برانگیز جامعه‌شناسی کودکی خواهد بود.

چشم‌اندازهای آینده

چنانکه در ابتدای این مقاله ذکر شد، جامعه‌شناسی کودکی آلمان در همسایگی نزدیک علم آموزش شروع به رشد و توسعه کرد. در دانشگاه‌ها، جامعه‌شناسی کودکی موضوع مطالعه دانشکده‌های آموزش است. از این رو، بسیاری از معلمان دانشجو درباره جامعه‌شناسی کودکی می‌آموزند، اما تنها تعداد بسیار اندکی از دانشجویان جامعه‌شناسی با آن برخورد کرده، یا حتی در آن تخصص پیدا می‌کنند. آموزش‌پژوهان و مددکاران اجتماعی بیشتر از جامعه‌شناسان به متون این رشته می‌پردازند. برای مدت زمان طولانی جامعه‌شناسان، کودکان و کودکی را منحصرأ به علوم آموزشی و توسعه‌ای واگذار کرده، تا حد زیادی جامعه‌شناسی کودکی را که در حال پیدایش بود، نادیده گرفتند. در تقابل با بسیاری از آموزش‌پژوهان، جامعه‌شناسان نیاز زیادی به بازنگری در مفهوم سنتی و کارکردگرایی کودکی احساس نمی‌کردند. با این همه، نشانه‌هایی از توجه فزاینده در حوزه جامعه‌شناسی وجود دارد. تا به امروز مرزهای میان جامعه‌شناسی کودکی، از یک سو، و رشته‌های علمی هم‌جوار مانند جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی جنسیت و مطالعات سیاست اجتماعی، از سوی دیگر، از تمام جهات برافراشته مانده است. این قبیل مرزهای بین‌رشته‌ای دیگر شروع به محو شدن کرده‌اند، با توجه به این واقعیت که جایگاه کودکان و کودکی در جامعه دارد مخاطره‌آمیز می‌شود. به‌ویژه آنکه فشارهای اقتصادی بر محل و زمان کار، درهم‌تنیدگی جنسیت و نسل را در پیشانی تمام این رشته‌ها قرار داد و آن‌ها را واداشت

تا با یکدیگر مکالمه و همکاری کنند. اکنون برخی از جامعه‌شناسان کودکی شروع به بذل توجه به مسائلی کرده‌اند، که در حوزه مراقبت نهادمند و یادگیری قرار دارند. چشم‌پوشی پیشین از مراقبت اوایل کودکی و نهادهای آموزشی توسط جامعه‌شناسان کودکی در حال دگرگونی است، و مرزهای بین موقعیت کودکان در داخل و خارج نهادهای اجتماعی تداخل بیشتری یافته است. برای مثال، فرایندهای اجتماعی درون امکانات مراقبت از کودکان، در حال حاضر طوری مورد بررسی قرار می‌گیرد، که در میان دیگر چیزها، هدفش عیان کردن رده‌بندی نسلی تفکیک‌ناپذیر اجتماعی است. جامعه‌شناسان کودکی هم مطالعه آنچه را که بر کودکان و کودکی در خانواده در حال تحول می‌گذرد، آغاز نموده‌اند. از سوی دیگر، جامعه‌شناسان خانواده، جنسیت و سیاست اجتماعی شروع به توجه به بحران‌ها کرده‌اند، آن هم به شیوه آلمانی برخورد با [مسئله] مراقبت از کودک به عنوان مسئله‌ای که تمام اعضای خانواده، از جمله کودکان را درگیر می‌کند. جامعه‌شناسان خانواده اکنون جست‌وجوی دیدگاه‌ها و یافته‌هایی را در جامعه‌شناسی کودکی آغاز کرده‌اند، و بدین شکل در حال بازنگری مفاهیم پیشین کودکی و کودکان هستند.

در مسیر این فرایندهای درهم‌تنیده - مشکلات در حال رشد درباره کودکی در جامعه و محوشدن مرزها میان رشته‌هایی که این مشکلات را مطالعه می‌کنند - جامعه‌شناسی کودکی ممکن است اکنون در جامعه‌شناسی مرئی‌تر شود. همچنین ممکن است در مباحث سیاسی و عمومی آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرد. یک پیش‌شرط در اینجا این است که جامعه‌شناسان کودکی بتوانند در آینده با وخیم‌شدن مشکلات کودکی و کودکان در جامعه پساساختاری و تحت اداره فزاینده اقتصاد برخورد نمایند. این امر درباره دیگر کشورهای اروپایی نیز صادق است. اما در آلمان ما مشخصاً در حال نبرد با نابسندگی رو به رشد [مفهوم] رده‌بندی نسلی هستیم، چیزی

که هنوز اطراف ساختارهای اجتماعی مراقبت و آموزش ساماندهی می‌شود، و هنوز در تصاویر غالب کودکی زنده است. به تحلیل‌های جامعه‌شناسانه بیشتری روی پیشرفت‌های تازه کودکی و رده‌بندی نسلی نیاز است، همچنان که به گفت‌وگوهای جامعه‌شناسانه انتقادی روی اهداف و سنجش روش‌های سیاسی مرتبط نیز نیاز داریم.

منابع

- Alanen, Leena (2001) 'Explorations in Generational Analysis', in Leena Alanen and Berry Mayall (eds) *Conceptualising Child-Adult Relations*. London and New York: Routledge/Falmer.
- Baumert, Jürgen, Bos, Wilfried and Lehmann, Rainer (2000) *TIMSS/III – Dritte Internationale Mathematik- und Naturwissenschaftsstudie. Mathematische und naturwissenschaftliche Bildung am Ende der Schullaufbahn*, Band 2. Opladen: Leske und Budrich.
- Beck, Ulrich (1986) *Risikogesellschaft. Auf dem Weg in eine andere Moderne*. Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- Behnken, Imbke, du Bois-Reymond, Manuela and Zinnecker, Jürgen (1989) *Stadtgeschichte als Kindheitsgeschichte*. Opladen: Leske und Budrich.
- Breidenstein, Georg and Kelle, Helga (1998) *Geschlechteralltag in der Schulklasse. Ethnographische Studien zur Gleichaltrigenkultur*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Büchner, Peter (1983) 'Vom Befehlen und Gehorchen zum Verhandeln. Entwicklungstendenzen von Verhaltensstandards und Umgangsformen seit 1945', in Ulf Preuß-Lausitz et al. (eds) *Kriegskinder, Konsumkinder, Krisenkinder. Zur Sozialisationsgeschichte seit dem Zweiten Weltkrieg*. Weinheim and Basel: Beltz.
- Büchner, Peter (2003) 'The Transmission of Social and Cultural Capital between Family Generations', in Berry Mayall and Helga Zeiher (eds) *Childhood in Generational Perspective*. London: Institute of Education, University of London.
- Bühler-Niederberger, Doris (2005) *Kindheit und die Ordnung der Verhältnisse*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Deutsches Jugendinstitut (ed.) (1992) *Was tun Kinder am*

Nachmittag? Ergebnisse einer empirischen Studie zur mittleren Kindheit. Weinheim and Munich: Juventa.

- Du Bois-Reymond, Manuela, Büchner, Peter, Krüger, Heinz-Hermann, Ecarius, Jutta and Fuhs, Burkhard (1994) *Kinderleben. Modernisierung von Kindheit im interkulturellen Vergleich.* Opladen: Leske und Budrich.
- Geulen, Dieter (1977) *Das vergesellschaftete Subjekt. Zur Grundlegung der Sozialisationstheorie.* Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- Geulen, Dieter (ed.) (1989) *Kindheit. Neue Realitäten und Aspekte.* Weinheim: Beltz.
- Geulen, Dieter and Veith, Hermann (eds) (2004) *Sozialisationstheorie interdisziplinär. Aktuelle Perspektiven.* Stuttgart: Lucius and Lucius.
- Hengst, Heinz (2005) 'Kindheitsforschung, sozialer Wandel und Zeitgenossenschaft', in Heinz Hengst and Helga Zeiher (eds) *Kindheit soziologisch.* Wiesbaden: VS Verlag.
- Hengst, Heinz and Kelle, Helga (eds) (2003) *Kinder, Körper, Identitäten. Theoretische und empirische Annäherungen an kulturelle Praxis und sozialen Wandel.* Weinheim and Munich: Juventa.
- Hengst, Heinz and Zeiher, Helga (2000) *Die Arbeit der Kinder. Kindheitskonzept und Arbeitsteilung zwischen den Generationen.* Weinheim and Munich: Juventa.
- Hengst, Heinz and Zeiher, Helga (eds) (2005) *Kindheit soziologisch.* Wiesbaden: VS Verlag
- Hengst, Heinz, Köhler, Michael and Riedmüller, Barbara (eds) (1981) *Kindheit als Fiktion.* Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- Honig, Michael-Sebastian (1999) *Entwurf einer Theorie der Kindheit.* Frankfurt am Main: Suhrkamp.
- Honig, Michael-Sebastian, Leu, Hans-Rudolf and Nissen, Ursula (eds) (1996) *Kinder und Kindheit. Soziokulturelle Muster – sozialisationstheoretische Perspektiven.* Weinheim and Munich: Juventa.
- Honig, Michael-Sebastian, Lange, Andreas and Leu, Hans-Rudolf (eds) (1999) *Aus der Perspektive von Kindern.* Weinheim and Munich: Juventa.
- Hurrelmann, Klaus and Ulich, Dieter (eds) (1980) *Handbuch der*

Sozialisationsforschung. Weinheim and Basel: Beltz.

- Joos, Magdalena (2001) *Die soziale Lage der Kinder*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Jurczyk, Karin, Olk, Thomas and Zeiher, Helga (2004) 'German Children's Welfare between Economy and Ideology', in An-Magritt Jensen, Asher Ben-Arieh, Cinzia Conti, Dagmar Kutsar, Maire Nic Ghiolla Phadraig and Hanne Warming Nielsen (eds) *Children's Welfare in Ageing Europe*, Vol. II. Trondheim: Norwegian Centre for Child Research.
- Kaufmann, Franz-Xaver (1980) 'Kinder als Außenseiter der Gesellschaft', *Merkur* 34: 769–71.
- Kirchhöfer, Dieter (1998) *Aufwachsen in Ostdeutschland*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Kränzl-Nagl, Renate, Olk, Thomas and Mierendorff, Johanna (eds) (2003) *Kindheit im Wohlfahrtsstaat. Gesellschaftliche und politische Herausforderungen*. Frankfurt am Main and New York: Campus.
- Krappmann, Lothar and Oswald, Hans (1995) *Alltag der Schulkinder*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Liebel, Manfred (2001) *Kindheit und Arbeit*. Frankfurt am Main: IKO.
- Liebel, Manfred (2007) *Wozu Kinderrechte? Grundlagen und Perspektiven*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Lüscher, Kurt (1979) *Sozialpolitik für das Kind*. Stuttgart: Klett.
- Mannheim, Karl (1993) 'The Problem of Generations', *Essays on the Sociology of Knowledge*. London: Routledge and Kegan Paul. (Orig. pub. in German, 1928).
- Markefka, Manfred and Nauck, Bernhard (eds) (1993) *Handbuch der Kindheitsforschung*. Neuwied: Luchterhand.
- Nauck, Bernhard and Bertram, Hans (eds) (1995) *Kinder in Deutschland. Lebensverhältnisse im Regionalvergleich*. Opladen: Leske und Budrich.
- Preuß-Lausitz, Ulf, Büchner, Peter, Fischer-Kowalski, Marina, Geulen, Dieter, Karsten, Maria Eleonora, Kulke, Christine, Rabe-Kleberg, Ursula, Rolff, HansGünther, Thunemeyer, Bernd, Schütze, Yvonne, Seidl, Peter, Zeiher, Helga and Zimmermann, Peter (1983) *Kriegskinder, Konsumkinder, Krisenkinder. Zur Sozialisationsgeschichte seit dem Zweiten Weltkrieg*. Weinheim and

Basel: Beltz.

- Preuß-Lausitz, Ulf, Rülcker, Tobias and Zeiher, Helga (eds) (1990) *Selbständigkeit für Kinder. Die große Freiheit?* Weinheim and Basel: Beltz.
- Qvortrup, Jens, Bardy, Marjatta, Sgritta, Giovanni and Wintersberger, Helmut (eds) (1994) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Radebold, Hartmut, Bohleber, Werner and Zinnecker, Jürgen (eds) (2008) *Transgenerationale Weitergabe kriegsbelasteter Kindheiten*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Schelsky, Helmut (1957) *Die skeptische Generation: eine Soziologie der deutschen Jugend*. Düsseldorf: Diederichs.
- Zeiher, Helga (1996) 'Kinder in der Gesellschaft und Kindheit in der Soziologie', *Zeitschrift für Soziologie der Erziehung und Sozialisation* 16(1): 26–46.
- Zeiher, Helga (2001) 'Children's Islands in Space and Time: The Impact on Spatial Differentiation on Children's Ways of Shaping Social Life', in Manuela du BoisReymond, Heinz Sünker and Heinz-Hermann Krüger (eds) *Childhood in Europe*. New York: Peter Lang.
- Zeiher, Helga (2003) 'Intergenerational Relations and Social Changes in Childhood: Examples from Germany', in Berry Mayall and Helga Zeiher (eds) *Childhood in Generational Perspective*. London: Institute of Education, University of London.
- Zeiher, Helga and Zeiher, Hartmut J. (1994) *Orte und Zeiten der Kinder. Soziales Leben im Alltag von Großstadtkindern*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Zeiher, Helga, Büchner, Peter and Zinnecker, Jürgen (eds) (1996) *Kinder als Außenseiter? Umbrüche in der gesellschaftlichen Wahrnehmung von Kindern und Kindheit*. Weinheim and Munich: Juventa.
- Zinnecker, Jürgen (1990) 'Vom Straßenkind zum verhäuslichten Kind', in Imbke Behnken (ed.) *Stadtgesellschaft und Kindheit im Prozeß der Sozialisation*. Opladen: Leske und Budrich.
- Zinnecker, Jürgen (2000) 'Selbstsozialisation – ein Essay über ein aktuelles Konzept', *Zeitschrift für Soziologie der Erziehung und Sozialisation* 20(3): 272–90.

- Zinnecker, Jürgen and Silbereisen, Rainer K. (1996) *Aktueller Survey über Kinder und Eltern*. Weinheim and Munich: Juventa.

کودکان و کودکی در جامعه و پژوهش اجتماعی رومانی

تمایلات ایدئولوژیک و بازاری و برخی نکات قابل توجه

الیزابت استانچولسکو^۱، ترجمه امین اصانلو

چکیده

این مقاله بر مبنای ادبیات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی، قوانین و آمارهای رسمی به‌علاوه برنامه‌های بسیار مهم و گزارش‌های سازمان‌های مختلف طرح‌ریزی شده است. هدف این مقاله: (۱) تصویرکردن نقشه‌ای تاریخی از رویکردهای نظری و روش‌شناختی اصلی و زمینه‌ها و موضوعات تحقیق در مورد کودکان و کودکی در رومانی؛ و (۲) طرح برخی تحولات تاریخی ارزش کودکان در جامعه رومانی. این مقاله خطوط برجسته تداوم را نیز به‌علاوه تغییرات قابل توجه، بررسی می‌کند و شباهت و تفاوت‌های جامعه و علوم اجتماعی رومانیایی را با هم‌تایان غربی‌اش نشان می‌دهد. این مقاله آشکار می‌کند که جامعه‌شناسی رومانیایی زمانی از جهت جامعه‌شناسی ساختاری کودکان و دوران کودکی فعال بود، اما امروزه پژوهش در «جامعه‌شناسی کودکی» یا «گروه اقلیت کودکان» رواج یافته، و جامعه‌شناسی ساختاری کودکی یک جزیره جدا مانده است.

کلیدواژه‌ها: کودکان به مثابه کنشگران اجتماعی، مشارکت کودکان در تحقیق،

کمونیسم، پسا کمونیسم، ارزش اجتماعی کودکان، جامعه‌شناسی ساختاری کودکان

^۱ الیزابت استانچولسکو (Elisabeta Stanciulescu)، سابقاً دانشگاه بیبرولیای (Babes-Bolyai University) و دانشگاه آل. آی. کوزا (Al. I. Cuza University) رومانی

مدت زمان زیادی است که هیچ متن علمی‌ای در مورد کودکان و کودکی در جامعه رومانی نوشته نشده است. این مقاله به دنبال پرکردن این شکاف نیست و به جای آن تنها به برخی از ایده‌های ارزشمند و برخی از محدودیت‌های کار در این حیطه می‌پردازد. در بخش اول سعی در به تصویر کشیدن طرح تاریخی رویکردهای نظری و روش‌شناختی و زمینه‌های اصلی تحقیق دارم. در بخش دوم، نتایج تحقیق را به منظور طرح برخی تحولات تاریخی در مورد جایگاه کودکان در بین رومانیایی‌ها ارائه می‌کنم. در نهایت، آثار خطوط برجسته تداوم به‌علاوه شباهت‌های علوم اجتماعی رومانیایی و غربی را مطرح می‌کنم.

چشم‌انداز آموزشی غالب

تقریباً مانند همه کشورهای اروپایی، جامعه‌شناسی در رومانی هم در دهه پایانی قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم در ارتباط با مفاهیمی چون دولت-ملت، نخبگان، پیشرفت اجتماعی، و روشنگری/آموزش توده‌ها زاده شد. متفکران اجتماعی اولیه چندین ایده بلندمدت را طرح‌ریزی کردند، طرح‌هایی بر اساس زبان روشنفکری رایج همان زمان. (که بعدها در دولت کمونیستی به زبانی خشن تبدیل شد): ۱) کودکان تنها متعلق به خانواده‌هایشان نبودند بلکه آینده کشور محسوب می‌شدند. بنابراین دولت این حق را داشت که در رشد، آموزش و پرورش آن‌ها دخالت کند و در واقع این مسئولیت اولین وظیفه اجتماعی پدر و مادر بود؛ ۲) دولت کنترل آموزش نقش پدر و مادر را در اختیار داشت؛ ۳) هر کودک برای پیشرفت برنامه ملی بسیار با ارزش و مهم تلقی می‌شد؛ ۴) هر کودک به مثابه موم تصور می‌شد و هر خانواده خوب و مهم‌تر از آن هر معلم خوب، کسی بود که کودک را بهتر به فرم موردنظر درمی‌آورد (بالچسکو^۱، ۱۹۶۰؛

¹ Balcescu

دیمیترسکولاسی^۱، ۱۹۶۹؛ هلیادرادولسکو^۲، ۱۸۷۴؛ کوگالنیچانو^۳، ۱۸۷۷؛ لازار^۴، ۱۹۱۴؛ مورشانو^۵، ۱۹۷۷؛ همچنین ن. ک. گلچین ویراسته یوردانسکو^۶، ۱۹۸۴). تفکر «معنوی» در دوران اندیشه مدرن نقش بسیار مهمی داشت، برخلاف دوران روشنگری در فرانسه که به شدت به دنبال ترویج سکولاریسم بودند، روشنفکران رومانیایی بر یک بعد مذهبی تأکید داشتند. در مورد کودکان، متفکران مذهبی برای تقویت این ایده و تأثیر بر مسئولیت والدین استدلال می کردند که فرزندان هدیه های الهی هستند و تربیت آن ها یک وظیفه مقدس برای افراد بزرگسال و متأهل محسوب می شود. این ایده های مدرن ربطی ارگانیک میان کودکی و علوم تربیتی که از گذشته تا امروز برجسته باقی مانده را ایجاد کردند.

گفتمان های کمونیستی بعدی، از دهه ۱۹۴۰ به بعد، با این مفهوم مدرن رو به زوال رفت. مفهومی که به شکلی سیستماتیک مدنظر قرار گرفت «اصالت رومانیایی اندیشه» بود. به این معنی که در درجه اول ساختار مارکسیسم را با سنت های فکری رومانیایی همخوان کنند. اگر برخی از مردمی عادی که آموزش داده شده بودند توانستند کمونیسم را بپذیرند، به این دلیل بود که ایدئولوگ های کمونیست به خوبی می دانستند چگونه از مفاهیم مشترک و فکری به شکل گسترده ای استفاده کنند. در واقع ایدئولوژی کمونیستی در رومانی زاده اختلاط مفهوم سیاسی-تئوریک و تلفیق آن با ایدئولوژی روشنگری و مفاهیم مارکسیستی و تره های نئومارکسیستی و فلسفه غیر مارکسیستی و مفهوم سنتی مشترک رومانیایی بود (استانچولسکو، ۱۹۹۸). در این مقاله این تلفیق، ترکیب تئوریک و و ایدئولوژیک نامیده می شود. تنها لاشه سنتی باقی مانده

¹ Dimitrescu-lasi

² Heliade-Radulescu

³ Kogalniceanu

⁴ Lazar

⁵ Muresanu

⁶ Iordanescu

از این ایده‌ها، تفکر «معنوی» بود که دلیلی قوی برای احیای آن در دوران پساکمونیسم بود.

پس از دهه ۱۹۷۰ و در دورانی که نیکولای چائوشسکو^۱، سیاست‌های فرهنگی جدیدی را آغاز کرد، ایدئولوژی کمونیستی موضوعات اصلی موردعلاقه کودکان و جوانان را تعیین می‌کرد، خصوصاً (در زبان خشن آن دوران): «فرد جدید پرورش یافته چندجانبه» که آمادۀ «جامعه سوسیالیستی توسعه یافته چندجانبه»؛ اجتماعی شدن در خانواده (در معنای دورکیمی، «اجتماعی شدن روشمند» مثل آموزش)؛ تحصیل جوانان و نوجوانان، یکپارچه سازی، مشارکت، انحراف و بزهکاری؛ و نگرش‌های خداناباورانه شده بود. بسیاری از نشریات با این موضوعات مواجه بودند، مخصوصاً در میدان آموزشی، اما جامعه‌شناسان نیز حضور داشتند (بانچیو^۲ و همکاران، ۱۹۸۷؛ سی سی بی تی^۳، ۱۹۸۸؛ کنستانتینسکو^۴، ۱۹۶۹). یک تحلیل مفهومی نشان می‌دهد چه مقدار پژوهشگران باید از مفاهیم ساختاری با واژگان سیاسی در یک ترکیب نظری-ایدئولوژیک استفاده می‌کردند. به عنوان مثال، «کارکرد آموزشی خانواده» مترادف با «تعهد اجتماعی/سیاسی والدین» یا «وظیفه آموزشی خانواده» بود. خانواده وظیفه دارد تا الزامات و فرامین نظام اجتماعی را به فرزندان منتقل کند، یعنی عناصری که نظام آموزشی اجتماعی کمونیستی را می‌سازند، به منظور ساخت یک شهروند مطلوب و در اختیار کشور (برای مثال ن.ک. بادینا^۵ و مالر^۶، ۱۹۷۰؛ استانیو^۷ و وینا^۸، ۱۹۸۳). همین تجزیه و تحلیل‌ها می‌تواند با توجه به مدرسه و نهادهای فرهنگی انجام شود.

¹ Nicolae Ceausescu

² Banciu

³ CCPT

⁴ Constantinescu

⁵ Badina

⁶ Mahler

⁷ Stanoiu

⁸ Voinea

ایده‌های اولیه جامعه‌شناسی ساختاری کودکی و جامعه‌شناسی

کودکان: مکتب جامعه‌شناسی بخارست

دوران طلایی جامعه‌شناسی رومانی در دهه ۳۰ و ۴۰ مربوط به زمانی است که با مکتب بخارست در تماس بودند. این مکتب از ابتدا دارای نقطه‌نظر عملی و اصلاح‌طلب بود که با مفهوم «ستیزه‌جویان جامعه‌شناسی»^۱ (ن.ک. گوستی^۲، ۱۹۳۵، ۱-۱۹۴۰) شناخته می‌شد. این مکتب به سازماندهی چندین گروه تحقیقاتی چندرشته‌ای پرداخت که به شکل سیستماتیک برنامه‌ریزی توده‌ای را مد نظر داشتند. (با ارائه کنفرانس‌ها و مشاوره اقتصادی، آموزشی و پزشکی برای دهقانان).

برجسته‌ترین شخصیت‌های این مکتب خیلی زود ایده اولیه یک جامعه‌شناسی ساختاری کودکی را مطرح کردند، که از چارچوب روش‌شناختی و تئوریک دیمتری گوستی گرفته شده بود (در فرانسوی ن.ک. گوستی [۱۹۴۱] برای بیانی تئوریک، و استال^۳ [۱۹۳۹] برای تصویری تجربی). برای آنان موضوعات جامعه‌شناسی تجربی، عمدتاً در جوامع محلی و در بطن واحدهای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گرفتند (روستاهای رومانی). در نتیجه، روش جامعه‌شناختی، تک‌نگاری بود که از سنت فرانسوی بیرون آمده بود و بر مطالعه‌ای گسترده با تمرکز بر مفهوم واحد اجتماعی تمرکز داشت. برای مثال خانواده، روستا، و... هر تک‌نگاری با یک طرح نظری جامعه‌پیریزی شده بود، که به عنوان «موازی‌بودن چارچوب‌ها، تجلیات، و اراده اجتماعی» شناخته می‌شد. مفهوم «اراده اجتماعی» تحت تأثیر روان‌شناس آلمانی ویلهلم وونت^۴، «ذات جامعه» را حاصل تفاوت میان همگرا و واگرا ارزیابی می‌کرد، و این «تجلیات» زندگی اجتماعی است: زندگی اقتصادی و معنوی، در سلطه فعالیت‌های سیاسی و

^۱ sociologia militans

^۲ Gusti

^۳ Stahl

^۴ Wilhelm Wundt

قضایی. «چارچوب‌ها» بیرونی هستند اما شرایطی ضروری برای زندگی اجتماعی به شمار می‌روند: کیهانی، زیستی، تاریخی و روان‌شناختی. جامعه‌شناسان برای جمع‌آوری اطلاعات درباره هر چارچوب و تجلی و درباره هر دسته‌بندی جمعیتی کنونی که در «اتحادی اجتماعی» قرار دارند باید از آمارها و مشاهدات مردم‌نگارانه و مصاحبه‌ها استفاده کنند. کودکان در اینجا خودشان یک طبقه اجتماعی محسوب می‌شوند، شمرده می‌شوند، مشاهده می‌شوند و خودشان مصاحبه می‌شوند. مانند هر عضو طبیعی دیگر از گروه (کوستافورو^۱، ۱۹۴۵).

بنابراین، «جامعه‌شناسی کودک» (عبارتی بسیار رایج) باید به مطالعه خود فعالیت‌های کودک و نه فقط ارتباط او با جامعه‌پذیری توسط بزرگسالان و رفتن به سوی بزرگسالی بپردازد. باید ارتباط با ساختار واقعی و کارکردهای واحدهای اجتماعی را نیز مطالعه کند. در جامعه‌شناسی کودک، به نوشته هرسنی^۲ (۱۹۴۴: ۵۲)، «نظریه اجتماعی زیرمیلی فرم‌های اجتماعی استفاده‌های متنوع و غیرمنتظره‌ای دارد. یکی از آن‌ها در بازی‌های کودکان است. همان روابط، فرایند، کلیت، و نهادهای رسمی جامعه بزرگسال» و برخی از آن‌ها به «نیازهای واقعی آن‌سن» پاسخ می‌دهد، درحالی‌که بقیه به نیازهای واحد اجتماعی به عنوان یک کلیت پاسخ می‌دهد (همچنین ن. ک. استانچیو^۳، ۱۹۴۴).

در حال حاضر این در اجتماع جامعه‌شناختی بین‌المللی پذیرفته شده است که درون جامعه‌شناسی ساختاری کودکی:

... کودکی به عنوان یکی از عناصر نسبتاً دائمی زندگی اجتماعی مدرن
جافتاده است، اگرچه برای خود کودکان این دوره یک مرحله گذرا

^۱ Costa-Foru

^۲ Herseni

^۳ Stanci

از زندگی است. در این نگرش، کودکی خود یک پدیده ساختاری است - یعنی ساخت یافته و ساختار می‌دهد... قابل مقایسه و شبیه به مفهوم طبقه در جامعه‌شناسی و مفهوم جنسیت در کلیت علوم اجتماعی است... در نگاهی ساختاری به زندگی واقعی کودکان، هر زندگی شرایط خاص خودش را دارد و قابلیت تمرکز زیادی ندارد. آن‌ها قطعاً وجود دارند، اما این بار ذیل دسته‌بندی اجتماعی کودکی تعریف می‌شوند، و وظیفه جامعه‌شناسان اکنون اتصال تجلیات تجربی کودکی در سطح زندگی کودکان به زمینه اجتماعی کلان، و تمرکز بر ساختارهای اجتماعی و مکانیسم‌هایی که ممکن است «تعیین‌کننده» این تجلیات در نظر گرفته شوند و در این معنا کمک به توضیح آن‌ها است (آلانن^۱، ۲۰۰۱: ۱۳).

یک تک‌نگاری (استال، ۱۹۳۹) ثابت می‌کند که مکتب بخارست چقدر به این خط فکری نزدیک بود. استال سعی کرد نشان دهد که حتی در یک جامعه سنتی که مردمش بر اساس نشر سنت زندگی می‌کنند یک ساختار به وضوح مشخص وجود دارد، و جهان کودکان به عنوان مطرح‌ترین مثال آن در نظر گرفته می‌شود. در این زمینه، او ویژگی‌های خاص و فراموش‌شده جهان کودکان مدرن را برجسته می‌کند، مثلاً ویژگی پراکنده و گذرای فرهنگ آنان (بر اساس «آلودگی جمعی» واقعی که فراموشی بیشتر و آلودگی جمعی جدیدی را به دنبال دارد)، و پیامدهای روش‌شناختی این ویژگی. ایده «تقسیم کار اجتماعی بدنی/فکری» جایی که کودکان جایگاه مهمی می‌یابند، همچنان برای جامعه‌شناسی ساختاری کودکی مفید باقی می‌مانند:

¹ Alanen

اگرچه جمع از تعدادی «فرد» با روح انتقادی و ظرفیت عمل آزادانه تشکیل نشده است، نباید باور کنیم که با توده‌ای بی‌شکل از عناصر یکسان روبرو هستیم. در مقابل، این جمع قویاً ساختار یافته است، البته نه بر اساس تضاد طبقات اجتماعی یا طبقه‌بندی اقتصادی؛ بلکه ما در اینجا با اقتشار اجتماعی، در وهله اول بر اساس سن و جنس، روبرو هستیم که درونشان کیفیات فردی هم به حساب آورده می‌شود.

به عنوان مثال گروهی از کودکان را داریم، این ایده که گروهی از کودکان جهان خاصی را شکل می‌دهند به خوبی شناخته شده است. آن‌ها ادبیات خاص، بازی‌های خاص، جامعه‌پذیری خاص و راه‌های کنش و زبان خاص خودشان را دارند، یک زندگی کامل که افراد بزرگ‌تر آن را درک نمی‌کنند.

این فرهنگ کودکان هم دقیقاً برآمده از سنت است اما نه در این مفهوم که نسل‌های متوالی آن را به یک شکل درک کنند، بلکه جوان‌ها از بزرگ‌ترها متفاوت هستند. سنت یک بیماری واگیردار بین مردم نیست.

وقتی افراد به سن خاصی می‌رسند وارد گروه اجتماعی همسالان خود می‌شوند و فرهنگ کودکی خود را می‌آموزند. وقتی کودک در حال رشد است این امر با ورود به گروه‌های دیگر تغییر خواهد کرد. گروه دخترانی که در شرف ازدواج هستند و یا پسران جوان مجرد، جایی که آنان فرهنگ خود را برای فراگیری بیشتر تغییر می‌دهند و کودکی را فراموش می‌کنند تا فرهنگ جدیدی را بیاموزند. آن‌ها از مراحل مختلف زندگی‌شان عبور خواهند کرد و تا زمان مرگ، به

فراموش کردن و یادگیری‌های متوالی یا شرکت در گروه‌ها می‌پردازند تا بتوانند از آن‌ها عبور کنند.

با این وجود گروه‌ها خودشان عوض نخواهند شد. همان گروه کر از واتیکان که هزاران سال است بدون وقفه مشغول خواندن است، سال‌ها است که شکل اجتماعی خود را دارد و قرن‌ها است که آن را حفظ کرده است. آیا ما شگفت‌زده نخواهیم شد از اینکه بازی‌ها و زبان و عادات کودکی‌مان را فراموش کرده‌ایم؟ این توسط ما به آن‌ها آموزش داده نشده است. آن‌ها خودشان این را می‌دانند چون عضوی از گروه کودکان هستند و گروه کودکی یک گروه جاودانه است.

در جوامع مدرن ما، تنها گروه فراگیر اجتماعی که همچنان به شکل فراگیر باقی مانده، گروه اجتماعی کودکان است. جالب‌ترین نکته این است که در این شکل از جامعه می‌توانیم شکل واقعی تقسیم کار اجتماعی را ببینیم، آن هم در رابطه با تقسیم کار اقتصادی و خطوط اصلی سیستم‌های فلسفی مشهور.

برای نمونه، کودکان می‌توانند نقشی برای ایفا در جامعه داشته باشد: آن‌ها در انجام مراسم باران شرکت دارند. مردان جوان در انجام مناسک باروری زمین حضور پیدا می‌کنند. بنابراین، حقایق فرهنگی یک جامعه بین گروه‌های سنی و جنسی توزیع شده است. علاوه بر این، در همان گروه است که تقسیم اجتماعی کار روانی، بر اساس کیفیت‌های شخصی اعضا وجود دارد. (استال، ۱۹۳۹: ۸۷-۳۸۶؛ ترجمه من از متن فرانسوی)

جهانی مانند جهان کودکان، مبتنی بر «سنت‌های پراکنده»، «آلودگی جمعی» واقعی و «فراموشی» بیشتر، نمی‌تواند جز با مشاهدات مردم‌نگاری حرفه‌ای و مصاحبه مورد مطالعه قرار گیرد، چراکه هیچ عضوی نمی‌تواند تمام داستان را بازگو کند، و نیز حتی نمی‌تواند نقش خود را به جز در زمینه ساختاریافته و ساختاریابنده یک اقدام جمعی در حال پیشرفت ایفا کند. عبارت زیر امروزه هنوز هم معتبر است:

این نوع از جامعه برای ما به عنوان یک نویسنده و بازیگر یک درام سنتی به نظر می‌رسد. مانند کم‌دی باستانی دلارته^۱، همه می‌دانند او باید چه شخصیتی را بازی کند، و همه به تم‌های قدیمی متوسل می‌شوند تا به بداهه‌پردازی برخی سخنرانی‌ها بپردازند، همیشه تازه و همیشه ثابت است، در ارتباط با ماجراهای پیروت، آلرکوین و کلمبین است... اما هیچ‌کس نمی‌تواند کل متن درامی که به تازگی اجرا شده است را بگوید. هیچ‌کس حتی نمی‌تواند به بازتولید متن بخشی که خودش اجرا کرده بپردازد. لازم است که کل گروه وارد صحنه شوند تا همه آنچه قرار است گفته و انجام شود را بداهه‌پردازی کنند. (استال،

۱۹۳۹: ۸-۳۸۷؛ ترجمه من)

بررسی «فرم‌های اجتماعی» خاصی که جوانان در آن دست به عمل می‌زدند برای کسب دانش در مورد جهان اولیه بزرگسالان مفید در نظر گرفته می‌شد، چراکه چنین ساختارهایی الگوهای پیشین رابطه در بزرگسالان را بازتولید می‌کردند (استانچو، ۱۹۴۴). به طور کلی، استال کار محققان اجتماعی را با باستان‌شناسان مقایسه کرد، و روشی که دنبال می‌کرد را باستان‌شناسی اجتماعی نامید. اما باز هم، علی‌رغم فعالیت‌های پیشروی آن، مکتب بخارست در درجه اول بر کودکان بزرگ‌تر متمرکز شد؛ با

^۱ dell'arte

توجه به اینکه بیشتر فعالیت‌های کودکان کوچک‌تر بدون ساختار، و از این رو خارج از موضوع جامعه‌شناسی بود.

مدت کمی پس از تأسیس رژیم کمونیستی در رومانی (کمی پس از جنگ جهانی دوم)، جامعه‌شناسی با بی‌احترامی به عنوان یک علم بورژوایی سقوط کرد. هنگامی که پس از سال ۱۹۶۵ بازکشف شد، کنترل سیاسی و انحصار تئوری مارکسیستی برقرار بود (از سال ۱۹۷۸، محققان اجتماعی در آکادمی حزب کمونیست تحصیل و در برنامه‌های تحصیلات تکمیلی آن شرکت می‌کردند). حتی با این که ایده‌های جامعه‌شناسی ساختاری کودکی و جامعه‌شناسی کودکان به طور ضمنی حفظ شد، اما موضوع به حاشیه رفت. مطالعات برجسته‌تر به برخورد با فرآیندهای در حال انجام صنعتی‌شدن، شهرنشینی و نوسازی می‌پرداخت. برخی از آن‌ها به استفاده از مشاهدات مردم‌نگاری و مصاحبه پرداختند، اما تعداد کمی شامل کودکان می‌شد. این مطالعات ما را با شواهدی در حمایت از این ایده کلاسیک مواجه کرد که صنعتی‌شدن زندگی کودک را تغییر می‌دهد. محدودیت نظری اصلی آن‌ها این است که آن‌ها دوران کودکی را در یک پارادایم یک‌جانبه، کوتاه‌فکرانه، خطی، و با الگوی قطعی مفهوم‌پردازی کردند. محققان، به خصوص روان-جامعه‌شناسان، وضعیت کودکان را تنها به عنوان نتیجه‌ای از تغییرات کلان اجتماعی خاص قابل درک می‌دانستند. اگرچه آن‌ها برای مثال توانستند مراقبت خانواده‌های همسایه از کودکان یکدیگر را مورد مشاهده قرار دهند (توکیکوف بوگدان^۱، ۱۹۷۰) و در این راه نشان دادند که چگونه در جوامع مهاجر محله از خویشاوندی موثرتر شده، اما هیچ کس در آن زمان نظریه‌پردازی نکرد که به چه حد و با چه مکانیسمی، شرایط جدید کودکان به نوبه خود در چنین تغییرات اجتماعی‌ای مشارکت کرد. به عبارت دیگر، محققان موضعی جبرگرا و یک‌طرفه

¹ Tucicov-Bogdan

اتخاذ کردند: آن‌ها گمان می‌کردند که تغییرات ساختاری تعیین‌کننده زندگی کودکان است، اما تأثیر متقابل و دیالکتیک شرایط کودکان بر تغییرات اجتماعی توسطشان نادیده گرفته شد.

جامعه‌شناس بودن در یک اقتصادِ بازارِ جهانی توسعه‌نیافته و نئولیبرال: مطالعات کاربردی کودکان آسیب‌پذیر و محروم

هر کس که سعی کند پاسخ این پرسش را بدهد که آیا جامعه‌شناسی خاص کودکان و کودکی در رومانی امروز وجود دارد یا نه، با دشواری‌های جدی در دسترسی به اطلاعات مواجه خواهد شد. از زمان سقوط کمونیسم در سال ۱۹۸۹، ناشران و مجلات به صورت قارچی رشد کردند، اما بسیاری از آن‌ها توزیع بسیار محدودی دارند، و کتابخانه‌ها پول خیلی کم یا فضای اندکی برای ذخیره منابع دارند؛ علاوه بر این، انجمن جامعه‌شناسی ملی هنوز انسجام داخلی کافی را به دست نیاورده، و ارتباطات بیشتر در گروه‌های کوچک وجود دارد. با این حال، بر اساس اطلاعات در دسترس، تصویر بحث برانگیزی آشکار شده است. بازار پر است از کتاب‌های راهنما، بروشور و راهنماهایی در مورد چگونگی مراقبت، رشد، محافظت و آموزش کودکان، و با جستجو در اینترنت تعداد بیشتری از گزارش‌ها و تحقیقاتی که عمدتاً توسط یونسکو^۱، کودکان را نجات دهید^۲، سازمان‌های غیر دولتی دیگر و برخی از سازمان‌های دولتی منتشر شده به دست می‌آید، که در آن جامعه‌شناسان تقریباً همیشه در میان نویسندگان هستند. همچنین، چند کتاب و مقاله جامعه‌شناسی کودکان را به عنوان موضوعی تحت استعمار مطالعات آموزشی، اجتماعی، روانی و پزشکی در نظر گرفته‌اند؛ تاریخ کودکی نیز در حال پیشرفت است.

^۱ UNESCO

^۲ Save the Children

ده‌ها مورد از گزارشات و مطالعات پسا کمونیستی به تولید رو به رشد داده‌های آماری و اطلاعات دربارهٔ کودکان پرداخته‌اند؛ اکثریت این کارها توسط مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان انجام می‌شود. آن‌ها معمولاً کودکان گرفتار دشواری و در معرض خطر را نشان می‌دهند: کودکان فقیر و خیابانی (الکساندرسکو^۱، ۲۰۰۰؛ باربو^۲، ۱۹۹۸؛ مارجینان^۳، ۲۰۰۴؛ سالواتی کوپی^۴، ۲۰۰۳؛ یونیسف^۵ و سیتان^۶، ۲۰۰۶؛ زامفیر و زامفیر^۷، ۱۹۹۶)؛ کودکان مور غفلت قرار گرفته، رها شده و آزار دیده (مونتهان^۸، ۲۰۰۰؛ رادولسکو^۹، ۱۹۹۵؛ استاتیوا^{۱۰}، ۲۰۰۵)؛ کودکان در مؤسسات (الکسیو^{۱۱}، ۱۹۹۹؛ انپدیس^{۱۲}، ۲۰۰۶؛ کارتر^{۱۳}، ۲۰۰۵؛ دیکنز^{۱۴} و گروزا^{۱۵}، ۲۰۰۴)؛ کودکان معلول (لانسدون^{۱۶}، ۲۰۰۳؛ ا.ای.سی.دی^{۱۷}، ۲۰۰۶؛ یونیسف، ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۶ب)؛ کودکان تحت سرپرستی (گروزا، ۱۹۹۸؛ گروزا و همکاران، ۱۹۹۹)؛ کودکان کار، قاچاق و استثمار (کاجه^{۱۸} و همکاران، ۲۰۰۲؛ سالواتی کوپی، ۲۰۰۳؛ الف، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷؛ سالواتی کوپی و سازمان بین‌المللی کار^{۱۹}، ۲۰۰۲؛ استاتیوا، ۲۰۰۱)؛ کودکان با والدین مهاجر بین‌المللی (بنیاد رومانیایی کودکان، جامعه

¹ Alexandrescu

² Barbu

³ Marginean

⁴ Salvati Copiii

⁵ UNICEF

⁶ SITAN

⁷ Zamfir and Zamfir

⁸ Muntean

⁹ Radulescu

¹⁰ Stativa

¹¹ Alexiu

¹² ANPDC

¹³ Carter

¹⁴ Dickens

¹⁵ Groza

¹⁶ Lansdown

¹⁷ OECD

¹⁸ Cace

¹⁹ ILO/IPEC

و خانواده^۱، ۲۰۰۵؛ بنیاد سوروس^۲، ۲۰۰۷؛ نابرابری‌ها در آموزش (کوزما^۳ و همکاران، ۲۰۰۰؛ جیگائو^۴ و سورتو^۵، ۲۰۰۲؛ ام‌ای.سی.تی.، ۲۰۰۷؛ اُ.ای.سی.دی، ۲۰۰۷؛ یونیسف، ۲۰۰۷)؛ مواد مخدر و اچ آی وی/ایدز (بوزدوچا^۶، ۲۰۰۲؛ پولدنا^۸ و همکاران، ۲۰۰۲؛ سالواتی کوپی، ۲۰۰۳ ب). دیگر مطالعات نشان می‌دهد که چگونه نهادهای جدیدی حول محور این کودکان ایجاد و یا دچار تغییر شده‌اند (انپدیس، ۲۰۰۶؛ روث استزاموسکوزی^۹ و همکاران، ۲۰۰۶؛ زامفیر، ۲۰۰۲). می‌توان جامعه‌شناسی ساختاری کودکی را به طور ضمنی مشاهده کرد: وقتی که پژوهش معمولاً به شرایط کودکان (اسگریتا^{۱۰}، ۱۹۹۷) به عنوان نتیجه تغییرات سیاسی و اقتصادی در جهان بزرگسالان می‌نگرد، از حدود سال ۱۹۹۵ به بعد جامعه‌شناسان به توصیف این که چقدر جهان نهادمحور بزرگسالان حول برخی از مسائل کودکان تغییر شکل یافته پرداخته‌اند؛ با این وجود، از آنجا که مطالعات توصیفی هستند، هیچ‌کس به تفسیری نظری از این توصیفات اشاره نمی‌کند.

یکی از نقاط ضعف این مطالعات این است که آن‌ها روی کودکان محروم و آسیب‌پذیر تمرکز می‌کنند، حتی با اینکه برخی از آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند که در حال حرکت به سمت جامعه‌ای کودک‌محور هستیم (زامفیر، ۱۹۹۷). یک توضیح برای این موضوع از سنت رومانیایی پژوهشگر اجتماعی درگیر در پیشرفت اجتماعی می‌آید؛ همچنین بازتاب رسانه‌ای و تمرکز سیاسی بر این موضوعات، که به تحقق مفهوم

¹ FRCCF

² Fundatia Soros

³ Cozma

⁴ Jigau

⁵ Surdu

⁶ MECT

⁷ Buzducea

⁸ Poledna

⁹ Roth-Szamoskozi

¹⁰ Sgritta

مشترک از قربانی شدن کودکان «ناتوان» انجامیده، با پنهان شدن کودکان «نرمال» همراه بوده است، که به زندگی در خانواده‌ها، حضور در برنامه‌های کاربردی در مؤسسات، و امثالهم مشغول‌اند. تحقیقات روی زندگی کودکان «نرمال» تا حدود سال ۲۰۰۵ بسیار اندک بودند و با تمرکز بر جامعه‌پذیری خانوادگی (استانچولسکو، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۸) یا نگرش قومی نوجوانان در دوران گذار پساکمونیسم (ورس^۱، ۲۰۰۰) انجام می‌شدند. آن‌ها در سالیان اخیر بیشتر افزایش یافته، و به دنبال تحقیق در مصرف فرهنگی/ رسانه‌ای نوجوانان (سی.ان.ای^۲ و مترومدیا^۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷)، حقوق کودکان (شورای کودکان انیدسی، ۲۰۰۷؛ سالواتی کوپی، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ الف، ۲۰۰۶ ب؛ یونیسف، ۲۰۰۶ ب)، و سبک زندگی و انتظارات از کیفیت زندگی و مشارکت نوجوانان (انسیت^۴ و گالوپ^۵، ۲۰۰۷؛ لئو برنت^۶، ۲۰۰۷) رفته‌اند. گروه سنی غالب پژوهش‌ها بیش از ۱۵ سال باقی مانده است و رویکرد ساختاری هنوز مسلط است که هنوز هم یک‌طرفه و خطی می‌نماید (به عنوان مثال عواقب تغییرات اجتماعی در نوجوانان).

نقطه ضعف دیگر در اینجا است که ماهیت توصیفی پژوهش، به قیمت از دست رفتن بعد توضیحی است. در حال حاضر و در بازار تحقیقات نئولیبرال، بودجه‌ای به انجام مطالعات برای پاسخگویی به سؤالات نظری نمی‌تواند به دست آورده شود. علاوه بر این، محققان وقت خود برای انعکاس نظری و روش‌شناختی را محدود به بودجه و مهلت زمانی می‌یابند، بنابراین آنان اغلب فقط برای مفاهیم و ابزار تجربی مورد استفاده در تحقیقات قبلی جهان غرب، با حداقل میزان تغییر، ارزش قائل هستند.

¹ Veres

² CNA

³ Metromedia

⁴ ANSIT

⁵ Gallup

⁶ LeoBurnet

عدم نگرانی برای ایجاد طرح‌های مفهومی و صریح نظری و تفسیری نیز می‌تواند با این واقعیت توضیح داده شود که در طول رژیم کمونیستی بسیاری از مردم علاقه خود به پرسش و پاسخ نظری را تحت انحصار مارکسیسم از دست دادند. علاوه بر این، برای رسیدن به تناسب میان بازار کار واقعی و خواسته‌های سازمان‌های تأمین منابع مالی، و آموزش و پرورش، شکل‌دهی در علوم اجتماعی بر مسائل روش‌شناختی فنی، به خصوص بررسی‌ها و مداخلات اجتماعی متمرکز شده، درحالی‌که غالباً دچار غفلت از بازتاب نظری است.

با هر توضیحی، محققین معمولاً به دامی سقوط می‌کنند که توسط سیلورمن^۱ (۲۰۰۱: ۶-۵) مورد اشاره قرار گرفته و عدم تشخیص مسائل اجتماعی تعریف‌شده از موضوعات پژوهش است. غالباً، کودکان و کودکی فقط به عنوان یک میدان عمومی پژوهش در نظر گرفته شده، و موضوع مطالعه همچنان جهان بزرگسالان است: به عنوان مثال، مشخصات اجتماعی جمعیتی خانواده کودکان آسیب‌پذیر و یا به سادگی مادران آنها، و یا نهادهای اجتماعی با اهداف تعریف‌شده توسط بزرگسالان و نقش‌های بزرگسالانه و امثالهم. درحالی‌که جریان غالب تفکر علوم اجتماعی را به دانش در مورد نهادهای مدرن، که به عنوان نهادهای بزرگسالان شناخته شده‌اند تعبیر می‌کند، می‌توان ایدئولوژی‌ها و نظریات آمیخته دیگری را دید: نگرانی‌های سیاسی، فشار رسانه‌ها، استراتژی بودجه نئولیبرال و دیدگاه مسلط نظری گرد هم می‌آیند تا موضوعات پژوهش را بزرگسال‌محور کنند.

کودک به مثابه کنشگر اجتماعی

گرچه عبارت «کنشگر اجتماعی» در آن زمان استفاده نشده بود، در نوشته‌های مکتب بخارست وجود این ایده روشن به نظر می‌رسد که کودک عضوی عادی از

^۱ Silverman

وحدتی اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند و به طور فعال و ساختارمند، اما با توجه به کیفیات شخصی خودش، در آن مشارکت می‌کند (استال، ۱۹۳۹)، تا به خلق کارکردهای ساختارهای اجتماعی خرد و کلان کمک کند.

در طول رژیم کمونیستی، این دارایی تقریباً «فراموش شده» بود، و علت آن افزایش جبرگرایی اقتصادی مارکسیستی در کنار دیدگاه کنترل آموزشی و اجتماعی بود؛ می‌توان تنها یک دیدگاه تقلیل‌گرایانه را در روان‌شناسی آموزشی پیدا و بیان کرد که هر کودک خصوصیات فردی داشته و وظیفه هر معلم تطبیق‌دادن آن‌ها بوده است.

این دیدگاه کودک فردیت‌یافته هست که در دوران پساکمونیسم غالب است، و حتی در زمینه ظهور مفهوم آموزشی «آموزش کودک‌محور» و روان‌شناسی توسعه‌ای قوی‌تر می‌شود. یکی دیگر از ابعاد آن هم تقویت شده است و به رشد روش‌شناسی کیفی انجامیده: کودک به عنوان یک تفسیرگر خاص جهان اجتماعی و قادر به برقراری ارتباط با دیدگاه‌های خود، مشارکت نوجوانان و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها در مورد منافع جمعی به تازگی مورد توجه قرار گرفته است.

اولین مطالعه پساکمونیستی جامعه‌شناختی که میراث مکتب بخارست برای جامعه‌شناسی کودکی را بازکشف کرد در اواخر سال ۱۹۹۸ منتشر شد (استانچولسکو، ۱۹۹۸؛ همچنین مطالعات قبلی به فرانسوی را ببینید: استانچولسکو، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶). این برای اولین بار در رومانی بود که مفهوم «کودک به مثابه کنشگر اجتماعی» به معنای مشارکت مولد در زندگی اجتماعی استفاده می‌شد. از منظر آموزش خانوادگی سنتی، با مطالعه بر تجزیه و تحلیلی تقریباً جامع از گفت‌وگوهای مکتوب رومانیایی در مورد کودکان (ایدئولوژیک، هنجاری، مقاله‌محور و علمی) از اواسط قرن ۱۹ تا دهه آخر قرن ۲۰ آغاز می‌شد، و به ثبت زندگی والدین قرن ۲۰ و فرزندانشان پرداخته بود که در دوران کمونیسم زاده و جامعه‌پذیر شدند. تا به امروز، این تنها مطالعه و تلاش برای ترکیب

عاملیت و ساختار در چارچوب نظری آن و ارائه شواهد تجربی برای چنین تری‌هایی باقی مانده است: استراتژی‌های کودکان برای بازتعریف و بازسازی فضاهای خانواده؛ مشارکت فعال کودک در بازسازی نقش و قدرت در خانواده؛ سهم کودکان در یادگیری اجتماعی والدین در زمینه‌ای در حال تغییر، و مشارکت آن‌ها در خانواده‌های خود برای ساخت واقعیت اجتماعی (مفهوم «یادگیری باهم»). بر اساس این مفاهیم، فرض این است که کودکان به عنوان تولیدکنندگان تغییرات کلان ساختاری، به عنوان مثال تحرک اجتماعی، ارزش‌ها و سبک زندگی فعالیت کرده‌اند (جزئیات بیشتر را بعداً خواهیم دید). اگرچه کتاب در فهرست خواندن تقریباً همه دانشگاه‌ها توصیه شده است و به چاپ دوم رسیده، رویکرد آن تا به طور تناقض آمیزی بر دیگر طرح‌های تحقیقاتی بی‌تأثیر بوده است؛ توضیح این امر را می‌توان از چارچوب کلی‌ای استنباط کرد که قبلاً شرح داده شد.

مطالعه دیگری که یک رویکرد نظری مشابه را پذیرفته، با ترکیب ساختار و عاملیت، نشان می‌دهد که چگونه حتی آن دسته از کودکان که تصور می‌شود از آسیب‌پذیرترین‌ها باشند، مانند کودکان خیابانی، موفق به کسب قدرت در رابطه با بزرگسالان می‌شوند، و این کار را با بهره‌گیری از الگوهای فرهنگی بزرگسالان، اعتقادات مذهبی و ایدئولوژی غالب، به منظور ایجاد تعاریف مناسب و قابل قبول از شرایط انجام می‌دهند. این امر، تصور «ناتوانی» کودکان محروم و آسیب‌پذیر را می‌شکند (استانچولسکو، ۲۰۰۶ [۲۰۰۲]).

مشارکت کودکان در پژوهش

بسیاری از نشریات مکتب بخارست، «صدا»ی کودکان را از طریق گزیده‌هایی از مصاحبه‌های مردم‌نگارانه فردی و گروهی با کودکان شش تا ۱۸ ساله پیرامون مسائل مختلف زندگی آن‌ها منتشر کرده‌اند: بازی، کار، رضایت از مدرسه و مشارکت در

آن، نظم و انضباط و اقتدار در روابط با والدین (کوستافورو، ۱۹۴۵؛ استال، ۱۹۸۷؛ استانیچو، ۱۹۴۴).

در تحقیقات دوره کمونیزم، نظرات کودکان و (بیشتر) نوجوانان هم جمع‌آوری شد. با این حال، پرسش و پاسخ‌های گزارش شده اغلب دخالت محققان در زندگی خصوصی را نشان می‌دهد. مثلاً در یک پروژه تحقیقاتی روانی، پرسشنامه کودکان را وادار به قضاوت زندگی خانوادگی خود (و احتمالاً کسب احساس سرخوردگی) کرده، و درخواستش از آن‌ها به طور مستقیم، اظهار وجود یا عدم وجود درک صادقانه بین اعضای خانواده، یا «حق با کیست؟» هنگام بروز سوء تفاهم بود. آن‌ها همچنین علاقه به ساخت شواهدی در حمایت از گفتمان سیاسی را از خود نشان می‌دهند: یک نمونه، یک نوجوان از یک مدرسه حرفه‌ای را با استفاده از زبان اسناد سیاسی به سمت توضیح این موضوع کشاند که او چگونه برای داشتن «مهارت حرفه‌ای متناسب با سطح فعلی توسعه کشور ما» تلاش کرده است!

جامعه‌شناسی امروزه اساساً از نظرسنجی‌ها، روش‌های آماری و توصیفات کمی جدانشدنی تصور می‌شود، و سازمان‌های کمک‌هزینه دهنده این رویکرد را ترجیح می‌دهند. گزارش‌های متعددی بر «ارزیابی سریع» با استفاده از پرسشنامه‌های مفصل و طولانی استوار است، که نه تنها از پرسش و پاسخ با بزرگسالان و مفهوم‌پردازی شروع می‌شود، بلکه به استفاده از دایره لغات بزرگسالان می‌پردازد، حتی اگر گروه مورد سؤال کودکان باشند. علاوه بر این، محققان توجه کافی به این خطر را ندارند که پاسخ کودکان ممکن است به آسانی هدایت شود.

اخیراً، استفاده از مصاحبه‌های کیفی فردی و گروهی بیشتر رایج شده است. با این حال، اغلب تنها بر حرفه‌ای‌ها و مقامات محلی تمرکز می‌کنند. اگر کودکان مورد مشاهده و مصاحبه قرار گیرند، محققان با مشکلاتی در مواجهه با داستان‌های آنان

روبرو هستند: در گزارش‌ها تنها نصف یا در نهایت یک یا دو صفحه به صدای کودکان اختصاص داده شده؛ صدای کودکان و بزرگسالان جداگانه و معمولاً به عنوان نگرش عمومی فاقد تجزیه و تحلیل تغییرات درون یا میان موضوعات ارائه شده‌اند. در عوض، صدای کودکان اغلب در دوران کمونیسم به عنوان خبرچیان اعمال اجتماعی بزرگسالان (با طرح این درخواست که اعمال والدین و معلمان خود یا دیگران را بگویند)، و یا حامیان نظرات کلیشه‌ای برخی از محققان (بزرگسالان) مطرح می‌شد. (به عنوان مثال، این ایده که بزرگسالان خویشاوند، به طور عمده پدر و مادر، معلمان و متخصصان دیگر، باید هر زمان که وضعیتی نامطلوب برای کودک رخ می‌دهد در صدر افرادی قرار گیرند که ممکن است کاری اشتباه کرده باشند). تنها گاهی اوقات کودکان زیر سن ۱۰ سال مورد مصاحبه بوده‌اند.

با این وجود، در چند سال گذشته گام‌های مهمی رو به جلو برداشته شده است. مصاحبه‌های کیفی جامع با کودکان در مورد تجارب خود انجام شده و نتایج مبتنی بر شواهد منسجم‌تر (سالواتی کوپی، ۲۰۰۶ب) تولید شده‌اند. حتی به طور قابل توجهی، کودکان به عنوان پژوهشگران درگیر شده، و سهم اخلاقی هر یک شناخته شده است (برای مثال، شورای کودکان انپدییسی، ۲۰۰۷)؛ متأسفانه در این گزارش، اطلاعات کافی برای فهم دقیق چیزی که کودکان انجام دادند و آنچه توسط بزرگسالان انجام شد عرضه نشده است. علاوه بر این، از آنجا که نگارش جمعی، یعنی شورای کودکان، ایجادشده توسط و تحت نظارت سازمان ملی حمایت از حقوق کودکان (انپدییسی) بوده، این احتمال وجود دارد که صدای کودکان برای مشروعیت‌دادن به فعالیت‌های این سازمان دولتی استفاده شود. تحقیقات استانیچولسکو (۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۸) در موضع روش‌شناختی آن منحصر به فرد باقی مانده: نویسنده به جمع‌آوری داستان زندگی کودکان عادی و جوانان (۹ تا ۲۲ سال) پرداخت و این داستان‌ها را کنار داستان زندگی

والدین قرار داد، تا به بررسی روز به روز مبادلات طولی بین بزرگسالان و کودکان، و همچنین تغییرات ساختاری‌ای بپردازد که رخ داده است.

ارزش اجتماعی کودکان

در اینجا ارزش کودکان به کارکردهایی که آن‌ها دارند و نیازهایی که برآورده می‌کنند (هافمن و هافمن^۱، ۱۹۷۳: ۱۹-۲۰) اشاره دارد؛ نه فقط برای والدین، که به همان اندازه برای دولت ملی. این باعث گسترش نظریه کارکرد تولید اجتماعی (ناوک^۲ و کلاوس^۳، ۲۰۰۷) و این مفهوم شده است که کودکان توسط بزرگسالان «عقلانی» به عنوان عوامل تولید اجتماعی در هر دو سطح خرد (خانواده) و کلان (ملی) به کار گرفته شده‌اند.

با تغییر در تأکیدات، سه جریان از خرد عمومی و نگرش‌های سیاسی نسبت به کودکان در سراسر دو قرن گذشته غالب بوده است: حفاظت ابراری، حفاظت احساسی، و یکپارچه‌سازی خانوادگی و جامعه‌ای، اما با کنترل رسمی یا غیررسمی زمان، فضا و فعالیت‌ها در مقایسه با کشورهای اروپای غربی.

خوانش توصیفات مردم‌نگارانه از مجموعه‌های روستایی رومانیایی سنتی (کوستافورو، ۱۹۴۵؛ هرسنی، ۱۹۴۴؛ استال، ۱۹۳۹؛ استانچو، ۱۹۴۴) از زاویه دید تئوری کارکرد تولید اجتماعی، سه بعد معمولاً در نظر گرفته شده - راحتی، عزت نفس اجتماعی و تأثیرگذاری - به‌علاوه یک بعد اضافی «معنوی»، یعنی کودک به عنوان واسطه بین انسان و خدا را نشان می‌دهد. مطالعات مجموعه‌های سنتی را اغلب به صورت دوایر سازمان‌یافته توصیف می‌کند: خانوار هسته‌ای؛ خانواده گسترده و خویشاوندی؛ جامعه محلی. کودکان بخشی از معنای مفهوم اصلی خانوار (خانه‌دار)

¹ Hoffman and Hoffman

² Nauck

³ Klaus

بودند، که تعیین‌کننده ارزشمندترین هویت روستا است. این هویت بخشی به ارث رسنده است و تا حدودی هم توسط هر مرد، با گرد هم آوردن چند عنصر اجتماعی ساخته می‌شود: خانه متعلق به خود، اموال به ارث برده شده (زمین، حیوانات و ابزار کار)، همسرش، فرزندان، کار خانواده به منظور توسعه میراث، احترام اجتماعی، و ترس از خدا. در مناطق فقیرتر در شرق کشور (مولدووا^۱)، تعداد فرزندان با قوانین دقیق برای به ارث بردن و تعهدات متقابل همراه و معمولاً بالا بود؛ در یکی از مناطق غربی (بنات^۲)، ثروتمندترین افراد از الگوی تنها یک فرزند به منظور عدم تقسیم ثروت پیروی کردند. همه‌جا کودکان برای بزرگسالان قوی‌ترین دلیل برای ازدواج را فراهم کردند، چراکه آن‌ها شاهد از خودگذشتگی پدر و مادر خود و کمک کنندگان نمادین و قابل ملاحظه‌ای برای شکل گرفتن ثروت و موقعیت اجتماعی خانواده بودند و موجب تداوم نام خانواده شده و به مراقبت از والدین در سن پیری و همچنین از روحشان پس از مرگ می‌پرداختند. علاوه بر این، اطلاعات کودکان تحت سرپرستی، نامشروع و فرزندخوانده نیز نشان می‌دهد که چگونه کودک عملاً به عنوان ابزار تداوم نظم اجتماعی بزرگسالان عمل کرده است.

احساساتی شدن همواره همراه با ابزاری شدن بوده و محبت آشکارا توسط والدین در تمام مجموعه‌های اجتماعی نشان داده شده است، به ویژه در طبقات پایین‌تر (استانچولسکو، ۱۹۹۸). مادران کودکان آسیب‌پذیر (تک والد، فقیر) در فضاهای عمومی محبت را به فرزند خود نثار کرده، و آن‌ها را قربانیان درمانده توصیف کرده‌اند.

^۱ Moldova

^۲ Banat

حفاظت مادی و معنوی کودکان از نگرانی‌های بزرگ در مجموعه‌های اجتماعی بوده است. حفاظت اولین بار در میان طبقات بالا در قرن ۱۸ و توسط دیمتری کانتیمیر^۱، یک شاهزاده مولدووی و عضو آکادمی برلین ثبت شد. در توصیف مولدووا^۲ (۱۷۱۶-۱۹۷۸)، او نوشت درحالی‌که در گذشته برای انتخاب و آموزش مقامات آینده آن‌ها مجبور به صرف دوره‌ای طولانی در سختی می‌شدند، در زمان او والدین خود را به جلوگیری از و یا کوتاه کردن چنین مرحله‌ای عادت داده، و خواستار کمک شبکه‌های خویشاوندی خود برای رساندن پسران به موقعیتی برتر بودند. مدت‌ها بعد، انسان‌شناس آمریکایی، روث بندیکت^۳، بحث کرد که فرهنگ مشترک رومانیایی زوج آرمانی کتاب مقدسی «مادر و کودک» را مد نظر داشته، و کودک را به عنوان فرشته‌ای می‌دیده که بی‌گناهی‌اش باید توسط مادرش به دقت محافظت شود. مادران رومانیایی عادی به محض آگاهی از بارداری شروع به حفاظت از روح کودکان خود کرده و اقداماتی را با هدف حفاظت معنوی از نوزاد انجام می‌دادند. حفاظت مادی نیز به اوایل دوران کودکی (بندیکت، ۱۹۴۳) پیوسته شده بود. با این وجود، اگر این اصل کلی بوده، حفاظت مادی به نظر برای پسران بیشتر به طول می‌انجامیده، درحالی‌که حفاظت روحانی (خلوص، عفت) به مراتب با دقت و زمان بیشتری برای دختران (استانچولسکو، ۱۹۹۸) انجام شده است.

کار کودکان در درجه اول از منظر عضویت آن‌ها دیده می‌شد، مثلاً مشارکت متریقی در گروه خانواده. به عنوان اعضای طبیعی، کودکان در هر سنی، حتی سنین بسیار کم، نقش خاص خود را در بخش مادی و معنوی در خانواده و جامعه محلی (استال، ۱۹۳۹) بازی می‌کردند. وقتی کودک نقش‌های اجتماعی بیشتری به عهده می‌گرفت، با کمک

^۱ Dimitrie Cantemir

^۲ *Descriptio Moldaviae*

^۳ Ruth Benedict

به کار خانواده و زندگی روزمره، بیشتر به عنوان عضو مهمی از خانواده به رسمیت شناخته می‌شد. سهم کودک چیزی بود که حق به ارث بردن دارایی خانواده را به او می‌داد؛ در همان زمان، این سهم وظیفه‌ای برای تمام اعضای خانواده ایجاد می‌کرد که هزینه‌های ازدواج او را تأمین کنند (کوستافورو، ۱۹۴۵؛ استال، ۱۹۳۹).

کودکان به طور کلی بیش از حد کنترل نمی‌شدند. به جز زمانی که آن‌ها در کار مادی و معنوی جمعی مشغول بودند، کودکان مقدار قابل توجهی آزادی، بازی، گفتگو و قرارگیری در فرهنگ خاص گروه همسالان محل دور از چشم بزرگسالان را داشتند. با این حال، دختران وضعیت متناقض‌تری داشتند: آن‌ها توسط قوانین محدود شدند و همزمان آزادتر هم بودند؛ با توجه به این که زمانی که خانواده در زمین مشغول به کار بود، آن‌ها معمولاً در خانه تنها بودند.

تداوم فرهنگ سنتی در سراسر دوران کمونیسم توسط جامعه‌شناسان، که به نقش یکپارچه‌ساز کار کودکان برای خانواده در طبقه کارگر (هرسنی، ۱۹۷۰) اشاره داشتند، مستند شده است. زندگی خانواده‌هایی که بین فضای روستایی و شهری در حرکت بودند هم با تداوم و هم با تغییر همراه بود، همانطور که استانیچولسکو (۱۹۹۸) نشان داد. مهاجران هویت خود را به عنوان خانوار حفظ کردند. محور زندگی آن‌ها هویت خانواده باقی ماند. با این حال، وضعیت جدید مهاجران آن‌ها را به تمرکز به مراتب بیشتر بر کودکان خود واداشت. سلب مالکیت و صنعتی‌سازی کودکان را به «کالاها»ی دگرگون کرد که مردم عادی می‌توانستند روی آن‌ها به منظور ساخت هویت خود کار کنند. علاوه بر این، تبلیغات ایده قربانی شدن والدین به نفع آینده کودکان و فرهنگ و آموزش به عنوان «دارایی بزرگ مردم» را پخش کرد. در این زمینه، آموزش و پرورش کودک در هسته استراتژی هویت‌سازی میان‌نسلی قرار داده شده، و جای اموال از دست رفته را گرفته بود. علاوه بر این، خانواده‌های طبقه متوسط

به تغییر شکل تقسیم کار خانگی، با توجه به کار مدرسه کودکان (این مفهوم در مصاحبه با والدین چنین به نظر می‌رسد) به عنوان جایگزینی برای کار فیزیکی سنتی پرداختند. موفقیت در مدرسه موجب تغییر شکل ساختار قدرت خانواده هم شد: هر قدر کودک نتایج بهتری در مدرسه کسب می‌کرد، حق بیشتری برای پاسخگویی به والدین و اظهار نظرات خود در مسائل مربوط به خانواده به دست می‌آورد. با این اوصاف، موفقیت در مدرسه به عنوان کارآمدترین راه برای محافظت از کودکان در برابر کار سخت (استانچپولسکو، ۱۹۹۸) دیده شد.

تغییر نگرش هنوز هم توسط روان‌شناسان آموزشی، که به طور گسترده در مورد مراقبت بیش از حد در ارتباط با احساسات و عواطف می‌نوشتند، در خانواده‌های متوسط و دارای تحصیلات عالی مشاهده می‌شد. از آنجا که رژیم کمونیستی هرگونه اطلاعات در تناقض با این ایده که او بهترین و منصفانه‌ترین جهان اجتماعی را ساخته است سانسور می‌کرد، هیچ مطالعه و چیزی جز خاطره مردم وجود ندارد تا امروز در مورد وضعیت فقیرترین‌ها، خانواده‌هایی با کمترین تحصیلات گواهی دهد، که نمی‌توانستند اطمینانی از حداقل حفاظت از فرزندان خود داشته باشند، آن‌ها را به عنوان شریک در تأمین منابع برای امرار معاش اولیه استفاده کنند و یا به آن‌ها اجازه «به سرپرستی دولت گرفته شدن» بدهند.

مثل همه‌جا، دولت-ملت مدرن کودکان را در معنایی سیاسی ابزاری ساخت، آن هم با این ادعا که آن‌ها «آینده ملت» بودند. تا سال ۱۹۵۷، سقط جنین، تنها به دلایل پزشکی اجازه داده می‌شد. حزب-دولت کمونیست به سادگی این سنت را اجباری کرد؛ زمانی که در سال ۱۹۶۶، سقط جنین در زنان زیر ۴۵ سال و با کمتر از چهار فرزند را جز به دلایل پزشکی ممنوع کرد. مشکل این بود که در همان زمان فروش محصولات ضدبارداری ممنوع اعلام شد و برنامه‌ریزی خانوادگی هم وجود نداشت.

با این حال، بر خلاف آنچه اسگریتا (۱۹۹۷) در مورد همه کشورهای اروپای شرقی ادعا کرد، در رومانی مسئولیت کودکان کاملاً از خانواده به دولت منتقل نشد، به جز در مورد تعداد محدودی از کودکان تحت سرپرستی دولت. اگر می‌توانیم در مورد فرهنگ سلب اختیار والدین که توسط رژیم کمونیستی ایجاد شد صحبت کنیم، تنها به خاطر مادران مجرد و کمتر تحصیل کرده و بسیار ضعیف، خانواده‌های بی‌سواد و - شاید - به خاطر خانواده‌هایی با آرمان‌هایی بسیار والا برای فرزندان خود است که منابع مالی‌شان استطاعت آن را نداشت. در مقابل، حزب کمونیست به صراحت اعلام کرد که والدین باید هر چه می‌توانند برای اطمینان از رفاه و آموزش و پرورش فرزندان خود انجام دهند، و حتی نهادها و مکانیسم‌های رسمی کنترل و مجازات والدین بی‌صلاحیت را ایجاد کرد (به عنوان مثال، آن‌ها ممکن بود در محل کار مورد سؤال قرار داده شده و یا به پرداخت جریمه به مدرسه محکوم شوند). از این رو، فارغ از سلب مسئولیت فرزندان، والدین معمولی فرزندان خود را به عنوان ابزار کنترل سیاسی بر خود می‌دیدند.

دوباره بر خلاف آنچه انتظار می‌رود، و بر خلاف جوامع معاصر غربی، توجه به کنترل اجتماعی در گفتمان‌های سیاسی موجب کنترل بیش از حد در زندگی کودکان نشد. تصویر کودک «تنها در خانه»، که به شکل کودکی با کلید دور گردن تصویر می‌شد، در زمان کمونیسم بسیار معمول و بازتابی از این واقعیت بود که برنامه‌های مدرسه، سازمان‌های سیاسی و کار والدین همپوشانی داشتند، سیستم بیمارستانی به‌طور قابل توجهی توسعه‌نیافته بود و الگوی مشارکت پدربزرگ و مادربزرگ در مراقبت از کودکان به ندرت جز در برخی از خانواده‌های طبقه بالا کار می‌کرد. در دوران پساکمونیسم، کودک خیابانی شاید زمینه فرهنگی خود را بیابد، که می‌تواند توضیح دهد چرا قبل از رسانه‌های بین‌المللی و تمرکز سازمان‌های دیگر بر این موضوع، این

پدیده نادیده گرفته و یا تحمل شده بود. با این وجود، در اینجا نیز تغییری مهم در استراتژی‌های خانواده مهاجر نیمه تحصیل کرده وجود داشت، یعنی والدین سعی در تقویت کنترل غیررسمی بر فرزندان خود داشتند، با استفاده از تلفن و یا درخواست از همسایگان برای کمک، نهی کودکان از بازی در خارج از خانه قبل از بازگشت یک فرد بزرگسال، یا خارج شدن از دید یک فرد بالغ (استانچولسکو، ۱۹۹۸). تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که چگونه صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تشدید تنهایی و ناخشنودی کودکان، به ویژه دختران، در تلاش برای انطباق با محدودیت شهری و احترام به مادران در ساخت یک هویتی جدید (شهری) شد (توکیکوف بوگدان، ۱۹۷۰).

مطالعات نظام‌مند روی ارزش کودکان در دوران پساکمونیسیم وجود ندارد. ارجاعات اندک به این موضوع تنها دسته‌های آسیب‌پذیر و محروم (یونیسف و سیتان، ۲۰۰۶: ۳۲-۱۲۳) را بررسی می‌کند با این فرض که ارزش‌های سنتی روستایی همچنان وجود دارد. با این حال، نویسندگان به استفاده از کلیشه‌های رایج در این ارزش‌ها، در تناقض (نادیده گرفتن) با پژوهش تک‌نگاری که قبلاً نقل شد می‌پردازند؛ گاهی اوقات آن‌ها به نتیجه‌گیری در مورد والدین و ارزش‌دهی‌شان به کودکان تنها بر اساس مصاحبه با کارشناسان دست می‌زنند.

هیچ‌کس نمی‌تواند میزان بالای استفاده ابزاری از کودکان در برخی از خانواده‌های فقیر و کمتر آموزش‌دیده را انکار کند. رسانه‌ها و گزارشات منتشرشده توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی به طور یکسان نشان می‌دهد که برخی از والدین به طور عمده در بهره‌گیری از منافع مادی کسب‌شده توسط کودکان تحت کمک اجتماعی، کودکان کار، گدا، یا کودکان قاچاق‌شده درست عمل نمی‌کنند؛ رژیم کمونیستی آن‌ها را عادت داده انتظار مزایایی - از هر نوع - از داشتن تعداد زیادی بچه را داشته

باشند. البته آمار موجود (با برخی از تناقضات آشکار) نشان می‌دهد که درصد رهاشدن، نادیده گرفته‌شدن و تحت سرپرستی دولت درآمدن کودکان در کل جمعیت از سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است، اما این پدیده نگران‌کننده باقی می‌ماند. در سپتامبر سال ۲۰۰۶، ۲۷۱۸۸ کودک در مراکز عمومی و خصوصی و ۴۸۹۸۰ کودک در خانواده‌های جایگزین (بستگان تا درجه چهارم، مراقبت حرفه‌ای دولتی و خصوصی، خانواده‌های دیگر) زندگی می‌کنند که از مجموع جمعیت ۴,۶۰۰,۰۰۰ کودک زیر ۱۸ سال (انپدیس، ۲۰۰۶) محاسبه شده است. تحلیل اخیر از داده‌ها (یونیسف و سیتان، ۲۰۰۶: ۹-۱۴۵) اشاره می‌کند که بالاترین خطر فقر (حدود ۳۰ درصد) در میان کودکان و بزرگسالان جوان پیدا شده، که اوج آن در جمعیت بومی و در میان روستاییان و خانواده‌های تک‌سرپرست است (همچنین ن.ک. مارجینان، ۲۰۰۴). تعداد کل کودکان کار ۵ تا ۱۷ ساله در سال ۲۰۰۱ حدود ۸۲,۸۸۴ (۲,۱ درصد) با توجه به پرسشنامه مبتنی بر بزرگسالان و ۱۴۱,۹۰۵ (۳,۷ درصد) با توجه به پرسشنامه مبتنی بر کودکان تخمین زده شد (یونیسف و سیتان، ۲۰۰۶: ۵۰؛ همچنین به استاتوا، ۲۰۰۱ مراجعه کنید). تعداد کودکان بدون همراه (احتمالاً قاچاق شده) که از کشورهای غربی به رومانی بازگردانده شدند بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ حدود ۲۰۰۰ باقی ماند (یونیسف و سیتان، ۲۰۰۶: ۶۲). در سال ۲۰۰۴، کودکان حدود ۱۰ درصد از تمام جرایم در رومانی را مرتکب شدند (یونیسف و سیتان، ۲۰۰۶: ۶۶؛ همچنین ن.ک. آبراهام^۱، ۲۰۰۲). خشونت، حتی در اشکال فجیع، علیه کودکان در خانواده‌ها و مدارس ادامه دارد، گرچه توسط قانون در سال ۲۰۰۴ ممنوع شد.

هیچ مطالعه‌ای بر نگرش خانواده‌های متوسط و دارای تحصیلات عالی نسبت به کودکان وجود ندارد. ما فقط می‌توانیم استنباط کنیم که روند ایجاد احساسات و

¹ Abraham

عواطف حفاظتی به نظر رو به افزایش است، و بر اساس تحولات جمعیتی رخ می‌دهد. با توجه به مطالعه جمعیت‌شناختی، بی‌فرزندگی در سن ۴۰ سالگی در ۱۵ سال دو برابر شده، و از ۹ درصد در دوره ۱۹۸۹-۱۹۸۰ به ۱۸ درصد در دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶ رسیده است، اما در طول زمان پساسوسیالیستی تنها در میان زنان با تحصیلات متوسط (۱۸ درصد) و زنان با تحصیلات عالی (۲۳ درصد) افزایش داشته، و در میان زنان کم‌سواد (۹ درصد) بدون تغییر مانده است. هم‌زمان، بخش کوچک‌تری از کودکان قبل از سن ۱۵ سالگی تجربه جدایی پدر و مادر خود را دارند، پس نویسنده نتیجه می‌گیرد که: رومانی امروزه کودکان کمتری دارد، اما آن‌ها بیشتر توسط پدر و مادر خود خواسته می‌شوند (مورسان^۱، ۲۰۰۷) که می‌تواند در خانواده‌های طبقات متوسط و بالا درست باشد. مشاهدات معمول نشان می‌دهد که این خانواده‌ها نیز تمایل بیشتری به چارچوب‌بندی زندگی فرزندان خود با به کارگیری پرستار بچه، و یا پرداخت پول برای کلاس زبان خصوصی، موسیقی، رقص و کلاس‌های ورزشی دارند.

از سال ۱۹۹۰ به بعد، ابزاری‌شدن سیاسی کودکان به روند پیوستن رومانی به اتحادیه اروپا مرتبط شده است. مقامات رومانیایی کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک را در سال ۱۹۹۰ پذیرفتند. بسیاری از تغییرات در ساختارهای رسمی تصویب شد و ایجاد مقررات پس از آن صورت گرفت، که پس از تأکید رسانه‌های بین‌المللی و نقدها و توصیه‌های نهادهای اروپایی رخ داد. افزایش کیفیت زندگی در مؤسسات، ابزاریت‌زدایی، بازسازی خانواده و کمک به کودکان مورد آزار، مورد استثمار، خیابانی، کار، قاچاق، و کودکان فقیر به تدریج توسط قوانین و قطعنامه‌های دولتی در دستور کار نیمه‌فوری و فوری قرار گرفته است (بیش از ۸۰ سند قابل اعمال نظارت بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۷). اوج این روند در سال ۲۰۰۴ بود که قانون ۲۷۲/۲۰۰۴ با

¹ Muresan

توجه به ترویج و حمایت از حقوق کودکان پدید آمد، و دو قانون خاص مربوط به ایجاد سازمان ملی برای حفاظت از حقوق کودکان (انپدسی) و پذیرش کودکان به تصویب رسید. ممکن است در مورد فرصت‌طلبی سیاسی از این قانون اظهار نظرانی صورت گیرد: قانون ۲۷۲/۲۰۰۴ متناسب با توصیه اروپا و کنوانسیون سازمان ملل متحد تصویب شده، و در تمام موارد متناسب با زمینه رومانیایی نیست. از قرن ۱۹، رومانیایی‌های روشنفکر در برابر واردات «فرم‌های بدون محتوا»، مفهومی که امروز هنوز هم برجسته است، هشدار می‌دادند؛ در همان زمان گفته رومانیایی مشترکی به وجود آمد که: قوانین وجود دارند تا شکسته شوند (اسکیفیرنت^۱، ۲۰۰۷).

به غیر از قانون ۲۷۲/۲۰۰۴ و چند قطعنامه دیگر، تمرکز هنوز هم بر کودکان آسیب‌پذیر و کسانی قرار دارد که دچار دشواری و در معرض چارچوب‌بندی رسمی بیشتر هستند. کودکان در شرایط «نرمال»، با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند و کاملاً از مراقبت رسمی و کنترل رها هستند: مدرسه تنها نهاد عمومی است که ساختار زندگی‌شان را تعیین می‌کند، و بحث‌های اخیر در مورد گسترش زمان ساختارمند آن‌ها مانند قبل بر آموزش و پرورش تأکید دارد. در واقع، در برخی موارد، زمان ساخت‌یافته کودکان حتی کمتر از آن است که به نظر می‌رسد، و این به دلیل بالابودن تعداد وقفه‌ها و در نهایت، خروج از آموزش و پرورش است (ام.ای.سی.تی، ۲۰۰۷). محققان بر این باورند که تعدادی از کودکان «نرمال» اما فقیر به مدرسه می‌روند فقط به این خاطر که غذا یا کمک‌هزینه ارائه می‌دهد. گاهی اوقات کودکان «نرمال» به آموزش و پرورش مخصوص رو می‌آورند، به این دلیل که این مدارس سرمایه‌گذاری بیشتر و شرایط بهتری از مدارس «نرمال» دارند. پس از آن که پاداش توزیع شد، بسیاری از دانش‌آموزان خارج می‌شوند (مارجینان، ۲۰۰۴). حتی اگر هیچ مطالعه‌ای در این مورد

¹ Schifirnet

وجود نداشته باشد، شواهد افشاگر تعداد بالایی از ترک تحصیل در میان خانواده‌های طبقه بالا و متوسط است، که با افزایش مقدار زمانی در ارتباط است که کودکان صرف استفاده از رسانه‌ها، به طور عمده تلویزیون و کامپیوتر می‌کنند (سی.ان.ای و مترومدیا، ۲۰۰۷). از آنجا که اقتصاد بازار نئولیبرال و حقوق کم، والدین را به داشتن دو یا چند شغل واداشته، زمان آن‌ها برای بودن کنار فرزندان خود و شناخت آن‌ها تقریباً نابود شده است. در نتیجه، جهان کودک به طور مستقل رشد کرده، و برای تعدادی از بزرگسالان و جهانشان بیشتر و بیشتر خطرناک می‌شود و خلاء موجود میان نسل‌ها در برخی موارد افزایش می‌یابد.

به نحوی، با کودکان در تحقیقات هم برخورد احساساتی و ابزارری شده است. درحالی‌که بودجه برای مسائل کودکان افزایش یافته و تخصص در زمینه جامعه‌شناسی بسیار ضعیف باقی مانده است، برخی از محققان کارآمد در انجام نظرسنجی (و در مدیریت سرمایه اجتماعی) در موضوعات تحقیق درگیر می‌شوند، بدون این که خود را جامعه‌شناسان کودکان و کودکی بدانند. هم‌زمان، تحقیقات معمولاً به دنبال مفهوم سنتی از کودک بی‌گناه و نگرش احساساتی نسبت به کودکان می‌روند که در آن پنداشته می‌شود آن‌ها دچار دشواری و یا آسیب‌پذیر هستند. به راحتی می‌توان بین خطوط نتایج گزارشات این دیدگاه رمانتیک در مورد بی‌گناهی کودک و ایده گناه از والدین و معلمان است را خواند. همانطور که جیمز^۱ و همکاران (۱۹۹۸: ۹) برای جامعه‌شناسان انگلیسی‌زبان گفتند، گفتمان پیشاجامعه‌شناختی و عقل متعارف، شکل ادراک ما از کودکی را حتی در درون نظریه تعیین می‌کند.

¹ James

چه خواهد شد؟

هیچ‌کس نمی‌تواند آنچه که در آینده برای کودکان در جامعهٔ رومانی رخ خواهد داد را پیش‌بینی کند، به ویژه از آنجا که داده‌ها در مورد زمان حال پراکنده هستند. بدیهی است که خطوط تاریخی ترسیم‌شده در این مقاله تداوم خواهد یافت؛ و قطعاً، سیاست اروپا و روند جهانی شدن می‌تواند تغییرات قابل‌توجهی را دیکته کند. اما چستی این تغییرات را تنها تحقیقات آینده فاش خواهد کرد.

سنت‌های جامعه‌شناختی رومانیایی به خصوص با توجه به جامعه‌شناسی ساختاری کودکان و کودکی امیدوارکننده بودند، اما بافت تاریخی مانع از توسعهٔ این حرکت شد. امروزه، تحقیقات «جامعه‌شناسی کودکان» بسیار گشوده شده (ن.ک. آلانز، ۲۰۰۱) یا به «گروه کودکان در اقلیت» می‌پردازد (ن.ک. جیمز و همکاران، ۱۹۹۸)، درحالی‌که جامعه‌شناسی ساختاری کودکی هنوز جزیره‌ای جدا مانده یا صرفاً رویکردی ضمنی و نامنسجم است. این تصویر در درازمدت خوشبینانه می‌نماید، و این عمدتاً به دلیل تمرکز سیاسی بین‌المللی بر کودکان، رشد بین‌المللی «جامعه‌شناسی نوین» کودکان و کودکی، و تحرک علمی بین‌المللی است. چندین حوزهٔ بسیار مهم وجود دارد که می‌خواهم اشاره کنم: تحقیقات بنیادی، سؤالات تحقیق در مورد چگونگی همراهی و تکامل توأم جهان بزرگسالان و جهان کودکان است؛ طرح‌های مفهومی که به ترکیب بزرگسالان و کودکان، ساختار و عاملیت می‌پردازند؛ روش‌ها به‌طور نظام‌مند تجارب و نظرات کودکان و بزرگسالان را یکپارچه می‌کنند؛ پژوهش روی فرزندان خانواده‌های کارگر و طبقات متوسط و بالا؛ مطالعهٔ فرهنگ کودکان و تفاهم آن با فرهنگ بزرگسالان؛ فرضیه‌های مربوط به افزایش شکاف میان نسل‌ها؛ و در نهایت، بحث روش‌شناختی در «اعتبار» ادعاهای کودکان یا تفاسیرشان از تجارب خودشان.

منابع

- Abraham, Pavel (2002) 'Delincventa juvenila in Romania: starea de fapt, tendinte, solutii', *Revista de Asistentă Socială* 2: 81–92.
- Alanen, Leena (2001) 'Explorations in Generational Analysis', in Leena Alanen and Berry Mayall (eds) *Conceptualizing Child–Adult Relations*, pp. 11–23. London: Routledge/Falmer.
- Alexandrescu, Gabriela (ed.) (2000) *Copiii romei din România*. Bucharest: Mini Print IMAS S. A.
- Alexiu, Mircea (1999) 'Contributii la studierea profilului social al parintilor care isi incredinteaza copiii ocrotirii de tip institutional', *Revista de Cercetari Sociale* 1–2: 126–49.
- ANPDC (2006) 'Child Welfare in Romania: The Story of a Reform Process'; at: www.copii.ro/Files/NAPCR_brochure_200744184931.pdf (accessed February 2008).
- ANPDC, Consiliul Copiilor 'SPUNE' (2007) 'Raportul copiilor privind respectarea drepturilor copiilor in Romania'; at: www.copii.ro/Files/raport_rom_200710821_41921.pdf (accessed February 2008).
- ANSIT and Gallup Romania (2007) 'Starea tineretului si asteptarile sale. Diagnoza 2007'; at: www.ansitromania.ro/upload/Diagnoza%202007_Final.pdf (accessed February 2008).
- Badina, Ovidiu and Mahler, Fred (1970) 'Funcțiuni si tendinte ale familiei contemporane', in Petre Barbulescu, Cornelia Stefanescu and Leon Topa (eds) *Tineretul si familia. Coordonate principale ale pregatirii tineretului pentru viata de familie*. Bucharest: Editura Politica.
- Balcescu, Nicolae (1960) *Opere alese. Vol I: Scrieri istorice si sociale*. Bucharest: Editura de Stat pentru Literatura si Arta.
- Banciu, Dan, Radulescu, Sorin M. and Voicu, Mihai (1987) *Adolescentii si familia. Socializare morala si integrare sociala*. Bucharest: Editura Stiintifica si Enciclopedica.
- Barbu, Gheorghe (1998) 'Copiii din familiile sarace – segment al populatiei puternic afectat de situatia actuala', *Calitatea Vietii* 1–2: 3–18.

- Benedict, Ruth (1943) 'Romanian Culture and Behaviour', unpublished document, University of Washington Libraries, New York.
- Buzducea, Doru (2002) 'Asistenta sociala a familiei si copilului afectat de HIV/ SIDA', *Revista de Asistenta Sociala* 2: 58–63.
- Cace, Sorin et al. (2002) *Roma Working Children and their Families: Social-Cultural Characteristics and Living Conditions*. Bucharest: Ro Media Publishing.
- Cantemir, Dimitrie (1978) *Descriptio Moldaviae/Descrierea Moldovei*. Bucharest: Editura Ion Creanga. (Orig. pub. 1716.)
- Carter, Richard (2005) *Family Matters: A Study of Institutional Childcare in Central and Eastern Europe and the Former Soviet Union*. London: EveryChild; at: www.everychild.org.uk
- CCPT (Centrul de Cercetari pentru Problemele Tineretului) (1988) *Tineret. Educatie. Participare. Doua decenii de cercetare stiintifica si actiune sociala*, Vols I–II. Bucharest: CCPT.
- CNA and Metromedia Transilvania (2004) 'Expunerea copiilor la programele radio si tv'; at: www.cna.ro/Expunerea-copiilor-la-programele,121.html (accessed February 2008; site changed 2009).
- CNA and Metromedia Transilvania (2007) 'Expunerea copiilor la programele TV si Radio septembrie – octombrie 2007. Modele culturale ale comportamentului de consum'; at: www.cna.ro/Expunerea-copiilor-la-programele.html (accessed February 2008; site changed 2009).
- Constantinescu, Miron (1969) *Integrarea sociala a tineretului. Cercetari contemporane*. Bucharest: Editura Stiintifica.
- Costa-Foru, Xenia (1945) *Cercetarea monografica a familiei. Contributie metodologica*. Bucharest: Fundatia Regele Mihai I.
- Cozma, Teodor, Cucos, Constantin and Momanu, Mariana (2000) 'The Education of Roma Children in Romania: Description, Difficulties, Solutions', *Intercultural Education* 11(3): 281-8.
- Dickens, Jonathan and Groza, Victor (2004) 'Empowerment in Difficulty: A Critical Appraisal of International Intervention in Child Welfare in Romania', *International Social Work* 47(4): 469–87.
- Dimitrescu-Iasi, Constantin (1969) *Texte despre educatie si invatamant*. Bucharest: Editura Didactica si Pedagogica.

- FRCCF (Fundatia Romana pentru Copii, Comunitate si Familie) (2005) 'Tara de vis sau tara de cosmar ...? Studiu asupra fenomenului migratiei in Tara Oasului' at: www.frccf.org.ro/StudiuOas.pdf (accessed February 2008).
- Fundatia Soros Romania (2007) 'Efectele migratiei: copiii ramasi acasa'; at: www.osf.ro/ (accessed February 2008).
- Groza, Victor (1998) 'Adopted Children from Romania: A Special Focus on Roma (Gypsy) Children', *International Journal on Child and Family Welfare* 3(1): 6–25.
- Groza, Victor, Ileana, Daniela and Irwin, Ivor (1999) *A Peacock or a Crow: Stories, Interviews and Commentaries on Romanian Adoptions*. South Euclid, OH: Willes e-press.
- Gusti, Dimitrie (1935) *Sociologia militans – Introducere in sociologia politica*. Bucharest: Institutul Social Roman.
- Gusti, Dimitrie (1940–1) *Cunoastere si actiune in serviciul natiunii*. Bucharest: Institutul de Stiinte Sociale al României.
- Gusti, Dimitrie (1941) *La Science de la réalité sociale: introduction à un système de sociologie, d'éthique et de politique*. Paris: Alcan – Presses Universitaires de France.
- Heliade-Radulescu, Ion (1874) *Elemente de pedagogie si metodologie teoretica si practica*, 3rd edn. Ploesci: Typographia Ioan G. Costescu.
- Herseni, Traian (1944) *Dragus- un sat din Tara Oltului (Fagaras). Unitati sociale*. Bucharest: Institutul de Stiinte Sociale al Romaniei.
- Herseni, Traian (ed.) (1970) *Industrializare si urbanizare. Cercetare de psihosociologie concreta la Boldesti*. Bucharest: Editura Academiei R. S. R.
- Hoffman, Lois W. and Hoffman, Martin L. (1973) 'The Value of Children to Parents', in James T. Fawcett (ed.) *Psychological Perspectives on Population*. New York: Basic Books.
- Iordanescu, Mihai (ed.) (1984) *Evolutia ideilor despre educatie si invatamint in gandirea scriitorilor romani din cele mai vechi timpuri pina la infaptuirea statului national unitar*. Bucharest: Editura Eminescu.
- James, Allison, Jenks, Chris and Prout, Alan (1998) *Theorizing Childhood*. Cambridge: Polity Press.

- Jigau, Mihaela and Surdu, Mihai (eds) (2002) *Participarea scolara a copiilor romi: probleme, solutii, actori*. Bucharest: MarLink.
- Kogalniceanu, Mihail (1877) *Cestiunea Universitatii de Iasi înaintea Senatului: cuvinte rostite în sedintele din 1, 2 si 4 februarie 1877*. Bucharest: Imprimeria Statului.
- Lansdown, Gerison (2003) *Disabled Children in Romania: Progress in Implementing the Convention on the Rights of the Child*, Disability Awareness in Action. London: Freeways Print; at: www.daa.org.uk/RDC%20ROMANIA.htm (accessed February 2008).
- Lazar, Vasile (1914) *Cresterea in familie. Carte scrisa pentru mamele romane*. Bucharest: Academia Romana.
- LeoBurnet (2007) 'LeoYouth'; at: www.slideshare.net/gofull/51174/1/ (accessed February 2008).
- Marginean, Ioan (ed.) (2004) *Conditii sociale ale excluziunii copilului*. Bucuresti: Academia Romana, Institutul National de Cercetari Economice, Institutul de Cercetare a Calitatii Vietii; at: www.caspis.ro/downloads/ExcluziuneCopil.doc/ (accessed February 2008).
- MECT (Ministerul Educatiei, Cercetarii si Tineretului) (2007) *Starea invatamantului din Romania 2007*. Bucuresti: MECT; at: www.edu.ro/index.php/articles/8907/ (accessed February 2008).
- Muntean, Ana (2000) *Violenta domestica si maltratarea copilului*. Timisoara: Eurostampa.
- Muresan Cornelia (2007) 'Family Dynamics in Pre- and Post-Transition Romania: A Life-Table Description', MPIDR WORKING PAPER WP 2007-018; at: www.demogr.mpg.de/en/publications/working.htm/ (accessed February 2008)
- Muresanu, Andrei (1977) *Reflexii*. Cluj-Napoca: Dacia.
- Nauck, Bernhard and Klaus, Daniela (2007) 'The Varying Value of Children: Empirical Results from Eleven Societies in Asia, Africa and Europe', *Current Sociology* 55(4): 487–503.
- OECD (2006) *Education Policies for Students at Risk and those with Disabilities in South Eastern Europe: Bosnia-Herzegovina, Bulgaria, Croatia, Kosovo, FYR of Macedonia, Moldova, Montenegro, Romania and Serbia*. Paris: OECD; at: www.oecd.org/docum

ent/34/0,3343,en_2649_39263231_36507298_1_1_1_1,00.html
(accessed February 2008).

- OECD (2007) *Programme for International Student Assessment, PISA 2006 Science Competencies for Tomorrow's World, Volume 1 – Analysis*. Paris: OECD; at: www.sourceoecd.org/upload/9807011e1.pdf (accessed February 2008)
- Radulescu, Sorin M. (1995) 'Violenta familiala si maltratarea copilului' *Sociologie Romaneasca* 6(5–6): 469–79.
- Roth, Maria, Poledna, Sorina, Baican, Eugen and Mezei, Elemer (2002) 'Consumul de alcool si droguri al elevilor in contextul cercerarii securitatii comunitare', *Copiii de Azi Sunt Pařinti,ii de Măine* 1: 31–6.
- Roth-Szamoskozi, Maria, Popescu, Livia and Rat, Cristina (2006) 'Children and Social Policies in Romania', *Studia Universitatis Babes-Bolyai. Sociologia* LI(2): 69–94.
- Salvati Copiii (2003a) *Evaluare rapida privind copiii strazii care muncesc: Bucuresti, Iasi, Craiova*. Bucharest: Speed Promotion; at: www.salvaticopiii.ro/romania/resurse/studiu_RA_3orase.pdf (accessed February 2008).
- Salvati Copiii (2003b) *Copiii strazii si drogurile*. Bucharest: Salvati Copiii; at: www.salvaticopiii.ro/romania/resurse/studiu_copiiistrazii_si_drogurile.pdf (accessed February 2008).
- Salvati Copiii (2004) *Raport privind traficul de copii*. Bucharest: Speed Promotion.
- Salvati Copiii (2005) *Drepturile copiilor intre principii si realitate*. Bucharest: Speed Promotion.
- Salvati Copiii (2006a) *Situatia respectarii drepturilor copilului in Romania*. Bucharest: Salvati Copiii; at: www.salvaticopiii.ro/romania/resurse/Situatia_respectarii_drepturilor_copilului_in_Romania.pdf (accessed February 2008).
- Salvati Copiii (2006b) *Opinii ale elevilor privind respectarea drepturilor copilului în România – Raport de cercetare*. Bucharest: ModelM; at: www.salvaticopiii.ro/romania/resurse/Opinii_ale_elevilor/ (accessed February 2008).

- Salvati Copiii (2007) *Copiii vorbesc despre: riscurile de a fi traficant si mecanisme de protectie în sud-estul Europei: raport România*. Bucharest: Speed Promotion; at: www.salvaticopiii.ro/romania/resurse/Raport_Trafic_final12007.pdf (accessed February 2008).
- Salvati Copiii and ILO/IPEC (2002) *România – Copiii strazii care muncesc din Bucuresti: o evaluare rapida*. Bucharest: Salvati Copiii; at: www.salvaticopiii.ro/romania/resurse/ (accessed February 2008); ('Working Street Children in Bucharest: A Rapid Assessment', IWFCL, No. 19; at: www.ilo.org/ipecinfo/product/viewResult.do?page=10)
- Schifirnet, Constantin (2007) *Formele fara fond, un brand romanesc*. Bucharest: Comunicare.ro.
- Sgritta, Giovanni (1997) 'Inconsistencies: Childhood on the Economic and Political Agenda', *Childhood* 4(4): 375–404.
- Silverman, David (2001) *Interpreting Qualitative Data: Methods for Analysing Talk, Text and Interaction*, 2nd edn. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Stahl, Henri H. (ed.) (1939) *Nerej. Un village d'une région archaïque. Monographie sociologique, Vol. II: Les Manifestations spirituelles*. Bucharest: Institut de Sciences Sociales de Roumanie.
- Stahl, Henri H. (1987) 'Jeux d'enfants', *Nerej. Un village d'une région archaïque. Matériaux et documents*, pp. 43–4. Paris: Coll. Sociétés Européennes.
- Stanciu, Stoian (1944) *Procesul educativ in satul Sant din judetul Nasaud*. Craiova: Editura Ramuri. (Extract from *Sociologie Romaneasca* V, Nos 1–6, 1943.)
- Stanciulescu, Elisabeta (1995) 'Redéfinition et construction progressives des espaces domestiques du point de vue de l'enfant', in Bernadette Bawin-Legros, René B. Dandurand, Jean Kellerhals and François de Singly (eds) *Les Espaces de la famille. Actes du Colloque*, pp.121–30. Liège: Association Internationale des Sociologues de Langue Française et Médiatique.
- Stanciulescu, Elisabeta (1996) 'Tel enfant, tels parents: de la redéfinition et de la construction de l'enfance et de la parentalité', in René B. Dandurand, Roch Hurtubise, Céline Le Bourdais (eds)

Enfances. Perspectives sociales et pluriculturelles, pp. 237–58. Sainte-Foy: Institut Québécois de Recherche sur la Culture, Les Presses de l'Université Laval.

- Stanciulescu, Elisabeta (1998) *Sociologia educatiei familiale. II. Familie si educatie in societatea romaneasca*. Iasi: Polirom.
- Stanciulescu, Elisabeta (2006) 'Globalisations idéologiques et pouvoir d'une catégorie vulnérable: les enfants "de la rue" ', *Les Sciences de l'Education. Pour l'Ere Nouvelle. Revue Internationale* 39(2): 69–88. (Orig. pub. in *Romanian, Tranzitie si universitate*, pp. 43–58. Iasi: Polirom, 2002.)
- Stanoiu, Andrei and Voinea, Maria (1983) *Sociologia familiei*. Bucharest: Universitatea Bucuresti.
- Stativa, Ecaterina (2001) 'Studiu de referinta privind munca copiilor din mediul rural în cinci judete ale României – 2001', unpublished document, Guvernul Romaniei and ILO/IPEC, Bucharest.
- Stativa, Ecaterina (ed.) (2005) *Situatia abandonului copiilor in Romania*. Bucharest: UNICEF, IOMC, ANPDC et al.; at: www.iomc.ro/publicatii/Situatia_abandonului.pdf (accessed February 2008).
- Tucicov-Bogdan, Ana (1970) 'Aspecte din viata tinerei generatii in cartierul SteagulRosu', in Tiberiu Bogdan, Mihail Cernea, Miron Constantinescu and Petre Cristea (eds) *Procesul de urbanizare în România. Zona Brașov*, pp. 320–54. Bucharest: Editura Politica.
- UNICEF (2006a) *Monitoring the Rights of Mentally Disabled Children and Young People in Public Institutions. Report of Monitoring Project 2005–2006*. Bucharest: UNICEF; at: www.unicef.org/Romania/Report_CRJ_engl_FINAL.pdf (accessed February 2008).
- UNICEF (2006b) *Annual Report 2006*. Bucharest: UNICEF; at: www.unicef.org/romania/ROM_Annual_Report_2006.pdf (accessed February 2008).
- UNICEF (2007) *Education for Some More than Others? A Regional Study on Education in Central and Eastern Europe and the Commonwealth of Independent States (CEE/ CIS)*. Geneva: UNICEF Regional Office for Central and Eastern Europe and the

- Commonwealth of Independent States; at: www.efareport.unesco.org/ (accessed February 2008).
- UNICEF and SITAN (2006) *Children on the Brink: A Focused Situation Analysis of Vulnerable, Excluded and Discriminated Children in Romania*. Bucharest: Vanemonde; at: www.unicef.org/romania/sitan_engleza.pdf (accessed February 2008).
 - Veres, Valer (ed.) (2000) *Liceeni ardeleni în tranzitie*. Cluj-Napoca: Limes.
 - Zamfir, Catalin (ed.) (1997) *Pentru o societate centrata pe copil*. Bucharest: Editura Alternative.
 - Zamfir, Catalin and Zamfir, Elena (1996) 'Children at Risk in Romania: Problems Old and New', Innocenti Occasional Papers, Economic Policy Series, No. 56, Florence.
 - Zamfir, Elena (2002) 'Directii ale reformei sistemului de protectie pentru copil si familie', *Revista de Asistentă Socială* 2: 29–49.

کودکی در جامعه‌شناسی و جامعه

چشم‌انداز ایالات متحده

لورتا باس^۱، ترجمهٔ مژده بای

چکیده

در زمینهٔ مطالعات کودکی نظریه‌پردازی بر عهدهٔ محققان میان‌رشته‌ای است که تحقیقاتشان روی کودکان و جوانان متمرکز است. جامعه‌شناسان ایالات متحده آمریکا که مطالعاتشان در زمینهٔ کودکی است بخش اعظمی از مطالعات خود را به کمک متون انگلیسی‌زبان منتشر شده راجع به کودکی انجام می‌دهند. تمرکز این مقاله بر فعالیت‌های جامعه‌شناسان آمریکایی است، البته به مطالعات محققان غیرآمریکایی که به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند و در تحقیقات محققان آمریکایی هم از آن‌ها استفاده شده نیز اشاره شده است. همچنین این مقاله از حمایت‌های مؤسسات و مراکز در حوزهٔ مطالعات کودک، به‌خصوص فعالیت‌های بخش «کودکان و جوانان»^۲ انجمن جامعه‌شناسی آمریکا^۳ یاد کرده و به بررسی مطالعات کودکی در جامعه‌شناسی و بازتاب‌های آن در مطالعات میان‌رشته‌ای می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: کودکی، کودکان، رفاه کودکان، نابرابری‌های اجتماعی، سیاست اجتماعی، ایالات متحده

^۱ لورتا باس (Loretta E. Bass)، دانشگاه اکلاهما (University of Oklahoma)

^۲ 'Children and Youth' Section

^۳ American Sociological Association (ASA)

مقدمه

این مقاله گزارشی است از مطالعات جامعه‌شناختی در حوزهٔ کودکان در امریکا که طی سه مرحله آن‌ها را بازگو کرده‌ام. در مرحلهٔ اول، متون مربوط به مطالعات کودکی را از سال ۱۹۸۰ بررسی کردم و به کنکاش بیشتر روی یافته‌های مهم تحقیقات و پیشرفت‌هایی که داشتند پرداختم. واکردین^۱ (۲۰۰۴) بحث‌های مفصلی از آخرین نظرات مطرح‌شده راجع به تشخیص کودک از بزرگسال را از آریس^۲ (۱۹۶۲) [۱۹۶۰]، دی‌ماوس^۳ (۱۹۷۴) و دیموس^۴ (۱۹۷۰) ارائه کرده است. در مرحلهٔ دوم، به بررسی دیدگاه‌های غالب و پیشنهادات مطرح در پژوهش‌ها پرداختم که زندگی کودکان امریکایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در آخر، با بیان فواید مطالعهٔ کودکی به عنوان مبحثی میان‌رشته‌ای، چشم‌اندازی از مطالعات جامعه‌شناختی کودکی ارائه می‌دهم.

زمینهٔ تحقیقات جامعه‌شناختی کودکی در ایالات متحده

جامعه‌شناسی امریکا تعریف گسترده‌ای برای مطالعات کودکی - یا همان مطالعات کودکان و جوانان - دارد و بدین منظور از محققان و نظریه‌پردازانی استفاده می‌کند که حوزهٔ مطالعاتشان کودکان و نوجوانان است. محتوای مطالعات کودکی در امریکا را می‌توان به دو بخش تقسیم‌بندی کرد: تحقیق و تدریس، و وضعیت اجتماعی و سیاسی که هر دو مبحث (تحقیق و تدریس) را حمایت می‌کند. جامعه‌شناسان اروپایی فعال در کمیتهٔ تحقیق ۵۳ با موضوع جامعه‌شناسی کودکی در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی^۵ کمک‌های فراوانی به پیشرفت رشتهٔ مطالعات جامعه‌شناختی کودکی

¹ Walkerdine

² Ariès

³ de Mause

⁴ Demos

⁵ International Sociological Association (ISA) Research Committee 53 on Sociology of Childhood

کرده‌اند. اداره دو منبع اصلی مطبوعات کودک یعنی کودکی^۱ و کودکان و جامعه^۲ در دست اروپایی‌ها است. علاوه بر این، محققان بریتانیایی فعال در زمینه مطالعات کودکی به کمک دانشگاه اپن^۳ چهار کتاب با موضوع جامعه‌شناسی کودکی منتشر کرده‌اند، با عناوین: فهم دوران کودکی^۴ اثر وودهد^۵ و مونتگومری^۶، دوران‌های کودکی در زمینه^۷ اثر مبین^۸ و وودهد (۲۰۰۳)، جهان‌های فرهنگی کودکان^۹ کهیلی^{۱۰} و سوان^{۱۱} (۲۰۰۳) و تغییر دوران کودکی^{۱۲} اثر مونتگومری و همکارانش. جامعه‌شناسان آمریکایی نیز مطالعات زیادی انجام داده‌اند (مثل کورسارو^{۱۳}، ۱۹۹۷)، اما همه این مطالعات عموماً به رشته‌های متداول و سنتی دانشگاهی مثل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی محدود می‌شوند.

مطالعه و آموزش تخصصی در حوزه کودک که توسط جامعه‌شناسان آمریکایی انجام شد از بخش «کودکان و جوانان» انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، که در اصل از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ بخش کودک بوده است، شروع شد و توسعه پیدا کرد. مجموعه «مطالعات جامعه‌شناختی کودکان و جوانان»^{۱۴} (کینی^{۱۵} و روزیر^{۱۶}، ویراستاران مجموعه، السویر ساینس^{۱۷})، که تا سال ۲۰۰۰ به اسم «مطالعات جامعه‌شناختی

¹ *Childhood*

² *Children and Society*

³ Open University

⁴ *Understanding Childhood*

⁵ Woodhead

⁶ Montgomery

⁷ *Childhoods in Context*

⁸ Maybin

⁹ *Children's Cultural Worlds*

¹⁰ Kehily

¹¹ Swann

¹² *Changing Childhood*

¹³ Corsaro

¹⁴ 'Sociological Studies of Children and Youth' series

¹⁵ Kinney

¹⁶ Rosier

¹⁷ Elsevier Science

کودکان» شناخته می‌شد، تنها خروجی منتشرشدهٔ امریکایی‌ها است که می‌تواند برای جامعه‌شناسانی مفید باشد که در زمینهٔ کودکان مطالعه می‌کنند. اعضای بخش کودکان و جوانان انجمن جامعه‌شناسی امریکا از سال ۱۹۸۶ شروع به چاپ این مجلد تحقیق سالانه کرده‌اند. برای تک‌نگاری‌های متمرکز بر دوران کودکی و مسائل مربوط به کودکان می‌توان از دو انتشارات ثابت و همواره فعال نام برد، انتشارات دانشگاه روتگرس^۱ که مجموعهٔ «مطالعات کودکی»^۲ و انتشارات لین رینر^۳ که مجموعهٔ «کودکان در معرض خطر»^۴ را چاپ می‌کند.

پیشرفت‌های مربوط به حوزهٔ آموزش و برنامهٔ آموزشی، اخیراً در رشته‌های روان‌شناسی یا علوم تربیتی صورت گرفته است. اگرچه پس از سال ۱۹۹۰، دوره‌های جامعه‌شناسی با تمرکز بر کودکان و کودکی شروع به ارائه در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های امریکا کرد. انجمن جامعه‌شناسی امریکا راهنمای مرجع آموزش جامعه‌شناسی کودکان و کودکی^۵ (ویراستار، سو ماری رایت^۶، ۲۰۰۳) را منتشر می‌کند که شامل نمونه‌های طرح درس، تحقیقات و پروژه‌هایی برای دوره‌های جامعه‌شناسی معطوف به کودکان است. چند کتاب درسی مقطع لیسانس نیز در امریکا با محوریت کودکی، با عناوین *کودک و جامعه*^۷ اثر الکین^۸ و *هندل*^۹ (۱۹۸۸)، *جامعه‌شناسی کودکی*^{۱۰} اثر کورسارو (۱۹۹۷)، *کودکان در زمینه‌ها*^{۱۱} اثر بوکاک^{۱۲} و

^۱ Rutgers University Press

^۲ 'Childhood Studies' series

^۳ Lynne Rienner Press

^۴ Children at Risk

^۵ *Sociology of Children and Childhood Teaching Resource Guide*

^۶ Sue Marie Wright

^۷ *The Child and Society*

^۸ Elkin

^۹ Handel

^{۱۰} *Sociology of Childhood*

^{۱۱} *Children in Contexts*

^{۱۲} Boocock

اسکات^۱ (۲۰۰۵) و جامعه‌شناسی کودکان و جامعه‌پذیری کودکی^۲ اثر هندل و همکاران (۲۰۰۷) به چاپ رسیده است. درحالی‌که متون الکین و هندل، کورسارو، و هندل و همکاران نگاهی جامعه‌شناسانه دارد، بوکاک و اسکات از رویکرد میان‌رشته‌ای تری استفاده می‌کنند. در راستای توسعه برنامه آموزشی کالج بروکلین^۳ و دانشگاه ایسترن واشنگتن^۴ تخصص مطالعات کودکی برای مقطع کارشناسی ارائه کرده‌اند، و کالج بروکلین نیز یک مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای کودکان دارد. دانشگاه روتگرس در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مطالعات کودکی ارائه می‌کند و دارای مرکز میان‌رشته‌ای دانشگاه روتگرس برای مطالعات کودکان و کودکی^۵ نیز است. بنابراین، در حوزه جامعه‌شناسی پیشرفت‌هایی در حوزه تدریس و برنامه‌ریزی درسی برای مطالعات کودکی صورت گرفته، اما در عمل این پیشرفت در زمینه گسترده‌تری از مطالعات کودکی رخ داده که شامل رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم تربیتی می‌شود.

نظریات و رویکردهای اصلی در تحقیقات کودکی امریکایی

رویکردهای برساختگرایی اجتماعی، رویکردهای ساختاری اجتماعی و رویکردهای جمعیت‌شناسانه همه برای تبیین و تفسیر زندگی کودکان امریکایی استفاده می‌شوند. این رویکردها این امکان را به ما می‌دهند که پی ببریم چگونه کودکان به صورت پویا در حال ساخت معنی و مفهوم هستند، چگونه توسط ساختارهای اجتماعی محدود می‌شوند و اینکه چگونه داشتن درکی از زندگی کودکان می‌تواند در جهت

¹ Scott

² *The Sociology of Children and Childhood Socialization*

³ Brooklyn College

⁴ Eastern Washington University

⁵ Rutgers University Center for Children and Childhood Studies

آگاه کردن سیاست عمومی و حفظ حقوق و رفاه کودکان به کار رود. در این بخش هر کدام از این رویکردها به تفصیل شرح داده می‌شود.

رویکردهای برساختگرایی اجتماعی

رویکردهای برساختگرایی اجتماعی و فرهنگی امریکا در حوزه مطالعات کودکی، متأثر است از نظریات اروپاییان و کاری که اخیراً اوپی و اوپی^۱ (۱۹۶۹) در رشته انسان‌شناسی انجام داد و در آن بیان کرد که کودکان باید اجتماعی کاملاً مستقل از بزرگسالان و به صورت خودگردان با حوادث، قوانین، آیین و ویژگی‌های اجتماعی خاص خود در نظر گرفته شوند. در دهه ۱۹۷۰، انسان‌شناس امریکایی بلوبندلانگر^۲ (۱۹۷۸) به تعبیر و تفسیر دنیای کودکان در حال مرگ با توجه به کلمات و حرف‌هایشان هنگام دل‌داری دادن به پدرو مادر و دکترشان پرداخت. تحقیقات اخیر کلارک^۳ (۲۰۰۳) نشان داد که تعاملات همراه با شوخی و بازی که توسط کودکان بیمار آغاز می‌شود در نهایت باعث افزایش قدرت تحمل و پذیرش خانواده وی می‌شود. در اروپا کورتروپ^۴ (۱۹۹۴) دوران کودکی را به عنوان «پدیده‌ای اجتماعی» معرفی کرد. در همین راستا دیگر جامعه‌شناسان اروپایی شروع به استفاده از نظریه کنش متقابل نمادین^۵ کرده‌اند که آن‌ها را مجاب به در نظر گرفتن فعالیت‌های روزمره کودکان و آرزوهایشان برای تفسیر زندگی آنان می‌کند (مثلاً جیمز^۶ و پروت^۷، ۱۹۷۷ [۱۹۹۰]؛ جنکس^۸، ۲۰۰۴؛ مبین و ووده‌د، ۲۰۰۳؛ کورتروپ، ۱۹۹۳؛ استینتن راجرز^۹

^۱ Opie and Opie

^۲ Bluebond-Langner

^۳ Clark

^۴ Qvortrup

^۵ social interaction theory

^۶ James

^۷ Prout

^۸ Jenks

^۹ Stainton Rogers

و همکاران، ۱۹۹۱؛ ووده‌د، ۱۹۹۹). کورسارو (۱۹۸۸) با تفسیر زندگی کودکان از منظر شبکه‌های اجتماعی‌ای که کودکان با آن‌ها سروکار دارند کمک شایانی به نظریه‌پردازی امریکایی‌ها کرد. جمع‌آوری اطلاعات راجع به تجربیات روزمره کودکان و مفهوم این تجربیات برای آن‌ها و نحوه استفاده‌شان از این تجربیات در توافق با شیوه‌های مردم‌نگارانه است که از بازتاب استفاده می‌کند و شامل صدای بچه‌ها نیز می‌شود.

تحقیقات انجام‌شده با رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی در محیط‌های نهادی، مثل مراکز مراقبت روزانه و مدارس نشان می‌دهد که کودکان خردسال به تجربیات خود معنا می‌بخشند و فرهنگ غنی‌ای را برای خود می‌سازند. با بررسی رفتار گروهی از کودکان نوپا در جمع بچه‌های دو ساله آنان ترجیح جنسیتی و نژادی را به نمایش گذاشتند (تامپسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۱؛ ون‌آزدال^۲ و فیگین^۳، ۲۰۰۱). بازی در زمین‌های بازی و بین کودکان هم سن و سال به خودی‌خود پیش می‌رود، حتی زمانی که ترکیب گروه نیز به هم بخورد. این بدان معنی است که کودکان قوانین و مفاهیم مشترکی را ایجاد می‌کند که تعیین‌کننده ویژگی‌های فرد مورد قبول برای ورود به بازی و چگونگی پیشروی بازی است. این قوانین و مفاهیم در سطح اجتماعی برای کودکان وجود دارند و به همین دلیل است که با وجود اضافه‌شدن فرد جدید به گروه یا ترک یکی از اعضا بازی همچنان ادامه می‌یابد.

مطالعات انجام‌شده در محیط‌های نهادی همچنین امکان بررسی دقیق دوران کودکی را به ما می‌دهد (ن.ک. آدلر و آدلر^۴، ۱۹۸۸؛ کورسارو، ۱۹۸۸؛ هاردمن^۵،

^۱ Thompson

^۲ van Ausdale

^۳ Feagin

^۴ Adler and Adler

^۵ Hardman

۱۹۷۳؛ تورن^۱، ۱۹۹۳؛ ون‌آزدال و فیگین، ۲۰۰۱). کورسارو (۱۹۸۸) با انجام تحقیقی به شیوه مشاهده مشارکتی روی کودکان مشغول بازی در یک مهد کودک در ایتالیا و یک مرکز پیش‌دبستانی در آمریکا، از آن به عنوان اطلاعات پایه‌ای برای توصیف شیوه زندگی کودکان و دیدگاه‌های آنان استفاده کرد. کورسارو (۱۹۸۸) مانند مشاهدات پیشین انسان‌شناس انگلیسی هاردمن (۱۹۷۳) در مدرسه‌ای ابتدایی، سطح تجربه کودکان هنگام مواجهه با سطوح دیگری از باورها، ارزش‌های جامعه و تعاملات اجتماعی و نحوه شکل‌دادن به یا شکل‌پذیرفتن از آن‌ها را سنجید. در این صورت کودکان به مثابه عاملان فعالی در نظر گرفته می‌شوند که با توجه به تعاملات اجتماعی و روابط بین آنان شروع به ساخت معنا می‌کنند. به همین ترتیب، کورسارو و ادر^۲ (۱۹۹۰) باور دارند بچه‌هایی که آزادانه مشغول بازی هستند در حال بازسازی عناصر دنیای بزرگ‌ترها در سطح فرهنگ کودکان خود هستند. ون‌آزدال و فیگین (۲۰۰۱) با به‌کارگیری دوباره شیوه مشاهده مشارکتی و رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی نشان دادند که چگونه الگوها و گفت‌وگوهای حین بازی کودکان مفهوم نژاد را به آنان می‌آموزد. آن‌ها در پژوهش خود با عنوان، نخستین ر: کودکان چگونه نژاد و نژادپرستی را می‌آموزند^۳، نشان می‌دهند که بچه‌ها نه تنها تفاوت‌هایی که منجر به تمایز نژادهای مختلف می‌شود را می‌شناسند، بلکه یاد می‌گیرند الویت‌بندی‌ای برای رفتارهای قابل قبول و ارجح میان گروه‌های مختلف نژادی وجود دارد و همچنین اینکه جایگاه نسبی‌ای برای هر نژاد در طبقه‌بندی نژادها وجود دارد. مطالعات دیگری نیز (کاهیل^۴، ۱۹۸۶؛ میلیگان^۵ و بریفیلد^۶، ۲۰۰۴)، به بررسی رفتار بزرگ‌ترها با کودکان

^۱ Thorne

^۲ Eder

^۳ *The First R: How Children Learn Race and Racism*

^۴ Cahill

^۵ Milligan

^۶ Brayfield

در محیط‌های عمومی می‌پردازد و اینکه چگونه این تعاملات چارچوبی برای بده‌بستان، و فراگیری و عمل فرهنگی را مشخص می‌کنند.

پاتریشیا آدلر و پیتر آدلر (۱۹۸۸) در کتاب *قدرت همسالان*^۱ که اطلاعات آن با انجام مشاهداتی در مدرسه‌ای راهنمایی به دست آمده به بررسی این مسئله می‌پردازند که چگونه کودکان ساختاری طبقه‌بندی شده می‌سازند. بری تورن (۱۹۹۳) در کتاب *بازی جنسیت*^۲ به مسئله‌ای مشابه در میان کودکان دانش‌آموز می‌پردازد. تورن بیان می‌کند درحالی‌که باور بر این است که فرهنگ بچه‌ها در مدرسه دوران ابتدایی شکل می‌گیرد، بچه‌ها بعد از آن نیز به ساخت قوانین و ساختارهای اجتماعی ادامه می‌دهند. به عنوان مثال تورن نشان می‌دهد که چگونه کودکان از «آیین آلودگی»^۳ در بازی‌هایی که ابداع و اجرا می‌کنند استفاده می‌کنند تا الگوهای بزرگتری از نابرابری را به نمایش بگذارند: نابرابری به دلایل جنسیتی، طبقه اجتماعی و نژاد، و ویژگی‌های ظاهری مثل وزن و هماهنگی حرکتی (تورن، ۱۹۹۳: ۷۵). به این صورت او از این گفته دفاع می‌کند که کودکان ساختار طبقه‌بندی شده را از دنیای بزرگ‌ترها دریافت می‌کنند و ساختاری شبیه به آن را در دنیای خود می‌سازند. تحقیقات لمب^۴ (۲۰۰۲) نیز با بیان اینکه کودکان هنگام حرف‌زدن درباره مسائل جنسی با گروه همسال خود از فرهنگ مخفیانه کودکان استفاده می‌کنند، از این عقیده دفاع می‌کند که کودکان به طور فعال در حال ساخت معنا (الگوپذیری) هستند. در راستای تأیید و توسعه این تحقیق، مطالعات گروهی از محققان انگلیسی در رابطه با نژادپرستی، مردانگی و سکسیسم در گروه‌های مشابه از لحاظ فرهنگی (ن.ک. فروش^۵ و همکاران، ۲۰۰۲؛ هی^۶، ۱۹۹۷؛

^۱ Peer Power

^۲ Gender Play

^۳ pollution rituals

^۴ Lamb

^۵ Frosh

^۶ Hey

جیمز و همکاران، ۱۹۹۸) و مطالعات امبرت^۱ (۱۹۹۵) با موضوع سوءاستفادهٔ احساسی و جسمی در میان کودکان کانادایی آشکار می‌کند که چگونه گروه کودکان این مسائل را می‌آموزند و مورد بحث قرار می‌دهند. طبق این مطالعات کودکان دائماً در حال تغییر و ساخت معنا و مفاهیمی هستند که فرهنگشان را می‌سازد.

رویکردهای ساختاری اجتماعی

سن به مثابهٔ ساختار اجتماعی برای تعریف و درک کودکی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اگرچه برای مقایسه بین کودکان خردسال و کودکان بزرگ‌تر تعیین شود یا به عنوان شاخص نسلی کودکان و بزرگسالان. همانطور که در قبل اشاره شد از دید تورن سن و جنسیت ساختارهایی هستند که چارچوب‌های زندگی کودک را مشخص می‌کنند، اما در عین حال کودکان را عاملان اجتماعی می‌داند که بر این ساختارها تأثیر می‌گذارند و شروع به ایجاد فرهنگ مخصوص خودشان در همین ساختارها می‌کنند. باس (۲۰۰۴) نیز پی برد که ابتدا سن و سپس وضعیت اقتصادی و جنسیت فرصت‌های پیش روی کودکان را در بازارهای کشورهای جنوب صحرای آفریقا محدود می‌کند. اما کودکان همچنان رقبا و شرکای دنیای کاری خود باقی می‌مانند. پاسوت^۲ (۱۹۸۷) اما باور دارد که سن از دیگر شاخص‌های طبقه‌بندی مثل نژاد، طبقهٔ اجتماعی و جنسیت تعیین‌کننده‌تر است. تحقیقات پاسوت نشان می‌دهد که کودکان ۵ تا ۱۰ سال که در یک اردوی تابستانی شرکت کرده بودند خود را به دو گروه بچه‌های کوچک و بزرگ تعریف و دسته‌بندی کردند. مطالعات دیگر (گودوین^۳، ۱۹۹۰؛ اسکات، ۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهند که برای درک تعریفی که کودکان از قدرت و

^۱ Ambert

^۲ Passuth

^۳ Goodwin

اعتبار دارند، نیاز است سن به همراه ویژگی‌های دیگر یعنی نژاد، جنسیت و طبقه اجتماعی با هم در نظر گرفته شوند.

فونر^۱ (۱۹۷۸) با دید وسیع‌تری به سن می‌نگرد و با معرفی سن و به طور دقیق‌تر، وضعیت نسلی به عنوان ابزار بررسی برای درک بهتر دیدگاهی که هر نسل به روابط و تشکیل خانواده دارند، بینش ارزشمند و تازه‌ای را ارائه می‌کند. طبق گفته فونر (۱۹۷۸): (۳۴۳) هر دوره‌ای سرگذشت و جریانات خاص خود را دارد و هیچ دو هم‌دوره‌ای روند رشد یکسانی را طی نمی‌کنند. فونر بیان می‌کند گروه‌هایی که محیط اجتماعی و سیاسی یکسانی را تجربه کرده‌اند ممکن است اهداف و انگیزه‌های مشابهی داشته باشند. در سالیان اخیر دانشمندان اروپایی از شاخصه سن به عنوان شاخصه دائمی و ثابت، و محققان کانادایی از نسل برای تعریف و تفسیر زندگی کودکان بهره برده‌اند (مثلاً آلانن^۲، ۲۰۰۱؛ مایال^۳، ۲۰۰۰؛ کورتروپ، ۲۰۰۰؛ واکردین، ۲۰۰۴).

زلیزر^۴ (۱۹۹۴) در نظریه‌ای ساختاری به بررسی این نکته می‌پردازد که چطور کودک دنیای مدرن از «بی‌فایدگی» اقتصادی در اواخر دهه ۱۸۰۰ به «بی‌ارزشی» احساسی در دهه ۱۹۳۰ رسید. او معتقد است که دیدگاه اقتصادی داشتن به زندگی دیدگاهی محدود است چراکه در بازار جهانی عوامل مهمی مثل عوامل اجتماعی، فرهنگی، احساسی و اخلاقی جایگاهی ندارند. دن کوک^۵ (۲۰۰۴) در کتاب خود، با نام کالایی‌شدن کودکی^۶، توضیح می‌دهد که چگونه دوران کودکی به بازار مصرف ارتباط پیدا کرد. او معتقد است که کودکی برای اولین بار در سال ۱۹۱۷ با انتشار تبلیغاتی از لباس کودکان در یک مجله تجاری کالایی‌شدن را آغاز کرد و پس از آن،

¹ Foner

² Alanen

³ Mayall

⁴ Zelizer

⁵ Dan Cook

⁶ *The Commodification of Childhood*

در دهه ۱۹۶۰، با به رسمیت شناختن کودک به عنوان مصرف‌کننده‌ای که نیازها و تمایلات خاص خود را دارد ادامه پیدا کرد. مطالعات کودکی نشان می‌دهد که امروزه مصرف‌کننده کودک بخش مجزایی در فروشگاه‌ها را به خود اختصاص داده که هر بخش با توجه به سن و جنسیت به قسمت‌های مختلف تقسیم می‌شود. این دنیای مجزای مصرف‌کنندگان کودک در قرن ۲۰ ایجاد شد. پژوهش‌های دیگر از دید دنیای مادی کودکان، کودکی را مورد بررسی قرار داده‌اند (مثلاً کراس^۱، ۱۹۹۷؛ لمب، ۲۰۰۲؛ زلیزر، ۲۰۰۲). مطالعات اخیر زلیزر (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که کودکان به اندازه تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان در مشارکت‌ها و شکل‌دادن به فرهنگ فعال هستند. مشابه نظریه کوک، تحقیقات انجام‌شده خارج از ایالات متحده توسط محققان حوزه کودک نیز نشان می‌دهد که چگونه [میزان و نحوه] مصرف کودکان در تعریف و تبیین دوران کودکی تأثیر می‌گذارد (مثلاً باکینگهام^۲، ۲۰۰۴؛ جینگ^۳، ۲۰۰۰؛ کلاین^۴، ۱۹۹۳؛ پستمن^۵، ۱۹۸۲) و حتی می‌تواند باعث کاهش اختلاف قدرت میان کودکان و بزرگسالان شود (برای نمونه ن.ک. مطالعه تاپسکات^۶ [۱۹۹۸] روی فناوری اینترنت).

علاوه بر این، کورتروپ (۱۹۹۳) شرح می‌دهد که شیوه زندگی کودکان و نحوه تعاملشان با نهادها با نحوه تعامل بزرگسالان متفاوت است، چراکه آن‌ها هنوز در دوره کودکی هستند. بنابراین عواملی که چارچوب‌های ساختار اجتماعی کودکان را مشخص می‌کند وسیع‌تر از شرایط سنی است، چراکه خود شرایط سنی نیز در روند کودکی شکل می‌گیرد (کورتروپ، ۱۹۹۴). در جامعه به صورت‌های مختلفی با

¹ Cross

² Buckingham

³ Jing

⁴ Kline

⁵ Postman

⁶ Tapscott

کودکان رفتار می‌شود و خود نیز ویژگی‌های خاص رفتاری دارند که نتیجه تعاملات‌شان (به مثابهٔ کودکان) با ساختارهای نهادین جامعه است. بنابراین نسل می‌تواند به عنوان شاخص ساختاری مناسبی باشد که می‌توان به کمک آن تجربیات، تعاملات و مفاهیم اجتماعی را مشخص کرد. این دیدگاه ما را قادر می‌سازد که پی ببریم چگونه تجربیات کودکان در یک دورهٔ مشخص می‌تواند در گذشت زمان منجر به تغییر در ویژگی‌ها و ارزش‌های یک جامعه شود.

به جای تمرکز صرف بر تأثیرات همسالان بر یکدیگر، لاریو^۱ (۲۰۰۲) یک مدل ساختاری اجتماعی از جامعه‌پذیری ارائه می‌دهد و به بررسی دقیق این موضوع می‌پردازد که چگونه خانواده‌های آمریکایی، از نژادها و طبقات مختلف، کودکی‌های متفاوتی را برای بچه‌های خود رقم می‌زنند. در این تحقیق، شیوه‌های مختلف فرزندپروری در خانواده‌ها با سطوح متفاوت دسترسی به منابع مورد بررسی قرار گرفتند تا تأثیر نژاد و طبقهٔ اجتماعی در فرایند کودکی بررسی شود. لاریو می‌خواهد با تمرکز بر محدودیت‌هایی که طبقه و نژاد ایجاد می‌کنند، مشخص کند که کودکان و والدین بر اساس محدودیت انتخاب‌ها کودکی را شکل می‌دهند. او شواهدی برای وجود دو نوع تربیت فرزند یافت: شیوهٔ تربیت هماهنگ^۲ در خانواده‌های طبقهٔ متوسط و رشد طبیعی^۳ در خانواده‌های طبقهٔ کارگر که باعث ایجاد دو مسیر متفاوت برای کودکان طبقهٔ بالا و طبقهٔ پایین می‌شود: مسیری که منجر به تفاوت‌های عظیم در فرصت‌های آینده در بزرگسالی آن‌ها می‌شود.

^۱ Lareau

^۲ concerted cultivation

^۳ emergence of natural growth

رویکردهای جمعیت‌شناسانه

پژوهش‌های جمعیت‌شناسان کمک شایانی به مطالعات کودکی در امریکا می‌کند. پژوهش‌هایی که معمولاً با رویکرد از بالا به پایین انجام می‌شود کودکان را به مثابه پل‌های ارتباطی میان ساختار خانوادگی بزرگ‌تر می‌بیند. پژوهش‌های جمعیت‌شناسانه مربوط به حوزهٔ کودکی همچنین با ایجاد ارتباطات بامعنا میان کارمندبودن والدین، بیمهٔ سلامت، فقر خانواده و ثبات خانواده با نشانه‌های رفاه کودک، موفق به حل مسائل بحث‌برانگیزی در سیاست عمومی شده است. در ایالات متحده رفاه کودک بواسطه شاخص‌های بسیاری سنجیده می‌شوند مثل سال‌های تحصیل متوالی و میزان اعتماد به نفس یا بلوغ از یک سو و مصرف سیگار، الکل، مواد مخدر و داشتن مشکلات روحی از سویی دیگر. مطالعهٔ رفاه کودکان در آکادمی به کمک دولت و کمک‌های مالی بخش خصوصی و فرصت‌های مطالعاتی انجام گرفته است که به دنبال بررسی زندگی کودکان هستند. علاوه بر این، نهادهای قانونی غیردولتی مثل چایلند ترندز^۱ و آئی‌ای. کیسی^۲ نیز از پژوهش‌های رفاه کودکان حمایت کردند. در واقع پژوهش‌های زیادی راجع به رفاه کودک در حوزهٔ جمعیت‌شناسی صورت گرفته است که منجر به اقدامات مثبت و منفی در جهت رفاه حال کودکان شد.

با استفاده از اطلاعات ده سال سرشماری ایالات متحده در قرن ۲۰، هرناندز^۳ (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که چندین «انقلاب» در خانواده‌های آمریکایی رخ داده، مثل کاهش جمعیت خانواده و ظهور خانواده‌هایی که دو منبع درآمد دارند. این دگرگونی در خانواده‌های آمریکایی طبیعتاً بر رفاه و کودکی کودکان آمریکایی تأثیر می‌گذارد. کودکان در خانواده‌های کم‌جمعیت با درآمد بالا معمولاً تحصیلات بالاتری دارند و

^۱ Child Trends

^۲ Annie E. Casey

^۳ Hernandez

در مشاغل پردرآمد استخدام می‌شوند، در مقابل کودکانی که در خانواده‌های بزرگ‌تر و با درآمدهای کمتر بزرگ می‌شوند. افزایش تعداد خانواده‌هایی که در آن زن و مرد هر دو کارمند هستند موجب بالا رفتن سطح درآمد شده است. طبق آخرین آمار ذکر شده تقریباً ۷۰ درصد از مادران کودکان پیش‌دبستانی خارج از خانه کار می‌کنند (دفتر سرشماری ایالات متحده^۱، ۲۰۰۲). ورود زنان به بازار کار باعث پدیده‌ای شد که هرانداز آن را انقلابی در نگهداری از کودک می‌نامد. مسئله‌ای که باعث تغییر ماهیت و ساختار کودکی در امریکا در طی نیم قرن اخیر شده است. در سال ۱۹۴۰ تنها ۱۳ درصد از کودکان پیش‌دبستانی والدین (هم پدر و هم مادر) شاغل داشتند (دفتر آمار ایالات متحده، ۲۰۰۲). مطالعات همچنین افزایش تعداد کارگری منازل از سال ۱۹۸۱ را نشان می‌دهد (هافرت^۲ و ساندبرگ^۳، ۲۰۰۱) که اثر کارمندی مادران است (بیانچی^۴، ۲۰۰۰؛ کوکسی^۵ و همکاران، ۱۹۹۷) و همچنین تمایل بیشتر کودکان خانواده‌های دو درآمدی به پدرانشان، برای پرکردن زمان خالی‌ای که مادر در بیرون از خانه کار می‌کند (لی^۶ و همکاران، ۲۰۰۳). می‌بینیم که انتظارات و ملاحظات خانواده مفهوم کودکی را تغییر داده است.

وضعیت زندگی خانواده روی رفاه کودک تأثیر می‌گذارد. برای مثال با جدایی والدین معمولاً کودک تغییرات بعد از جدایی مثل زندگی با یکی از والدین، رفتن به خانه یا محله جدید و تغییر مدرسه و پیدا کردن دوستان جدید را تجربه می‌کند. بعضی از مطالعات عوامل منفی و برخی عوامل مثبت مؤثر در رفاه کودکان را بیان می‌کنند.

¹ US Bureau of the Census

² Hofferth

³ Sandberg

⁴ Bianchi

⁵ Cooksey

⁶ Lee

پژوهشی روی ساختار خانواده (مور^۱ و همکاران، ۲۰۰۲) نشان می‌دهد کودکانی که با والدین تنی خود زندگی می‌کنند که رابطه نسبتاً خوبی باهم دارند، عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند. کروول^۲ و لیپر^۳ (۱۹۹۴) نشان می‌دهند که حمایت مالی پدران بعد از طلاق کم است و این عاملی است که شرایط رفاه کودک را بدتر می‌کند. در راستای همین تحقیق، کونتر^۴ (۱۹۹۷) نیز بیان می‌کند که طلاق و تک‌والدی شدن منجر به امنیت مالی پایین می‌شود. در طرف دیگر تحقیقاتی هستند که بیان می‌کنند کودکان طلاق مشکلات رفتاری و تربیتی و تعارضات بین والدین را قبل از صورت گرفتن طلاق تجربه می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توان طلاق را پیش درآمد نتایج منفی برای رفاه کودک و جدا از اتفاقات دیگر دانست [طلاق خود نتیجه مشکلات دیگر است] (کرلین^۵ و همکاران، ۱۹۹۱). همچنین کودکان طلاق دارای روحیه مستقل‌تری نسبت به هم سن و سالان خود هستند که با والدین تیشان زندگی می‌کنند (اسمارت^۶ و همکاران، ۲۰۰۱). تحقیقات ۶ ساله هترینگتون^۷ (۲۰۰۲) نشان داد که ۷۵ درصد کودکان طلاق از نظر رفتاری و آموزشی در سطح یکسانی با هم سن و سالان خود هستند که با خانواده‌های تیشان زندگی می‌کنند.

دیدگاه جمعیت‌شناختی با تاثیرگذاری بر سیاست خانواده نقش مهمی در مطالعات کودکی در امریکا داشته است. شاخص رفاه کودکان با توجه به تغییرات در خانواده مشخص می‌شود که می‌تواند اثرات متعددی را برای کودکان داشته باشد. رویکرد جمعیت‌شناختی نیازمندی‌های کیفی ارائه‌شده توسط محققان بر ساختگرایی اجتماعی

¹ Moore

² Crowell

³ Leaper

⁴ Coontz

⁵ Cherlin

⁶ Smart

⁷ Hetherington

اروپایی را برآورده نمی‌کند (ن.ک. جیمز و پروت، ۱۹۹۷ [۱۹۹۰]). در این نوع مطالعات که رفاه کودک در کانون توجه است کودکان را به عنوان عاملان کوچک در نظر می‌گیرند. به این صورت است که جمعیت‌شناسان اجتماعی کودک دیدگاه ارزشمندی برای تعیین ویژگی‌ها و تفسیر زندگی کودکان جامعه آمریکا ارائه کرده‌اند.

مباحث عمومی مطالعات کودکی به عنوان رشته‌ای نوظهور

درگیری میان رشته‌ای و پیامدهای آن

طیف وسیعی از رشته‌های فعال در حوزه مطالعه کودکی در حال حاضر برای درک زندگی کودکان به ما کمک می‌کنند و مباحث پرمفهومی درباره روش‌ها و نظریات موجود ارائه داده‌اند که هریک رویکرد تازه‌ای در مطالعات کودکی است. با اینکه اولین جرقه‌های توجه به بحث کودکی در رشته روان‌شناسی زده شد، مطالعات کودکی به موضوعی بحث‌برانگیز میان رشته‌های دیگر مثل جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نیز تبدیل شد که باعث ایجاد شیوه‌ها و رویکردهای وسیعی در این حوزه مطالعاتی شد. مرکز مطالعات کودک و کودکی دانشگاه روتگرس نمونه‌های اثرگذار و مهمی از پژوهش‌های پذیرفته‌شده در زمینه‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، کتابداری و مطالعات دینی در اختیار دارد. پرواضح است که مسائل بسیاری وجود دارد که دانشمندان باید از مباحثات و همکاری‌های طولانی مدت به آن‌ها پی ببرند.

جامعه‌شناس انگلیسی مارتین وودهد (۲۰۰۳)، در راستای مطالعات میان‌رشته‌ای، سه الگو برای مطالعات کودکان و کودکی پیشنهاد می‌کند. در الگوی اول او برای داشتن مجموعه‌ای مکمل الگوی تهاتری^۱ را پیشنهاد می‌کند که شامل همه رشته‌ها و مطالعات

¹ Clearinghouse model

صورت گرفته در زمینهٔ کوکان می‌شود. در الگوی دوم او الگوی انتخاب «ان» ترکیب^۱ را ارائه می‌دهد که فقط برخی از رویکردهای مطالعاتی حوزهٔ کودکی در آن قابل استفاده هستند. بنابراین اگر تحقیق انجام‌شده دارای برخی ویژگی‌های مشخص نباشد، مثل مشخصات تعیین‌شده برای روش‌های پذیرفته‌شده، در آن صورت آن تحقیق دیگر در حوزهٔ مطالعات کودکی به حساب نمی‌آید (مثل رویکرد جمعیت‌شناختی که نیازمندی‌های کیفی ارائه‌شده توسط محققان برساخت‌گرای اجتماعی اروپایی را برآورده نمی‌کند، جیمز و پروت، در سال ۱۹۹۰). الگوی سوم یعنی الگوی علامت‌گذاری مجدد^۲ به محققان امکان فعالیت در مراکز کودک‌محور با توجه به رشته‌شان را می‌دهد، اما به رشته‌های مرسوم و سنتی مثل جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی یا روان‌شناسی محدود می‌شود. مدل سوم متداول‌ترین روش در جامعه‌شناسی امروز امریکا است.

محققان سرشناس کودکی بر این باورند که رشتهٔ مطالعات کودکی قابل مقایسه با مطالعات زنان است. میرا بلوبندلانگنر (۲۰۰۰) معتقد است تأثیر مطالعات کودکی در قرن ۲۱ بر زندگی دانشگاهی، مشابه تأثیری است که برنامه‌های مطالعاتی زنان در قرن ۲۰ داشته است. او کلی^۳ (۱۹۹۴: ۱۳) نیز با قاطعیت بیان می‌کند که «زنان و کودکان قطعاً از طریق اجتماعی به هم متصل هستند، اما گسترش این زمینه‌های مطالعاتی دانشگاهی همچنین سؤالات روش‌شناختی و سیاسی جالبی را دربارهٔ نحوهٔ ارتباط میان وضعیت زنان و کودکان به عنوان اقلیت جامعه و وضعیتشان ایجاد می‌کند که نیازمند بررسی دقیق است.» بسیار شبیه به مطالعات زنان، با حمایت از برنامه‌های مطالعاتی

^۱ pick 'n' mix model

^۲ Rebranding model

^۳ Oakley

کودک محور مؤسسات دانشگاهی، مطالعات کودکی نیز می تواند به عنوان مبحث میان رشته ای شناخته شده در قرن ۲۱ گسترش یابد.

در نظرگیری رشته جامعه شناسی و مطالعات کودکی

در مقایسه با محققان دیگر رشته ها جامعه شناسان با استفاده از نظریات و روش های موجود در جامعه شناسی کمک های شایانی به مطالعات کودکی کرده اند. مطالعات و پژوهش های جامعه شناسی در امریکا از سال ۱۹۹۲ که رشته ها، مقاطع تحصیلی دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی بنا شد پیشرفت قابل توجهی را آغاز کرد. بخش کودک انجمن جامعه شناسی امریکا در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد که البته بعداً به دلیل اضافه شدن محققانی که روی سنین بالاتر مطالعه می کردند به بخش کودک و جوانان تغییر نام داد. به طور مشابه ویراستاران بخش مجموعه سالانه «مطالعات جامعه شناختی کودکان» (کینی و روزیر، ویراستاران مجموعه، السویر ساینس) نیز، در سال ۲۰۰۰، برای هماهنگی با انجمن جامعه شناسی امریکا نامش را به «مطالعات جامعه شناختی کودکان و جوانان» تغییر دادند. این بخش پذیرای هر روش و نظریه ای است که روی موضوع کودکی تمرکز دارد و دارای لیست سرو، خبرنامه و جلسات منظم در نشست های سالانه انجمن جامعه شناسی امریکا است.

مادامی که مطالعات کودکی به صورت میان رشته ای در امریکا دنبال شود جامعه شناسان می توانند کمک فراوانی به این زمینه مطالعاتی کنند. رشته جامعه شناسی و مطالعات کودکی وابسته به هم به نظر می رسند. هرچند جامعه شناسان معتقدند که مطالعات کودکی رشته ای خاص برای خودش است (بوکاک و اسکات، ۲۰۰۵)، این جمله تناقضی با گسترش مطالعات کودکی بین مرز رشته ها ندارد. جامعه شناسان تصویری از جایگاه اجتماعی یا وضعیت کودکان ارائه می دهند و با روش هایی که در دست دارند می توانند بررسی کنند که کودکی چگونه در جامعه ای شکل می گیرد یا

جای خود را پیدا می‌کند. جامعه‌شناسان همچنین می‌توانند زمینه‌های مشترک با محققان سایر رشته‌ها در حوزه مطالعه کودکی را پیدا کرده تا به روش‌های همه‌جانبه‌تری دست یافته و نظریاتی که در تفسیر زندگی کودکان به کار می‌روند را بهبود بخشند. پیشرفت مبحث میان‌رشته‌ای مطالعه کودکی در گرو تقویت پژوهش‌های جامعه‌شناسانی است که مطالعاتشان روی کودکان متمرکز است. در تأیید این حرف می‌توان به چالش‌های جامعه‌شناختی اشاره کرد که از سال ۱۹۹۰ در بحث مطالعات میان‌رشته‌ای کودکی مطرح شد و نکات مفیدی در کاستی‌ها و نقاط قوت مطالعات رفتار و زندگی کودکان به دست داد.

پژوهش حال و آینده - سیاست اجتماعی و حقوق کودکان

تحقیقات اکنون و آینده حوزه مطالعات کودکی را می‌توان در دو گروه اصلی سیاست اجتماعی و حقوق کودکان دسته‌بندی کرد که در بعضی قسمت‌ها نیز هم‌پوشانی دارند. سیاست اجتماعی درست می‌تواند زندگی کودکان را بهبود بخشد. نجات کودکان از فقر یکی از نتایج سیاست اجتماعی درست است. هرماندز (۱۹۹۳) با بررسی فقر به وسیله شاخص‌های رفاه کودک به این نکته پی برد که رابطه اساسی بین فقر و فرصت‌های پیش روی کودکان وجود دارد. یکی از پژوهش‌هایی (کستلو^۱ و همکاران، ۲۰۰۳) که تأثیر افزایش درآمد پس از افتتاح یک کازینو در بخش پذیرش شهرستان چروکی^۲ را بررسی می‌کرد دریافت که کودکان بومی آمریکا که افزایش سطح درآمدشان به قدری بود که آنان را از فقر برهاند، ناهنجاری‌های رفتاری کمتری داشتند. به استناد پژوهش‌ها بررسی کودکان و زندگی آنان بدون در نظرگیری آثار

^۱ Costello et al.

^۲ Cherokee

سیاست‌هایی مثل قانون اصلاحات رفاه^۱ سال ۱۹۹۶، کار بسیار دشواری است (بس^۲ و موزلی^۳، ۲۰۰۱؛ کاسپر^۴ و بیانچی، ۲۰۰۲). مثال دیگری از سیاست اجتماعی این است که دولت شکلی مشخص برای خانواده تعریف کند و اشکال دیگر آن را نادیده بگیرد، مثل خانواده‌هایی که والدین از یک جنسیت هستند و این مسئله بر زندگی کودکان این خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد، چراکه دولت به دلیل نادیده گرفتن این خانواده‌ها قادر به برطرف کردن نیاز کودکانشان نیست (کلارک، ۱۹۹۶). انجام مطالعات در زمینه شکل‌های مختلف خانواده باعث توجه سیاست اجتماعی به این خانواده‌ها و ایجاد آشنایی با آن‌ها می‌شود.

پژوهش روی حقوق کودکان شامل حفاظت از کودکان (عموماً از دید یک بزرگسال) و یا ضمانت حقوق شهروندی کودکان (مثل نظر قانونی یا حق رای در انتخابات) می‌شود. حفاظت از کودکان اصولاً بر این فرض استوار است که آن‌ها هنوز به رشد کافی نرسیده‌اند، بنابراین برای حفاظتشان از آسیب و حفظ فرصت رشدشان باید تحت حفاظت قانونی قرار گیرند. بر اساس رویکرد حقوق شهروندی، کودکان باید اجازه شرکت در تصمیم‌گیری‌هایی که در زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد را داشته باشند. مسئلهٔ بغرنجی مثل کودکان کار در قسمت هم‌پوشانی دو گروه پژوهشی باید بررسی شود چراکه کودک کار هم از حق آموزش و پرورش محروم می‌ماند و هم حق تأمین معاش [که معادل حفاظت است].

رویکردهای جدید بر این باورند مادامی که تحقیقات دربارهٔ کودکان است باید از صحبت‌ها و نظرات کودکان نیز در تحقیقات استفاده شود. از آنجایی که محققان و

^۱ Welfare Reform Law (or PRWORA)

^۲ Bass

^۳ Mosley

^۴ Casper

کودکان اساساً در شرایط متفاوتی از یکدیگر قرار دارند، راهی طولانی پیش روی پژوهشگران برای طراحی روش‌هایی برای درگیر کردن کودکان به عنوان مشارکت‌کنندگان در تحقیقات وجود دارد. تحقیقات آینده باید طبق این یافته‌ها پیش رود و ادامه یابد تا بچه‌ها را هرچند با وجود محدودیت‌ها به پویایی برساند. تمرکز بر مسائل عملی کودکان و استفاده از پروژه‌های تحقیقاتی عینی دانش ما را نسبت به ماهیت کودکی افزایش می‌دهد. محققان آینده حوزه مطالعات کودکی امریکا نیز باید مانند محققین ۱۵ سال اخیر این حوزه، با یافتن زمینه‌های مشترک به تلاش برای اتصال رشته‌ها و حتی قاره‌ها به هم ادامه داده و برای ساخت مراکزی اقدام کنند که باعث پیشرفت مطالعه کودکان و کودکی می‌شوند.

منابع

- Adler, Peter and Adler, Patricia (1988) *Peer Power: Preadolescent Culture and Identity*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Alanen, Leena (2001) 'Explorations in Generational Analysis', in Leena Alanen and Berry Mayall (eds) *Conceptualizing Child-Adult Relations*, pp. 11-22. London and New York: Routledge/Falmer.
- Ambert, Anne-Marie (1995) 'Toward a Theory of Peer Abuse', *Sociological Studies of Children* 7: 177-205.
- Ariès, Philippe (1962) *Centuries of Childhood: A Social History of Family Life*, trans. R. Baldick. New York: Vintage Books. (Orig. pub. 1960.)
- Bass, Loretta E. (2004) *Child Labor in Sub-Saharan Africa*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Bass, Loretta E. (ed.) (2005) *Sociological Studies of Children and Youth, Vol. 10. Special International Volume*. London and New York: Elsevier Science.
- Bass, Loretta E. and Mosley, Jane (2001) 'Assessing the Impact of the 1996 Welfare Reform Legislation on Children's SSI Receipt', Joint Center for Poverty Research Working Paper Series, University of Chicago/Northwestern University.

- Bianchi, Suzanne M. (2000) 'Maternal Employment and Time with Children: Dramatic Change or Surprising Continuity?', *Demography* 37(4): 401–14.
- Bluebond-Langner, Myra (1978) *The Private Worlds of Dying Children*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Bluebond-Langner, Myra (2000) 'Opening Remarks', public opening reception, Center for Children and Childhood Studies, Rutgers University, Camden, NJ.
- Boocock, Serane S. and Scott, Kimberly A. (2005) *Kids in Context: The Sociological Study of Children and Childhoods*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield.
- Buckingham, David (2004) 'New Media, New Childhoods? Children's Changing Cultural Environment in the Age of Digital Technology', in Mary Jane Kehily (ed.) *An Introduction to Childhood Studies*, pp. 108–22. Maidenhead and New York: Open University Press.
- Cahill, Spencer E. (1986) 'Childhood Socialization as a Recruitment Process: Some Lessons from the Study of Gender Development', *Sociological Studies of Child Development* 1: 163–86.
- Casper, Lynne and Bianchi, Suzanne (2002) *Continuity and Change in the American Family*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Cherlin, Andrew, Furstenberg, Frank, Chase-Lansdale, Lindsey, Kiernan, Kathleen E., Robins, Philip K., Morrison, Donna R. and Teitler, Julien O. (1991) 'Longitudinal Studies of Effects of Divorce on Children in Great Britain and the United States', *Science* 252: 1386–9.
- Clark, Cindy Dell (2003) *In Sickness and in Play*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Clarke, Lynda (1996) 'Demographic Change and the Family Situation of Children', in Julia Brannen and Margaret O'Brien (eds) *Children in Families: Research and Policy*, pp. 66–83. London: Falmer Press.
- Cook, Dan (2004) *The Commodification of Childhood*. Durham, NC: Duke University Press.
- Cooksey, Elizabeth C., Menaghan, Elizabeth and Jekielek, Susan M. (1997) 'Life Course Effects of Work and Family Circumstances on Children', *Social Forces* 76 (2): 637–66.

- Coontz, Stephanie (1997) *The Way We Really Are: Coming to Terms with America's Changing Families*. New York: Basic Books.
- Corsaro, William (1988) 'Routines in the Peer Culture of American and Italian Nursery School Children', *Sociology of Education* 61: 1–14.
- Corsaro, William (1997) *Sociology of Childhood*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Corsaro, William and Eder, Donna (1990) 'Children's Peer Cultures', *Annual Review of Sociology* 16: 197–200.
- Costello, E. Jane, Compton, Scott N., Keeler, Gordon and Angold, Adrian (2003) 'Relationships between Poverty and Psychopathology', *Journal of the American Medical Association* 290: 2023–9.
- Cross, Gary (1997) *Kids' Stuff: Toys and the Changing World of American Childhood*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Crowell, Nancy A. and Leaper, Ethel M. (1994) *America's Fathers and Public Policy: Report of a Workshop*. Washington, DC: National Academy Press.
- De Mause, Lloyd (1974) *The History of Childhood*. Northvale, NJ: John Aronson.
- Demos, John (1970) *A Little Commonwealth: Family Life in Plymouth Colony*. New York: Oxford University Press.
- Elkin, Frederick and Handel, Gerald (1988) *The Child and Society: The Process of Socialization*. New York: McGraw-Hill.
- Fine, Gary Alan and Sandstrom, Kent L. (1988) *Knowing Children: Participant Observation with Minors*. Newbury Park, CA: Sage.
- Foner, A. (1978) 'Age Stratification and the Changing Family', in John Demos and Serane Spence Boocock (eds) *Turning Points: Historical and Sociological Essays on the Family*, pp. 340–65. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Frosh, Stephen, Phoenix, Ann and Pattman, Rob (2002) *Young Masculinities: Understanding Boys in Contemporary Society*. London: Palgrave.
- Goodwin, Marjorie H. (1990) *He-Said-She-Said*. Bloomington: Indiana University Press.

- Handel, Gerald, Cahill, Spencer and Elkin Frederick, (2007) *The Sociology of Children and Childhood Socialization*. Oxford: Oxford University Press.
- Hardman, Charlotte (1973) 'Can There Be an Anthropology of Children?', *Journal of Anthropological Society of Oxford* 4(1): 85–99.
- Hernandez, Donald J. (1993) *America's Children: Resources from Family, Government, and the Economy*. New York: Russell Sage Foundation.
- Hetherington, E. Mavis (2002) *For Better or for Worse: Divorce Reconsidered*. New York: W. W. Norton.
- Hey, Valerie (1997) *The Company She Keeps: An Ethnography of Girls' Friendships*. Buckingham: Open University Press.
- Hofferth, Sandra L. and Sandberg, John F. (2001) 'Changes in American Children's Time, 1981–1997', in Sandra L. Hofferth and Timothy J. Owens (eds) *Children at the Millennium: Where Have We Come From, Where Are We Going?*, pp. 193–229. Oxford: Elsevier Science.
- James, Alison and Prout, Alan (1997) *Constructing and Reconstructing Childhood*, 2nd edn. London: Falmer. (Orig. pub. 1990.)
- James, Alison, Jenks, Chris and Prout, Alan (1998) *Theorizing Childhood*. Cambridge: Polity Press.
- Jenks, Chris (2004) 'Constructing Childhood Sociologically', in Mary Jane Kehily (ed.) *An Introduction to Childhood Studies*, pp. 77–95. Maidenhead and New York: Open University Press.
- Jing, Jun (2000) *Feeding China's Little Emperors: Food, Children and Social Change*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Kehily, Mary Jane and Swann, Joan (2003) *Children's Cultural Worlds. Childhood, Vol. 3*. Chichester: Wiley/Open University.
- Kline, Stephen (1993) *Out of the Garden: Toys and Children's Culture in the Age of TV Marketing*. London: Verso.
- Lamb, Sharon (2002) *The Secret Lives of Girls*. New York: Free Press.
- Lansdown, Gerison (1994) 'Children's Rights', in Berry Mayall (ed.) *Children's Childhoods: Observed and Experienced*, pp. 33–44. London and Washington, DC: Falmer Press.
- Lareau, Annette (2002) *Unequal Childhoods: Class, Race, and Family Life*. Berkeley, CA: University of Chicago Press.

- Lee, Yun-Suk, Schneider, Barbara and Waite, Linda (2003) 'Children and Housework: Some Unanswered Questions', *Sociological Studies of Children and Youth*, Vol. 9, pp. 105–25. London and New York: Elsevier Science
- Leonard, Madeleine (2005) 'Involving Children in Social Policy: A Case Study from Northern Ireland', pp. 153–69 in Loretta E. Bass (ed.) *Sociological Studies of Children and Youth*, Vol. 10. *Special International Volume*. London and New York: Elsevier Science.
- Mayall, Berry (2000) 'Conversations with Children: Working with Generational Issues', in Pia Christensen and Alison James (eds) *Research with Children: Perspectives and Practices*, pp. 120–35. London and New York: Falmer Press.
- Maybin, Janet and Woodhead, Martin (eds) (2003) *Childhoods in Context. Childhood*, Vol. 2. Chichester: Wiley/Open University.
- Milligan, Melinda J. and Brayfield, April (2004) 'Museums and Childhood: Negotiating Organizational Lessons', *Childhood* 11(3): 275–301.
- Montgomery, Heather, Burr, Rachel and Woodhead, Martin (eds) (2003) *Changing Childhoods: Local and Global. Childhood*, Vol. 4. Chichester: Wiley/Open University.
- Moore, Kristin, Jekielek, Susan and Emig, Carol (2002) 'Marriage from a Child's Perspective: How Does Family Structure Affect Children, and What Can We Do About It?', *Child Trends Research Brief*, June, pp. 1–8.
- Nieuwenhuys, Olga (1994) *Children's Lifeworlds: Gender, Welfare and Labour in the Developing World*. London: Routledge.
- Oakley, Ann (1994) 'Women and Children First and Last: Parallels and Differences between Children's and Women's Studies', in Berry Mayall (ed.) *Children's Childhoods: Observed and Experienced*, pp. 13–32. London and Washington, DC: Falmer Press.
- Opie, Iona and Opie, Peter (1969) *Children's Games in Street and Playground*. Oxford: Oxford University Press.
- Passuth, Patricia M. (1987) 'Age Hierarchies within Children's Groups', *Sociological Studies of Child Development* 2: 185–203.
- Postman, Neil (1982) *The Disappearance of Childhood*. New York: Delacorte Press.

- Qvortrup, Jens (1993) *Childhood as a Social Phenomenon: Lessons from an International Project*, Eurosocal Report 47. Vienna: European Centre.
- Qvortrup, Jens (1994) *Childhood Matters*. Aldershot: Avebury.
- Qvortrup, Jens (2000) 'A Generational Approach to a Sociology of Childhood', paper presented at the annual meeting of the American Sociological Association. Washington, DC.
- Saporiti, Angelo, Casas, Ferran, Grignoli, Daniela, Macini, Anonio, Ferrucci, Fabio, Rago, Marina, Alsinet, Carles, Figure, Cristina, Gonzalez, Monica, Guso, Mireia, Rostan, Carles and Saturni, Marta (2005) 'Children's Views on Children's Rights', in Loretta E. Bass (ed.) *Sociological Studies of Children and Youth, Vol. 10. Special International Volume*, pp. 125–152. London and New York: Elsevier Science.
- Scott, Kimberly A. (2002) 'You Want To Be a Girl and Not My Friend? AfricanAmerican Girls' Play Activities with and without Boys.' *Childhood* 9(4): 397–414.
- Smart, Carol, Neale, Bren and Wade, Amanda (2001) *The Changing Experience of Childhood: Families and Divorce*. Cambridge: Polity Press.
- Stainton Rogers, Wendy, Hevey, Denise, Roche, Jeremy and Ash, Elizabeth (1991) *Child Abuse and Neglect: Facing the Challenge*. London: Batsford and the Open University.
- Tapscott, Don (1998) *Growing Up Digital: The Rise of the Net Generation*. New York: McGraw-Hill.
- Thompson, Michael, Grace, Catherine and Cohen, Lawrence (2001) *Best Friends, Worst Enemies: Understanding the Social Lives of Children*. New York: Ballantine Books.
- Thorne, Barrie (1987) 'Revisioning Women and Social Change: Where are the Children?', *Gender and Society* 1(1): 85–109.
- Thorne, Barrie (1993) *Gender Play*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- US Bureau of the Census (2002) *Who's Minding the Kids? 1997 SIPP Report*. Washington, DC: US Bureau of the Census.
- Van Ausdale, D. and Feagin, Joe (2001) *The First R: How Children Learn Race and Racism*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield.

- Walkerdine, Valerie (2004) 'Developmental Psychology and the Study of Children', in Mary Jane Kehily (ed.) *An Introduction to Childhood Studies*, pp. 96–107. Maidenhead and New York: Open University Press.
- Woodhead, Martin (1999) 'Reconstructing Developmental Psychology: Some First Steps', *Children and Society* 13(1): 3–19.
- Woodhead, Martin (2003) 'Childhood Studies: Past, Present and Future', keynote lecture at the Open University conference 'Childhood Reconsidered', Open University, Faculty of Education and Language Studies, Oxford, June.
- Woodhead, Martin and Montgomery, Heather (eds) (2003) *Understanding Childhood. Childhood, Vol. 1*. Chichester: Wiley/Open University.
- Wright, Sue Marie (ed.) (2003) *Sociology of Children and Childhood*, 2nd edn. Washington, DC: American Sociological Association.
- Zelizer, Viviana (1994) *Pricing the Priceless Child*. New York: Basic Books. Zelizer, Viviana (2002) 'Kids and Commerce', *Childhood* 9(4): 375–396.

کودکان و کودکی در جامعه و جامعه‌شناسی هلند

رینکه فان‌دالن^۱، ترجمهٔ مژده بای

چکیده

بزرگ‌شدن در هلند یعنی بزرگ‌شدن در کشوری با سنت‌های ملی که با بنیان‌های دولت رفاه و روح مردم پیوند خورده است. با این حال، این مسئله هماهنگ‌شدن با تغییرات ایجادشده در جامعه و در روابط درون خانواده‌ها را، در قرن ۲۱، با مشکل مواجه کرده است. یکی از تأثیراتش جایگاه مبهم کودکان است که بین حوزهٔ عمومی و خصوصی در نوسان است، که این نوسان به‌طور ضمنی خبر از تضادها و درگیری‌های خاصی می‌دهد. دو مسئلهٔ قابل توجه وجود دارد: تقسیم مسئولیت [نگهداری از] کودکان بین والدین و نهادهای جمعی؛ و پژوهش روی والدین و دیگر آموزش‌دهندگان - که شامل همسالان نیز می‌شود - برای یافتن تعادلی میان کنترل بیرونی که توسط اجتماع انجام می‌شود و خودکنترلی در فرایند شکل‌گیری شخصیت کودکان. پژوهش‌هایی که در حوزهٔ جامعه‌شناسی کودکان و کودکی در هلند صورت می‌گیرد پراکنده است، که این نیز می‌تواند در جایگاه اجتماعی مبهم کودکان معاصر هلندی نقش داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: دولت رفاه نان‌آور، مراقبت، کودکان، آموزش، خانواده‌ها، مشارکت، والدین شاغل، جوانی

^۱ رینکه فان‌دالن (Rineke van Daalen)، دانشگاه آمستردام (University of Amsterdam)

مقدمه

پژوهش اجتماعی روی جوانان در هلند در طیف وسیعی از زمینه‌های تخصصی و در چارچوب جامعه‌شناسی خانواده و جامعه‌شناسی آموزش صورت می‌گیرد. این مطالعات تخصصی جامعه‌شناسانه بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد و از آنجایی که محور این مطالعات جوانان بودند، تمرکز اصلی روی نوجوانان و افرادی بود که به تازگی وارد ۲۰ سالگی می‌شدند. کودکان کمتر از ۱۲ سال جایی در این مطالعات نداشتند. اکثر این تحقیقات را نمی‌توان مثال‌هایی در حوزه مطالعات کودکی به شمار آورد، چراکه کودکان منحصراً مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. تحقیقات به ندرت و آن هم روی گروهی از کودکان انجام می‌شد و اغلب به دغدغه‌هایشان توجه نمی‌شد. محققانی که روی موضوعات مرتبط با مطالعات کودکی مثل زندگی خانوادگی و آموزش کار کرده‌اند، توجه چندانی به کودکان به عنوان یکی از گروه‌های تشکیل‌دهنده جامعه که باید منحصراً تحقیق روی آنان صورت گیرد نداشته‌اند (کورتروپ^۱، ۲۰۰۱؛ ساپوریتی^۲، ۲۰۰۱). نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی درباره کودکان و کودکی خیلی کم است.

البته نشانه‌ها بیانگر این هستند که امروزه به کودکان توجه بیشتری در گزارش‌های (شبه-)دولتی و پژوهش‌های آماری می‌شود. باورهای مبنی بر این که کودکان خردسال و نوجوانان تا سن ۲۵ سال نیز مانند بزرگ‌ترها حق حضور در مطالعات آماری و پژوهش‌های اجتماعی را دارند در حال افزایش است. مؤسسه برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی^۳ یکی از مراکزی است که این روزها توجه بیشتری به کودکان خردسال می‌کند و در انتشارات خود به طرح دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات کودکان بین ۰ تا ۱۲ سال

^۱ Qvortrup

^۲ Saporiti

^۳ The Sociaal en Cultureel Planbureau

پرداخته است (کوزنکامپ^۱، ۲۰۰۱؛ استکتته^۲ و همکاران، ۲۰۰۸؛ زیل^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). اما برخلاف این نشانه‌ها مبنی بر افزایش تمایل به تحقیق و پژوهش، تحقیق روی کودکان و کودکی در هلند همچنان محدود و در حاشیه است و بر چندین موضوع مختلف پراکنده است؛ که هرازگاهی در نشستی ارائه می‌شود و یا به صورت موضوعی خاص در ژورنالی دانشگاهی به چاپ می‌رسد (برخمان^۴ و همکاران، ۲۰۰۵؛ بو^۵ و همکاران، ۲۰۰۲؛ دی‌رگت^۶ و کومتر^۷، ۲۰۰۳؛ تنوفور^۸، ۱۹۹۹). کمبود یک بنیان دانشگاهی ثابت و با اهداف تحقیقاتی مشخص و همسو و جامعه‌ای حرفه‌ای و متخصص در این زمینه احساس می‌شود. محققانی که روی کودکان مطالعه می‌کنند - جامعه‌شناسان، آموزگاران، انسان‌شناسان، روان‌شناسان، تاریخ‌شناسان - در کل کشور پراکنده‌اند و در مراکز مختلف روی موضوعات مختلف کار می‌کنند و بعضاً از حضور و پژوهش همکاران دیگر خود هیچ اطلاعی ندارند.

رویکرد جامعه‌شناسانه به کودکان در هلند بطور قطع از زمان پژوهش علمی اجتماعی مدرن روی کودکان در هلند آغاز می‌شود. پراکندگی موجود در این حوزه، نوشتن این مقاله را نیز با محدودیت مواجه کرد. فکر می‌کنم ارتباطی بین این پراکندگی و جایگاه کودکان در جامعه هلند وجود دارد. به همین دلیل، در این مقاله، حوادث مربوط به مطالعات کودکی به طور پیوسته با حوادث مربوط به جایگاه اجتماعی کودکان بیان شده است.

¹ Keuzenkamp

² Steketee

³ Zeijl

⁴ Berghman

⁵ Bouw

⁶ De Regt

⁷ Komter

⁸ Etnofoor

کودکان در هلند: سرگردان میان حوزه خصوصی و حوزه عمومی

موقعیت کودکان در هلند شباهت‌های زیادی به هم‌سالانشان در کشورهای اروپایی دارد اما ویژگی‌ها و شرایطی نیز وجود دارد که خاص کودکان هلند است. اگر فردی به دنبال درک این ویژگی‌ها و مسائل پیچیده مرتبط با آن‌ها باشد باید در زمینه تاریخی به آن‌ها بنگرد.

کودکان هلندی و خانواده‌های آنان

در خانواده‌های هسته‌ای و خصوصی هلند از زمان‌های دور اینگونه بوده است که زن و مرد وظایف مکملی داشته‌اند و تا سال ۱۹۶۰ این خانواده، خانواده‌ای ایده‌آل محسوب می‌شد. منشاء این نوع تناسبات خانوادگی به محافل تجار بزرگ جمهوری هلند در قرن ۱۷ بازمی‌گردد. شاخصه‌های معرفی‌کننده فرهنگ خانوادگی آنان مادری که همه کارهای خانه و مادری به عهده اوست، فاصله گرفتن از خانواده گسترده و به بیان خیلی کلی‌تر فاصله گرفتن از دنیای خارج بود. شکل کلی خانواده‌ها اینطور بود که مرد تمرکز بر کارهای بیرون از خانه بود و زن امور داخلی خانه یعنی خانه‌داری و نگهداری از کودکان را انجام می‌داد (هاکس^۱، ۱۹۸۲).

در طول صنعتی‌شدن جوامع در دهه‌های آخر قرن ۱۹ این ایده‌آل‌ها ادامه یافتند و حتی با «بنیان‌گذاری» جامعه قوی‌تر شدند. هر طبقه اهمیت ویژه‌ای به مادری و مراقبت از کودک می‌داد تا ادامه فعالیت گروهشان را تضمین کرده باشد. اطلاعاتی که درباره تغییرات طی مدت طولانی در روابط خانودگی در دست داریم نشان می‌دهند که هلند کشوری بوده که تشکیل خانواده هسته‌ای در آن نسبتاً رادیکال بوده و از همان زمان‌های نسبتاً دور این مسئله رواج داشته است و کار اجباری برای زنان متأهل در آن

¹ Haks

در مقایسه با فرانسه، دانمارک، بلژیک، آلمان، سوئد و بریتانیا کم بوده است (پلانتنگا^۱، ۱۹۹۳؛ پوت‌بوتر^۲، ۱۹۹۳، ۸۷-۱۶۳).

این الگوی ایده‌آل خانواده‌ای که یکی از اعضا نقش نان‌آور خانه را دارد در روزهای نخست دولت رفاه نان‌آور هلند، در نیمه‌اول قرن ۲۰ تقویت شد. خانواده‌هایی که در آن‌ها پدر تنها نان‌آور خانه بود الگویی بود که باید در قرن بیستم در مراکز، مقررات و خدمات رفاهی نهادینه و گسترش داده می‌شد. برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده به دنبال این الگو، این نوع خانواده داخلی نان‌آور را حمایت می‌کردند و آن را ارتقاء می‌بخشیدند و شرایطی برای افزایش جمعیت، به منظور عملی کردن این ایده‌آل [گسترش این شکل از خانواده] به وجود آوردند. جایگاه کودکان در این الگوی خانواده مشخص بود: در خانه تحت مراقبت مادر بودند و در مدرسه معلمان اداره‌کننده امور بودند. نهادهای جمعی چیزی اضافه و غیرضروری محسوب می‌شدند و تقریباً هیچ حضوری در جامعه نداشتند.

برنامه‌ریزی‌های دولت رفاه از طریق تنظیمات و تسهیلات متعدد از تقویت خانواده هسته‌ای به عنوان محل امن مستقل حمایت می‌کرد. برای مثال کمک‌هزینه‌های کودک این را مشخص می‌سازد که سیستم امنیتی جامعه بر اساس الگوی خانواده نان‌آور تعیین شده بود. کمک‌هزینه کودک به عنوان راهی برای حمایت از استقلال خانواده‌ها به شمار می‌آمد. برای ضمانت وضعیت پدرها که نقش نان‌آور خانه را داشتند و کمک به آن‌ها در جهت اداره خانواده بسته به استانداردهای طبقه اجتماعی‌شان بدون در نظرگیری تعداد فرزندانشان میزان کمک‌هزینه‌ها تعیین می‌شد که با سطح درآمد و

¹ Plantenga

² Pott-Buter

رفاه نان‌آوران تنظیم می‌شد. خانواده‌های مرفه‌تر مبلغ بیشتری نسبت به خانواده‌های فقیرتر دریافت می‌کردند (فان‌دالن، ۲۰۰۲، ۲۰۰۵).

مثالی دیگر در اهمیت استقلال خانواده هسته‌ای در هلند سازماندهی برنامه‌ریزی‌های خاص رفاهی برای حفاظت از کودکان است. در دیگر کشورهای غربی، هر دو گروه بچه‌های در معرض خطر و خطر‌ساز در برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته می‌شدند، اما در هلند اولین مجموعه برنامه‌ریزی‌ها در جهت حفاظت از کودک (در دهه ۱۸۷۰) تنها برای کودکانی بود که رفتارشان تهدیدی برای نظم اجتماعی محسوب می‌شد (دسوان^۱، ۱۹۹۲). نادیده گرفتن و سوءاستفاده از کودکان که در دسری برای افراد خارج از خانواده ایجاد نمی‌کرد و جرم نیز محسوب نمی‌شد مسائل خانوادگی به حساب می‌آمدند و خانواده‌ها نمی‌خواستند دولت مداخله‌ای در آن داشته باشد. وضعیت تا دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که توجه عموم مردم و صاحب‌نظران به این مسئله جلب شود به همین منوال ادامه داشت، و پس از آن بود که سوءاستفاده از کودک نیز وارد برنامه‌های حفاظت از کودکان شد (فن‌مونتفورت^۲، ۱۹۹۴).

گسست از گذشته: خانواده‌ها و دولت رفاه

در نیمه اول قرن ۲۰، که دولت رفاه پایه‌گذاری شده و در حال پیشرفت بود، هلند ثروتمندتر شد و نابرابری‌های اجتماعی کاهش یافت. به دلیل هماهنگی برنامه‌ریزی‌های دولت رفاه با ساختار خانواده‌های نان‌آور فعالیت‌های روزمره و و ایده‌آل‌های خانواده‌های درونگرا در طبقات مختلف اجتماعی، فرقه‌ها و خانواده‌های شهری و اطراف شهر خیلی بیشتر شبیه به هم می‌شد.

^۱ de Swaan

^۲ van Montfoort

در طول دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، که می‌توان از آن‌ها به عنوان دوران عطف در تاریخ هلند نام برد، این تصویر مرتب و وزین از هم پاشید. در مرحله اول از پایداری رابطه بین زن و مرد نسبت به قبل کاسته شد. شکل‌های مختلف زندگی خانوادگی پدیدار شد و شیوه‌های نوین جلوگیری از بارداری معرفی شدند که به خانواده این امکان را می‌داد که تولد اولین فرزند را به تعویق بیندازند و تعداد فرزندانشان را محدود کنند. از نتایج جنبی این پدیده آزادی بیشتری بود که برای زنان به ارمغان آورد. زنان متأهل و حتی مادران دارای فرزند شروع به ترک خانه‌هایشان کردند.

این رهاشدن پس از مدتی میان زنان فروکش کرد اما شوق بی‌اندازه‌شان برای مستقل شدن در دهه ۱۹۹۰ توسط سیاسیون و سیاست‌گذاران سرکوب شد. این برنامه سیاسی که شامل حال مادران نیز می‌شد، همان افزایش کار اجباری برای جمعیت بزرگسال بود که بخشی از برنامه‌های دولت رفاه بود. برای متناسب کردن برنامه‌های دولت رفاه با قرن ۲۱، تا با جامعه‌ای با قدمت سازگاری داشته باشد و از پس عرصه جهانی رقابت اقتصادی موفق بیرون بیاید، الگوی دولت رفاه نان‌آور باید کنار گذاشته می‌شد - و از دهه ۱۹۹۰، این عقیده در عرصه سیاست و در سیاست‌گذاری‌ها پذیرفته شده بود. عرصه سیاست با رهایی اقلیت زنان رادیکال در ابتدا، هرچند با تردیدهایی، کنار آمده بود تا اینکه ایدئولوژی سیاست حاکم تغییر کرد: همه زنان، برای کمک به استقلال اقتصادی باید کسب درآمد می‌کردند. به گفته اسپینگ‌اندرسن^۱، این سیاست جدید قصدش تغییر دولت رفاه نان‌آور به دولت رفاه خدماتی است (اسپینگ‌اندرسن و همکاران، ۲۰۰۲).

اگرچه این تغییر عقیده سیاسی با تغییرات چشمگیری در زمینه مراقبت از کودک همراه نشد. روابط پایدار بین خانواده‌ها، بازار کار و دولت رفاه، که برای خانواده‌های

¹ Esping-Andersen

نان‌آور تعریف شده بود، دیگر وجود نداشت. مسئولیت مراقبت از کودکان دیگر کمتر در انحصار والدین بود، اما در زمینه تقسیم صحیح این مسئولیت با فضاهای عمومی و نهادهای جمعی موفق عمل نشد. کودکان در چنین شرایط بین حوزه عمومی و حوزه خصوصی سرگردان هستند.

اگر بخواهیم از نگاه کودکان به این مسئله بنگریم: به دلیل روابط سست تر و متنوع تر بین پدران و مادرانشان، آن‌ها در مقایسه با نسل گذشته خود تمایل کمتری به گذراندن وقتشان در خانه‌ای با والدینشان و همه خواهر و برادرهایشان دارند. آن‌ها به دلیل برخورد با انواع مختلف خانواده‌های ناتنی با روابط گسترده‌تری روبرو هستند. و مسئله مهم دیگر کم شدن تعداد خواهران و برادرانشان بواسطه روش‌های جلوگیری از بارداری است. جدای از تأثیر این تغییرات جمعیت‌شناختی بر زندگی کودکان، اشکال جدید خانواده تأثیرات اقتصادی نیز داشته‌اند. افزایش تعداد خانواده‌های تک‌والد به معنی این است که احتمال رشد بچه‌ها در خانواده‌های فقیر بیشتر می‌شود، چراکه خطر فقر در خانواده‌های تک‌والد از خانواده‌های با دو والد بیشتر است. همچنین، ارتباطات اجتماعی که کودکان در آن‌ها پرورش می‌یابند نیز در خانواده‌های دو والد بیشتر است. این تغییرات مخصوص هلند نیستند. همه دولت‌های رفاه غربی درگیر برنامه‌ریزی و طراحی تشکیلاتی مناسب برای مراقبت از بچه‌ها در زمانی هستند که والدین آن‌ها مشغول کارند. هرچند در هلند اجرای اصل نان‌آوری در دولت رفاه در زمان‌های گذشته تغییر به سمت شکل‌های نوین مراقبت از کودک را با مشکل مواجه کرده است. نشانه‌هایی از روحیه مادری خانگی هنوز در اذهان و احساسات مردم، متخصصین و سیاست‌گذاران به چشم می‌خورد. تعداد نهادهای جمعی کم است، کیفیت و امکانات خوبی ندارند و به صورت محدود از آن‌ها استفاده می‌شود. خیلی از خانواده‌ها به جای استفاده از نهادهای جمعی تدابیر غیررسمی و ترجیحاً با کمک اعضای خانواده ترتیب

می‌دهند. علاوه بر این، تقریباً اغلب مادران، و حتی پدران، کار نیمه‌وقت را ترجیح می‌دهد.^۱ این پیروی ذهنی و نهادین از ایده‌آل‌های قدیمی مانع گسست از گذشته می‌شود و ایجاد تشکیلات برای مراقبت و نگهداری را که می‌تواند همان کار مراقبت مادران در خانه را بکند با مشکل مواجه می‌کند (کرمر،^۲ ۲۰۰۷).

جو سیاسی نولیبرال نیز در جهت پول‌سازی از برنامه‌های رفاه است و با مخالفت شدیدی که با طرح متمرکز کردن مداخلات دولتی دارد این روند را با مشکل مواجه می‌کند. کم‌کاری‌های دولت به همراه تشویق شهروندان به تعهد و مشارکت [هرکس خود مسئول است و هر کس خود باید اقدام کند] پیشبرد برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای مراقبت از کودکان را به تعویق می‌اندازد. طبق این باور وظایف دولت باید به ایجاد شرایط و مراکز نگهداری و مراقبت محدود شود. از شهروندان انتظار می‌رود تا جایی که می‌توانند خودشان برای مراقبت از کودکانشان برنامه‌ریزی کنند تا مسئولیت‌ها بر عهده اعضای خانواده و در مجموعه‌ای غیررسمی باشد.

یکی از نتایج این روندها ایجاد طیف گسترده و غیریکپارچه‌ای از تمهیدات اندیشیده‌شده [در هر خانه] برای رشد کودکان است چراکه موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها با هم متفاوت است. علاوه بر این، شیوه تمهیدات نوین مراقبت از کودک ترکیب غریبی از درآمدزایی، غیررسمی‌بودن و مقررات است. برای مثال مادر بزرگی که از نوه‌های خود نگهداری می‌کند به شرط فراهم‌بودن خدمات رسمی بهداشت عمومی در منزلش، می‌تواند بابت نگهداری از نوه‌هایش برای هر

^۱ نرخ مشارکت نیروی کار زنان به این شرح است: ۲۱ درصد زنان تمام‌وقت کار می‌کنند، ۱۴ درصد ۲۸ تا ۳۴ ساعت در هفته، ۱۷ درصد ۲۰ تا ۲۷ ساعت در هفته، ده درصد ۱۲ تا ۱۹ ساعت در هفته

(پورتخیس Portegijs و کوزنکامپ، ۲۰۰۸)

ساعت مزدی دریافت کند اما با این کار باعث می‌شود فرزندان خودش به تدریج دیگر علاقه‌ای به نگهداری از کودکان نداشته باشند. چگونه کودکان این برنامه‌ریزی‌های چندگانه، بخشی غیررسمی، بخشی تجاری، و بخشی عمومی را از سر می‌گذارند؟ چگونه این تدابیر بر روابط بین کودکان و مراقبانشان تأثیر می‌گذارد؟

خلل دیگری که در روند عصر همگن‌سازی دولت رفاه اولیه [الگوی نان‌آور] وجود دارد افزایش تنوع خانواده‌ها به دلیل مهاجرت است. بعد از جنگ جهانی دوم، مهاجران از مستعمره‌های پیشین وارد هلند شدند. از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تعداد مهاجران از کشورهای حوزه مدیترانه - ایتالیا، اسپانیا، یونان، و مدتی بعد از ترکیه و مراکش - افزایش یافت. در سال ۲۰۰۵، ۱۰,۴ درصد از جمعیت هلند مهاجران غیرغربی بودند. کودکان این خانواده‌ها در فقر نسبی و در محله‌هایی با جمعیت زیاد مهاجران، در خانواده‌های نسبتاً منزوی با سرمایه اجتماعی و فرهنگی کم بزرگ می‌شدند. برای اکثر این کودکان شکاف بزرگی بین خانه و مدرسه وجود دارد. اغلب خانواده‌هایشان نمی‌توانند هلندی را به خوبی حرف بزنند؛ آنچه که از روابط قدرت و اقتدار بین نسل‌ها و بین زن و مرد در خانه می‌بینند و درک می‌کنند تفاوت زیادی دارد با آنچه از این روابط در مدرسه حس می‌کنند. در شهرهای بزرگ، کودکان نسل‌های اول یا دوم مهاجران در پایین‌ترین رده سیستم آموزشی قرار دارند. آمار انصراف از تحصیل در میان آن‌ها بالا است و آینده شغلی به نسبت بدی دارند. این اقلیت کودکان مشکل‌ساز به عنوان نماینده همه کودکان مهاجر دیده می‌شوند - رابطه خود را با مدرسه و آنچه می‌توانند آنجا به دست آورند از دست می‌دهند و به کودکان دردرساز در فضاهای عمومی تبدیل می‌شوند. فقدان برنامه‌ریزی‌های مناسب برای رسیدگی به کودکان در حوزه عمومی آسیب جدی را خصوصاً به این بچه‌ها وارد می‌کند.

تغییر برساخت اجتماعی کودکی نیز به این تغییر شکل‌ها و تغییر رویه‌ها مربوط می‌شود. مرزهای مشخص کودکی بواسطه محدودیت سنی در تحصیل اجباری، کار مزدی و مسائل جنسی رفته‌رفته نامشخص‌تر می‌شود. کودکی در هر گروهی بسته به جنسیت، طبقه اجتماعی و نژاد تعریف متفاوتی دارد اما در همه این تعریف‌های انجام‌شده ابهام و تناقض اساسی وجود دارد. به طرق مختلفی می‌توان پی برد که طول دوره کودکی و وابستگی به والدین طولانی‌تر شده است. همین‌طور طول دوره تحصیلات و زمان شروع زندگی مشترک و پذیرش مسئولیت والدگری نیز افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر فاصله بین موقعیت کودکان و بزرگسالان کمتر شده است. کودک از سنین کمتری آزادی می‌یابد تا آرزوهایش را تحقق ببخشد و به دنبال آرزوها و علایقش برود. آن‌ها اجازه دارند - یا بدون اجازه - در فعالیت‌هایی که قبلاً در حوزه اختیارات بزرگسالان بود مشارکت کنند. برای مثال به نوجوانان اجازه داده می‌شود روابط جنسی خودشان را داشته باشند. علاوه بر این، آن‌ها کار می‌کنند و درآمد قابل توجهی به دست می‌آورند؛ کار و مدرسه را همزمان پیش می‌برند. حقوق قانونی که برای کودکان وجود دارد به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در فعالیت‌های مدرسه و اجتماع مشارکت کنند؛ همچنین این حقوق در تصمیمات مهمی مثل طلاق والدین یا درمان پزشکی حق اظهارنظر نیز برای کودکان قائل می‌شود (برینکگریو^۱، ۲۰۰۴؛ دی‌رگت و کوتمر، ۲۰۰۳؛ دوینتر^۲، ۱۹۹۵؛ دوینتر و کرومن^۳، ۲۰۰۳؛ همریکا^۴ و هیتینگ^۵، ۲۰۰۴؛ پلاگ^۶ و همکاران، ۲۰۰۳).

¹ Brinkgreve

² de Winter

³ Kroneman

⁴ Hemrica

⁵ Heyting

⁶ Plug

در حالیکه در گذشته جایگاه کودکان هلندی به شدت به خانواده‌هسته‌ای اصلی‌شان وابسته بود، تغییرات اخیر ایجادشده در خانواده‌ها باعث تغییرات نه‌چندان خوبی در برنامه‌ریزی‌های رفاه برای تطبیق بیشتر با کودکان شده است. بین حرف و عمل فاصله وجود دارد. تمهیدات اندیشیده‌شده به منظور ایجاد تشکیلاتی جایگزین خانه اجرایی نمی‌شوند. تناقضات آشکاری بین تغییرات رادیکال در دیدگاه‌ها درباره‌ی زندگی خانوادگی و شیوه‌های نگهداری از کودکان وجود دارد.

کودکان در هلند: چشم‌اندازی جهانی

ارائه‌ی تصویری واضح از جایگاه کودکان هلندی در سطح بین‌المللی کار آسانی نیست. در گزارش یونیسف^۱ با موضوع وضعیت کودکان و نوجوانان در کشورهای پیشرفته اقتصادی، با عنوان بررسی چشم‌انداز فقر کودکان: مروری بر خوشبختی کودکان در کشورهای ثروتمند^۲ (یونیسف، ۲۰۰۷)، وضعیت کودکان هلند خوب گزارش شده است. از شش جهت - رفاه مادی، سلامت و امنیت، رفاه تحصیلی، روابط با خانواده و هم‌سالان، رفتارها و خطرات و رفاه شهروندی - هلند در بین ۱۰ کشور برتر در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ قرار دارد. از نظر حقوق شهروندی کودکان هلندی در مقام اول قرار دارند و این برای سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران اطمینان خاطر مضاعف است. بهتر از این نمی‌شود.

اما این نتیجه چه معنایی دارد؟ از نظر نویسندگان این گزارش، پژوهش آن‌ها نقطه آغازین است، به عنوان «کاری در دست اقدام که نیازمند تعاریف دقیق‌تر و اطلاعات بهتر است». آنان هشدار می‌دهند که این گزارش‌ها را نباید بسیار دقیق پنداشت: در واقع یافته‌ها «تلاشی برای بازتولید رشته‌کوه‌هایی عظیم و پیچیده در قالب اشکال نسبتاً

^۱ UNICEF

^۲ *Child Poverty in Perspective: An Overview of Child Well-Being in Rich Countries*

^۳ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

ساده‌هندسی هستند» (یونیسف، ۲۰۰۷: ۳۹). واضح است که عموم به زیرکی و تیزبینی موجود در این گونه صحبت‌ها پی نمی‌برند. در واقع از دید جهانی، کسی نمی‌تواند رفاه کودکان هلندی را بهم بزند و کسی در شادی آنان شک ندارد.

اما این تصویر خوش آب و رنگ نیازمند تصحیح است. گزارشی که اخیراً درباره کاربرد حقوق کودکان، توسط یونیسف هلند و دفاع از کودکان بین‌المللی هلند^۱ نوشته شده، گزارش مثبتی نیست. گزارش بر گروه‌های خاصی از کودکان و موضوعات خاصی تمرکز دارد. به خصوص به سیاست هلند نسبت به کودکان خارجی^۲ انتقاد شده است. کودکان «غیرقانونی» حق یکسانی در مراقبت‌های بهداشتی و آموزش ندارند و همچنین مراقبت‌های لازم را دریافت نمی‌کنند. کلمه ثبت‌نشده^۳ که در مورد این کودکان استفاده می‌شود، روشن‌گر شرایط آنان است.

جدای از محرومیت‌هایی که کودکان غیرقانونی متحمل می‌شوند، خدمات حرفه‌ای که باید برای همه جوانان به صورت یکسان فراهم باشد نیز در این گزارش مورد انتقاد قرار گرفته است؛ چراکه با استانداردهای تعیین‌شده در حقوق کودکان مطابقت ندارد. برای مثال در مسئله سوءاستفاده از کودکان اقدامات خیلی کم و پراکنده‌ای صورت گرفته است و برای مسئله روسپی‌گری کودکان هیچ اقدامی انجام نشده است. مورد انتقاد بعدی درباره برخورد با کودکان بزهکار است، مخصوصاً به رویکردهای سخت‌گیرانه‌تر اخیر نقد شده است. اقدامات کمی در زمینه کودک‌آزاری صورت گرفته است درحالی‌که اغلب آنان به شدت تنبیه و یا بازداشت می‌شوند؛ حتی کودکان خردسال. این روند بخشی از سیاستی است که هدف آن ارتقای سطح ایمنی و امنیت

^۱ Defence for Children International Nederland

^۲ vreemdelingenbeleid

^۳ sans papiers

جامعه است؛ سیاسی که در تلاش است تا خطرات را کاهش دهد و با خشونت کمبود اقدامات پیشگیرانه را جبران کند.

در جستجوی توازن‌ی نوین

تغییر در سبک زندگی خانوادگی که مرد در آن نان‌آور بود، تجربه رشد را نیز خیلی دگرگون کرده است. یکی از تبعات این تغییرات گسترش و دگرگونی رژیم‌های اجتماعی شدن است که طبیعتاً منجر به تغییرات در نحوه تقسیم وظایف و ترتیب جایگاه نقش‌آفرینان - همه انواع آموزش‌دهندگان و هم‌منطور هم‌سالان - می‌شود. هر چه تعداد افرادی که در شبکه‌های اجتماعی شدن بیشتر باشد تأثیر تک‌تک آن‌ها به صورت جداگانه بر کل رژیم کمتر می‌شود (فان‌دالن، ۲۰۰۸). یکی از این تغییرات در ساختار روابط کودکان زیاده‌تر شدن و گسترده‌تر شدن تعاملات روزمره آنان است: با والدین و والدین ناتنی، با خواهران و برادران، برادران و خواهران ناتنی و هم‌سالان خود که در گروه‌های مختلف اجتماعی با آنان آشنا شده‌اند، با معلمین و مراقبان کودک که بعد از مدرسه از آنان نگهداری می‌کنند. کودکان به افراد بیشتری وابستگی پیدا می‌کنند که به هر کدام برای ساخت جنبه خاصی از زندگی خود نیاز دارند. به جای ارتباط با افرادی که همه از یک مجموعه و بهم پیوسته هستند روابطشان پراکنده می‌شود.

بخشی از دنیای کودک در نهادهایی مثل مدرسه‌ها، مهدکودک‌ها؛ مکان‌های آموزش و تمرین ورزش و موسیقی و بخشی نیز در مجموعه‌هایی غیررسمی مثل گروه هم‌سالان در محل و یا مکان‌های دیگر گسترش می‌یابد. این گسترش روابط اجتماعی فضای بیشتری به کودکان برای ایفای نقش می‌دهد درحالی‌که از طرفی فعالیت‌شان را محدود می‌کند. برای مثال کودکان دیگر به ندرت می‌توانند بدون نظارت والدین‌شان

بازی کنند و بزرگترهای مراقب امکان هر نوع بازی خطرناک و هیجانی را از آنان گرفته‌اند.

در این فرایندها دو مسئله با هم مطرح می‌شود: تناقض بین فضای عمومی و فضای خصوصی، و جستجو برای یافتن تعادلی میان کنترل بیرونی و کنترل شخصی. کودکان در شرایطی رشد می‌کنند که مستقل‌تر شدن از خانواده به همراه تغییرات در ساختار ارتباطات را تجربه می‌کنند. وابستگی‌شان به آموزگاران، مثل والدین‌شان کاهش پیدا می‌کند و وابستگی‌شان به طیف وسیعی از آموزگاران رسمی و حرفه‌ایشان بیشتر می‌شود. این تغییرات به موازات تغییرات در نحوه شکل‌گیری شخصیت کودکان اتفاق می‌افتد و روی مدیریت‌شان اثر می‌گذارد. جبر بیرونی کمتر شده اما سیطره جبر اجتماعی به جبر شخصی مشخصاً افزایش پیدا کرده است (الیاس^۱، ۲۰۰۰ [۱۹۳۹]). باید که به دنبال ایجاد هماهنگی بین اشکال مختلف کنترل در تعاملات روزمره میان کودکان و آموزگارانشان بود. این یکی از مهم‌ترین مسائل حال حاضر در حوزه رشد و تربیت کودکان است که شامل تغییرات ایجادشده در تعریف کودک نیز می‌شود. این تغییرات در رشد کودکان در نگرانی‌های حوزه عمومی و خصوصی کاملاً قابل مشاهده است. کودکان هلندی در کشوری غنی زندگی می‌کنند، از رفاه نسبی برخوردارند و شادترین کودکان دنیا به حساب می‌آیند. اما این کلی‌گویی‌ها مانع از آن می‌شود که تفاوت‌های گسترده موجود بین آنان را ببینیم. بعضی از کودکان هلندی نیز مشکلاتی دارند. برای مثال افزایش تعداد کودکانی که در اشکال گوناگون خانواده‌های امروزی زندگی می‌کنند. در این خانواده‌های با اشکال جدید، کودکان با خطرهای جدیدی مثل فقر و امکانات ضعیف نگهداری و مراقبت مواجه هستند.

¹ Elias

این مشکلات - که می‌توان نمونه‌های بسیار بیشتری از آن را نام برد - زمانی که از دید تجربیات، دیدگاه‌ها و احساسات کودکان بررسی می‌شوند کاملاً نامفهوم به نظر می‌آیند. آسان‌تر است که از دید بزرگسالان به آن بنگریم؛ زمانی که در بحث‌های روزمره خود راجع به آن حرف می‌زنند. نگرانی‌های بسیاری دربارهٔ کودکان وجود دارد، هم در حوزهٔ عمومی و هم در حوزهٔ خصوصی. تغییرات جدی در روابط کودکان با اعضای درون خانواده و افراد بیرون خانواده منجر به بروز تأثیرات خارجی شده که بحث اصلی در محافل عمومی است و مثل جایگاه کودکان که پیش‌تر توضیح داده شد، شرایط مبهمی دارد. والدین اکثراً کودکان را به چشم «مشکل» می‌بینند اما در نگرش و شیوهٔ برخوردشان با این مسئله یکپارچه نیستند. وضعیت آنان را می‌توان ترکیبی نامتوازن از اضطراب و نگرانی به دلیل عدم اطمینان به عملکرد خود و آسایش نسبی خیال به دلیل رضایت از داشته‌های خود توصیف کرد. یا به عبارت دیگر ترکیبی از احساس رضایت از تمهیداتی که خود در جهت رفاه کودکشان می‌اندیشند و کم‌کاری در زمینهٔ جمع‌سازی عمومی ترتیبات و امکانات کودک. سیاست اجتماعی نیز با وجود اشتیاق برای مداخلات مؤثر و پر قدرت همچنان به این مسئله بی‌تفاوت است.

به عقیدهٔ من، این وضعیت مبهم، همانطور که پیش‌تر اشاره شد، به این دلیل است که نمی‌دانند باید به کودکان از دید دغدغهٔ خانوادگی بنگرند یا مسئله‌ای اجتماعی؛ و همچنین سردرگمی در اینکه مراقبت از کودکان به صورت غیررسمی در خانواده‌ها دنبال شود یا در مراکز حرفه‌ای. برای اینکه وضعیت روشن‌تر شود روی دو مثال بحث خواهم کرد: یکی دربارهٔ موقعیتی است که درست در شرایطی که انتظار توجه و تعهد می‌رود هیچ‌کس نگران نیست؛ مثال بعدی دربارهٔ موقعیتی است که توجه زیادی به

مسئله‌ای می‌شود که کاملاً مشخص و تعریف شده نیست و بنابراین راه‌حل‌های پیشنهادی برای آن نیز معتبر نیستند.

این کمبود توجه در مورد مسئله وقت ناهار مدارس هلند وجود دارد. برنامه ناهار در مدارس که اکنون در جریان است از اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط مادران در سطح کوچکی شروع شد تا در وقت ناهار از کودکان خود در مدرسه مراقبت کنند. تعداد کودکانی که از برنامه ناهار در مدارس برخوردار هستند شدیداً افزایش پیدا کرده است؛ به خصوص در شهرهای بزرگ که تعداد زیادی از والدین شاغل‌اند. آن‌ها نمی‌توانند وسط روز به فرزند خود رسیدگی کنند، بنابراین به جای خود بانوانی را برای مراقبت از کودکان‌شان در زمان ناهار در مدارس استخدام می‌کنند. هرچند در حال حاضر پیشرفت این شیوه غیررسمی به اندازه قبل نیست و از سرعت آن کاسته شده است. شیوه کار این مراقبان ویژگی‌های الگوی مادران خانه‌دار را داشت: نمی‌شد آن‌ها را کاملاً استخدام نامید، در واقع نوعی استخدام غیررسمی بود، نه اشتیاقی به این کار داشتند و نه مهارت و تخصصی در آن. با این شکل مادرانه‌ای که کار به خود گرفته بود اداره کودکان پر سر و صدایی که برای صرف ناهار می‌آمدند و می‌خواستند استراحت کنند کار بسیار دشواری بود. این رازی در میان عموم مردم است که می‌دانند بچه‌ها دوست ندارند اوقات ناهار خود را در مدرسه بگذرانند چراکه آن‌ان را به شدت عصبانی می‌کند، باعث می‌شود با مراقبان خود بدرفتاری کنند و به یکدیگر خشونت بورزند. در سال ۲۰۰۶ مدارس قانوناً به جای والدین موظف به اداره این زمان شدند. با این حال، اداره زمان ناهار وارد سیستم مدارس هلند نشد. بنابراین مشکلات همچنان پابرجا بودند اما مردم واکنشی به این مسئله نشان ندادند (فان‌دال، ۲۰۰۷؛ ن. ک. گیلسینگ^۱، ۲۰۰۷).

¹ Gilsing

این بی‌تفاوتی وقتی با ابراز نگرانی‌های مداوم جوامع دیگر نسبت به مسئله رفتار ناشایست کودکان مقایسه می‌شود واقعاً عجیب به نظر می‌رسد. رفتار بد کودکان نیز به نقص تربیتی والدین‌شان ربط داده می‌شود و معلمان هم که درگیر وظایف آموزشی خود هستند و نمی‌توانند این کم‌کاری در خانه را جبران کنند. از این دیدگاه، می‌توان ساعت ناهار را که از ساعت ۱۲ تا ۱ است، تهدیدی برای فرایند اجتماعی‌شدن کودک در طولانی‌مدت دانست، زمانی کوتاه که مهم شمرده نمی‌شود و باید فوراً پس از آن برای رفتن دوباره به مدرسه و ادامه یک روز در مدرسه آماده شد. به رفتار کودکان در طول وقت ناهار به عنوان مسئله اجتماعی نگاه نمی‌شود، اتفاقاتی که در آن تجربه می‌کنند بی‌اهمیت شمرده می‌شود، رفتار عصبی آنان با مراقبان غیرمتخصص که به صورت غیررسمی استخدام شده‌اند و نیز برخوردشان با هم‌سالانشان مشکل شمرده نمی‌شود. اگر بخواهیم در حوزه عمومی به مبحث مراقبت از کودک بنگریم، انگشت اتهام بیشتر به سمت والدین است که مراقبت از کودکان را بین خود و پرستار کودک تقسیم کرده‌اند (پورتگیس^۱ و کوزنکامپ، ۲۰۰۸؛ پورتگیس و همکاران، ۲۰۰۶).

شرایط دوم کاملاً برعکس است: تلاش‌های فراوان برای پیشگیری از ایجاد رفتارهای مشکل‌ساز در کودکان. این شرایط از دید متخصصین مسئله‌ای است که به مرور به مشکلات دامن می‌زند، درحالی‌که - بی‌هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای - باور همگانی به شدت بر این است که این گونه اقدامات مفید هستند. پایش مستمر، جمع‌آوری منظم داده و ارتباط دادن اطلاعات حوزه سلامت و رفاه کودکان روش‌هایی هستند که برای تشخیص علائم مشکل احتمالی به کار می‌روند. پیشگیری را مفهوم کلیدی حل مشکلات آموزشی می‌دانند. در سال ۲۰۰۷، فردی خاص به وزارت امور جوانان و خانواده منتصب شد. یکی از اقدامات سیاسی او بنیان‌گذاری مراکز تخصصی و قابل

¹ Portegijs

دسترس مشاوره بود که والدین بتوانند در صورت وجود سؤال یا مشکل در برخورد با جوانان خود از این مراکز مشاوره بگیرند. اگر با همهٔ این‌ها فرزندان‌شان باز هم کج‌روی کردند، یا خطر ساز شدند، سیاست سخت‌گیرانهٔ نظارت بر حریم شخصی خانواده‌ها برقرار می‌شود، که این سیاست در ادامهٔ اقدامات کنترل بیرونی در قرن نوزدهم برای متمدن‌سازی مردم طبقهٔ پایین است. گرچه در اصل این سیاست کاربردهای متنوعی دارد، اما تمرکزش بر گروه هدف خاصی مثل کودکان خانواده‌های مهاجر است.

کودکان هلندی در تحقیقات علوم اجتماعی

مشخصهٔ وضعیت کودکان در هلند تناقض و ابهام است. تغییر اجتماعی گسترده در چهار دههٔ اخیر، در خانواده‌ها و در سطح وسیع‌تر در جامعه، تأثیراتی جدی در فرایند رشد کودکان، زندگی روزمره‌شان، روابطشان با مردم و در کل جابجایی مرزها و تغییر مفهوم کودکی داشته است. با این وجود تلاش‌های کمی در زمینهٔ نگاه دقیق‌تر به تبعات این تغییرات بر کودکان صورت گرفته است. تحقیق روی کودکان و کودکی نیز نشان‌دهندهٔ این تردید و ابهام است که در بخش قبل توضیح داده شد.

در یک سو، با کمبود پژوهش‌هایی مواجهیم که به ما در درک تبعات این شیوه‌های جدید نگهداری از کودکان کمک کند. زندگی در خانواده‌های امروزی چگونه است؟ بزرگ‌شدن در شبکه‌های ارتباطی بزرگ‌تر و متنوع‌تر چگونه است؟ کودکان چه نظری دربارهٔ گذارندن وقت کمتر در خانه تحت نظارت مادرانشان و گذرانندن بیشتر اوقات در مراکز جمعی با هم‌سالانشان و تحت نظارت متخصصان و مراقبان استخدام‌شدهٔ خود دارند؟ تجربهٔ بودن با خانواده‌های مختلف و خانواده‌های ناتنی چه حسی دارد؟ نقل مکان از روستایی کوچک در مراکش به شهرهای بزرگی مثل آمستردام یا روتردام چگونه است؟ این‌ها موضوعات فرعی شناخته می‌شوند و اگر هم مطالعه‌ای روی آنان صورت گیرد از دید کودکان یا موضعی گسترده‌تر بررسی

نمی‌شود. همینطور که روی مباحث اصلی این مقاله، یعنی شناخت جایگاه کودکان بین حوزه عمومی و خصوصی و تغییرات روند شکل‌گیری شخصیت کودک که بواسطه بهم‌خوردن توازن بین کنترل شخصی و کنترل بیرونی رخ داده است، نیز پژوهش‌های مهمی صورت نگرفته است.

از سوی دیگر مطالعاتی که روی تأثیرات خارجی ایجادشده توسط کمبودهای مختلف - آموزش ناکافی، فقر، تربیت نامناسب والدین - کار می‌کنند موضوعات مهم تلقی می‌شوند و حمایت مالی نیز از آن‌ان می‌شود (ن.ک. دسون، ۱۹۹۲؛ اسنل^۱ و همکاران، ۲۰۰۱؛ تخروتنهایس^۲، ۱۹۹۳). پژوهش‌هایی مثل تأثیرات طلاق، که روابط سنتی خانوادگی را نقطه عزیمت خود می‌گیرند، و همچنین مطالعاتی در زمینه والدین ناموفق، کودکان با سرمایه فرهنگی پایین یا کودکان کج‌رو و بزهکار نیز جزء موضوعات مهم و مورد حمایت هستند. اغلب گروه مهاجران به صورت خاص بررسی می‌شوند. تمرکز اصلی پژوهش‌هایی از این دست بر رفتار یا ویژگی‌های شخصیتی ناشایست کودکان است و هدفشان یافتن چرایی این ویژگی‌ها در ارتباط با عملکرد خانواده‌ها و مدرسه است. بدین طریق هدف تحقیق علوم اجتماعی در هلند بیشتر روی موضوعات سیاسی روز است.

به دلیل نبود بنیان قوی دانشگاهی در حوزه جامعه‌شناسی کودکی، پژوهش‌های این زمینه مطالعاتی به شدت به حوزه عمومی وابسته است. پژوهشگران نمی‌توانند برنامه‌ریزی مفصل و بلندمدتی داشته باشند که بوسیله آن بتوانند ادامه‌دهنده راه یکدیگر باشند. می‌توان گفت که رویکرد روان‌شناسی رشد رویکرد غالب مطالعات و بحث‌ها است (مثلاً میس^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). این رویکرد کودکان و بزرگسالان را

¹ Snel

² Te Grotenhuis

³ Meeus

به صورت انفرادی و جدا از روابط اجتماعی شان بررسی می کند. محققانی که رویکرد نظری تفسیری تری دارند نمی توانند از رویکردهای مورد استفاده در جریان اصلی کنونی استفاده کنند و به همین دلیل برای تأمین مالی پروژه هایشان در مجامع دانشگاهی مثل سازمان هلندی پژوهش های علمی^۱، که اولین مرکز تأمین مالی پروژه های اجتماعی است، با مشکل مواجه می شوند. من در اینجا به بیان آنچه بنظرم موضوعات مرکزی پژوهش جامعه شناسانه است، که قطعاً کامل نیز نخواهد بود، می پردازم. همچنین شیوه های مورد استفاده در هر کدام را نام می برم و چند خطی روی آن بحث خواهم کرد.

مقدم بر همه مطالعاتی را معرفی می کنم که با کاربرد نظارتی به تعیین جایگاه کودکان در اجتماع پرداخته اند. مطالعات برجسته ای توسط محققان مؤسسه برنامه ریزی اجتماعی و فرهنگی، مؤسسه پژوهشی مستقل که با مشاوره های خود به مجلس، بخش های دولتی و دیگر مؤسسات دولتی یاری می رساند، در این زمینه انجام شده است. این مؤسسه با محققان دانشگاهی همکاری می کند. جدا از نشریات که در آن تنها توجه جانبی به کودکان می شود، مانند نشریات گزارش اجتماعی و فرهنگی^۲، وضعیت اجتماعی هلند^۳، پایش فقر^۴ و گزارش اقلیت ها^۵، بعضی مطبوعاتشان روی موقعیت کودکان و جوانان تمرکز دارد. علاوه بر نشریات عمومی مثل گزارش جوانان^۶، تمرکز پژوهش ها بر موضوعات خاصی مثل سلامت و رفاه (فان دورسلر^۷ و

^۱ Nederlandse Organisatie voor Wetenschappelijk Onderzoek

^۲ Sociaal en Cultureel Rapport

^۳ Sociale staat van Nederland

^۴ Armoede monitor

^۵ Rapportage minderheden

^۶ Rapportage jeugd

^۷ van Dorselaer

همکاران، ۲۰۰۸) و فقر و محرومیت اجتماعی میان کودکان (فقر و محرومیت اجتماعی در میان کودکان^۱، ۲۰۰۷) است.

در دسته دوم پژوهش‌هایی قرار می‌گیرند که بر مسائل اجتماعی مثل تأثیر بیکاری والدین بر دوران مدرسه و فرصت‌های شغلی کودکان (تخروتنهایش، ۱۹۹۳)؛ و تأثیر نابرابری‌های اجتماعی بر دستاوردهای شناختی (درونکرس^۲، ۲۰۰۷) توجه دارند. مطالعات روی تشدید مفهوم نابرابری در مدارس پیشینه اجتماعی قوی‌ای دارد که به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد، اما مطالعاتی که از دید کودکان مدرسه‌ای انجام شود به ندرت اتفاق می‌افتد. یکی از تحقیقاتی که از این رویکرد در آن استفاده شده است پروژه مردم‌نگارانه بوون پاول^۳ (۲۰۰۲-۱۹۹۶) است که بر اساس تجربیاتش به عنوان معلم در دبیرستانی در برونکس در نیویورک^۴ و مدرسه‌ای راهنمایی برای سیاه‌پوستان در آمستردام انجام شده است. پاول به مشاهده تعاملات کودکان در کلاس و خارج از کلاس پرداخت و از دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۷ ساله، دانش‌آموزان پیشین مدرسه، دوستان دانش‌آموزانش که در مدارس دیگر درس می‌خواندند، خواهران و برادرانشان، دانش‌آموزانی که از تحصیل انصراف داده بودند، والدین، مسئولین، پلیس، مددکاران اجتماعی و همسایگان مختلف مصاحبه‌هایی به عمل آورد. او در نیویورک علوم اجتماعی تدریس می‌کرد، در آمستردام زبان انگلیسی. او در پژوهش خود بر پاسخ‌ها و معناسازی‌های فرهنگی، نه تنها در کلمات و عبارات بلکه در حرکات تقریباً خودآگاه و فیزیکی افراد تأکید دارد (پاول، ۲۰۰۵).

^۱ Armoede en sociale uitsluiting bij kinderen

^۲ Dronkers

^۳ Bowen Paille

^۴ Bronx in New York

تحقیق دیگری نیز روی کودکان به عنوان کنشگران با رویکرد تاریخی-اجتماعی و انسان‌شناختی انجام شده است. علاوه بر مطالعات انجام‌شده با موضوع تغییرات در تجربیات کودکان و در دوران کودکی که پیش‌تر مفصلاً به آن‌ها اشاره شد (برینک‌گریو، ۲۰۰۴؛ فان‌دالن، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸)، چندین نمونه دیگر نیز در اینجا مطرح می‌کنم. در یکی از این پژوهش‌ها مقایسه‌ای میان روابط اجتماعی روزمره کودکان در مدرسه و خیابان در طول دهه ۱۹۵۰ و در قرن ۲۱ انجام شده، که در سه محله متفاوت زندگی می‌کردند. محققان از شیوه‌های متنوعی استفاده کردند: آن‌ها تیترو روزنامه‌ها را مورد بررسی قرار دادند، از داده‌های آماری استفاده کردند، با کودکان مصاحبه کردند و آنان را حین بازی در خیابان تحت‌نظر گرفتند (بو و کارستن^۱، ۲۰۰۴؛ کارستن، ۲۰۰۳). یان دیرک دی‌یونگ^۲ به مطالعه رفتار مشکل‌ساز پسران مراکشی در گروه‌ها پرداخت (دی‌یونگ، ۲۰۰۷). انسان‌شناس سوزان کویک^۳ در پژوهشش که با تمرکز بر کودکان است به بررسی آزار و اذیت در زمین بازی، خوداندیشی و فانتزی‌های کودکان (مثلاً کویک، ۱۹۹۶) و بروز تمایلات جنسی آنان (این پژوهش در حال انجام است) می‌پردازد. الی سینگر^۴ و جنت دورنبال^۵ (۲۰۰۶) به مطالعه روایت‌های کودکان درباره دوستی و خیانت پرداختند. یک جریان پژوهشی دیگر بر مشارکت فعال کودکان به عنوان شهروند تمرکز دارد، و به بررسی اشکال مختلف مشارکت کودکان در شهرها و مدارس می‌پردازد (دوینتر، ۱۹۹۵؛ دوینتر و کرومنن، ۲۰۰۳).

در حقیقت مطالعات کودکی در هلند در زمینه انسان‌شناسی بیش از جامعه‌شناسی پیشرفت داشته است. مثالی از این تحقیقات فعالیت‌های اولگانیونهایز^۶ است که روی

¹ Karsten

² Jan Dirk de Jong

³ Suzanne Kuik

⁴ Elly Singer

⁵ Jeanette Doornbal

⁶ Olga Nieuwenhuys

نظریه‌پردازی حقوق کودکان در توسعه بین‌المللی و مطالعات جهانی‌شدن، محرومیت و سیاست‌های کودکی کار می‌کند، در جستجوی پارادایم‌های نظری که بتوان مسائل جهانی امروز را به کمک آن تحلیل کرد (نیوونهایز، ۱۹۹۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶). ریا ریس^۱ و محققان همکارش انسان‌شناسی پزشکی را نیز به زمینه‌ای پویا در حوزه مطالعات کودکی تبدیل کرده‌اند (آکلو^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). برای مثال کریستین ددینگ^۳ در پایان‌نامه خود به بررسی تجربیات متفاوتی پرداخته است که کودکان و بزرگسالان درباره دیابت داشته‌اند.

زندگی «عادی» خانوادگی در نژادهای مختلف موضوع چندین پژوهشی است که در دهه ۱۹۹۰ با حمایت بنیاد اطلاعات جوانان در هلند^۴ توسط محققان دانشگاهی انجام شد. این پژوهش‌ها بر تجربیات و عملکردهای آموزشی تمرکز داشت؛ بر رابطه بین آموزش و ویژگی‌های شخصیتی والدین، کودکان و اجتماعی که در آن حضور دارند و بر پرسش‌ها، دغدغه‌ها و معضلات آموزگاران کودک و شیوه یافتن پاسخ توسط آن‌ها (برای مثال، ن.ک. تک‌نگاری‌ها درباره آموزش و روابط خانوادگی در خانواده‌های سورینام-کرئول^۵ [دیتلبرینک^۶، ۱۹۹۸]، خانواده‌های مراکشی [پلس^۷، ۱۹۹۸] و خانواده‌های هلندی [ریسپنس^۸ و همکاران، ۱۹۹۶]). هدف این پژوهش‌ها که همه قالب یکسانی دارند پی‌بردن به این مسئله است که آیا آموزگاران کودک برای آموزش کودکان خود به کمک نیاز دارند، و این حمایت و کمک از چه نوعی باید

¹ Ria Reis

² Akello

³ Christine Dedding

⁴ Stichting Jeuginformatie Nederland, earlier the Programmerings College Onderzoek Jeugd

⁵ Surinam-Creol

⁶ Distelbrink

⁷ Pels

⁸ Rispons

باشد. این مطالعه شامل پژوهشی عمیق بین حد اقل ۱۵ خانواده و پژوهشی ساختاریافته بین ۷۵ خانواده بود. روش های تحقیق عبارت بودند از: مشاهده مشارکتی، مصاحبه های باز و نیمه ساختاریافته، به خصوص با مادران و کودکان.

در این مقاله دو موضوع به عنوان موضوعات اساسی و تعیین کننده این عصر تعریف شده اند: تغییر در نحوه تقسیم وظایف و مسئولیت ها بین خانواده ها، نهادها و دولت؛ و یافتن موازنه جدید در کنترل شخصی و کنترل بیرونی. گرچه این مسائل هر دو مسائل فرعی و کم اهمیت انگاشته می شوند، در دهه ۱۹۹۰ مانوئلا دوبویس ریموند^۱ و همکارانش کاری بنیادی و پیشرو در این زمینه انجام دادند. آن ها به مطالعه تعاملات و روابط قدرت بین والدین و کودکان پرداختند. در این پژوهش که روی مدرن سازی زندگی کودکان انجام می شد مقایسه ای بین زندگی کودکان در هلند و آلمان، در بخش شرقی و غربی صورت گرفت. داده های تجربی با مصاحبه از کودکان به دست آمده بود. در مقایسه با کودکان در آلمان شرقی و غربی، کودکان هلند جایگاه میانه ای دارند و این جایگاه بستگی دارد به زمانی که آن ها با خانواده شان می گذرانند، تعهدات اجتماعی بیرون از مدرسه و خانه، و دگرگونی روابط قدرت و اقتدار از مدیریت با دستور به سوی مدیریت از طریق مذاکره (بنکن^۲ و همکاران، ۱۹۸۹؛ دوبویس ریموند، ۲۰۰۱؛ دوبویس ریموند و همکاران، ۱۹۹۵). با این حال، پروژه تحقیقاتی ادامه نیافت و واحد تحقیقات دانشگاه لیدن^۳ تعطیل شد.

نتیجه گیری

در هلند نگرانی عمومی درباره تأثیرات بیرونی آموزش ناموفق، فقر و مشکلات خانوادگی نه تنها در دنیای سیاست و سیاست اجتماعی بازتاب پیدا کرده بلکه در

¹ Manuela du Bois-Reymond

² Behnken

³ University of Leiden

تحقیقات اجتماعی نیز به چشم می‌خورد. سیاست‌گذاران، خبرنگاران و متخصصین موضوعاتی را مورد توجه قرار می‌دهند که در میان عموم جامعه مورد بحث است؛ درحالی‌که مطالعات دانشگاهی که به صورت مستقل انجام گیرد خیلی کم است. در این میان والدین نیز بازی را به دیگر آموزگاران باخته‌اند، مادران باید به کارهای بیرون از خانه برسند و کودکان گروهی متفاوت شناخته می‌شوند و میزان شنیده‌شدن صدایشان به فرصت‌هایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد و میزان مشارکتشان بستگی دارد. نتیجه این وضعیت ترکیب عجیبی از ذهن درگیر والدین بواسطه مشکلات کودکان و جوانان و نادیده گرفتن و بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات دیگر است. به همین جهت باید بررسی شود که چرا جامعه دانشگاهی پویا در حوزه مطالعات کودکی و کودکان در هلند وجود ندارد.

منابع

- Akello, Grace, Reis, Ria, Ovuga, Emilio, Rwabukwali, Charles B., Kabonesa, Cobsolata and Richters, Annemiek (2007) 'Primary School Children's Perspectives on Common Diseases and Medicines Used: Implications for School Healthcare Programmes and Priority Setting in Uganda', *African Health Sciences* 7(2): 73–9.
- *Armoede en sociale uitsluiting bij kinderen* (2007) Rijswijk: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).
- Behnken, Imbke, du Bois-Reymond, Manuela and Zinnecker, Jürgen (1989) *Stadtgeschichte als Kindheitsgeschichte. Lebensräume von Grosstadtkindern in Deutschland und Holland um 1900*. Opladen: Leske und Budrich.
- Berghman, Jos, Klosse, Saskia and Vonk, Gijsbert (eds) (2005) *Verwend of verdrukt. Kind en sociale zekerheid*. Amstelveen/'s Gravenhage: SVB/SDU (Sociale Verzekeringsbank/Sdu uitgevers).
- Bouw, Carolien and Karsten, Lia (2004) *Stadskinderen*. Amsterdam: Aksant.
- Bouw, Carolien, Brinkgreve, Christien and Roukens, Kitty (eds) (2002) *Het onuitstaanbare kind*. Amsterdam: Siswo.

- Brinkgreve, Christien (2004) *Vroeg mondig, laat volwassen*. Amsterdam: Augustus.
- Dedding, Christine (2009) *Delen in macht en onmacht*. Amsterdam: Universiteit van Amsterdam.
- De Jong, Jan Dirk (2007) *Kapot moeilijk*. Amsterdam: Aksant.
- De Regt, Ali and Komter, Aafke (2003) 'Introduction', *The Netherlands Journal of Social Sciences* 39(1): 3–10.
- De Swaan, Abram (1992) *Are Poor Children Enough of a Nuisance? Two Pieces*. Amsterdam: Het Spinhuis.
- De Winter, Micha (1995) *Kinderen als medeburgers. Kinder- en jeugdparticipatie as maatschappelijk opvoedingsperspectief*. Utrecht: De Tijdstroom.
- De Winter, Micha and Kroneman, Marieke (eds) (2003) *Participatief jeugdonderzoek. Sociaal-wetenschappelijk onderzoek samen met kinderen en jongeren naar beleid voor de jeugd*. Assen: Van Gorcum.
- Distelbrink, Marjolijn (1998) *Opvoeding in Surinaams-Creoolse gezinnen in Nederland*. Assen: Van Gorcum.
- Dronkers, Jaap (2007) *Ruggengraat van ongelijkheid. Beperkingen en mogelijkheden om ongelijke onderwijskansen te veranderen*. Amsterdam: Wiardi Beckman Stichting.
- Du Bois-Reymond, Manuela (2001) 'Negotiation Families', in Manuela du BoisReymond, Heinz Süner and Heinz-Hermann Krüger (eds) *Childhood in Europe*. New York: Peter Lang.
- Du Bois-Reymond, Manuela, Süner, Heinz and Krüger, Heinz-Hermann (eds) (1995) *Childhood and Youth in Germany and the Netherlands: Transitions and Coping Strategies of Adolescents*. Berlin: De Gruyter.
- Elias, Norbert (2000) *The Civilizing Process*. Oxford: Blackwell Publishers. (Orig. pub. 1939.)
- *Etnofoor* (1999) Special issue: 'Kids and Culture', 12(1).
- Esping-Andersen, Gøsta, Gallie, Duncan, Hemerijck, Anton J. and Myles, John (2002) *Why We Need a New Welfare State*. Oxford: Oxford University Press.
- Gilsing, Rob (2007) *Liefst zoals thuis. Ouders en kinderen over buitenschoolse opvang*. The Hague: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).

- Haks, Donald (1982) *Huwelijk en gezin in Holland in de 17e en 18e eeuw*. Assen: Van Gorcum.
- Hemrica, Jantine and Heyting, Frieda (2004) 'Tacit Notions of Childhood. An Analysis of Discourse about Child Participation in Decision-Making Regarding Arrangements in Case of Parental Divorce', *Childhood* 11(4): 449–68.
- Karsten, Lia (2003) 'Children's Use of Public Space: The Gendered World of the Playground', *Childhood* 10(4): 457–73.
- Keuzenkamp, Saskia (2001) *Voorstudie onderzoek 0–12-jarigen. Studie ten behoeve van de verbetering van de informatievoorziening over jonge kinderen*. The Hague: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).
- Kremer, Monique (2007) *How Welfare States Care: Culture, Gender and Parenting in Europe*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Kuik, Suzanne (1996) *Mag ik op je rug? Van de kinderen en hun dagen met vriendschap en ruzie*. Amsterdam: Het Spinhuis.
- Meeus, Wim H. J., Branje, S. and Vollebergh, W. (2005) *Ontwikkelingspsychopathologie in de adolescentie*. Houten: Bohn Stafleu Van Loghum.
- Nieuwenhuys, Olga (1994) *Children's Lifeworlds*. London: Routledge.
- Nieuwenhuys, Olga (2005) 'The Wealth of Children: Reconsidering the Child Labour Debate', in Jens Qvortrup (ed.) *Studies in Modern Childhood: Society, Agency, Culture*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Nieuwenhuys, Olga (2006) 'Child Labour', in Ronald Kassimir, Constance Flanagan and Lonnie R. Sherrod (eds) *Youth Activism: An International Encyclopedia*. Westport, CT: Greenwood.
- Ooms, Ingrid, Eggink, Evelien and van Gameren, Edwin (2007) *Moeders, werk en kinderopvang in model*. The Hague: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).
- Paille, Bowen (2005) *Anxiety and Intimidation in the Bronx and the Bijlmer: An Ethnographic Comparison of Two Schools*. Amsterdam: Dutch University Press.
- Pels, Trees (1998) *Opvoeding in Marokkaanse gezinnen in Nederland*. Assen: Van Gorcum.

- Plantenga, Janneke (1993) *Een afwijkend patroon. Honderd jaar vrouwenarbeid in Nederland en (West-) Duitsland*. Amsterdam: Sua.
- Plug, Wim, Zeijl, Elke and du Bois-Reymond, Manuela (2003) 'Young People's Perceptions on Youth and Adulthood. A Longitudinal Study from the Netherlands', *Journal of Youth Studies* 6(2): 127-44.
- Portegijs, Wil and Keuzenkamp, Saskia (2008) *Nederland deeltijdland*. The Hague: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).
- Portegijs, Wil, Cloin, Mariëlle, Ooms, Ingrid and Eggink, Evelien (2006) *Hoe het werkt met kinderen*. The Hague: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).
- Pott-Buter, Hettie A. (1993) *Facts and Fairy Tales about Female Labor, Family and Fertility: A Seven-Country Comparison 1850-1990*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Qvortrup, Jens (2001) 'Childhood as a Social Phenomenon Revisited', in Manuela du Bois-Reymond, Heinz Sünker and Heinz-Hermann Krüger (eds) *Childhood in Europe: Approaches, Trends, Findings*. New York: Peter Lang.
- Rispen, Jan M. A. and Meeus, Wim H. J. (eds) (1996) *Opvoeden in Nederland*. Assen: Van Gorcum.
- Saporiti, Angelo (2001) 'A Methodology for Making Children Count', in Manuela du Bois-Reymond, Heinz Sünker and Heinz-Hermann Krüger (eds) *Childhood in Europe: Approaches, Trends, Findings*. New York: Peter Lang.
- Simons, Marike (2008) *Jaarbericht Kinderrechten 2008*. Voorburg/Amsterdam: UNICEF/ Defence for Children International/ECPAT.
- Singer, Elly and Doornenbal, Jeannette (2006) 'Learning Morality in Peer Conflict: A Study of Schoolchildren's Narratives about Being Betrayed by a Friend', *Childhood* 13(3): 225-45.
- Snel, Erik, van der Hoek, Tamara and Chessa, Titiana (2001) *Kinderen in armoede. Opgroeien in de marge van Nederland*. Assen: Van Gorcum.
- Steketee, Marjorie, Mak, Jodi and Tierolf, Bas (2008) *Kinderen in tel. Databoek 2008*. Utrecht: Verwey-Jonker Instituut.
- Te Grotenhuis, Hannie (1993) 'Does the Welfare State Eliminate the Intergenerational Effects of Unemployment? A Close Look at the

Effects of Parental Unemployment on the School and Occupational Opportunities of Children', *Childhood* 1(1): 225–34.

- UNICEF (2007) *Child Poverty in Perspective: An Overview of Child Well-Being in Rich Countries*. Florence: UNICEF Innocenti Research Centre.
- Van Daalen, Rineke (2002) 'De invoering van kinderbijslag in Nederland. Kostwinning en standsbesef', *Amsterdams Sociologisch Tijdschrift* (29)3: 285–312.
- Van Daalen, Rineke (2005) 'De kinderbijslag in de politiek', in Jos Berghman, Saskia Klosse and Gijsbert Vonk (eds) *Verwend of verdrukt. Kind en sociale zekerheid*. Amstelveen/'s Gravenhage: SVB/SDU (Sociale Verzekeringsbank/Sdu uitgevers).
- Van Daalen, Rineke (2007) 'Paid Mothering in the Public Domain: Dutch Dinner Ladies and Their Difficulties', *Journal of Social History* 40(3): 619–34.
- Van Daalen, Rineke (2008) 'Children and their Educators: Changing Relations in a Meritocratizing World', *Journal of Social History* 42(2): 403–23.
- Van Dorsselaer, Saskia, Zeijl, Elke, van den Eeckhout, Sandra, Ter Bogt Tom and Vollebergh, Wilma (2008) *Health Behaviour in School-Aged Children 2005. Gezondheid en welzijn van jongeren in Nederland*. The Hague: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).
- Van Montfoort, Adri (1994) *Het topje van de ijsberg*. Utrecht: SWP.
- Wilterdink, Nico (2007) 'Stratificatie', in Nico Wilterdink and Bart van Heerikhuizen (eds) *Samenlevingen*. Groningen: Wolters-Noordhoff.
- Zeijl, Elke, Crone, Matty, Wiefferink, Karin, Keuzenkamp, Saskia and Reijneveld, Menno (2005) *Kinderen*. The Hague: SCP (Sociaal en Cultureel Planbureau).

جامعه‌شناسی کودکی در ده کشور

نتایج کنونی و مسیرهای آینده

دوريس بولرنيديربرگر^۱، ترجمه محمدرضا اقبالی

چکیده

این مقاله مروری به مجموعه گزارش‌های در حال پیشرفت جهانی، راجع به جامعه‌شناسی کودکی در استرالیا، برزیل، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، رومانی، بریتانیای کبیر، و ایالات متحده است. تحقیق متمرکز و قوی جامعه‌شناختی راجع به کودکان تاریخی نسبتاً مختصر دارد؛ اما در همین مدت کوتاه نقش مهمی در تحلیل جامعه داشته است. تحقیق جامعه‌شناختی راجع به کودکی این توانایی را دارد که همانند اشعه ماوراء بنفش یا ذره‌بین به کار رود یا فقط منظری جدید به تحلیل فرایندهای اجتماعی اضافه کند. از تمام گزارش‌های مذکور، اتکای متقابل پژوهش‌ها و پس‌زمینه اجتماعی‌اش استنباط می‌شود. جامعه‌شناسی کودکی همیشه صورت بین‌المللی داشته است. با این حال در برخی از کشورهای مختلف زمینه‌ها، گرایش‌ها و تأکیدات متفاوتی بر سر بعضی موضوعات وجود دارد. منشأ این تفاوت‌ها در تعریف شاخص‌های کودکی در جوامع مربوط است. اما تقریباً در تمام کشورها ارتباطی ضعیف میان تحقیق جامعه‌شناختی کودکان و هسته اصلی جامعه‌شناسی وجود دارد. همچنین [در آخر] پیشنهاداتی برای پیشرفت پژوهش در آینده ارائه شده است.

^۱ دوريس بولرنيديربرگر (Doris Bühler-Niederberger)، دانشگاه ووپرتال (University of Wuppertal)

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی کودکی، دادوستدهای بین‌المللی، دانش محلی، تولید دانش، تعریف اجتماعی از کودکی

نگرش‌های جامعه‌شناختی، میان گفتگوی جهانی و سنت‌های محلی تحقیق

تحقیق جامعه‌شناختی راجع به کودکان، بینش‌های بسیار ارزشمندی پرورانده است. در اینجا فقط به برخی از آنان اشاره و روی برخی از نتایجی تمرکز می‌کنم که ورای پژوهش‌های کاربردی، بر چگونگی مواجهه با معضلات خاص مربوط به کودکان به وجود می‌آید. نخست، مطالعه کنش‌های متقابل بین کودکان، گونه‌هایی خاص از جهان‌های اجتماعی با قواعد خاص خودشان کشف کرده است که نیازمند تدبیر و اقتباس در شرایط واقعی است اما همچنین ورای شرایط خاص و شرکت‌کنندگان نیز اعتبار دارد. این در مطالعات انسان‌شناختی که در مقالات فنلاند، امریکا، و بریتانیا به آن توجه شده مشهود است. پژوهش‌های متقدم راجع به بازی و آموزش‌های مربوط به کودکان نگرش‌هایی راجع به ابقاء و بازتولید سنتی موجود میان یک نسل از کودکان فراهم آورده است (مخصوصاً ن.ک. گزارش فنلاند). ظهور و ابقای این جهان‌های اجتماعی به علت غیرثابت بودن اعضایشان مورد توجه است. هرچند ویژگی کودکان به وسیله سازمان‌های مدرن مرتبط با کودکان و برای تمام دوران‌های گروه‌های سنی به شیوه یکسان ساختارمند شده‌اند اما آنان این دوره‌های سنی را به دوره‌های زیادی تقسیم کرده‌اند. کودکان خود برای ورود به گروه‌های جدید با قواعد متفاوت و خواست‌هایی که بر تغییرات دوره‌ای آنان تأکید می‌ورزد، نسبت به این تفاوت‌ها حساس و به ترک بازی‌ها، معارف، مد و... مشتاق‌اند. تقویت سنتی موجود و کنش‌های متقابل عادی (به صورت کاملاً شفاهی) با اعضای که تنها چند سال [در

آن گروه [باقی می‌ماند، و بلافاصله فراموش کردن سریع حال و هوای دوران کودکی، نگرشی مهم به ظرفیت‌های اجتماعی انسان، درست همانند فرایندهای منظم‌سازی اجتماع، و بازتولید و تغییر صورت فرهنگ فراهم می‌کند که باید به صورت دقیق‌تر بررسی شود.

دوم، از این که حتی با وجود جدا بودن جهان‌های اجتماعی مسلط و غالب، قواعد موجود در گروه‌های همالان کودکان عمیقاً متأثر از قواعد جامعه محاط آن است، بصیرت‌هایی مهم حاصل می‌شود. در نتیجه نابرابری‌های اجتماعی مربوط به طبقه، نژاد و جنسیت اهمیتی عمیق داشته و بی‌پرده «دیگران»^۱ را نمایان می‌سازد (ن.ک. تورن^۲، ۱۹۹۷). این چیزی است که خصوصاً گزارش امریکا به آن اشاره می‌کند. مطالعه کودکان به این شیوه شاید نوعی پرتونگاری از جامعه باشد که شکستگی‌هایش را با وضوح بیشتر نمایان می‌سازد. ممکن است این درباره دیگر گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای در جامعه نیز صادق باشد.

سوم، دیگر پژوهش‌ها، همانطور که گزارش رومانی نمایان ساخته، نشان می‌دهند در زمان تغییرات، هنگامی که خانواده‌ها مشغول مشخص کردن واقعیت‌های اجتماعی‌اند، کودکان کنشگرانی فعال در جامعه محسوب می‌شوند که بر اهمیت حوزه خصوصی در تولید و انطباق تغییر اجتماعی تأکید می‌ورزند. همچنین، همانطور که در گزارش‌های آلمان و فرانسه می‌بینیم، مطالعات راجع به کودکی بصیرت‌هایی درباره منطق گفتمان‌ها و کشاکش‌های سیاسی فراهم نموده (برای مثال، در آلمان) و همچنین به مطالعه تغییرات اجتماعی که معمولاً مدرنیزاسیون و فردگرایی نامیده می‌شود کمک نموده است. مطالعه کودکی به عنوان موضوع مورد تحقیق جامعه‌شناسی، منظرهای

^۱ otherness

^۲ Thorne

جدیدی ارائه می‌دهد که تصویری قابل فهم‌تر از تغییرات اجتماعی و جامعه کنونی فراهم می‌کند.

چهارم، مطالعه شرایط زندگی کودکان ذره‌بینی برای مطالعه مسائل اجتماعی است. این تا آنجا که به زندگی بومیان و مهاجران مربوط بوده، در گزارش‌های برزیل و استرالیا نشان داده شده است. چیزی که ممکن است اهمیتش نادیده گرفته یا کم برآورد شود، اگر دارای پیامدهای مشخص بر کودکان باشد می‌تواند به عنوان موضوعی اجتماعی و مهم پذیرفته گردد. و مورد آخر، بدون اینکه اهمیتی کمتر داشته باشد، مطالعه کودکان مسائل خاص روش‌شناسانه‌ای را برمی‌انگیزد و مدعی پرورش تحقیقات تجربی (مخصوصاً روش‌های کیفی) در علوم اجتماعی می‌گردد؛ همانطور که در گزارش ایتالیا نمود یافته است. پژوهش و نظریه در جامعه‌شناسی کودکی در هر یک از ده کشور مورد بررسی در این مجموعه تاریخچه و مسیر پیشرفت ویژه خود را دارا بوده است. به خلاصه‌ای از این پیشرفت‌ها در ادامه اشاره می‌شود.

در فنلاند، سنتی از تحقیق انسان‌شناختی درباره کودکان از دهه ۱۹۵۰ وجود داشته و از دهه ۱۹۸۰ ایجاد برنامه‌های پژوهشی منظم درباره جامعه‌شناسی کودکی در دستور کار بوده است. همانطور که نشریات غنی، برنامه‌ها، و شبکه‌های تحقیقی نشان‌دهنده شعبه‌ای استقرار یافته از جامعه‌شناسی کودکی در آنجاست که تأثیری شگرف بر پژوهش‌های روی کودکان در کشورهای دیگر نهاده است.

در رومانی، موضوع مورد بحث ما سنت جامعه‌شناختی مناسبی در چارچوب مکتب بخارست داشته و معارف و فعالیت‌های کودکان؛ امکان مطالعه گونه مشخصی از جامعه سنتی را فراهم کرده و آن را بخشی از تحلیل اجتماعی نظری نموده است. اما این اتفاق به موضوعی تقریباً پنهان از رژیم کمونیستی به صورت زیرزمینی تبدیل شد و در این دوران پژوهش جامعه‌شناختی راجع به مسائل کودکان (متفاوت از سیل

گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی راجع به مسائل کودکان رومانیایی) به تعدادی تحقیق در شبکه‌های بین‌المللی محدود مانده است.

در آلمان - به جز یک مطالعه توسط مارتا و هانس موچو^۱ راجع به کودکان شهری و شیوه‌ای که آنان در فضای عمومی جای می‌گیرند - چنین سنت مشابهی وجود ندارد. اما علوم تربیتی مدت کوتاهی پس از جنگ جهانی دوم با سؤالاتی جدید به تحقیق راجع به موفقیت کودکان در جامعه موردنظر به وسیله حساسیتی راجع به کنش‌ها و تجربیات کودکان مبادرت می‌ورزد. شیوع جهانی جامعه‌شناسی کودکی از حدود دهه ۱۹۸۰ به بعد خیزشی در پژوهش‌های آلمان پدید آورد. این رشته التقاطی از جامعه‌شناسی و علوم تربیتی شده و امروزه اهمیت به سزایی در سنت رسمی دارد. هرچند که هنوز در جریان اصلی جامعه‌شناسی نیامده و در حاشیه محسوب می‌گردد. همچنین سنتی در میان جامعه‌شناسان فرهنگی برزیل می‌یابیم. آنان مداخلات کودکان در تغییر عناصر اجتماعی را تحلیل کرده‌اند. اما جامعه‌شناسان برزیلی مجذوب دیگر موضوعات [در این حوزه] نیز بوده‌اند و گرایشی به تمرکز بر کودکان حاشیه‌ای، مهجور و متخلف داشته‌اند. به هرحال نویسندگان این گزارش‌ها از توجه کم به کمک‌های جامعه‌شناسی در رابطه با سهل‌انگاری ساختارمند جامعه در رابطه با کودکان سخن می‌گویند.

در ایالات متحده، از همان آغاز تا کنون، گرایشی میان‌رشته‌ای درباره تحقیق جامعه‌شناختی راجع به کودکی، به علاوه توجهی پراگماتیک به موفقیت مناسب کودکان وجود داشته است. اما تحقیقات امریکایی تأثیری بین‌المللی بر مطالعات انسان‌شناختی راجع به فرهنگ کودکان داشته است که تا دهه ۱۹۸۰ به غنای بالایی دست یافته بود. عموماً علاقه جامعه‌شناسان به [تحقیق درباره] کودکان - چه

¹ Martha and Hans Muchow

مردم‌نگارانه و چه جمعیت‌شناختی - ارتباط عمیقی با علایق آنان به نابرابری‌های موجود در جامعه داشته است.

هرچند نوشته‌های فیلیپ آریس^۱، مورخ فرانسوی، اساس تحلیل برساخت اجتماعی کودکی بوده است، سه دهه زمان لازم بود تا مطالعات پراکنده جامعه‌شناسی کودکی در فرانسه در کنار هم جمع شود. جامعه‌شناسان آموزش و پرورش به خصوص، به دانش‌آموزان به عنوان کنشگر گرایش یافته‌اند. و [بعد] علایق علمی‌شان را فراسوی کلاس درس و حیاط و مدرسه گسترش دادند. دو خط نظری در جامعه‌شناسی کودکی در فرانسه از بیرون راحت‌تر قابل شناسایی و تشخیص است. (۱) از منظر فردی‌شدن به عنوان فرایند اجتماعی مهم و در جریان، و در نتیجه تأکیدی نو بر اهمیت کودکان و موقعیت مرکزی فراینده‌شان در خانواده‌ها؛ (۲) دیدگاه فوکویی به تولید دانش و قدرت که برای مثال می‌توان آن را در پژوهش معروف و شناخته‌شده ژاک دونزلوت^۲، و همچنین دیگر پژوهش‌ها راجع به کودکان و سیاست اجتماعی یافت.

در بریتانیای کبیر، سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ با انتشار تعدادی کتاب تأثیرگذار همراه بود که مواضع نظری برساخت‌گرایان راجع به کودکی و ارزیابی قانونی دوباره کودکان را تحکیم می‌کرد. آنان باهم به تحقیق جامعه‌شناختی راجع به کودکان سرعت بخشیدند. این تحقیقات دامنه گسترده‌ای از موضوعات را پوشش دادند، اما توجه‌شان بیشتر معطوف به مسائل اجتماعی نظیر فقر، طلاق، کار، و سلامت بوده است. علاقه شدید به تحلیل خود فرایند تحقیق (مثلاً قوت همبستگی‌ها و پرسش‌های مربوط به اخلاق) و شکل‌دادن دوباره آن [فرایند تحقیق] (مانند آغاز پژوهش با تأکید صرف بر تحقیق درباره کودکان یا تحقیق مشارکتی)، ویژگی خاص پژوهش کودکان و

^۱ Philippe Ariès

^۲ Jacques Donzelot

نوجوانان در بریتانیا بوده است. تحقیق جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکان همچنین مراکز تحقیقاتی، برنامه‌های تدریس جامعه‌شناختی، و مشاغل کاربردی انسجام نهادی قابل توجهی یافته است.

پژوهش‌های اجتماعی راجع به کودکان در استرالیا گلچینی میان‌رشته‌ای از آموزش و پرورش، سلامت، سیاست اجتماعی، مددکاری اجتماعی، و علوم سیاسی در کنار جامعه‌شناسی بوده است. این تحقیقات به صورت کاربردی روی موضوعاتی نظیر سلامت، رفتار مجرمانه، سیاست اجتماعی و سازش با اخلاق و همچنین شرایط بنیادین طلاق متمرکز بوده است. اما تحقیق جامعه‌شناختی کودک‌کی راهی برای مواجهه انتقادی و کامل با فرهنگ مسلط اروپایی در استرالیا و فشار عمومی ناشی از استعمارِ کودک‌کی کودکان بومی بوده است.

در ایتالیا پیش‌آهنگان و بنیان‌گذاران، گرایش علمی جدیدی نسبت به کودکان در دیدگاه پداگوژیک خاصی به نام «رویکرد رجیو»^۱ داشته‌اند. این رویکرد به مشارکت و صلاحیت کودکان در روابط روزمره و همالانشان تأکید می‌کند. در کنار نفع سیاسی در سطح محلی برای درگیر کردن کودکان در پروژه‌های مشارکت، توسعهٔ صحنه تحقیقی کوچک، اما متمرکز ممکن بود. با این حال، ظرفیت گسترش این اجتماع علمی به واسطهٔ نگرش‌های جامعه نسبت به کودکان محدود مانده است و باعث شده آنان جایی میان امر خصوصی و مسئلهٔ اجتماعی بمانند.

در هلند، هیچ خط واقعی پیشرفتی در پژوهش جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکان حول موضوعات خاص شکل نگرفته است. و واقعاً هیچ ثبات موضوعی، نظری، یا شخصی‌ای را نشان نمی‌دهد. اما برخی تحقیقات عالی نیز صورت گرفته که عاملان

¹ Reggio Approach

آن افرادی دارای ارتباط با شبکه‌های بین‌المللی بوده‌اند و ارتباطی با پژوهشگران ملی دربارهٔ کودکان نداشته‌اند.

نقاط مشترک توسعهٔ جامعه‌شناسی کودکی در کشورهای مختلف

به رغم وجود تاریخ ملی متفاوت دربارهٔ تحقیقات جامعه‌شناسی کودکی، با کنار هم نهادن نتایجی که از این تحقیقات به دست آمده، مجموعه‌ای از عناصر عمومی که این کشورها با آن‌ها مواجه بوده‌اند قابل تشخیص است. مهم‌ترین نکتهٔ قابل مشاهده در تمام این ده کشور این است که کودکان تشکیل‌دهندهٔ گروهی کمابیش حاشیه‌ای هستند، کودکان عموماً به عنوان گروه مهم کنشگرانی محسوب نمی‌شوند که باید دربارهٔ نتایج مذاکرات در زندگی عمومی تصمیم بگیرند یا حتی در آن دخالت ورزند. آنان حتی برای تصمیم‌گیری درون ساختارهای عمومی نیز مهم تلقی نمی‌شوند. و با اینکه اهمیت کنش‌ها و صلاحیتشان در زمینهٔ اخیر [ساختارهای اجتماعی کردن] برای کارکرد رایج‌شان - مانند هرجایی که آنان همکاری‌های خود را گسترش می‌دهند - اثبات‌شده سلسله‌مراتب رسمی آنان را به رسمیت نشناخته است. این حتی زمانی که برنامه‌های همکاری آغاز شده نیز صادق است. آنطور که گزارش‌های ایتالیا نشان می‌دهد، کودکان نیز خود نسبت به این محدودیت‌ها بر تأثیرگذاری‌شان واقف‌اند. وقتی کودکان در جامعه به حساب می‌آیند، از آنان به عنوان سرمایهٔ انسانی تعبیر می‌شود و به این معناست که جامعه به آن‌ها به عنوان فایده‌ای برای آینده و مخصوصاً آینده در مخاطرهٔ آنان، نگاه می‌کند. نگاهی فایده‌گرایانه به نظم اجتماعی، گرایش مذکور به کودکان در گفتمان عمومی و برنامه‌های سیاست اجتماعی را مشخص می‌کند که بر اساس آن نظم اجتماعی بر اساس نفع هر فرد جامعه تأمین می‌شود و هرگونه انحراف از مسیر فایده‌مند و نظم‌ساز بزرگسالان جامعه باید تحت نظارت بوده

و به مجرد امکان، به حالت اولیه تصحیح شود (بولریندربرگر و زونکر^۱، ۲۰۰۹). در حالیکه این نگاه فایده‌گرایانه زمانی غالب بوده، این تولید سرمایه انسانی به صورت هدفمندی از دولت به خانواده‌ها و به خود کودکان منتقل شده است. این قسمتی از سیاست‌های نولیبرالیستی بوده که در اکثر کشورها در جریان است ولی به طور خاص در گزارش‌های موجود از استرالیا و بریتانیا اشاره شده است.

این علایق، توجه عمومی و سیاسی را به موضوعاتی نظیر موفقیت یا شکست تحصیلی، ترک تحصیل، تخلفات مربوط به نوجوانان و رشد جمعیت‌شناختی متمرکز ساخته است. بنابراین کودکان فقیر، منحرف، تازه‌وارد و غریب هدف اصلی این علایق علمی و عمومی هستند. و این‌گونه ممکن است کودکان عادی در معرض فراموشی باشند. در واقع این مشکل محدود به کشورهایی نیست که کودکان فقیر تهدیدی برای نظم عمومی‌اند. هرچند ممکن است عموماً فقط از یک جنبه، مانند برزیل و رومانی، به نمایش درآمده باشند. این مسئله همچنین در کشورهایی نظیر ایتالیا، آلمان، بریتانیا و هلند نیز صادق است. در این کشورها افول جامعه موجود و ارزش‌هایش، خطری مستقل که توسط نسل کنونی کودکان به وجود آمده در نظر گرفته می‌شود، که گفتمان عمومی دربارهٔ کودکی را تحت سلطه درآورده و مطالعه علمی نواقص آنان را معنادار می‌سازد. توجه گفتمان عمومی و پژوهش‌های علمی به کودکان تنها به عنوان خطاکاران بالقوه و خطرناک نیست، بلکه به آن‌ها به عنوان قربانیان و مستعدان خطر نیز نگاه می‌کنند. به علاوه اغلب قربانیان و خاطیان به سادگی از یکدیگر قابل تشخیص نیستند. طبق نگاه علمی همانگونه که آمارهای سیاسی-اجتماعی نشان داده و مؤسسات درمانی اشاره می‌کنند، آن‌ها بیشتر گرایش به شباهت دارند تا اینکه به تفاوت‌ها متمایل باشند. گفتمان بحران، شکست‌ها و فقدان لیاقت والدین، و

¹ Sünker

بی‌نظمی‌های کودکی ناشی از آن‌ها که در این پژوهش‌ها گنجانده شده است را می‌توان حيله‌ای برای سلب مسئولیت از دولت (ن.ک.، مارتین^۱، ۲۰۰۴) و سوق‌دادن مسئولیت‌های بزرگ‌تر به سمت خانواده‌ها و همچنین پنهان‌سازی نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های ایجادشده توسط سازمان‌های دولتی دانست.

اکثر جامعه‌شناسان کودکی چنین اولویت‌های تحقیقی و گفتمان‌های رایج «بحران» را مورد نقد قرار داده‌اند و با تأکید بر دربرگیری سؤالاتی دربارهٔ کنشگری (مفید) کودکان و نظم نسلی در تحلیل هر جنبه‌ای از زندگی کودکان، چنین موضوعاتی را محور اساسی تحقیقاتشان قرار نداده‌اند. اما پشتوانهٔ عمومی تحقیق و توجهات عمومی معطوف به این ادراک غالب نسبت به کودکان، به عنوان «مسائل اجتماعی» می‌شود، بنابراین پژوهش جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکان در اکثر کشورها در اولویت نیست. چرخش اخیر جامعه‌شناسی کودکی به سمت مسائل جدیدی نظیر فقر و سیاست اجتماعی را (که در بسیاری از مقالات به آن‌ها اشاره شده) می‌توان به عنوان تلاشی برای مشارکت در تحلیل میدان‌هایی تفسیر کرد که از پژوهش دربارهٔ گروه‌های همالان کودکان یا تحلیلی انتقادی از فرایند ساخت اجتماعی نظم نسلی بهتر در نظر گرفته می‌شوند. اما، همانطور که در ادامه دربارهٔ آن بحث خواهیم کرد، این‌گونه پیشرفت‌ها یا حتی جایگزینی علایق تبعات خود را برای نگرش‌ها، ابزارها و نظریه‌های جامعه‌شناسی کودکی دارد.

تفاوت‌ها میان کشورها

تفاوت‌های واضحی میان کشورهای مذکور نیز وجود دارد. نخست اینکه آن‌ها متوجه حدود حاشیه‌ای بودن کودکان‌اند. به نظر می‌رسد در طول چند دهه در برخی از کشورها شیوه‌های کنش متقابل کودکان، خواست‌ها، نیازها، و مشارکشان در

¹ Martin

مؤسسات آموزش پرورش اهمیت بیشتری یافته است. همچنین وسعت آن تأکیدات پیشین بر کودکان هم باعث پرورش پژوهش جامعه‌شناختی روی کودکان بوده و هم مانع پیشرفت آن شده است. این تأکید خود منشأهای متفاوتی دارد. همچنین کیفیت غیریکسانی در کشورهای مختلف داشته است. توجهی زیاد و اولیه در فنلاند به جامعه‌شناسی کودکی دیده می‌شود. جایی که این جاذبه به طور موازی و بواسطه جامعه‌شناسی فمینیستی و بهادادن به گروه‌هایی برانگیخته شده است که طبق حقوقشان در جامعه مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند اما در رده جمع‌هایی مثل خانواده قرار می‌گیرند. از این منظر، و با توجه به وضعیتی که در آغاز جامعه‌شناسی کودکی بوده است، شرایط مشابهی را در بریتانیا می‌بینیم. احتمالاً دلایل دیگری هم برای اشاره به اشتیاق نسبی در رابطه با علایق جامعه‌شناختی به کودکی در فنلاند نیز وجود دارد. قانون تساوی‌گرای معطوف به کودکان از همان ابتدای قرن ۲۰ وجود داشته که پشتوانه اصل حقوق برابر برای کودکان به دنیا آمده در چارچوب ازدواج یا خارج از ازدواج قائل بوده و بنابراین جایگاه بالاتری را برای فرد نسبت به نهادهای جمعی مانند خانواده در نظر می‌گیرد. چیزی که برای مثال وقوع آن در آلمان یک قرن زمان لازم داشت تا به واقعیت بپیوندد. همچنین اهمیت کار کودکان در جامعه مبتنی بر کشاورزی فنلاند می‌تواند مورد توجه باشد. هرچند، حداقل در مراحل اولیه، فنلاند و بریتانیا پیشگامان جامعه‌شناسی کودکی بوده‌اند، شرایطی خاص نیز وجود داشته که ایده‌های جامعه‌شناسانه کودکی در کشورهای دیگر اقتباس شده است. برای مثال در آلمان جایی که نظم جنسیتی هنوز سنتی است در نیمه قرن ۲۰ تغییری رادیکال به سمت دموکراسی به وجود آمد که به کودکان نقش اجتماعی مهم‌تری اعطا کرد و توجه جامعه‌شناسانه عظیمی را نسبت به آن‌ها پروراند. به عنوان نسل بعدی آنان تغییرات اجتماعی ممکن و نوشدن مجدد جامعه را بازنمایی کردند.

در هلند، یعنی جایی که مدل خانواده بورژوازی تقریباً تا چند سال پیش بدون تغییر مانده و سنتی حتی قدیمی‌تر از آلمان بر پا بوده، کودکان در نگاه جامعه‌شناسان در پس خانواده پنهان مانده بودند. تا زمانی که فردگرایی و تغییرات اجتماعی-جمعیتی‌اش واقعیت موجود راجع به خانواده را تغییر داد و نگاهی که به «خانواده به‌هنجار»^۱ و «کودکی به‌هنجار»^۲ وجود داشت را شکننده ساخت و شروع به تنظیم مقدمات پژوهش نمود. جاذبه‌ای در «مغایرت» از کودکان در فرانسه مشهود است که علایق شدیداً فردیت‌یافته و احتمالاً تحلیلی جدید از کودکان را نشان می‌دهد. علاقه‌ای - هر چند رو به کاهش - برای مشارکت شهروندان را در ایتالیا و جستجویی برای سازوکارهای بازتولید جنسیت، نژاد و نابرابری‌های مربوط به طبقه را در امریکا مشاهده می‌کنیم. فقدان توجه به کنشگری کودکان (عادی) در شیوه‌ای که جهان اجتماعی را خلق و تفسیر می‌کند و همچنین مشارکت آنان در زندگی عمومی و خصوصی خود می‌تواند تار و پود تفاوت میان این کشورها باشد. قبلاً به مورد هلند اشاره کردم، که کودکان امری خصوصی باقی مانده‌اند و به مثابه گروهی اجتماعی دیده نمی‌شوند بلکه تنها به عنوان انسان‌های در حال رشد دیده می‌شوند که بنابراین به حوزه‌های علوم دیگر غیر از جامعه‌شناسی تعلق دارند. اما، ممکن است اینجا توجه کامل به کودکان فقیر و کودکان با نیازهای خاص در برزیل و رومانی را در نظر بگیریم، جایی که کودکان عادی و زندگی‌شان دیده نمی‌شود. این نگاه یک‌طرفه ریشه در فرهنگ‌های سیاسی و تا حدی تأثیر سازمان‌های بین‌المللی کودکان و دخالت آینده‌نگرانه‌شان در مسائل کودکان در این کشورها دارد.

¹ normal family

² normal childhood

دوم، سنت‌های تحقیقی متفاوت راجع به کودکان و همچنین سنت‌های علمی متمایز در هریک از کشورهای مذکور جوهر ظهور پژوهش‌های جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکان بوده است. موقعیت مسلط کنشگرمحور علوم تربیتی در آلمان از یک سو به زایش پژوهش جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکان کمک کرده اما بی‌شک توجه زیاد بسیاری از پژوهشگران به خطراتی که جوامع مدرن برای کودکی واقعی و کودکان ایجاد کرده، بخش دیگری از این توجه است. پژوهشگران فمینیستی و مطالعات فرهنگی تأثیر عمیقی در کشورهای اسکاندیناوی، بریتانیا و ایالات متحده داشته‌اند. فرانسه از سنتی قوی در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش بهره می‌برد که در ابتدا دانش‌آموز را به عنوان کنشگری در کلاس مورد توجه قرار می‌دادند و سپس، آرام، تحقیق وارد تالار ورودی مدارس و سپس حیاط در بافت همالان شد.

همان گونه که قبلاً به آن اشاره کرده‌ام مفاهیمی وجود دارند که نقطهٔ ارجاع تمام جامعه‌شناسان کودکی‌اند و همچنین نویسندگان و کتاب‌های خاصی وجود دارند (شامل نویسندگان مقالات این مجموعه) که مداوماً به آنان ارجاع داده شده یا از آنان نقل قول شده است: مسائل کودکی^۱، ویراستهٔ ینس کورتروپ^۲ و همکاران (۱۹۹۴)، مقالات متعدد از لینا آلانن^۳ (۱۹۸۸، ۱۹۹۴) و کتاب مهم ساخت و بازساخت کودکی^۴ ویراستهٔ آلیسون جیمز^۵ و آلن پروت^۶ (۱۹۹۷ [۱۹۹۰]). این‌ها آغازگر و سازندهٔ تأثیری علمی بر جامعه‌شناسی کودکی بوده‌اند. اینکه کدام کتب و نویسندگان تأثیرگذار بوده‌اند مسئله‌ای است مربوط به زبانی که آن‌ها استفاده می‌کنند. تمام کتب تأثیرگذار به زبان انگلیسی نوشته شده و برخی از آن‌ها به دیگر زبان‌ها ترجمه شده‌اند. اما هیچ

^۱ *Childhood Matters*

^۲ Jens Qvortrup

^۳ Leena Alanen

^۴ *Constructing and Reconstructing Childhood*

^۵ Allison James

^۶ Alan Prout

کتابی که به زبان‌های دیگر نوشته شده یا به زبان انگلیسی برگردانده شده باشد در این لیست وجود نداشته است. بنابراین نه تنها تأثیری جهانی بلکه اجباری از نوع آن [جهانی] وجود دارد که پژوهش جامعه‌شناختی روی کودکان را در سراسر جهان شکل می‌دهد. این بی‌خطر نیست چراکه نظریه‌های محلی کودکی در همین کشورها - مانند پنداشت‌های رایج و تأییدهای هنجاری مرتبط با کودکان - در قیاس جهانی به دست سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های مددکاری خارجی، فرهنگ مصرفی و دین تجهیز شده‌اند. سومین تفاوت مهمی که در بین کشورها قابل درک است این واقعیت است که برخی کشورها در حال واردات اندیشه‌های علمی و روزمره و ساختارهای نهادی متناظر دربارهٔ کودکی هستند، و برخی در حال صادرات موارد مذکوراند. از این رهگذار برخی کشورها تأثیرگذار و برخی تحت تأثیر هستند.

هنگامی که کشورهای مختلف را با هم مقایسه می‌کنیم و متوجه شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان در زمینهٔ پیشرفت جامعه‌شناسی کودکی می‌شویم، با اهمیت تأثیر پنداشت‌ها و مؤسسات اجتماعی مرتبط با کودکان بر پژوهش علمی و منش فکری دربارهٔ کودکان آشنا می‌گردیم. حیرت‌آورتر این است که مفاهیم محوری جامعه‌شناسی کودکی ساخت‌شکنی می‌شوند. این تلاشی است برای غلبه بر این دیدگاه معمول که به علت بزرگسال‌محوری‌اش مورد نقد بوده است؛ از این رهگذار انفصال جامعه‌شناسی کودکی از چنین متعین‌هایی به صورت خودآگاه ابراز می‌شود. می‌توانیم تأثیر پیش‌زمینهٔ اجتماعی درباب میزان تحقیق جامعه‌شناختی دربارهٔ کودکان و کودکی را شناسایی کنیم. اجازه دهید تغییر صورت‌های مفهوم «کودک به مثابه کنشگر» را در سطح ملی بسنجیم که تقریباً در تمام کشورها به عنوان مثالی از تأثیر دانش علمی همه‌جانبه و از سوی دیگر به عنوان شرایط و روایات محلی پذیرفته شده است. عموماً به مفهوم «کودک به مثابه کنشگر» در مقایسه با مفهومی اشاره می‌شود

که کودک را بخشی از «نظم نسلی» اجتماعاً تولید شده می‌داند (این دو مفهوم در مقاله مقدمه توضیح داده شده است). به علاوه در ارجاع به یک یا هر دوی این مفاهیم به نویسندگان و نشریات خاصی ارجاع داده می‌شود. اما در گزارش‌های برزیل استفاده از این مفهوم به وضوح دال بر ضابطه‌ای اخلاقی برای قضاوت درباره شیوه نگاه و برخورد با کودکان برای فراهم آوردن زندگی شایسته برای آن‌ها - شامل کودکان حاشیه جامعه - و در نظر گرفتن صلاحیتشان، نیازهایشان، و نقطه‌نظراتی است که سعی بر ضمانت این‌ها دارد. در گزارش‌های آلمان و ایالات متحده مفهوم مذکور عمدتاً برای اشاره به کار روی فرهنگ کودکان در گروه همالان در مدرسه و بازی به کار می‌رود. فرهنگی که در آن کودکان به بازتولید یا حتی تولید عناصر ساختاری مهم جوامعشان می‌پردازند. در گزارش‌های ایتالیا، این مفهوم به «کودک به مثابه شهروند» نزدیک می‌شود که طبق آن کودکان همکارانی فعال در روندهای تصمیم‌گیری عمومی و زمینه‌سازمانی هستند. در فرانسه، مفهوم مورد بحث مربوط به زندگی غریبگانی در میان ما است که اگر فرهنگشان با دقت و مجدانه بررسی شود داستان‌هایی راجع به دیگر بخش‌های جامعه و دیگرانی در جامعه ما و شیوه مواجهه با آنان تعریف می‌کند.

مسیرهای آینده و نیاز به تأمل مداوم

تفاوت عمودی و افقی

فردگرایی زندگی خصوصی و بینوایی نسبی کودکان در امتداد دیگر مسائل اجتماعی در حال رشدی که بر زندگی کودکان اثر می‌گذارد، انگیزه‌ای مهم برای تحقیق جامعه‌شناختی درباره کودکان بوده است. چنین پیشرفت‌هایی باعث تولید آگاهی علمی درباره این گروه‌های اجتماعی و موضوعات تحقیقی مشخص شده است که به طور فزاینده‌ای در سال‌های پیش رو واجد اهمیت اصلی خواهد شد (همانند

گزارشات متعدد از آلمان، هلند، و فرانسه). ادراک مسئله «تفاوت میان کودکی و کودکان» که برای مطالعه چنین پیشرفت‌هایی مورد نیاز است امکان ایجاد مشکل و مسئله‌ای برای جامعه‌شناسی کودکی را با خود به همراه دارد. در ضمن تمایز اساسی جامعه‌شناسی کودکی تفاوت میان کودکی و بزرگسالی است، نظم نسلی به عنوان عنصر ساختاری مرکزی تمام جوامع که به کودکان موقعیت دیگری می‌دهد و مقدار کم‌تری از منابع را تا زمانی که کودک‌اند به آن‌ها اختصاص می‌دهد. این نقطه شروع مهمی برای جامعه‌شناسی کودکی نوین در دهه‌های اخیر بوده است. یا طبق نظر کورتروپ (۲۰۰۷: ۳۹۶) که اخیراً به آن اشاره کرده است و دقیقاً به هدف می‌زند: «کودکان در تفکر اجتماعی هیچ جایگاهی ندارند. هدف ما شناسایی و تعیین جایگاه چیزی است که «کودکی» نامیده شده است. این جایگاه می‌تواند خوب یا بد، کوچک یا بزرگ باشد اما مهم‌تر از همه این جایگاهی برای تمام کودکان و فقط برای آنان است.» جامعه‌شناسان کودکی پافشاری می‌کنند که کودکان مشخصه ضروری مشترکی دارند و این موقعیت ویژه و نامساعد آنان در نظم نسلی است که اجتماعاً بر ساخت شده است. این مشخصه‌ها اساساً کودکی و کیفیت زندگی کودکان را ورای تفاوت‌های مربوط به طبقه، جنسیت، و نژاد تعریف می‌کند. بنابراین مطالعه کودکان نباید ذیل این مفاهیم جامعه‌شناختی طبقه‌بندی شود (آلان، ۱۹۸۸؛ کورتروپ، ۱۹۹۳، ۲۰۰۷). حتی مدخلی در ویکی‌پدیا^۱ درباره مطالعات کودکی از «جامعه جهانی کودکان» بحث می‌کند که مسائلی باید مطالعه شده و کیفیت زندگی شهروندان آن جهان [یعنی کودکان] توسط این مطالعات بهبود بخشیده شود.

اما دقیقاً آن پیشرفت‌های اجتماعی که آگاهی نسبت به کودکان را بهبود بخشیده‌اند نیز نیازمند اندیشیدن درباره این تفاوت‌ها هستند. فردی شدن زندگی شخصی باعث

¹ http://en.wikipedia.org/wiki/Childhood_studies (last accessed 9 March 2008).

ایجاد شرایط متفاوت کودکی شده و عموماً با شیوع سریع نابرابری اجتماعی در جوامع امروزی، «کودکی‌ها»^۱ در حال پیشرفت‌اند که از رهگذرش نسبت به زمان گذشته برخی بیشتر صاحب امتیازات ویژه و برخی محروم‌تر شده‌اند. به علاوه اندیشه‌ها و واقعیات متفاوت راجع به کودکی، به مثابه واقعیاتی متفاوت نسبت به بزرگسالی در گروه‌های اجتماعی متفاوت، در حال ظهور است. درحالی‌که ممکن است، در نگاه اول، این تفاوت‌ها محدود به زندگی خصوصی به نظر رسد، این‌ها بر نهادهای عمومی مرتبط با آموزش و پرورش و جایگاه کودکان در بازار، در راستای تفاوت مشارکت کودکان مختلف در این نهادها و بازارها، نیز تاثیرگذار هستند. اگر جامعه‌شناسان کودکی می‌خواهند که به بازبینی سیاست اجتماعی، و در نتیجه جلوگیری از مسائل اجتماعی و بینواسازی فزاینده مؤثر بر زندگی کودکان کمک کنند، همان نیاز ضروری به اندیشه‌های مربوط به تفاوت‌ها [میان کودکی‌ها] حس می‌شود. به علت توانایی کودکان برای تجهیز منابع جبران و غرامت، شرایط زندگی کودکان که تحت تأثیر مسائل مذکور است در شرایط بحرانی چندبرابر و سیال می‌شود. اما هنگامی که متوجه تفاوت‌های میان کودکان می‌شویم نباید از بنیادهای بحث جامعه‌شناسی کودکی چشم‌پوشی کنیم. این بنیادها دو چیز هستند: اول، نگرشی به تفاوت‌های ساختاری میان کودکان و بزرگسالان - که نسبت به تفاوت‌های دیگر برجسته است - و دوم، بینشی دربارهٔ صلاحیت بنیادین کودکان برای مشارکت در جهان اجتماعی.

اخیراً استدلال‌هایی بسط یافته‌اند که قائل به محو شدن تفاوت‌های میان کودکان و بزرگسالان، و ارتباط رو به کاهش میان دسته‌های نسلی، به علت شیوع تمایز میان

^۱ مراد شیوه‌های متفاوت کودکی و یکسان نبودن این مرحله از زندگی برای کنش‌گران، با توجه به عوامل مذکور است. م.

کودکان و حتی ساخت روابط [مناسبات] بین این دسته‌ها هستند (هنگست^۱، ۲۰۰۵؛ لی^۲، ۲۰۰۱؛ پروت، ۲۰۰۵). اما این مسئله‌ای است که باید به صورت تجربی تحلیل شود. با توجه به محیط جغرافیایی مورد تحقیق، مطالعه گروه‌های خاص از کودکان و نظایر این [متغیرها] احتمالاً پاسخی یگانه و واحد برای پرسش‌های مذکور وجود نداشته باشد. بیان من این است که فرد باید آگاه باشد تمایزات مذکور میان کودکان و بزرگسالان لزوماً متناسب با چارچوب‌ترهایی نیست که طبق آن مرزها محو می‌شوند. بر اساس شواهد قابل توجه تجربی می‌توان استدلال کرد که دقیقاً به خاطر زوال «کودکی نرمال» در برخی گروه‌های اجتماعی، وضعیت اقلیت بودن کودکان در نظم نسلی مهم‌تر خواهد شد. اما، برای آینده، کار روی مفاهیمی که تفاوت‌ها را در دو بعد عمودی - بزرگسالان در برابر کودکان - و افقی - کودکی به مثابه عنصر ساختاری هر جامعه - مهم‌تر خواهد بود.

دسته‌ای از متغیرهای افقی که در ادامه می‌آید در تحلیل بعد افقی مهم خواهد بود: امکانات و محدودیت‌های کنش‌های کودکان، اندیشه‌های متفاوت و واقعیت‌های عامیانه دربارهٔ کودکی در برابر بزرگسالی، فرصت‌های مختلف برای دستیابی به جایگاه‌ها در آینده و تأکیدات متفاوت بر تقابل میان فرد و جمع. در ضمن، مفاهیم مرکزی پیشین راجع به جامعه‌شناسی کودکی ابزارهای نظری مهمی را به جا گذاشته است. مسلماً مفهوم «کودک به مثابه کنشگر» در صورت خامش می‌تواند سر راه چنین تلاش‌هایی باشد. زیرا در چنین فهمی وضعیت کودکان به سادگی به عنوان کنشگران انگاشته می‌شود. به علاوه، از یک سو ادعای دفاع از چنین الگویی از کنشگری، و از سوی دیگر تحلیل آن، گرایش به مبهم‌شدن و نامعلوم‌بودن دارد. (برای نقد ن.ک).

¹ Hengst

² Lee

کینگ^۱، ۲۰۰۷؛ پروت، ۲۰۰۰). اما، در صورت تجربی خالص و به عنوان دعوتی برای مطالعه مشارکت‌های کودکان در جهان اجتماعی تحت هر شرایطی، در چارچوب امکانات و محدودیت‌های این کنشگران، این نقطه‌نظر ارزشمندی برای جمع‌آوری و تفسیر شرایط مختلف رشد همانند تحلیل جنبه‌های مختلف روندهای فردگرایی، نابرابری اجتماعی در حال تشدید، و محدودیت‌های اجتماعی مؤثر بر کودکان است. پافشاری جامعه‌شناسی کودکی بر غیرساخت‌مند و اتفاقی‌بودن نظم نسلی [همچنین] بر صلاحیت و شایستگی ضروری کودکان برای کنش اجتماعی از درگیری با موضوعات سیاست اجتماعی، فقر، و طرد اجتماعی و ارتجاع به سوی دیدگاه‌های قدیمی ساده‌انگارانه دربارهٔ کودکان در معرض خطر، کودکان خطرناک و کودکان قربانی جلوگیری می‌کند. این [پافشاری] به علت رواج در دیدگاه‌های گفتمان عمومی و گرایش‌های دیگر رشته‌ها در تحلیل کودکان مهم است.

جامعه‌شناسی کودکی میان موضع انتقادی و دفاعی

جامعه‌شناسی کودکی به عنوان موضعی انتقادی در برابر مفاهیم رایج دربارهٔ کودکی و نیز شیوه‌ای که این افکار در مفاهیم علمی به صورت بدیهی پذیرفته شده بودند، ظهور یافته است - مفاهیم جامعه‌شناختی، مانند اجتماعی‌شدن، یا مفهوم توسعهٔ انسانی در دیگر رشته‌ها. چنین موضع انتقادی‌ای نقطهٔ شروع و برخوردی پویا برای بسیاری از عالمان اجتماعی علاقه‌مند به کودکی فراهم نهاده و همچنین برای کسب بینش‌هایی دربارهٔ زندگی کودکان و فرایند برساخت نظم نسلی مفید واقع شده است. همچنین برای جامعه‌شناسانی که با دسته‌ای به اسم کودکان سروکار دارند، که عمیقاً در نهادهای اجتماعی و پیش‌فرض‌های روزمره جاسازی شده‌اند، ثابت می‌شود که موضعی ضروری است. در نگاه نخست، شیوع پذیرش مفاهیم جامعه‌شناسی کودکی

¹ King

و بینش‌هایش در سالیان اخیر موفقیت محسوب می‌شود. البته که برانداز نگرش جامعه‌شناسی کودکی تأثیری معنادار بر دیگر رشته‌ها و میان رشته‌های علمی گذاشته است. پرواضح است گرایش علمی و کاربرست آن در چیزی که «مطالعات کودکی» نامیده می‌شود دال بر این مدعا است. جامعه‌شناسان کودکی همچنین با برنامه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای نظیر کار اجتماعی، علوم تربیتی، و سلامت همکاری کرده و بر آنان تأثیر گذاشته‌اند - چیزی که گزارش‌های قریب به اتفاق کشورها حاکی از آن است. در این همکاری‌ها، از مفاهیم مرتبط با جامعه‌شناسی کودکی، خصوصاً «کودک به مثابه کنشگر» اقتباس شده و به رهنمون‌های حرفه‌ای یا به مطالعات و، بعضاً، به تصمیمات سیاسی و اجتماعی تغییر شکل یافته‌اند. بنابراین مفاهیم مذکور نه تنها از طریق تعصب مدافعانه بسیاری از جامعه‌شناسان کودکی، بلکه حتی در ابعادی گسترده‌تر، از طریق ورود به دیگر میادین، یعنی جایی که ممکن است محتوای جامعه‌شناختی مفاهیم مذکور بواسطه گرایش تدافعی‌اش گم شود، تغییر شکل می‌دهند - و درحالی‌که مشغول موشکافی فرضیات روزمره هستند، به مفاهیم مثبت‌تر بدل می‌شوند. اما در این روند ممکن است آن‌ها گرایش انتقادی‌شان به واقعیت را از دست بدهند. در جامعه‌ای که در آن نظم نسلی ساختارمندی برقرار است، آن [نظم] ممکن است به عنصری از برساختی جزئی شود که به ندرت نظم اجتماعی را روزآمد کرده و آن را ملزم و بدیهی می‌سازد، بدون تغییر نابرابری عمیق توزیع خیر اجتماعی که این نظم به شیوه‌ای ظاهراً طبیعی و مشروع آن را می‌سازد. این نظم نسلی کمابیش مورد بازبینی قرار گرفته و می‌تواند چیزی باشد که از طریق آن کودکان در زمین‌های بازی جدیدی کنشگری کنند که توسط متخصصانی که تحت تأثیر جامعه‌شناسی کودکی بوده‌اند موجودیت یافته است. حال آنکه کودکان به عنوان گروهی اجتماعی در اکثر کشورها به رشد بینوابانه خود ادامه می‌دهند و دکترین‌های جدید تربیتی آن‌ها را

بی‌پرده سرمایه اجتماعی محسوب می‌کند. درحالی‌که ممکن است بسیاری از جامعه‌شناسان کودکی درگیر مفهوم کودک به مثابه کنشگر دارای صلاحیت و شیوه‌ای باشند که [این مفهوم] مفاهیم روزمره درباره رشد کودک و اجتماعی‌شدن را منقلب می‌سازد، ممکن است نسبت به تأثیر دیگر «مردمان» روی پژوهش و افکارشان، و تغییر مفاهیم‌شان بی‌توجه باشند.

تا زمانی که رشته‌ای دیگر این موضع جامعه‌شناسی کودکی را به عهده نگرفته، پژوهشگران این رشته مجبورند نسبت به فعالیت خود مداوماً تأمل کنند. گریز از آن ممکن نیست چون موضوعشان محتوای هنجارین بالایی دارد؛ چون گروه هدفشان اقلیتی با صدایی خفه است؛ چون طبیعی‌شمردن موضوع پژوهش بسیار ساده رخ می‌دهد؛ چراکه فقدان عقلانیت مشخصه گفتمان عمومی درباره کودکان است، که به نوبه خود حدود موضوع تحقیق و توجهی که پژوهش جلب می‌کند را تعیین می‌کند، همانطور که گزارش‌های کشورها نشان داده‌اند. جمع‌آوری و مجاورت این ده گزارش - که به وضوح نشان می‌دهد چقدر جامعه‌شناسی کودکی علی‌رغم موضع انتقادی‌اش، در معرض تأثیرات جامعه مربوطه بوده است - به عنوان مشارکتی در چنین تأمل انتقادی‌ای است.

جامعه‌شناسی در برابر دسته‌بندی اجتماعی

جامعه‌شناسان متخصصی که روی دسته‌بندی‌های اجتماعی همچون جنس، جنسیت، طبقه، و انحراف در برابر انطباق تمرکز می‌کنند با مسئله خاصی مواجه‌اند. در مرحله اول، کارکرد مهمی در اجماع توجهات به سمت دسته‌بندی «خودشان»: زنان، کودکان، طبقه کارگر، یا افراد حاشیه‌ای در جامعه و غریبگان داشته‌اند. در مرحله دوم، درباره این دسته‌بندی‌ها به مرور و توصیف پرداخته و به آنان صدا می‌دهند - یعنی این امکان را می‌دهند تا دیدگاه گروهشان را وارد بحث‌های علمی و عمومی کنند، و با

پدیدارنمودن مشارکت‌های همیشه پنهان این گروه از جامعه می‌گویند که این گروه اقلیت و محروم شایسته کنشگری معنادار و مفید است. اما در مرحله سوم، این پژوهشگران ممکن است ناخواسته به ایجاد این دسته‌بندی‌های تفاوت‌ساز دامن بزنند. درحالی‌که به یگانگی دسته «خودشان» و همانندی افراد در آن اشاره دارند - که عمده‌تاً با فرایندهای دسته‌بندی اجتماعی توضیحش می‌دهند که نظم جنسیتی، نسلی، یا نژادی را بر ساخت می‌کنند - فرایندهای دسته‌بندی روزمره را با الگوی علمی‌اش مقابله می‌دهند. در مورد جامعه‌شناسی کودکی، پژوهشگران نه تنها این نگاه که کودکان باید به طور جداگانه و با موجودیت مفهومی خودشان مطالعه شوند را تقویت کرده‌اند، بلکه در جزئیات برنامه‌های مطالعاتی جدید که متخصصان را برای نهادی کردن مداخلات نوین اجتماعی سیاسی و رفاه اجتماعی کودک محور آماده می‌کند نیز درگیر بوده‌اند. تمام این‌ها ممکن است برای کودکان به عنوان گروهی اجتماعی مفید باشد اما می‌تواند بر اساس منطق اجتماعی باعث ایجاد شرایط کاهش کیفیت شود، که بر طبق آن مؤسسات مربوط به گروه‌های اقلیت گرایش به بی‌کیفیت شدن دارند. به هر حال این باعث پدید آمدن هویت گروه مستقل می‌شود، بنابراین همانطور که در این مجموعه مقالات نمایان کرده‌ام، خواست تأمل انتقادی عمیق روی پژوهش خود شخص و تأثیراتش و در نهایت بازسازی و مطابقت پیشرفت رشته خود فرد را داشته‌ام. اما شیوه دیگری برای یافتن بازخورد انتقادی مهم و گشایش افقی برای یک جامعه‌شناس حوزه خاص - که با گروهی اقلیت در ارتباط است - وجود دارد و آن ارتباطی دوباره با دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی است. هنگام کنار هم نهادن مجموعه‌ای از مقالات برای مجله کودکی^۱، رابرت ون کریکن^۲ و من

¹ *Childhood*

² Robert van Krieken

ارتباطی فزاینده با دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی را استنتاج کردیم (بولنیدربرگر و ون کریکن، ۲۰۰۸) و این حوزه‌ها شامل جامعه‌شناسی خانواده، جوانان، آموزش و پرورش، و حقوق می‌شود. مغایر همکاری با دیگر رشته‌هایی که بر کودکان و کودکی تمرکز می‌کنند - همان‌طور که در «مطالعات کودکی» میان‌رشته‌ای دیده می‌شود - چنین رفت‌وآمدهایی می‌تواند تغلیظ ظریفی میان دسته «کودکان» و مشکلاتی که بر آن دلالت دارد ایجاد کند.

همچنین ینش‌هایی هستند که توسط پژوهش‌های جامعه‌شناختی روی کودکان به دست آمده و می‌تواند برای جامعه‌شناسان دیگر حوزه‌ها و نظریه اجتماعی ارزشمند باشد. بخشی از آن‌ها هم اینجا در نخستین بخش نتیجه‌گیری آمده‌اند. جالب‌ترین آن می‌تواند مشارکت در جامعه‌شناسی شناخت باشد. نخست، بینشی نسبت به اهمیت سرآمد سازمان‌های دسته‌ساز جهان اجتماعی است. این نظم دسته‌ای که برای توزیع هر منبعی لازم است اساس طبیعی‌سازی کیفیات مربوط به «دیگربودگی» و معرفت رایج در باب تفاوت‌ها است. دوم، بینشی درباره دخالت تبیین‌ناپذیر خود جامعه‌شناسی در این برساخت دسته‌ای از واقعیت اجتماعی است. چه جامعه‌شناسان به این دسته‌ها حساس نباشند و به سادگی آن‌ها را بپذیرند (همان‌گونه که تا کنون درباره کودکان بوده) یا اینکه آن‌ها را مطالعه کرده و ساخت‌شکنی کنند (در نهایت به طور ناخواسته آن‌ها را بازسازی می‌کنند؛ قبل‌تر را ببینید). در مورد دوم [ساخت‌شکنی دسته‌ها] جامعه‌شناسی حوزه‌های خاص مربوطه بر اساس ارزش دسته «خودشان» از حوزه‌های هسته‌ای جامعه‌شناسی آگاه می‌شوند و بدان اذعان می‌کنند. به نظر نمی‌رسد که جامعه‌شناسی به هیچ ترتیبی ورای چنین رتبه‌بندی‌هایی برود. سوم، کشف وابستگی کل پژوهش جامعه‌شناختی به زمینه اطرافش است. با اینکه جامعه‌شناسی کودکی از همان ابتدای شکل‌گیری حالتی بین‌المللی داشته - به خاطر شیوه‌ای که مروج

کلیدی‌اش، ینس کورتروپ، با اولین پروژه‌اش کودکی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی (۱۹۹۳) پیش گرفت - با این حال همیشه تحت تأثیر زمینه مربوط به خودش، یعنی موقعیت کودکان در این کشورها و فرهنگ علمی‌شان، بوده است. چهارم، ینس نسبت به هژمونی تولید دانش انگلوساکسون، بلکه همچنین نسبت به دگرگونی‌های محلی این دانش هژمونیک است.

بعضاً جامعه‌شناسان کودکی به صورت (خود-)منتقدانه‌ای مشاهده می‌کنند که به طور ناکارآمدی در بند نظریه اجتماعی حوزه‌های اصلی جامعه‌شناسی‌اند. درست است که نتایج تحقیقات گهگاه با مباحث کلیدی نظریه اجتماعی هم‌خوان است، و این باید اولویت بالاتری در جامعه‌شناسی کودکی داشته باشد. اما توییحی نیز باید در آن سوی مسیر وجود داشته باشد. حوزه‌های اصلی جامعه‌شناسی (یعنی نظریه اجتماعی، تحلیل ساختار اجتماعی و جامعه‌شناسی شناخت) تقریباً به طور کامل پژوهش جامعه‌شناختی درباره کودکان را نادیده می‌گیرند. هنوز هم مشارکت مهمی است اگر همکارانمان در این حوزه‌های جامعه‌شناختی بتوانند تولید دانش در حوزه‌های جامعه‌شناسی، کارکرد این دانش جامعه‌شناختی در بر ساخت جهان اجتماعی واقعی، و رکن‌بندی دسته‌های روزمره در دانش جامعه‌شناختی را مورد بازنگری قرار دهند. از این رهگذر ممکن است آن‌ها با نقطه‌نظری گسترده‌تر، متمم حوزه‌های جامعه‌شناسی باشند و این در ادامه ممکن است گونه‌ای متفاوت از بازخورد انتقادی را فراهم آورد، درحالی‌که مشغول مواجهه با مسائل اصلی چگونگی فهم یک جامعه منظم از نظر نسلی هستند.

منابع

- Alanen, Leena (1988) 'Rethinking Childhood', *Acta Sociologica* 31(1): 53–67.
- Alanen, Leena (1994) 'Gender and Generation: Feminism and the Child Question', in Jens Qvortrup, Marjatta Bardy, Giovanni Sgritta and Helmut Wintersberger (eds) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Bühler-Niederberger, Doris and Sünker, Heinz (2009) 'Interests in and Responsibility for Children and Their Life Worlds', in Jens Qvortrup, William A. Corsaro and Michael-Sebastian Honig (eds) *Handbook of Childhood Studies*, pp. 394–407. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Bühler-Niederberger, Doris and van Krieken, Robert (2008) 'Persisting Inequalities: Childhood between Global Influence and Local Practices', *Childhood* 15(2): 147–55.
- Hengst, Heinz (2005) 'Kindheitsforschung, sozialer Wandel und Zeitgenossenschaft', in Heinz Hengst and Helga Zeiher (eds) *Kindheit soziologisch*. Wiesbaden: VS Verlag.
- James, Allison and Prout, Alan (1997) *Constructing and Reconstructing Childhood: Contemporary Issues in the Sociological Study of Childhood*. London: Falmer Press. (Orig. pub. 1990.)
- King, Michael (2007) 'The Sociology of Childhood as Scientific Communication: Observations from a Social Systems Perspective', *Childhood* 14(2): 193–213.
- Lee, Nick (2001) *Childhood and Society: Growing up in an Age of Uncertainty*. Buckingham: Open University Press.
- Martin, Claude (2004) 'Childhood as a Policy Target', paper presented to the WELLCHI Workshop, University of Leeds, 12–13 November; at: www.ciimu.org/webs/wellchi/reports/workshop_1/w1_martin.pdf
- Muchow, Martha and Muchow, Hans Heinrich (1998) *Der Lebensraum des Großstadtkindes*, ed. Jürgen Zinnecker. Weinheim: Beltz. (Orig. pub. 1935.)

- Prout, Alan (2000) 'Children's Participation: Control and Self-Realisation in British Late Modernity', *Children and Society* 14(4): 304–15.
- Prout, Alan (2005) *Future of Childhood: Towards the Interdisciplinary Study of Children*. London: Routledge/Falmer.
- Qvortrup, Jens (1993) 'Societal Position of Childhood: The International Project Childhood as a Social Phenomenon', *Childhood* 1(1): 119–24.
- Qvortrup, Jens (2007) 'Editorial: A Reminder', *Childhood* 14(4): 395–400.
- Qvortrup, Jens, Bardy, Marjatta, Sgritta, Giovanni B. and Wintersberger, Helmut (eds) (1994) *Childhood Matters: Social Theory, Practice and Politics*. Aldershot: Avebury.
- Thorne, Barry (1997) 'Children and Gender: Constructions of Difference', in Mary Gergen and Sara Davis (eds) *Towards a New Psychology of Gender*. New York: Routledge.

جامعه‌شناسی کودکی هنوز شاخه‌ای جوان از این رشته است، چراکه «کنشگران کوچک» برای مدتی طولانی توسط جامعه‌شناسان نادیده گرفته شده‌اند. مسئله اصلی که به عنوان علاقه‌ای جامعه‌شناسانه دیده می‌شد دربارهٔ دگرگونی «وحشیان کوچک» به کنشگران اجتماعی متمدن و قابل اعتماد، به کنشگران بزرگسال، و اصطلاحاً جامعه‌پذیری بود. در مقابل، نگاه جامعه‌شناسانهٔ نوین به کودکان مروج مطالعهٔ مسائل متنوع کودکان است، پرداختن به مسائلی که بواسطهٔ تمرکز بر جامعه‌پذیری نادیده گرفته، طرد شده، به حاشیه رانده شده یا نامشروع دانسته شده‌اند. برخی نقاط عزیمت مهم و مفاهیم مرکزی جامعه‌شناسی کودکی «نوین» - همانطور که اغلب توسط طرفدارانش شناخته می‌شود - تشریح شده‌اند. نیاز است رشد و توسعهٔ این عرصهٔ جامعه‌شناختی در کشورهای مختلف در مقابل زمینهٔ مفروضات روزمره و مسائل اجتماعی جوامع مربوطه به مقایسه گذاشته و اندیشیده شود تا منجر به تولید دانش جامعه‌شناسانهٔ مرتبط شود - این به منزلهٔ رویکرد برنامه‌ریزی‌شدهٔ مقالاتی است که اینجا گردآوری شده‌اند.

- از مقدمهٔ کتاب

